



فصلنامه علمی - پژوهشی

علوم اجتماعی

سال نوزدهم، دوره ۱۸، شماره ۱ (پیاپی ۲)، بهار ۱۴۰۴
شاپا: ۱۷۳۵-۷۰۳۹

- ۱-۲۳ ▪ واکاوی شکل‌گیری ترومای اجتماعی و فرهنگی ترس از ازدواج در بین دختران
با استفاده از روش گراندد تئوری (مطالعه موردی: شهرستان شهرضا)
سمانه شادمند، سیدعلی هاشمیان‌فر، سعید آقاسی
- ۲۴-۴۳ ▪ تحلیل جامعه‌شناختی ترس از در حاشیه ماندن در زیست‌جهان دیجیتال:
(مدل‌سازی ساختاری تأثیرات اجتماعی و روان‌شناختی رسانه‌های اجتماعی
شهر اهواز بر کاربران)
نرگس درویشی، سمیرا حیدری‌اصل، نسرین درویشی
- ۴۴-۵۸ ▪ بررسی پیامدهای اجتماعی، اقتصادی و روانی افراد در مناطق زلزله‌زده
(مطالعه موردی: زلزله‌زدگان سرپل ذهاب)
سیما پرشو، سیدناصر حجازی، اصغر محمدی
- ۵۹-۷۴ ▪ بررسی جامعه‌شناختی ارتباط میان جریان روشنفکری غیرمذهبی و
روحانیت در ایران طی دوره پهلوی دوم
عبدالله پیروزی
- ۷۵-۱۱۰ ▪ ارزیابی مسئولیت‌پذیری اجتماعی مبتنی بر بعد زیست‌محیطی و ارتباط
آن با پایداری شرکت‌ها
محمد حسن رجائی، حمید رستمی‌جاز، داوود خدادادی، علی امیری
- ۱۱۱-۱۲۷ ▪ تدوین سیاست‌های نظم‌بخشی در تعاملات اجتماعی
اکرم اکبری‌نژاد، محمد درخشانی، محمد وفائی‌مهر

فصلنامه علمی - پژوهشی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر

دوره ۱۸، شماره ۱ (پیاپی ۲)، بهار ۱۴۰۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۰۲

صص: ۲۲-۱

واکاوی شکل‌گیری ترومای اجتماعی و فرهنگی ترس از ازدواج در بین دختران با

استفاده از روش گراندد تئوری

مطالعه موردی شهرستان شهرضا

سمانه شادمند^{*}، سیدعلی هاشمیان فر^۲، سعید آقاسی^۳

۱- دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، اصفهان، ایران

۲- عضو گروه علوم اجتماعی، دانشگاه اصفهان، ایران.

۳- عضو گروه علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

چکیده:

تحقیق حاضر با رویکرد گراندد تئوری (تئوری بنیادی) به روش گلیزر و اشتراوس انجام شده است. این پژوهش به تحلیل ترس اجتماعی-فرهنگی از ازدواج در میان دختران مجرد شهرستان شهرضا پرداخته است. داده‌ها از طریق مشاهده، مصاحبه و اسناد جمع‌آوری شده و با استفاده از روش کدگذاری سه‌فازی (کدگذاری باز، محوری و انتخابی) تحلیل گردیدند. پس از جمع‌آوری داده‌ها، عملیات طبقه‌بندی و سازماندهی آن‌ها انجام شده و مقوله‌ها بر اساس سوالات محوری تحقیق تفکیک و مرتب شدند. در نهایت، نظریه‌ها در قالب مدل ارتباطی تبیین شدند.

نتایج تحقیق نشان می‌دهند که ترس از ازدواج تحت تأثیر عواملی چون شکست‌های احساسی دیگران، کمال‌گرایی، انتظارات فرهنگی و فشارهای اجتماعی و خانوادگی قرار دارد. مقوله هسته‌ای تحقیق "نا مفهوم بودن ارزش ازدواج و کمال‌گرایی" است که نگرش‌های متناقض را ایجاد کرده و ترس از ازدواج را تقویت می‌کند. این تحقیق همچنین راهبردهایی برای کاهش ترس‌ها و ارتقای مهارت‌های فردی و اجتماعی دختران پیشنهاد کرده است که می‌توانند از پیامدهای منفی ترس از ازدواج جلوگیری کنند.

کلیدواژه‌ها: تروما، ازدواج، ترس، عوامل اجتماعی، شرایط فرهنگی

^{*} نویسنده مسئول Email:samaneh.shadmand@iau.ir

مقدمه

با گسترش فرآیند صنعتی‌شدن و مدرنیته در جوامع مختلف، تحولات گسترده‌ای در ساختار خانواده و ارزش‌های خانوادگی و ازدواج به وجود آمده است. ارزش‌های سنتی حاکم بر جوامع پیشا صنعتی، که مبتنی بر اطاعت، اقتدار، سن‌سالاری و جنس‌سالاری بود، به تدریج با ارزش‌های مدرن مانند برابری جنسیتی، پذیرش تغییرات در نقش‌های زنان و کودکان، و تأکید بر استقلال فردی جایگزین شده است. همچنین، با ورود برخی جوامع به دنیای فراصنعتی، ارزش‌های فردمحور و پست‌مدرن در حال گسترش و تأثیرگذاری هستند.

فرآیند مدرنیته در غرب، ساختار اجتماعی خانواده ایرانی را نیز تحت تأثیر قرار داده و پیامدهایی مانند شهرنشینی، اقتصاد صنعتی و توسعه نظام‌های مختلف را به همراه داشته است. در جامعه ایرانی، شاهد ظهور ارزش‌های پست‌مدرن در حوزه خانواده هستیم، پیش از آن‌که این جامعه به طور کامل به جوامع فراصنعتی و حتی صنعتی ملحق شود. تغییرات در حوزه خانواده و ازدواج، مانند افزایش طلاق، کاهش تمایل به فرزندآوری، روابط جنسی خارج از چارچوب خانواده، تغییرات در روابط عاطفی خانواده‌ها، و گسترش الگوهای هم‌خانگی، نشان‌دهنده روندهای تحولی در این زمینه‌هاست.

امروزه، تمایل به ازدواج در برخی از افراد کاهش یافته است. این پدیده، که می‌تواند ناشی از کاهش ارزش‌های سنتی و گسترش نگرش‌های آزاداندیشانه پست‌مدرن در جامعه ایرانی باشد، تأثیرات گسترده‌ای بر خانواده‌ها و ساختار اجتماعی آن‌ها داشته است. اهمیت ازدواج در جامعه ایرانی که همواره خانواده‌مداری جزو اصول بنیادین آن بوده، همچنان قابل توجه است. از سوی دیگر، هر گونه تحول در ارزش‌های خانوادگی نیازمند زیرساخت‌های مناسب است و فقدان این زیرساخت‌ها می‌تواند منجر به کاهش تمایل به ازدواج و دوری از آن شود. در تحلیل ساختارهای اجتماعی و فرهنگی هر جامعه، ضروری است که عوامل فرهنگی و اجتماعی آن جامعه شناسایی و مورد بررسی قرار گیرد. به این ترتیب، ترومای اجتماعی و فرهنگی که در مراحل مختلف رشد فرد تأثیرگذار است، می‌تواند به عنوان عامل مؤثر در شکل‌گیری ترس از ازدواج شناخته شود.

بیان مسئله، اهمیت و هدف

خانواده به عنوان یکی از نهادهای اجتماعی بنیادی، نقش مهمی در شکل‌دهی به ساختارهای اجتماعی، فرهنگی و رفتاری جوامع ایفا می‌کند. از دیدگاه جامعه‌شناسان، خانواده نخستین محیط اجتماعی است که فرآیندهای اجتماعی فرد در آن شکل می‌گیرد و تأثیرات آن در کل زندگی فردی و اجتماعی فرد برجسته است. برخی از جامعه‌شناسان معتقدند که هر گونه اصلاحات اجتماعی باید از درون خانواده آغاز شود، چراکه نهاد خانواده بنیان‌گذار بسیاری از تحولات اجتماعی است.

ازدواج به‌عنوان یک نهاد اجتماعی، علاوه بر اینکه یک نیاز انسانی است، در بسیاری از جوامع به‌عنوان یک الزام فرهنگی، اجتماعی و حتی اقتصادی به‌شمار می‌رود. در نظام خلقت، ازدواج به‌عنوان یک قانون طبیعی در نظر گرفته شده است و انسان‌ها نیز جزئی از این نظام بزرگ‌تر هستند. با این حال، فرآیند مدرنیته و تغییرات اجتماعی و فرهنگی در جوامع مختلف، به‌ویژه در جوامع در حال گذار، موجب تغییر نگرش‌ها و ارزش‌های اجتماعی در رابطه با ازدواج شده است. این تحولات باعث ایجاد پرسش‌ها و چالش‌های جدیدی در زمینه ازدواج شده است، به‌طوری که در جوامع مدرن، شاهد کاهش تمایل به ازدواج و تغییرات در شیوه‌های تشکیل خانواده هستیم.

مسئله اصلی این تحقیق، کاهش چشمگیر نرخ ازدواج در جامعه ایران است. بر اساس آمارهای موجود، شاهد کاهش تمایل به ازدواج در میان افراد در سن ازدواج هستیم. طبق گزارش علی‌اکبر محزون، مدیرکل دفتر جمعیت و سرشماری مرکز آمار ایران، در کشور ایران بیش از ۹ میلیون و ۸۰۰ هزار نفر مجرد در سن ازدواج قرار دارند که از این تعداد، ۴ میلیون و ۴۰۰ هزار نفر زن و ۵ میلیون و ۴۰۰ هزار نفر مرد هستند (مجله همشهری، ۲۸ اردیبهشت ۱۴۰۱). با وجود تلاش‌های دولت در راستای تسهیل ازدواج، مانند تصویب قانون تسهیل ازدواج جوانان در سال ۱۳۸۴، هنوز کاهش تمایل به ازدواج در این قشر از جامعه مشهود است. اقدامات دولت در سطح کلان ممکن است تأثیراتی مثبت داشته باشد، اما هنوز نیاز به بررسی عوامل فردی و روانی وجود دارد که در این پدیده مؤثر هستند.

این تحقیق به‌دنبال واکاوی و تحلیل عوامل اجتماعی، فرهنگی است که منجر به «ترس از ازدواج» می‌شود. این ترس، به‌عنوان واکنشی فیزیولوژیک در برابر پدیده ازدواج ایجاد می‌شود و می‌تواند ناشی از تجارب اجتماعی و فرهنگی فرد در طول زندگی او باشد. ترومای اجتماعی و فرهنگی ناشی از تجربیات فردی و جمعی در دوران کودکی، نوجوانی و بزرگسالی، می‌تواند به‌تدریج در فرد شکل گیرد و او را از ازدواج بازدارد.

در این تحقیق، «ترس از ازدواج» به‌عنوان واکنشی فیزیولوژیک و روانی به شرایط اجتماعی و فرهنگی جامعه تحلیل می‌شود. این ترس می‌تواند ناشی از ترومای اجتماعی و فرهنگی در دوران‌های مختلف زندگی فرد باشد. به‌عبارتی دیگر، در این تحقیق به دنبال شناسایی عواملی هستیم که باعث شکل‌گیری و تقویت این ترس در بین دختران می‌شود. ترس از ازدواج به تغییرات اجتماعی و فرهنگی موجود در جامعه بازمی‌گردد که می‌تواند تأثیرات عمیقی بر نگرش افراد نسبت به ازدواج بگذارد.

در این راستا، پژوهش به بررسی عواملی همچون «ترومای اجتماعی»، «ترس از تعهد»، «تصورات منفی از زندگی زناشویی»، «تجربیات خانواده و جامعه»، و «تأثیرات رسانه‌ای و اجتماعی» می‌پردازد که می‌توانند به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم موجب ترس از ازدواج شوند. برای مستندسازی این پدیده، از داده‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی استفاده خواهد شد. طبق نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال‌های ۱۳۸۵، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵، جمعیت شهرستان شهرضا با نرخ رشد متوسط سالانه ۷۷ درصد از ۱۴۳,۹۰۳ نفر در سال ۱۳۸۵ به ۱۴۹,۵۳۲ نفر در سال ۱۳۹۰ و در سال ۱۳۹۵ به ۱۵۹,۷۹۷ نفر افزایش یافته است (منبع: سالنامه آماری). همچنین، مطابق آمارهای سرشماری،

متوسط بعد خانوار در شهرستان شهرضا از ۳.۶۹ نفر در سال ۱۳۸۵ به ۳.۱۳ نفر در سال ۱۳۹۵ کاهش یافته است (برنامه اجرایی استان اصفهان، شهرستان شهرضا، ۱۳۹۹). این تغییرات، علاوه بر ابعاد جمعیتی، تأثیرات فرهنگی و اجتماعی خاصی بر خانواده‌ها و نگرش‌های آنان نسبت به ازدواج و خانواده‌داری دارد.

علاوه بر این، نرخ باروری عمومی در شهرستان شهرضا از ۱.۴۸ در سال ۱۳۸۵ به ۰.۴۴ در سال ۱۳۹۵ کاهش یافته است (برنامه اجرایی استان اصفهان، شهرستان شهرضا، ۱۳۹۹). کاهش این نرخ باروری، که نشان‌دهنده کاهش تمایل به فرزندآوری و ازدواج در جامعه است، می‌تواند به‌عنوان یکی از نشانه‌های شکل‌گیری ترس از ازدواج و سایر تغییرات اجتماعی مرتبط با آن در نظر گرفته شود.

آمار ازدواج در شهرستان شهرضا نیز نشان‌دهنده کاهش است. طبق گزارش رئیس ثبت احوال شهرستان، در شش ماهه نخست سال ۱۴۰۰، ۵۸۵ مورد ازدواج ثبت شده است که نسبت به سال گذشته کاهش ۴.۴ درصدی داشته است (سینا خبر، ۲۳ مهر ۱۴۰۰). این کاهش آمار ازدواج در کنار سایر تغییرات جمعیتی، می‌تواند به‌عنوان شاخصی برای بررسی ارتباط میان تغییرات اجتماعی و فرهنگی و ترس از ازدواج در جامعه مدنظر قرار گیرد.

هدف این تحقیق، کشف و درک عمیق فرآیندهای اجتماعی و فرهنگی است که منجر به شکل‌گیری ترس از ازدواج در بین دختران می‌شود. این تحقیق در پی پاسخ به پرسش زیر است:

چگونه ترومای اجتماعی-فرهنگی در مراحل مختلف زندگی فرد بر نگرش او نسبت به ازدواج تأثیر می‌گذارد؟

در نهایت، این تحقیق با تأکید بر درک عمیق‌تر از «ترس از ازدواج»، به دنبال ارائه راهکارهایی برای ترویج ازدواج و کاهش موانع اجتماعی و فرهنگی آن در جامعه ایرانی است.

پیشینه تحقیق

تحقیقات داخلی

در پایان‌نامه‌ای با عنوان "رابطه بین ارتباط پدر-دختر و سبک دلبستگی به پدر با ملاک‌های انتخاب همسر نگرش و ترس‌های قبل از ازدواج" نوشته فائزه احمدی (۱۴۰۲) بررسی رابطه بین ارتباط پدر-دختر و سبک دلبستگی به پدر با ملاک‌های انتخاب همسر، نگرش و ترس‌های قبل از ازدواج پرداخته است. هدف این پژوهش تحلیل تأثیر ارتباط پدر و دختر و سبک دلبستگی بر معیارهای انتخاب همسر در میان دختران مجرد ساکن لاهیجان بود. این تحقیق از نوع توصیفی-همبستگی و با نمونه ۱۵۰ نفر انجام شد. ابزارهای جمع‌آوری داده شامل مقیاس‌های ارزیابی پدر و دختر، سبک دلبستگی، ملاک‌های انتخاب همسر، نگرش به ازدواج و ترس‌های قبل از ازدواج بود. نتایج نشان داد که ارتباط مثبت و صمیمانه میان پدر و دختر، به‌ویژه سبک دلبستگی ایمن، با ملاک‌های مناسب انتخاب همسر (مثل مهربانی،

درک، تشابهات و رمانتیک بودن) و نگرش مثبت به ازدواج ارتباط دارد. همچنین، تفاوت‌هایی میان سبک‌های دلبستگی اضطرابی و اجتنابی در برخی ملاک‌های انتخاب همسر و نگرش به ازدواج مشاهده شد.

-در رساله ای تحت عنوان "کاوش فرایندهای اجتماعی شکل‌گیری زیست مجردانه در شهر اهواز" به قلم مسعود نباری زاده (۱۴۰۲) به بررسی فرایندهای اجتماعی مؤثر بر شکل‌گیری زیست مجردانه در میان مردان و زنان پرداخته است. این تحقیق کیفی با رویکرد نظریه زمینه‌ای (گراندد تئوری) و با استفاده از مصاحبه عمیق انجام شده است. هدف این مطالعه، شناسایی و فهم فرایندهای شکل‌گیری زیست مجردانه از دیدگاه افراد واجد این نوع زندگی است. در این پژوهش، ۲۳ نفر از افرادی که در اهواز زندگی مجردانه داشته‌اند، به‌طور هدفمند انتخاب شدند. تحلیل داده‌ها از طریق کدگذاری سه‌گانه استراوس و کوربین منجر به شناسایی ۲۸ مقوله فرعی و ۹ مقوله اصلی از جمله: "زیست مجردانه پیوستاری از الزام موقعیت تا انتخاب سبک زندگی"، "فرایند دائمی مشروعیت‌سازی"، "زیستن علیه تجویز فرهنگی"، "توسعه و تحقق فردی و حرفه‌ای"، و "جای خالی خانواده" شد. در نهایت، مقوله هسته‌ای "زیست مجردانه: ساخت گشایی زیست‌جهان جوانان" شناسایی گردید. همچنین، مدل پارادایمی استراوس و کوربین برای تشریح چگونگی، قوام و استمرار زیست مجردانه و پیامدهای آن استفاده شد.

-در پایان نامه ای تحت عنوان "آینده پژوهی وضعیت ازدواج در نسل‌های آینده ایران در افق چشم انداز توسعه ۱۴۲۰ با تأکید بر الگوی خانواده موفق ایرانی" به قلم زهرا خلیلی (۱۴۰۱) به بررسی وضعیت ازدواج در آینده ایران پرداخته است. این پژوهش با هدف آینده‌پژوهی و تأکید بر الگوی خانواده موفق ایرانی انجام شده و از نظر هدف، کاربردی و از نظر گردآوری داده‌ها، توصیفی از نوع پیمایشی با روش دلفی است. جامعه آماری پژوهش شامل ۲۰ نفر از متخصصان و خبرگان مسائل ازدواج است که به‌صورت هدفمند انتخاب شدند.

داده‌ها با استفاده از مصاحبه نیمه‌ساختار یافته و پرسشنامه جمع‌آوری و تحلیل شدند. نتایج پژوهش نشان داد که عوامل اقتصادی مانند درآمد ماهیانه، مسکن و هزینه‌های جاری، عوامل فرهنگی شامل عقاید مذهبی و تعصبات فرهنگی، عوامل اجتماعی مانند نگرش جوانان به ازدواج و فضای مجازی، عوامل قانونی مانند قوانین دینی و حقوق فردی زوجین، عوامل فردی و روانشناختی مانند بلوغ فکری و خودشناسی، و عوامل آموزشی و تربیتی همچون آموزش خانواده در مدارس و برنامه‌ریزی‌های کلان تربیتی، به‌عنوان مؤلفه‌های تأثیرگذار بر وضعیت ازدواج در نسل‌های آینده ایران مطرح شدند.

تحقیقات خارجی

تحقیقی تحت عنوان "تحقیقات آسیب‌پذیر: شایستگی‌ها برای تروما و قوم‌نگاری مبتنی بر عدالت" از تیلور پیچ وینفلد (۲۰۲۲) انجام گردیده است. محقق به معرفی پروژه تحقیقاتی خود و چالش‌هایی که انگیزه این مقاله را ایجاد کرده است، می‌پردازد. سپس شش شایستگی کلیدی را معرفی می‌کند که باید در آن‌ها آموزش دیده و ارزیابی شوند

تا اطمینان حاصل شود که تحقیقات آنان آسیب‌زا نباشد و در عین حال بر اساس اصول عدالت انجام گیرد. این شایستگی‌ها عبارتند از: (الف) خودآگاهی، (ب) رویکرد مشارکت‌محور، (ج) شناخت موقعیت اجتماعی، (د) توجه به تروما، (ه) آگاهی از محدودیت‌های حرفه‌ای، و (و) مرزهای مؤثر و مراقبت از خود.

در این تحقیق، توجه ویژه‌ای به مفهوم تروما و نحوه تأثیر آن بر شرکت‌کنندگان در تحقیقات کیفی اختصاص یافته است. تروما می‌تواند به‌طور عمده به آسیب‌های روان‌شناختی، عاطفی یا جسمی ناشی از تجربیات منفی و شدید گذشته اشاره داشته باشد، که تأثیرات آن می‌تواند عمیق و بلندمدت باشد. در جمعیت‌های آسیب‌پذیر، افرادی که تجربه تروما را داشته‌اند، ممکن است در مواجهه با تحقیقات و پرسش‌های تحقیقاتی بیشتر در معرض درد و ناراحتی‌های روانی قرار گیرند. بنابراین، محققانی که با این گروه‌ها کار می‌کنند، باید از حساسیت ویژه‌ای برخوردار باشند و توانایی مدیریت آسیب‌پذیری‌های ناشی از تروما را داشته باشند.

تحقیقی تحت عنوان "تحلیل خرد محلی در ازدواج جامعه بیما (بررسی ارزش‌های فرهنگی اجتماعی)" از امرین امرین، آدی پریونو و دیگران (۲۰۲۲) در تحقیق حاضر، مفهوم تروما به‌طور خاص به دو جنبه مهم تروما اجتماعی و تروما فرهنگی توجه دارد. این دو نوع تروما نقش مهمی در تعاملات اجتماعی و فرهنگی دارند و می‌توانند تأثیرات عمیقی بر تجربیات فردی و جمعی از مراسم‌ها و ارزش‌های اجتماعی داشته باشند. در این راستا، تروما اجتماعی به آسیب‌های ناشی از تبعیضات اجتماعی، اقتصادی یا سیاسی اشاره دارد که افراد یا گروه‌های خاصی از جامعه به دلیل هویت‌های فرهنگی، قومی یا مذهبی خود متحمل آن می‌شوند. به‌ویژه، در جوامع بومی مانند جامعه بیما، که با آداب و رسوم خاص خود شناخته می‌شوند، این نوع تروما می‌تواند به‌طور مستقیم بر نحوه تعامل و پذیرش آداب فرهنگی اثر بگذارد.

ترومای فرهنگی، در مقابل، به آسیب‌هایی مربوط به تهدید یا فراموشی هویت‌های فرهنگی و ارزش‌های سنتی اشاره دارد. برای مثال، تغییرات اجتماعی یا فشارهای بیرونی می‌تواند به تدریج منجر به فراموشی یا تضعیف سنت‌ها و مراسم‌های فرهنگی شود. در جامعه بیما، سنت پتا کاپانکا به عنوان یک بخش از خرد محلی، با ارزش‌های فرهنگی-اجتماعی چون دوستی، همکاری و برادری گره خورده است. این سنت که تاکنون در این جامعه حفظ شده، ممکن است به دلیل تهدیدات بیرونی نظیر جهانی شدن یا فشارهای اجتماعی، با چالش‌هایی مواجه شود که به نوعی تروما فرهنگی را به همراه دارد.

-در تحقیقی تحت عنوان "تحلیل عوامل روانی معاصر ترس جوانان از ازدواج در چین" که توسط جون رام آه در سال (۲۰۲۳) انجام گردید، بیان شده است که میل به ازدواج و تشکیل خانواده شاد، یک هدف ابدی انسانی است، اما در چین نگرش سنتی مردم نسبت به عشق، ازدواج، خانواده و جامعه با موانع مهمی روبرو است. اصلاحات اجتماعی و سیاست‌های باز کردن درهای کشور به سوی اقتصاد بازار، اثرات قابل توجهی بر این نگرش‌ها گذاشته است. تغییرات

اجتماعی باعث شده‌اند که ازدواج، که زمانی به‌عنوان یک لحظه شاد در زندگی افراد تلقی می‌شد، اکنون با نگرانی و ترس‌هایی از سوی جوانان همراه باشد.

این مطالعه از تکنیک نمونه‌گیری گلوله برفی برای انجام مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با شش جوان استفاده کرده است که شامل سه پسر و سه دختر می‌شود. پس از انجام مصاحبه‌ها، نتایج زیر حاصل شد: علل ترس جوانان معاصر از ازدواج و عوامل روانی آن‌ها به‌طور قابل توجهی مثبت است. عوامل اصلی ترس جوانان از ازدواج شامل موارد زیر است: - ترس از دست دادن فرصت‌های ارتقاء شغلی - ترس از تکرار مشکلات ازدواج والدین به دلیل تأثیرات خانواده‌های اصلی - احساس بی‌اعتمادی به ازدواج و این باور که ازدواج ممکن است مایه پشیمانی باشد - ترس از ازدواج به دلیل انتظارات ناکام از آن

جمع‌بندی:

محقق برای کشف و درون‌فهمی ترس از ازدواج از فن مصاحبه نیمه ساختار یافته استفاده می‌نماید به منظور آماده سازی برخی سولات مصاحبه نیاز است که به مطالعات پیشین در زمینه ترس، شناخت‌های اجتماعی و فرهنگی از ازدواج بپردازد در حین مطالعات این نیاز بیشتر احساس می‌گشت که مطالعات انجام شده در ابعاد کلان بوده و ساختاری می‌باشد؛ و مصاحبه رو در رو می‌تواند به شناخت عمیق‌تر این ترس‌ها کمک نماید.

دیدگاه جامعه‌شناسی در ازدواج:

در دیدگاه جامعه‌شناسی، خانواده به‌عنوان مهم‌ترین نهاد اجتماعی و زیربنای جامعه شناخته می‌شود که سرنوشت آن با سرنوشت جامعه پیوند خورده است. در مکتب اسلام نیز ازدواج و تشکیل خانواده جایگاه ویژه‌ای دارد (فتحی آشتیانی و احمدی، ۱۳۷۸: ۱۲۲). دورکیم، یکی از جامعه‌شناسان فرانسوی، معتقد بود که خانواده بیشتر از یک پدیده زیستی، یک پدیده اجتماعی است و باید در چارچوب جامعه‌شناسی مطالعه شود. همچنین، نظریه‌پردازانی چون مورگان و کلود لوی اشتراوس بر ماهیت اجتماعی ازدواج تأکید داشتند. (ریتزر، ۱۳۷۵: ۳۴۵)

مالینوفسکی نیز خانواده را به‌عنوان "ماده خام" برای شکل‌گیری ارگانیسم اجتماعی می‌داند که فرد را به یک عضو کامل از جامعه تبدیل می‌کند. (میشل، ۱۳۵۴: ۷۵) ازدواج در جامعه ما با مشکلات زیادی مواجه است که بخشی از آن به پیش‌فرض‌ها و ذهنیات فرهنگی جامعه مربوط می‌شود و اگر تنها مشکلات اقتصادی را عامل اصلی بدانیم، ممکن است از مسائل فرهنگی و اجتماعی غافل شویم.

آنتونی گیدنز نیز معتقد است که نهادهای اجتماعی وسیله‌ای برای پیوند زندگی اجتماعی‌اند که ترتیبات اساسی زندگی را فراهم می‌کنند (گیدنز، ۱۳۷۳: ۴۱۱). ازدواج و زناشویی از مسائل مهم بشر است که در حوزه‌های مختلف علمی مانند جامعه‌شناسی، حقوق، اقتصاد و روان‌شناسی مورد توجه قرار گرفته است. تغییرات اجتماعی مانند افزایش

سن ازدواج و پدیده مجرد قطعی در دختران، ناشی از تحولات اجتماعی و فرهنگی هستند (حبیب پور و غفاری، ۱۳۹۰: ۷)

زمان ازدواج تحت تأثیر عوامل مختلفی قرار دارد. تحولات اقتصادی و اجتماعی، مثل فروپاشی نظام‌های خانوادگی گسترده، جایگزینی اقتصاد صنعتی به جای اقتصاد کشاورزی سنتی، پیچیدگی تقسیم کار اجتماعی، افزایش تحصیلات و مشارکت بیشتر زنان در فعالیتهای اجتماعی و اقتصادی خارج از خانه، از عوامل مؤثر در تأخیر ازدواج به شمار می‌آیند. (محمودیان، ۱۳۸۳: ۴۸)

ترس وجودی و اجتماعی

ترس وجودی و اجتماعی موضوعی است که برخی از متفکران آن را به‌عنوان پدیده‌ای روان‌شناختی و فردی بررسی کرده‌اند و در مقابل آن، ترس‌های اجتماعی را به‌عنوان پدیده‌های بیرونی که از جامعه و نهادهای اجتماعی ناشی می‌شوند، تحلیل کرده‌اند. برخی از نویسندگان مانند باربالت تفاوت‌هایی میان ترس اجتماعی و غیر اجتماعی قائل شده‌اند (باربالت، ۱۹۹۸: ۱۴۹). این ترس‌ها غالباً ریشه‌های اجتماعی دارند و از طریق جامعه و تحولات آن تقویت می‌شوند. برای نمونه، یوری لودا در روسیه بعد از شوروی نشان داد که ترس‌های وجودی مانند ترس از مرگ خویشاوندان بیشتر از ترس‌های اجتماعی مانند جرائم یا مالکیت رایج بوده‌اند. (لودا، ۲۰۰۴: ۱۷)

ترس‌های اجتماعی در طول تاریخ تغییرات زیادی کرده‌اند و بسته به فرهنگ و زمان، شکل و محتوای متفاوتی پیدا کرده‌اند (شلا پنتوخ، ۱۹۲۶: ۱۹۹). در روان‌شناسی، ترس‌ها به سه نوع تقسیم می‌شوند: ترس‌های منطقی که از محیط بیرونی ناشی می‌شوند، ترس‌های نابهنجار که از ضمیر ناخودآگاه فرد می‌آیند و ترس‌های اخلاقی که ریشه اجتماعی دارند و از فشارهای اجتماعی و فرهنگی بر فرد ناشی می‌شوند. (راه رخشان، ۱۳۷۲: ۱)

در تاریخ اجتماعی ایران، وقایع و رخداد‌های تاریخی نقش مهمی در شکل‌گیری ترس‌های اجتماعی و اخلاقی داشته است. به‌ویژه در دوره‌های مختلف، فشار حکومت‌ها و محدودیت‌های اجتماعی موجب افزایش این ترس‌ها در جامعه می‌شد. این ترس‌ها معمولاً به‌ویژه زمانی بروز می‌کنند که امنیت اجتماعی از بین برود و مردم احساس تهدید از جان، مال و اعتقادات خود کنند. (صدیق سروسستانی، ۱۳۸۴: ۴)

در این تحقیق، منظور از ترس، ترس‌های اجتماعی و بیرونی است که به‌واسطه شرایط اجتماعی و فرهنگی ایجاد می‌شود، و منظور ترس‌های درونی و روان‌شناختی نیست.

ترومای اجتماعی

پیش از پرداختن به مفهوم تروما در جامعه‌شناسی، نگاهی مختصر به نظرات جفری سی. الکساندر خواهیم داشت. برخی از متفکران او را بنیان‌گذار جامعه‌شناسی چندبعدی می‌دانند. وی با وجود توجه به ابعاد مختلف پدیده‌ها که در

نظریات مختلف جامعه‌شناسان مطرح شده، هیچ‌کدام از این ابعاد را به‌تنهایی برای تحلیل پدیده‌ها کافی نمی‌داند و معتقد است که باید این ابعاد به‌طور ترکیبی بررسی شوند. نگرش فلسفی الکساندر از تفکرات دورکیم، پارسونز و وبر تأثیر پذیرفته است، هرچند که همواره تلاش کرده است که تفکر خود را در چارچوب اندیشه‌های کلاسیک محدود نسازد و به‌دنبال گشودن افق‌های جدید برای تقویت نظریات باشد. برخی متفکران جامعه‌شناسی، الکساندر را به‌عنوان آغازگر حرکتی نوین در نظریه‌های جامعه‌شناسی می‌دانند که در راستای همگامی با تغییرات اجتماعی و تکامل نظریات برای تبیین مسائل نوین اجتماعی است. (فخرایی، ۱۳۸۸)

در کتاب تروما: یک نظریه اجتماعی، جفری سی. الکساندر نظریه اجتماعی تروما را توسعه می‌دهد و از آن برای بررسی تجربی رنج‌های اجتماعی در سطح جهانی استفاده می‌کند. الکساندر معتقد است که تروما صرفاً یک تجربه فردی روان‌شناختی نیست، بلکه یک تجربه جمعی است که نقش اساسی در تعریف منشأ و نتایج تعارضات اجتماعی ایفا می‌کند. وی مدل خاصی از «کار تروما» را ارائه می‌دهد که به گروه‌ها در میدان اجتماعی مرتبط است. (الکساندر، ۲۰۱۲: ۳)

نظریه تروما و هویت جمعی

در تبیین فرآیند تروما، الکساندر از منفعت شخصی فاصله می‌گیرد و به هویت جمعی توجه می‌کند. همانطور که در کتاب خود اشاره می‌کند، ما نیاز داریم که مفهوم منفعت شخصی را کنار بگذاریم و به هویت جمعی بپردازیم، چرا که این هویت جمعی است که در فرآیندهای اجتماعی و فرهنگی اهمیت پیدا می‌کند. به جای تمرکز بر علاقه‌های فردی، باید به رنج اجتماعی پرداخته شود تا بتوان درباره عواطف و تهدیدات وجودی برای باورهای اخلاقی صحبت کرد.

در این چارچوب، تروما به‌عنوان یک آسیب فرهنگی مشترک، به فرآیندهایی اجتماعی وابسته است که از طریق روایت‌های جمعی، هویت‌های جدید ساخته می‌شود. این هویت‌های جمعی در پاسخ به تروما و رنج اجتماعی، می‌توانند همگام با گذشته، تهدیدات و چالش‌های کنونی، به سمت آینده حرکت کنند. بر این اساس، فرآیند ساخت معنا از تروما به‌طور مداوم در حال مذاکره و بازنگری است. (الکساندر، ۲۰۱۲: ۱۲)

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این تحقیق، برای تحلیل داده‌ها از روش سیستماتیک استراوس و کوربین استفاده شده است که بر مبنای مقایسه پیوسته داده‌ها و کدگذاری تأکید دارد. این روش شامل سه مرحله اصلی کدگذاری باز، محوری و انتخابی است:

کدگذاری باز: این مرحله شامل شناسایی مفاهیم اصلی از داده‌ها و دسته‌بندی آن‌ها بر اساس ویژگی‌ها و ابعاد مختلف است. داده‌ها با مقایسه وقایع مشابه به مقوله‌های مشترک وارد می‌شوند.

کدگذاری محوری: در این مرحله، مقوله‌های فرعی به مقوله‌های اصلی‌تر مرتبط می‌شوند. این فرآیند از تفکر استقرایی و قیاسی استفاده می‌کند و برای کشف الگوهای پارادایمی به کار می‌رود.

کدگذاری انتخابی: در این مرحله، محقق به مدلسازی و توسعه فرضیات می‌پردازد. مقوله‌ها در ارتباط با یکدیگر در قالب مدل‌های مختلف مانند اظهارات حکایتی یا نمودارها قرار می‌گیرند. (ایمان، ۱۳۹۴: ۸۱)

در تحقیق حاضر، هدف بررسی اختلال اضطرابی از ازدواج نیست، بلکه تمرکز بر شناسایی ترومای اجتماعی و فرهنگی است که ترس از ازدواج را در افراد ایجاد کرده است. هدف از این تحقیق کشف و فهم این ترومای اجتماعی و فرهنگی به‌طور درون‌فهمی می‌باشد.

فرایند مصاحبه به این صورت پیش رفت که برخی از مشارکت‌کنندگان به کلینیک روانشناسی مراجعه کرده و طبق تشخیص روانشناس، علل ترس آن‌ها به ترومای اجتماعی و فرهنگی مرتبط بود. علاوه بر این، برخی از مصاحبه‌ها به‌وسیله معرفی دوستان و آشنایان صورت گرفت و روند نمونه‌گیری به‌صورت گلوله‌برفی ادامه یافت. لازم به ذکر است که برخی مصاحبه‌ها از چرخه تحقیق خارج شدند، چرا که اطلاعات حاصله از نزدیکان غنی نبوده و نتایج مطلوبی در کشف و درون‌فهمی ترومای اجتماعی و فرهنگی به‌دست نیامد.

بنابراین، تصمیم بر آن شد که مشارکت‌کنندگان از نزدیکان و آشنایان نباشند و نمونه‌گیری به‌سمت نمونه‌گیری نظری پیش رود. نمونه‌گیری نظری فرآیندی است که طی آن تحلیلگر به‌طور همزمان داده‌ها را گردآوری، کدگذاری و تحلیل می‌کند و در عین حال تصمیم می‌گیرد که در مرحله بعدی چه داده‌هایی باید جمع‌آوری و از کجا استخراج شوند تا نظریه‌اش در حال شکل‌گیری به‌درستی تدوین گردد. به عبارتی دیگر، نظریه در حال تدوین فرآیند گردآوری داده‌ها را هدایت می‌کند. (فلیک، ۱۹۵۶: ۱۳۸)

پرسش‌های تحقیق

عوامل مؤثر در شکل‌گیری ترس اجتماعی-فرهنگی از ازدواج کدامند؟

بسترهای اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر این ترس شامل چه عواملی هستند؟

زمینه‌های شکل‌گیری ترس اجتماعی-فرهنگی از ازدواج چگونه تعریف می‌شود؟

استراتژی‌های مقابله با ترس اجتماعی-فرهنگی از ازدواج چگونه شکل می‌گیرد؟

پیامدهای ترس اجتماعی-فرهنگی از ازدواج چیست؟

مشارکت کنندگان دختر بر اساس تحصیلات ، سن ، سطح معیشتی (شاغل و بیکار)

گروه سنی	تحصیلات	سطح معیشتی (شاغل /بیکار)	تعداد مشارکت کنندگان
۲۰-۲۹	دیپلم : لیسانس : ۵ نفر فوق لیسانس : ۱ نفر دکتر :۱	۲ نفر بیکار ۴ نفر شاغل	۶
۳۰-۳۹	زیر دیپلم : ۱ نفر دیپلم : لیسانس : ۱ نفر فوق لیسانس : ۱ نفر دکتر : ۲ نفر	۲ نفر بیکار ۳ نفر شاغل	۵
۴۰-۴۹	دیپلم : لیسانس : ۴ نفر فوق لیسانس : ۲ نفر دکتر : ۲ نفر	۲ نفر بیکار ۶ نفر شاغل	۸
۵۰ به بالا	لیسانس : ۲ نفر	۲ نفر شاغل	۲

کد گذاری اولیه درباره ادراک پاسخگویان دختر از مفهوم ترس از ازدواج

وقتی بین پدر و مادر توافق وجود ندارد؟(عدم صمیمیت)

پدر و مادر خواهان ازدواج فرزند نیستند

بالا بودن توقعات خانواده ها و مخالفت آنها

ناتوانی در خرید جهاز و سیسمونی

بالا بودن هزینه تشریفات ازدواج

طلاق والدین

طلاق خواهر یا برادر / طلاق اقوام / طلاق دوستان

ترس از ازدواج ناموفق

نداشتن فرصت انتخاب آگاهانه همراه با عشق

عدم مشارکت و همکاری در ازدواج

عدم رشد اجتماعی بواسطه ازدواج

بی اعتمادی به جنس مخالف

نا توانایی حریم سازی و مرز سازی فرد از والدین

فرار از مسئولیت های زندگی
ترس از مسئولیت های زندگی
نداشتن شغل بالای پسران
نداشتن تحصیلات بالا
نبود سطح فرهنگی بالا
نداشتن سطح اقتصادی بالا
مهم بودن نوع ماشین
نوع مسکن
شغل پدر و مادر همسر
چهره
نوع پوشش
همسر پله پیشرفت و ترقی
چشم و هم چشمی ها
پیشرفت در درس یا شغل برای یافتن همسر مناسب تر
نیافتن همسر دلخواه
بالا بودن سطح انتظار طرف مقابل

بسترسازها

آبراهام مزلو در نظریه نیازهای خود معتقد است که انسان‌ها نیازهای مختلفی دارند که به ترتیب اهمیت عبارتند از: (۱) نیازهای فیزیولوژیکی، (۲) نیاز به ایمنی، (۳) نیازهای اجتماعی، (۴) عزت نفس، و (۵) نیاز به خودشکوفایی (ساعتچی، ۱۴۰۰: ۲۵۸). وی بیان می‌کند که وقتی یک نیاز برآورده می‌شود، نیاز بعدی جای آن را می‌گیرد. به این معنا که انسان‌ها زمانی به دنبال برآوردن نیازهای اجتماعی (مانند برقراری ارتباط و تعلق با دیگران) می‌روند که نیازهای فیزیولوژیکی و ایمنی آنها تأمین شده باشد. این نظریه می‌تواند به توضیح ترس‌های موجود در فرآیند ازدواج کمک کند، زیرا عدم تأمین نیازهای پایه‌ای همچون امنیت اقتصادی، محدودیت‌های زندگی متأهلی و اختلافات اخلاقی و دینی می‌تواند باعث بروز ترس از ازدواج شود.

مصاحبه با ریحانه ۲۵ ساله: " دختر خاله ام از همسرش جدا شد به خاطر اینکه از نظر دینی و پایبندی به اخلاقیات با هم توافق نداشتند. و وابستگی شدید شوهرشان به مادرشان داشتند. نمی‌خواهم در زندگی آینده ام کینه و انتقام جویی باشد. پدر و مادرم برای من آرامش و راحتی رقم زده اند به هیچ وجه حاضر نیستم آرامش آنان را از بین ببرم در صحبت با خواستگارانم همسانی در باور های دینی در الویتم است. در ازدواجم دقت می‌کنم....برایم مهم است که گذشته پاکی را همسرم سپری کرده باشد. از پسرهای هوس باز می‌ترسم...."

شرایط زمینه‌ای

شرایط زمینه‌ای از دیدگاه استراوس و کوربین (۱۳۹۲: ۱۵۴) به مجموعه‌ای از شرایط خاص اشاره دارد که در یک زمان و مکان خاص جمع می‌آیند و اوضاع و احوال یا مسائلی را ایجاد می‌کنند که افراد از طریق عمل و تعامل‌های خود به آن‌ها پاسخ می‌دهند. به عبارت دیگر، نظریه زمینه‌ای به گونه‌ای است که مستقیماً از داده‌های گردآوری‌شده در جریان پژوهش به صورت منظم استخراج و تحلیل می‌شود (استراوس و کوربین، ۱۳۹۲: ۳۴).

نقش خانواده در وقایع مربوط به گذار و ازدواج در مطالعات مختلف در سطح جهان تأیید شده است. جونز و همکاران (۲۰۰۶: ۹۷) به این نکته اشاره می‌کنند که خانواده و والدین به طور فعال در تشکیل زوجیت فرزندان دخالت دارند. همچنین، لکاردی و روسپی (۲۰۰۶: ۳۳-۳۴) بیان می‌کنند که جوانان برای مقابله با شرایط نامشخص زندگی به خانواده خود متکی هستند. وین و وودمن (۲۰۰۶) و هاینتر (۲۰۰۹) نیز بر اهمیت بازگرداندن خانواده به کانون مطالعات جوانان تأکید دارند و بر تأثیر ساختارهای خانوادگی در کاهش اثرات مخاطره‌ای مانند ازدواج اشاره می‌کنند. (بنی جمالی و دیگران، ۱۴۰۰: ۱۷-۱۸) مقوله‌های اصلی مرتبط با شرایط زمینه‌ای در چهار دسته مربوط به خانواده فرد شامل: ۱) ناتوانی در حریم‌سازی و مرزسازی فرد از والدین، ۲) عدم حمایت والدین از فرد برای ازدواج، ۳) حمایت فرزندان از والدین، و ۴) حمایت از خواهر و برادر می‌باشد.

مصاحبه با شروین ۴۷ ساله: ".....مادرم فوت شدند. بعد از این همه سال فهمیدم می‌توانستم به موقع ازدواج کنم. خیلی از همکلاسی‌هایم دانشگاه قبول نشدند و ازدواج کردند و الان که در دانشگاه‌ها باز شده دارند با آرامش درس می‌خوانند. برادرم همیشه می‌گفت ازدواج کن، من گارد می‌گرفتم و صحبت‌هایش را توهین تلقی می‌کردم. از تنهایی به شدت می‌ترسم. باور می‌کنید با هیچ مردی تا الان دوست نبوده‌ام نمی‌توانم با جنس مخالف رابطه بگیرم. البته من فرصت‌های ازدواج را از دست داده‌ام. پدرم سه دانگ خانه را محضری به نام من زده که بعد از مرگش بی‌خانه نباشم. حقوق بازنشستگی پدرم هم به من می‌رسد. الان اگر ازدواج کنم مسوولیت پدرم با چه کسی باشد....."

شرایط علی

شرایط علی یا سبب‌ساز معمولاً به رویدادها و وقایعی اطلاق می‌شود که بر پدیده‌ها تأثیر می‌گذارند. (استراوس و کوربین، ۱۳۹۲: ۱۵۲)

طبق نظریه مدرنیزاسیون ویلیام گود (۱۹۶۳)، نوسازی در سطوح فردی و اجتماعی بر زمان ازدواج تأثیر می‌گذارد. گود به فاکتورهای مهمی چون گسترش فرصت‌های تحصیلی، تغییرات در نیروی کار، اشتغال زنان و شهرنشینی اشاره می‌کند. او معتقد است که ازدواج افرادی که در مناطق شهری زندگی می‌کنند، به دلیل شیوه‌های زندگی متفاوت و کنترل اجتماعی ضعیف‌تر در مقایسه با مناطق روستایی، با تأخیر بیشتری صورت می‌گیرد. در جریان نوسازی، بسیاری

از کارکردهای قدیمی خانواده به سازمان‌ها و نهادهای دیگر واگذار می‌شود که این تغییر باعث می‌شود خانواده به یک واحد هسته‌ای تبدیل شود که بر فردگرایی استوار است. در این فرآیند، بخش عمده‌ای از تصمیمات زندگی اعضای خانواده، از جمله تصمیم در مورد تشکیل خانواده و ازدواج، توسط خود افراد اتخاذ می‌شود (طاهری و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۸۸)

مقوله‌های اصلی این بخش در ۱۱ دسته کلی شامل موارد ذیل است:

شکست احساسی دیگران در ازدواج، کمال گرایی، درصد زوج‌های موفق و ناموفق در اطراف شخص زندگی مجردی دوستان و آشنایان (راحتی)، ترس از ناامیدی در زندگی زناشویی، ناتوانی در تصمیم‌گیری به موقع، نداشتن مهارت‌های ارتباطی‌های طولانی مدت، عدم جذابیت جنس مخالف، خیانت، تجاوز، رابطه پنهان که در ادامه یک شاهد مثال از رابطه پنهان بیان می‌گردد:

مصاحبه با الهام ۳۶ ساله کارمند: "..... برای گرفتن دکتری سال‌ها تلاش کردم و الان هم موقعیت خوب کاری و درآمد بالایی دارم، از سن ۲۴ سالگی با خواستگار هایم صحبت می‌کردم، مادرم معمولاً نظر می‌دهند که بیشتر جنبه راهنمایی دارد،..... چند ماهی است با آقای دوست هستم ایشون شرایط ازدواج ندارند چون خودشون همسر دارند..... وقتی می‌بینم پسری به شدت به خانواده اش وابسته است و توان تصمیم‌گیری برای کارهایش ندارد مسلماً به درد ازدواج نمی‌خورد....."

راهبردها و تعامل‌های راهبردی

عمل و یا تعامل یا کنش و یا کنش متقابل اصطلاحاتی هستند که مابرای اشاره به روش‌های راهبردی و طرز عمل‌های تکراری یا عادی و چگونگی مدیریت موقعیت‌ها توسط افراد در مواجهه با مسائل و امور به کار می‌بریم. (استراوس و کربین، ۱۳۹۲: ۱۵۵)

برای محقق شدن ازدواج کنشگران بر اثر موجبات دست به راهبردهای رفتاری و تکنیک‌هایی زده و به اعمال و شیوه‌هایی مبادرت می‌ورزند و تدابیر و شگردهایی به اقتضای زمینه‌ها و شرایطی که در آن قرار دارند پیش می‌گیرند. کنشگران بر اثر موجبات علی‌دست به راهبردهای رفتاری و تکنیک‌هایی زده و به اعمال و شیوه‌هایی مبادرت می‌ورزند و تدابیر و شگردهایی به اقتضای زمینه‌ها و شرایطی که در آن قرار دارند در پیش می‌گیرند. (فراستخواه، ۱۳۹۵: ۱۰۰)

این راهبردها و استراتژی‌ها در ۴ مقوله طبقه‌بندی می‌شود: وجود عشق و تعلق خاطر، اطمینان بخشی در ازدواج، یاد گرفتن ارتباطات موثر با همسر آینده، ارتقا مهارت‌های ارتباطی

شاهد مثال زیر به عدم اطمینان برای رسیدن به ازدواج، نداشتن مهارت‌های ارتباطی اشاره دارد؛

مصاحبه با فاطمه ۵۸ ساله: "خواهر و برادرانم همگی ازدواج کرده‌اند، من از سن ۲۲ سالگی مستقل بودم.

پدر و مادرم فوت شده‌اند. در حال حاضر چند ماهی است که با آقایی در ارتباط هستم اما می‌ترسم ازدواج کنم. مشکل اینکه تا این سن ازدواج نکردم و سواس تمیزی شدید بود که داشتم..... خواهرانم نیز تجربیاتشان را در اختیار من می‌گذاشتند و باعث می‌شد من سخت‌گیر تر شوم. خبر هر چه سنم بالا می‌رفت به پدر و مادرم بیشتر وابسته میشدم آنها هم بیشتر به من وابسته به فکر ازدواج بودم چون هر ماه با حقوقم جهازم را تکمیل می‌کردم هر چه سنم بالاتر می‌رفت سخت‌گیر تر از قبل برای ازدواج می‌شدم وقتی پدرم فوت شدند از فکر ازدواج آمدم بیرون الان هر دو فوت شده‌اند..... متأسفانه در ادامه ارتباط با این آقا هم مشکل دارم..... خاطر تنهایی زیاد تصمیم دارم حالا که این موقیت پیش آمده از سخت‌گیری‌هایم کم کنم اما بر سر مسائل مالی به توافق نمی‌رسیم از طلاق در این سن بسیار می‌ترسم هر چه هم از مدت‌آشنایی مان بیشتر سپری می‌شود تنش‌ها و اتفاقات تازه‌تری در رابطه مان بوجود می‌آید."

پیامدها

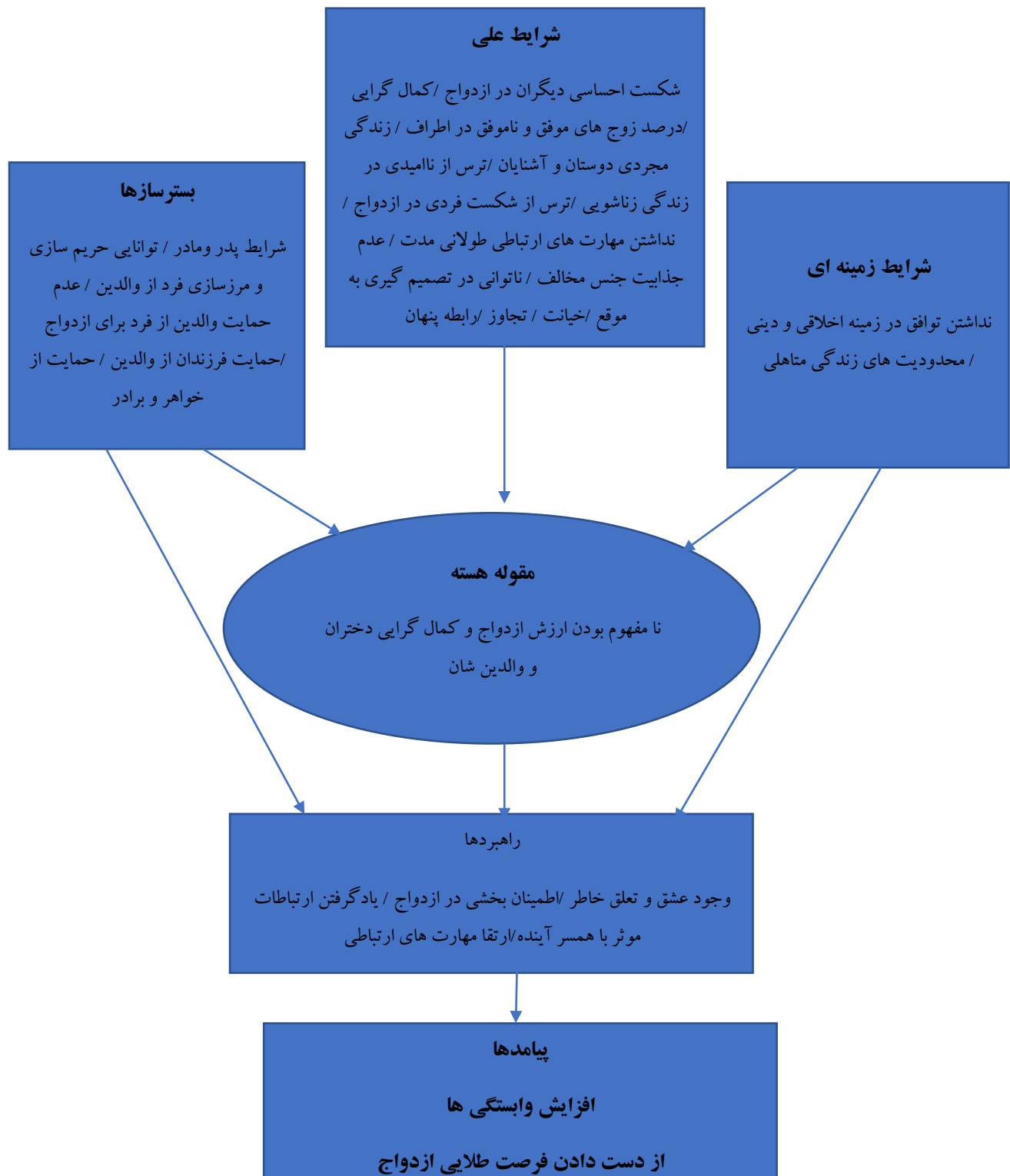
نتایج علل و راهبردهای اتخاذ شده منجر به پیامدهایی می‌شود که در پژوهش حاضر، این پیامدها به شرایطی اشاره دارند که فرد به دلیل ترس از ازدواج و تلاش برای غلبه بر آن، در زندگی خود تجربه می‌کند. در واقع، پیامدها ناشی از علل و راهبردهای انتخاب‌شده در خصوص ترس از ازدواج هستند. تصمیم‌گیری در مورد ازدواج بستگی به رشد همه‌جانبه فرد دارد تا با درک صحیح از کارکردها و فواید ازدواج، بتواند زندگی زناشویی موفق و رضایتمندانه‌ای را بنا نهد. با توجه به نقش فرهنگ و اعتقادات مذهبی در کشور و پابندی جامعه به آداب و رسوم، به ویژه در زمینه ازدواج، شاهد آشفتگی‌هایی همچون طلاق، طلاق عاطفی، ازدواج سفید، خیانت، افزایش سن ازدواج و... هستیم که الگوی ازدواج را تغییر داده است. همچنین، دوری از ازدواج و زندگی مجردی پیامدهایی در زندگی افراد به دنبال دارد.

مخاطبینی که بالای ۴۰ سال سن داشتند، ترس از تنهایی را مطرح کرده و وابستگی شدید به اعضای خانواده مانند خواهر یا برادر و برادرزاده یا خواهرزاده را تجربه کرده‌اند. افراد زندگی مجردی در این پژوهش به چهار دسته تقسیم می‌شوند: بی‌قاعدگی اخلاقی، افسردگی، از دست دادن فرصت طلایی ازدواج، و افزایش وابستگی. به عنوان مثال، یکی از افراد که فرصت طلایی ازدواج را از دست داده است، وابستگی شدید به خانواده خود دارد.

مصاحبه با طیبه ۴۵ ساله: "من از سن ۲۵ سالگی مستقل بوده‌ام. توانایی مالی خوبی دارم. از سن ۲۰ سالگی خواستگاران خوبی داشته‌ام و بسیار سخت‌گیری می‌کرده‌ام. مشکل اینجا بود که با هیچ‌یک از خواستگارانم به توافق نمی‌رسیدم یا اصلاً از ابتدا آن‌ها را نمی‌پسندیدم، اولین معیار برایم ظاهر قابل قبول بوده. سطح فرهنگ، میزان وابستگی مالی و عاطفی پسر به خانواده تعداد کمی از خواستگارانم از این دو معیار عبور می‌کردند. شاید با ۴

نفر از خواستگارانم صحبت به اینجا رسید که با هم توافق اخلاقی داریم. در مرحله آشنایی به هم می خورد. چون شهرضا یک محیط سنتی دارد بعد از هر خواستگاری ما یک تنش را در خانواده داشتیم. من به خواهرانم خیلی وابستگی دارم. قبول دارم که دوران طلایی ازدواج را از دست داده ام. اما نمی توانم بی گذار به آب بزنم. من از نظر اقتصادی تامین هستم. تفریحی و سرگرمی هم با دوستان و خانواده ام خوشم. هیچ تعهد و مسئولیتی هم در زندگی ندارم. چند سال دیگه بازنشسته می شوم و دلواپس تنهایی ام هستم. خواهر کوچکتر از خودم دارم دوست دارم که سر و سامان بگیرد اما متأسفانه فکر غلط پدر و مادرم او را از ازدواج دور کرد. از اینکه خواهرم قربانی من شده بسیار ناراحتم. از نظر مالی خیلی هوای خواهر کوچکترم را دارم. وابستگی به پرنده ام دارم و عاشق گل هایم. خواهر زاده هایم بسیار وابسته ام....."

الگوی پارادایمی ترس از ازدواج در بین دختران



نتیجه گیری

پژوهش حاضر با استفاده از رویکرد استقرایی و روش گراند تئوری به تحلیل ترومای اجتماعی و فرهنگی ترس از ازدواج در میان دختران مجرد شهرستان شهرضا پرداخته است. از آنجایی که در این تحقیق، فرآیند داده کاوی به صورت استقرایی و از پایین به بالا انجام گرفت، یافته‌ها به طور مستقیم از تجربیات، احساسات و نگرش‌های دختران استخراج شدند و به این ترتیب، تئوری‌ها و مدل مفهومی تحقیق از داده‌های واقعی و نه از پیش فرض‌ها شکل گرفت. تحقیق حاضر به طور خاص به بررسی تأثیرات ترومای اجتماعی و فرهنگی و ترس از ازدواج در دختران پرداخته است. با استفاده از رویکردهای جامعه‌شناختی، این مطالعه نشان می‌دهد که ترس از ازدواج نه تنها نتیجه عوامل فردی و روان‌شناختی، بلکه متأثر از ساختارهای اجتماعی و فرهنگی است که در جوامع مختلف شکل گرفته است. یافته‌ها حاکی از آن هستند که عوامل اجتماعی و فرهنگی به ویژه فشارهای خانوادگی و انتظارات فرهنگی می‌توانند تأثیرات قابل توجهی بر تصمیم‌گیری و نگرش دختران به ازدواج داشته باشند.

بر اساس نتایج این پژوهش، ترس از ازدواج در میان دختران شهرستان شهرضا تحت تأثیر عوامل اجتماعی و فرهنگی پیچیده‌ای قرار دارد. در بخش شرایط علی، عواملی چون شکست‌های احساسی دیگران در ازدواج، کمال‌گرایی، و درصد بالای زوج‌های موفق و ناموفق در اطراف، موجب ایجاد نگرانی‌های جدی در مورد آینده زندگی زناشویی و ازدواج می‌شود. این عوامل به ویژه زمانی تقویت می‌شوند که دختران شاهد زندگی مجردی دوستان و آشنایان یا تجارب منفی مانند خیانت و تجاوز بوده و یا مهارت‌های ارتباطی لازم برای تعامل طولانی مدت با جنس مخالف را نداشته باشند.

در شرایط زمینه‌ای، فقدان توافقات اخلاقی و دینی میان دختران و والدین، و همچنین محدودیت‌های موجود در زندگی متأهلی به عنوان موانع اجتماعی و فرهنگی در مسیر ازدواج شناخته شدند. این عوامل، به ویژه هنگامی که همراه با مشکلات پشتیبانی اجتماعی و خانوادگی نظیر عدم حمایت والدین یا فشارهای اجتماعی باشند، می‌توانند باعث تشدید ترس از ازدواج در دختران شوند.

مقوله هسته‌ای در این تحقیق "نا مفهوم بودن ارزش ازدواج و کمال‌گرایی در دختران و والدین آن‌ها" معرفی شده است. این مقوله نشان‌دهنده یک تضاد داخلی و فرهنگی است که از یک سو ازدواج را به عنوان یک انتخاب ارزشمند می‌شمارد، و از سوی دیگر به دلیل ایده آل‌گرایی و نگرش‌های کمال‌گرایانه به آن به عنوان یک خطر و تهدید نگاه می‌کند.

در نهایت، در بخش راهبردها، برای کاهش ترس از ازدواج و ارتقای توانمندی‌های فردی و اجتماعی دختران، پیشنهادهایی مانند ایجاد عشق و تعلق خاطر، اطمینان بخشی در مورد انتخاب همسر، یادگیری ارتباطات مؤثر و ارتقاء

مهارت‌های ارتباطی مطرح گردید. این راهبردها می‌توانند به‌طور مؤثری به کاهش ترس‌های اجتماعی و فردی در مورد ازدواج کمک کنند.

در پیامدها، این پژوهش نشان داد که ترس از ازدواج می‌تواند به پیامدهای منفی مانند افزایش وابستگی‌ها، از دست دادن فرصت‌های طلایی ازدواج و در نهایت ایجاد مشکلات اجتماعی و روانی برای دختران منجر شود.

در مجموع، این تحقیق با رویکرد استقرایی و روش گراند تئوری توانسته است به درک بهتری از ترومای اجتماعی و فرهنگی ترس از ازدواج دست یابد و توصیه‌هایی کاربردی برای بهبود وضعیت اجتماعی و روانی دختران مجرد در شهرستان شهرضا ارائه کند.

پیشنهادهای

۱- آموزش و ارتقاء مهارت‌های ارتباطی و تصمیم‌گیری در نوجوانان و جوانان: از منظر جامعه‌شناسی، یکی از علل اصلی ترس از ازدواج، نداشتن مهارت‌های ارتباطی موثر و توانایی تصمیم‌گیری در موقعیت‌های حساس است. در این راستا، پیشنهاد می‌شود که برنامه‌های آموزشی و کارگاه‌های مهارت‌آموزی در سطح مدارس و دانشگاه‌ها برای جوانان برگزار شود. این برنامه‌ها می‌تواند شامل آموزش مهارت‌های حل مسئله، مدیریت استرس، و ایجاد ارتباطات مثبت و مؤثر با جنس مخالف باشد. همچنین، این آموزش‌ها باید به گونه‌ای طراحی شوند که علاوه بر تقویت مهارت‌های فردی، تأکید بر جنبه‌های اجتماعی ازدواج و روابط طولانی‌مدت نیز داشته باشند.

۲- تقویت حمایت اجتماعی و خانوادگی: یکی از مهم‌ترین عواملی که می‌تواند بر ترس از ازدواج تأثیر بگذارد، نوع حمایت اجتماعی و خانوادگی است. از منظر جامعه‌شناسی، حمایت و پشتیبانی والدین و نزدیکان در تصمیمات ازدواج می‌تواند به کاهش ترس‌های فردی کمک کند. پیشنهاد می‌شود که دولت و نهادهای اجتماعی برنامه‌هایی برای تقویت روابط خانوادگی و ارتباطات سالم میان والدین و فرزندان طراحی کنند. این برنامه‌ها می‌تواند شامل مشاوره‌های خانوادگی، افزایش آگاهی والدین در مورد چالش‌های ازدواج و ایجاد فضایی برای گفت‌وگو و تبادل نظر بین والدین و فرزندان باشد.

۳- اصلاح نگرش‌های اجتماعی و فرهنگی درباره ازدواج: در بسیاری از جوامع، نگرش‌های کمال‌گرایانه و معیارهای سخت‌گیرانه در مورد ازدواج می‌تواند باعث ایجاد ترس و تردید در بین جوانان شود. از منظر جامعه‌شناسی، تغییر نگرش‌های اجتماعی و فرهنگی به ازدواج و نهاد خانواده می‌تواند تأثیر زیادی در کاهش ترس از ازدواج داشته باشد. پیشنهاد می‌شود که رسانه‌ها، نهادهای آموزشی و سازمان‌های غیردولتی در جهت اصلاح نگرش‌ها و آگاهی‌رسانی عمومی در مورد واقعیت‌های ازدواج، چالش‌های آن و همچنین ارزش‌های انسانی و اجتماعی این نهاد تلاش کنند. همچنین، باید به جوانان آموخته شود که ازدواج یک فرآیند مشترک است و هر فرد باید آماده مواجهه با واقعیت‌های آن باشد نه بر اساس تصورات غیرواقعی.

منابع

۱. احمدی، فائزه (۱۴۰۲) رابطه بین ارتباط پدر-دختر و سبک دلبستگی به پدر با ملاک‌های انتخاب همسر، نگرش و ترس‌های قبل از ازدواج. کارشناسی ارشد. گروه روانشناسی، موسسه آموزش عالی رحمان
۲. ایمان، محمد تقی (۱۳۹۴). روش شناسی تحقیقات کیفی، چاپ سوم، زمستان ۱۳۹۴، چاپ قم پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
۳. استراوس، انسلم؛ کربین، جولیت (۱۳۹۲). مبانی پژوهش کیفی ترجمه ابراهیم افشار. نشر نی
۴. مجله همشهری، ۲۸ اردیبهشت ۱۴۰۱).
۵. حبیب پورکتابی، اکرم؛ غفاری، غلامرضا (۱۳۹۰) علل افزایش سن ازدواج زن در توسعه و سیاست، پژوهش زنان، دوره ۹، شماره ۱، بهار ۱۳۹۰، ۷ تا ۳۴.
۶. خلیلی، زهرا. (۱۴۰۱). آینده پژوهی وضعیت ازدواج در نسل‌های آینده ایران در افق چشم انداز توسعه ۱۴۲۰ با تاکید بر الگوی خانواده موفق ایرانی. دکتری. دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندرعباس، دانشکده علوم انسانی.
۷. ریتزر، جرج (۱۳۸۰) نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر، مترجم طلعت الهیاری، تهران دائرة
۸. راه رخشان، محمد (۱۳۷۲) ترس از دیدگاه روانکاوی و نقش آن در شکل‌گیری شخصیت فردی و اجتماعی انسان، هامبورگ: داندلود الکترونیکی کتاب سبز صص ۱_۲۵.
۹. شلاپنتوخ، ولادیمیر (۱۳۹۵) نظم اجتماعی در جامعه معاصر: آثار منفی و مثبت ترس، ترجمه اصغر صارمی شهاب، تهران، جامعه‌شناسان.
۱۰. صدیق سروستانی، رحمت الله (۱۳۸۴) بررسی برخی از عوامل تهدید کننده امنیت اجتماعی، مجموعه مقالات امنیت اجتماعی، ج ۲، زیر نظر معاونت اجتماعی ناجا، تهران: نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، معاونت ناج.
۱۱. فتحی آشتیانی، علی احمدی، خدابخش (۱۳۷۸) بررسی عوامل محدود کننده و موانع موجود در ازدواج دانشجویان، مجله روان‌شناسی، سال سوم: شماره ۲ صفحات ۹۴ تا ۱۶۱.
۱۲. فخرائی، سیروس (۱۳۸۸) تفکر جامعه‌شناختی جفری الکساندر، دانشگاه پیام نور، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
۱۳. گیدنز، آنتونی (۱۳۷۳). جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
۱۴. محمودیان، حسین (۱۳۸۳) سن ازدواج در حال افزایش بررسی عوامل پشتیبان، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۴، ۶۹ تا ۸۵.
۱۵. بناری‌زاده، مسعود (۱۴۰۳) کاوش فرایندهای اجتماعی شکل‌گیری زیست مجردانه: مورد مطالعه مردان مجرد.

۱۶. شهر اهواز. دکتری. دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی، دانشگاه شهید چمران اهواز.

۱۷. سازمان برنامه و بودجه کشور، برنامه اجرایی استان اصفهان، شهرستان شهرضا، معاونت هماهنگی برنامه و

بودجه: ۱۳۹۹

۱۸. سینا خبر.

19. Amrin Amrin, State Islamic University Syarif Hidayatullah Jakarta, State Islamic
20. University Syarif Hidayatullah Jakarta, Adi Priyono,, State Islamic University Raden Mas Said Surakarta Supriyanto Supriyanto ,College of Teacher Training and Education Bim ,Vol. 11 No. 4 (2022): October: Law Science and Field, National and International Criminal Law
21. Author links open overlay panel Gillian Parker 1, Kristina M. Durante 2, Sarah E. Hill 3, Martie G. Haselton, (2022) Why women choose divorce: An evolutionary perspective, Current Opinion in Psychology, Volume 43, February 2022, Pages 300-306
22. Ren, J. (2022). Analysis of the psychological factors of contemporary youth's fear of marriage in China. International Journal of Frontiers in Sociology, 4(13), 31-34. <https://doi.org/10.25236/IJFS.2022.041305>.
23. Jeffrey c .A lexander (2012) TRAUMA A Social Theory , Polity Press 65 Bridge Street ,Cambridge CB2 1UR, UK ,Polity Press, 350 Main Street, Malden, MA 02148, USA

Journal of Social Sciences, Islamic Azad University, Shushtar Branch

Scientific-Research Quarterly

Vol. 18, No. 1 (Serial No. 2), Spring 2025

Received: January 30, 2025 Accepted: July 24, 2025

pp. 1–23

Title:

Exploring the Formation of Social and Cultural Trauma Related to Fear of Marriage Among Young Women Using Grounded Theory: A Case Study of Shahreza County

Authors:

Samaneh Shadmand^{*1}, Seyed Ali Hashemianfar², Saeed Aghasi³

¹ .PhD Candidate in Sociology, Islamic Azad University Dehaghan Branch,, Isfahan, Iran

² .Associate Professor, Department of Social Sciences, University of Isfahan, Iran

³ . Assistant Professor, Department of Management, Dehaghan Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran

Abstract:

This study, employing the Grounded Theory approach based on the Glaser and Strauss method, investigates the socio-cultural trauma and fear of marriage among single women in Shahreza County. Data were collected through observations, interviews, and document analysis, and were examined using the three-phase coding process (open, axial, and selective coding). After data collection, data classification and organization were carried out, and the categories were structured according to the central research questions. Eventually, the resulting theory was articulated in a relational model.

The findings reveal that fear of marriage is shaped by factors such as witnessing emotional failures in others, perfectionism, cultural expectations, and social and familial pressures. The core category identified in the study is "the ambiguity of the value of marriage and perfectionism," which generates conflicting perceptions and reinforces the fear of marriage. The study also proposes practical strategies to reduce such fears and enhance the individual and social skills of young women in order to prevent the adverse consequences associated with this fear.

Keywords: Trauma, Marriage, Fear, Social Factors, Cultural Conditions

^{*}Corresponding Author Email: samaneh.shadmand@iau.ir

تحلیل جامعه شناختی ترس از در حاشیه ماندن در زیست جهان دیجیتال:

(مدل سازی ساختاری تأثیرات اجتماعی و روان شناختی رسانه های اجتماعی شهر اهواز بر کاربران)

نرگس درویشی^{*}، سمیرا حیدری اصل^۲، نسرین درویشی^۳

۱- عضو گروه روان شناسی، واحد امیدیه، دانشگاه آزاد اسلامی، امیدیه، ایران.

۲- دکتری جامعه شناسی، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، اصفهان، ایران.

۳- دکتری جامعه شناسی، دبیر دبیرستان های اهواز، ایران.

چکیده

پژوهش حاضر، در راستای کاوشی عمیق و روشمند، به تحلیل جامعه شناختی پدیده ترس از در حاشیه ماندن (FoMO) در زیست جهان دیجیتال کاربران رسانه های اجتماعی شهر اهواز می پردازد. این مطالعه، با بهره مندی از تئوری های سترگ؛ مقایسه اجتماعی، سلسله مراتب نیازها، خودتعیین گری و سرمایه اجتماعی، زمینه ای استوار برای تبیین این تجربه نوپدید در سپهر دیجیتال فراهم آورده و فرضیاتی دقیق و منسجم از درون این دیدگاه ها استخراج نموده است. این تحقیق، در قالبی پیمایشی و با تکیه بر پرسشنامه ای سنجیده و برخوردار از اعتبار علمی، به گردآوری داده ها پرداخته است. جامعه آماری، تمامی شهروندان بالای ۱۵ سال شهر اهواز را در برمی گیرد که مطابق با آخرین سرشماری در سال ۱۳۹۵، تعداد آن ها ۱۲۰۰۰۰۰ نفر بوده است و حجم نمونه، با بهره گیری از ابزار پیشرفته Sample Power و به منظور اجرای آزمون همبستگی پیرسون، ۴۵۹ نفر تعیین گردیده است. داده ها در سال ۱۴۰۲، از طریق روش نمونه گیری سهمیه ای و با التزامی بی وقفه به اصول علمی گردآوری شده و با استفاده از نرم افزارهای SPSS و AMOS مورد تحلیل قرار گرفته اند. نتایج این پژوهش نشان داد میان متغیرهایی چون احساس انزوای اجتماعی، احساس محرومیت نسبی، مشارکت در رسانه های اجتماعی، رضایت از زندگی، جنس، سن و وضعیت اشتغال با متغیر فومو، پیوندهای معنادار وجود دارد. بخش ساختاری مدل حاکی از آن است که عواملی چون متغیر مشارکت در

رسانه‌های اجتماعی با دارا بودن ضریب (۰/۷۱) و رضایت از زندگی با دارا بودن ضریب (۰/۲۱-) و احساس محرومیت نسبی با دارا بودن ضریب (۰/۱۷) دارای همبستگی بیشتری با سازه فومو هستند. در مقابل، متغیر احساس انزوای اجتماعی با دارا بودن ضریب (۰/۱۳) دارای همبستگی کمتری با سازه فومو می‌باشد. این یافته‌ها، نه تنها بازتاب‌دهنده پیچیدگی‌های پنهان در زیست‌جهان دیجیتالند، بلکه بر ضرورت بازاندیشی عمیق در تجربه زیسته کاربران در مواجهه با پویایی‌های اجتماعی عصر دیجیتال تأکید دارد.

واژه‌های کلیدی: فومو، رسانه‌های اجتماعی، رضایت اجتماعی، احساس انزوای اجتماعی، احساس محرومیت نسبی

طرح مسأله

در سپهری که زیست‌جهان انسان معاصر، تحت تأثیر شگرف فن‌آوری‌های دیجیتال بازسازی شده، رسانه‌های اجتماعی، دیگر صرفاً ابزار ارتباط نیستند، بلکه به عرصه‌هایی برای بازتعریف هویت و تعاملات اجتماعی بدل گشته‌اند و بستری برای ظهور پدیده‌های نوین روان‌شناختی و جامعه‌شناختی، از جمله ترس از جا ماندن (فومو)، فراهم آورده‌اند. این پدیده، که در گفتمان علمی جهانی با عنوان (FoMO) "Fear of Missing Out" شناخته می‌شود، به اضطراب و هراسی اشاره دارد که افراد از احتمال محرومیت از تجربه‌ها، فرصت‌ها یا رویدادهای ارزشمند اجتماعی در قلمرو دیجیتال احساس می‌کنند؛ حالتی که در این زیست‌جهان نوین، با دسترسی بی‌وقفه به بازنمایی‌های گزینش‌شده و آرمانی از زندگی دیگران، ابعادی پیچیده و چندلایه یافته است (پرزبیلسکی و همکاران، ۲۰۱۳: ۱۸۴۱). فومو، که هم تجربه‌ای عاطفی در سطح فردی است و هم شاخصی برای سنجش جایگاه اجتماعی در سپهر دیجیتال، فراتر از یک مسأله روان‌شناختی، به سازه‌ای جامعه‌شناختی تبدیل شده که الگوهای کنشگری، پیوندهای اجتماعی و کیفیت زیست کاربران را تحت تأثیر قرار می‌دهد. با این حال، در حالی که این پدیده در سطح جهانی مورد کاوش‌های گسترده قرار گرفته، تحلیل ساختاری و بومی آن در جوامع در حال توسعه، به‌ویژه ایران و شهر اهواز با ویژگی‌های فرهنگی و جمعیتی متمایز، به گونه‌ای تأسف‌بار مغفول مانده است. این غفلت، شکافی آشکار در دانش جامعه‌شناسی ارتباطات پدید آورده و ضرورت بازنگری انتقادی این پدیده را در بافت‌های محلی برجسته می‌سازد؛ ضرورتی که این پژوهش با رویکردی ساختاری و در ترازای شایسته درصد پاسخگویی به آن است. این مطالعه، فومو را سازه‌ای چندساحتی می‌داند که در تلاقی جامعه‌شناسی دیجیتال و روان‌شناسی اجتماعی شکل می‌گیرد. این پدیده، ریشه در ادراک محرومیت از تجربه‌های اجتماعی و فشار ناشی از قیاس مداوم با دیگران دارد و در زیست‌جهان دیجیتال، جایی که پلتفرم‌هایی چون اینستاگرام و تلگرام، فضاهایی برای بازتولید هویت و کنش‌های اجتماعی‌اند، ابعادی متمایز و تشدیدشده می‌یابد.

فومو نه تنها اضطرابی درونی را هنگام غیاب از رخداد‌های به‌ظاهر ارزشمند برمی‌انگیزد، بلکه به‌عنوان نیرویی اجتماعی، رفتارهای دیجیتال کاربران، از جمله حضور افراطی در رسانه‌ها و انزوای ناشی از قیاس‌های نابرابر را بازسازی می‌کند (شین و همکاران، ۲۰۱۵: ۲۳).

در ایران، رسانه‌های اجتماعی به ابزاری برای جبران خلأ‌های اجتماعی، تأیید هویت و بازنمایی خود تبدیل شده‌اند و فومو در این بستر، با ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی خاص درهم تنیده شده است.

زیست‌جهان دیجیتال، با بازتعریف کنش‌های اجتماعی از طریق این پلتفرم‌ها، فضایی چندلایه برای تکوین این پدیده ایجاد کرده که با نمایش تصاویر آرمانی از زندگی دیگران، کاربران را در چرخه‌ای از قیاس اجتماعی، محرومیت نسبی، انزوای اجتماعی و کاهش خشنودی از زندگی گرفتار می‌سازد (کوهن، ۲۰۰۸: ۳۲۱؛ دینر و همکاران، ۱۹۸۵: ۷۱). نفوذ سریع رسانه‌های اجتماعی در میان جوانان و ساکنان کلان‌شهرهای ایران، این مسأله را به چالشی برجسته بدل کرده که بدون تحلیل ساختاری، فهم پیامدهای آن در سطوح محلی و جهانی ناقص خواهد ماند. هدف این پژوهش، تبیین جامعه‌شناختی ترس از جا ماندن (فومو) در زیست‌جهان دیجیتال کاربران رسانه‌های اجتماعی شهر اهواز است که با رویکردی ساختاری و بهره‌گیری از مدل‌سازی معادلات ساختاری (SEM) دنبال می‌شود. این

مطالعه با بررسی روابط میان متغیرهای کلیدی چون انزوای اجتماعی، محرومیت نسبی، مشارکت در رسانه‌ها و رضایت از زندگی، الگویی جامع ارائه می‌دهد که نه تنها چگونگی تکوین این پدیده را در بافتی بومی روشن می‌سازد، بلکه تأثیرات اجتماعی و روان‌شناختی آن را بر کاربران، به‌صورتی نظام‌مند تبیین می‌کند. این پژوهش، فراتر از توصیف‌های سطحی، در پی خلق دانشی نو و انتقادی است که شکاف‌های موجود را پر کرده و بنیانی برای سیاست‌گذاری‌های اجتماعی و مداخلات روان‌شناختی فراهم آورد. این هدف، پاسخ به نیازی مبرم برای فهم عمیق‌تر پدیده‌های دیجیتال در جوامع در حال توسعه، به‌ویژه ایران است؛ جایی که رسانه‌های اجتماعی، فراتر از کارکردهای ارتباطی، به فضاهایی برای بازسازی هویت و جبران خلأهای زیست واقعی تبدیل شده‌اند.

انتخاب اهواز به‌عنوان حوزه مطالعه، بر ویژگی‌های یگانه فرهنگی، جمعیتی و اجتماعی آن استوار است. این کلان‌شهر در جنوب غربی ایران، با تنوع قومیتی، جوانی جمعیت و دسترسی گسترده به فناوری‌های دیجیتال، بستری متمایز برای کاوش این پدیده فراهم می‌آورد. اهواز، به‌واسطه موقعیت جغرافیایی و بافت اجتماعی پویا، جمعیتی را در خود جای داده که به‌طور خاص به رسانه‌های اجتماعی برای تعاملات اجتماعی و بازنمایی هویت وابسته‌اند. جوانان این شهر، که بخش عمده کاربران این رسانه‌ها را تشکیل می‌دهند، به‌دلیل ویژگی‌های جمعیتی و فرهنگی، از این رسانه‌ها به‌عنوان ابزاری برای تقویت پیوندهای اجتماعی و ارتقای جایگاه خویش بهره می‌جویند. این ویژگی‌ها، اهواز را به کانونی بومی برای مطالعه فومو بدل می‌سازد؛ کانونی که غفلت از تحلیل آن، درک این پدیده را در جوامع مشابه ناقص می‌گذارد. اهمیت و ضرورت این پژوهش، هم از منظر علمی و هم از منظر عملی، غیرقابل انکار است. از منظر علمی، فومو به‌عنوان سازه‌ای چندساختی که بر سلامت روان و الگوهای تعامل اجتماعی اثر می‌گذارد، شایسته بررسی‌هایی است که از توصیف فراتر رفته و روابط ساختاری میان متغیرها را کاوش کند.

این پدیده، با پیوندهایش به انزوای اجتماعی، محرومیت نسبی و کاهش رضایت از زندگی، فهمی عمیق‌تر می‌طلبد که به غنای دانش جهانی در جامعه‌شناسی ارتباطات و دیجیتال یاری رساند. از منظر عملی، پیامدهای این پدیده در بافت اهواز، به‌عنوان کلان‌شهری پویا و چندفرهنگی، بر الگوهای تعامل اجتماعی و کیفیت زیست ساکنان اثرگذار است؛ پیامدهایی که بدون تحلیل دقیق، از دید سیاست‌گذاران و متخصصان پنهان می‌ماند. این پژوهش همچنین به بومی‌سازی دانش جهانی نیاز دارد؛ چراکه فومو، هرچند در جوامع غربی شناخته شده است، در جوامع در حال توسعه مانند ایران، با ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی متمایز، نیازمند بازنگری است تا الگویی متناسب با این بافت‌ها ارائه شود. غفلت از این ضرورت، نه تنها شکافی در دانش محلی ایجاد می‌کند، بلکه ظرفیت مداخلات مؤثر را محدود می‌سازد. خلأیی آشکار در شناخت جامعه‌شناختی این پدیده در زیست‌جهان دیجیتال کاربران ایرانی، به‌ویژه در اهواز، این پژوهش را به چالشی حیاتی بدل کرده است. مسأله اصلی این مطالعه، تبیین چگونگی تکوین فومو در زیست‌جهان دیجیتال کاربران رسانه‌های اجتماعی اهواز و بررسی تأثیرات اجتماعی و روان‌شناختی آن بر ایشان است. پرسش‌های مشخص پژوهش عبارتند از:

- آیا انزوای اجتماعی، به‌معنای گسست از پیوندهای معنادار، با فومو رابطه‌ای مثبت دارد؟ آیا محرومیت نسبی، به‌معنای ادراک نابرابری در قیاس با دیگران، این پدیده را تشدید می‌کند؟

- آیا مشارکت در رسانه‌های اجتماعی، به معنای کنش‌های فعال و منفعل در سپهر دیجیتال، با فومو هم‌بستگی دارد؟

- آیا رضایت از زندگی، به معنای ارزیابی ذهنی کیفیت زیست، با فومو رابطه‌ای معکوس دارد؟

- چگونه متغیرهای دموگرافیک، شامل سن، جنس و وضعیت اشتغال، این روابط را تعدیل می‌کنند؟

این پژوهش با بهره‌گیری از مدل‌سازی معادلات ساختاری (SEM) روشی پیشرو در تحلیل روابط پیچیده علوم اجتماعی، الگویی جامع و بومی ارائه می‌دهد که پاسخ‌هایی روشن و مستدل به این پرسش‌ها فراهم می‌آورد.

فرضیه‌های پژوهش

۱. به نظر می‌رسد بین احساس انزوای اجتماعی کاربران رسانه‌های اجتماعی و فومو رابطه وجود دارد.
۲. به نظر می‌رسد بین احساس محرومیت نسبی کاربران رسانه‌های اجتماعی و فومو رابطه وجود دارد.
۳. به نظر می‌رسد بین میزان مشارکت کاربران در رسانه‌های اجتماعی و فومو رابطه وجود دارد.
۴. به نظر می‌رسد بین رضایت از زندگی کاربران و فومو رابطه وجود دارد.
۵. به نظر می‌رسد بین سن، جنس و وضعیت اشتغال کاربران رسانه‌های اجتماعی و فومو رابطه وجود دارد.

چشم‌انداز نظری

در جهان معاصر که تحت سیطره فناوری‌های ارتباطی و رسانه‌های اجتماعی قرار گرفته است، تجربه زیسته افراد از مناسبات اجتماعی، هویت‌یابی و تعاملات میان‌فردی به نحو بنیادینی دگرگون شده است. فضای دیجیتال، که به تعبیر لوفور (۱۹۹۱) گونه‌ای از «فضای بازنمایی‌شده» را خلق می‌کند، نه تنها بستری برای بازتولید روابط اجتماعی سنتی است، بلکه خود صورتی نوین از واقعیت را شکل می‌دهد که در آن بازنمایی از امر واقع، گاه اهمیت بیشتری نسبت به خود واقعیت می‌یابد. در این بافتار، فومو (احساس ترس از دست دادن)، به عنوان پدیده‌ای برآمده از تعاملات دیجیتال، دلالت بر اضطرابی دارد که ناشی از تصور عدم مشارکت در تجارب ارزشمند اجتماعی است. این احساس که به واسطه رسانه‌های اجتماعی تشدید می‌شود، امری صرفاً روان‌شناختی نبوده، بلکه دارای ابعاد جامعه‌شناختی ژرفی است که در پرتو نظریه‌های مدرن و متأخر جامعه‌شناسی قابل بررسی است.

نظریه مقایسه اجتماعی لئون فستینگر^۱ (۱۹۴۵)

در نظریه مقایسه اجتماعی معتقد است که افراد همواره خود را در قیاس با دیگران مورد سنجش قرار می‌دهند تا بتوانند جایگاه اجتماعی، توانایی‌ها و ارزش‌های خود را ارزیابی کنند. این فرایند مقایسه‌ای می‌تواند صعودی (مقایسه خود با افرادی که از موقعیت برتری برخوردارند) یا نزولی (مقایسه با افرادی که در وضعیت فروتری قرار دارند) باشد. در زیست‌جهان دیجیتال، رسانه‌های اجتماعی، بستری برای بازتولید مقایسه‌های صعودی فراهم می‌کنند، چرا که کاربران عموماً بخش‌های مطلوب و گزینشی از زندگی خود را به نمایش می‌گذارند، در حالی که واقعیت زیسته آنان ممکن است پیچیده‌تر و گاه دشوارتر از آن باشد که در قاب‌های تصویری و متون شبکه‌های اجتماعی انعکاس می‌یابد. از این رو، این مقایسه‌های نابرابر، احساس نارضایتی را در کاربران تشدید کرده و آنان را به سمت تجربه‌ای از فومو سوق می‌دهد، زیرا همواره تصور می‌کنند که «دیگری» در حال تجربه‌ای برتر است (جود، ۲۰۱۹).

^۱ Social Comparison Theory (Festinger)

نظریه سلسله‌مراتب نیازهای مازلو^۱ (۱۹۴۳)

براساس نظریه مازلو، نیازهای انسانی در پنج سطح دسته‌بندی می‌شوند: نیازهای فیزیولوژیک، نیاز به امنیت، تعلق و محبت، احترام و خودتحقق‌بخشی. در این میان، نیاز به تعلق، از جایگاهی کلیدی برخوردار است، زیرا افراد برای احساس امنیت روانی و اجتماعی خود، همواره در پی پیوند با گروه‌ها و اجتماع‌های انسانی‌اند. در زیست‌جهان دیجیتال، رسانه‌های اجتماعی به‌عنوان ابزارهایی برای تحقق این نیاز عمل می‌کنند؛ اما در عین حال، ماهیت الگوریتمی این رسانه‌ها، که توجه کاربران را به محتوای خاصی جلب می‌کند، می‌تواند موجب شود که فرد تصور کند از چرخه تعاملات اجتماعی حذف شده یا فرصت‌های ارزشمندی را از دست داده است. در این راستا، احساس فومو می‌تواند نه تنها اضطراب فردی، بلکه نوعی سرخوردگی اجتماعی را در پی داشته باشد؛ زیرا کاربران ممکن است گمان کنند که برای حفظ موقعیت خود در گروه‌های اجتماعی، باید به‌طور مداوم در جریان فعالیت‌های دیگران قرار داشته باشند (مازلو، ۱۳۷۶).

نظریه خودتعیین‌گری دسی و رایان^۲ (۱۹۸۵)

در نظریه خودتعیین‌گری، بر سه نیاز اساسی روان‌شناختی تأکید دارند: خودمختاری، شایستگی و ارتباط. در این میان، نیاز به ارتباط، که دلالت بر احساس پیوند معنادار با دیگران دارد، به‌عنوان یکی از محرک‌های اصلی تعامل در رسانه‌های اجتماعی شناخته می‌شود. هنگامی که این نیاز در فضای واقعی به‌درستی برآورده نمی‌شود، افراد به رسانه‌های اجتماعی پناه می‌برند تا این خلأ را پر کنند. با این حال، پارادوکس فومو در اینجاست که هرچه فرد بیشتر درگیر رسانه‌های اجتماعی می‌شود، احتمال افزایش اضطراب ناشی از «جا ماندن» از تجربیات جمعی بیشتر می‌شود. این وضعیت، نوعی خودنظارتی مداوم ایجاد می‌کند که به‌واسطه عدم تحقق نیازهای ارتباطی و تعاملات اجتماعی معنادار، چرخه‌ای از اضطراب و نارضایتی را پدید می‌آورد (جود، ۲۰۱۹).

نظریه سرمایه اجتماعی^۳

سرمایه اجتماعی، مفهومی که پوتنام^۴ (۲۰۰۰) و بوردیو^۵ (۱۹۸۶) بر آن تأکید داشته‌اند، به منابعی اشاره دارد که فرد از طریق شبکه‌های اجتماعی خود به دست می‌آورد، ازجمله حمایت اجتماعی، اطلاعات و فرصت‌های اقتصادی و فرهنگی. در زیست‌جهان دیجیتال، رسانه‌های اجتماعی، بستر جدیدی برای انباشت و مبادله سرمایه اجتماعی ایجاد کرده‌اند؛ اما در عین حال، هنگامی که فرد احساس کند که به‌اندازه کافی در این شبکه‌ها فعال نیست یا تعاملات او کمتر از دیگران مورد پذیرش قرار می‌گیرد (مثلاً از طریق تعداد لایک‌ها، اشتراک‌گذاری‌ها یا کامنت‌ها)، ممکن است تصور کند که سرمایه اجتماعی او رو به کاهش است. این احساس می‌تواند در بلندمدت منجر به تقویت فومو شود؛ زیرا فرد برای حفظ و افزایش سرمایه اجتماعی خود، به حضور مستمر و نظارت دائم بر فعالیت‌های دیگران در رسانه‌های اجتماعی روی می‌آورد.

^۱ . Hierarchy of Needs Theory (Maslow)

^۲ . Self-Determination Theory (Deci & Ryan)

^۳ . Social Capital Theory

^۴ . Putnam

^۵ . Bourdieu

پدیده فومو در زیست‌جهان دیجیتال را باید در بستر تحولات اجتماعی و فرهنگی بررسی کرد. از یک سو رسانه‌های اجتماعی، امکانات بی‌سابقه‌ای برای برقراری ارتباط، مشارکت اجتماعی و کسب سرمایه اجتماعی فراهم کرده‌اند؛ اما از سوی دیگر این فضاها، بستری برای مقایسه‌های مداوم، بازتولید نابرابری‌های اجتماعی و تقویت اضطراب اجتماعی شده‌اند.

فومو را می‌توان به مثابه محصولی از این فرایندهای متداخل در نظر گرفت که در آن، فرد همواره در تلاش است تا از «دیگری دیجیتال» عقب نماند. مواجهه انتقادی با این پدیده، مستلزم بازاندیشی در شیوه‌های مصرف رسانه‌های اجتماعی، تقویت تعاملات اجتماعی معنادار و گسترش آگاهی نسبت به ماهیت گزینشی و ساختگی بازنمایی‌های دیجیتال است.

جدول ۱. استخراج متغیرها از تئوری‌های متفکران

متغیرها	تئوری‌های متفکران
احساس انزوای اجتماعی و فومو	خود تعیین‌گری دسی و رایان * مقایسه اجتماعی فستینگر
احساس محرومیت نسبی و فومو	مقایسه اجتماعی فستینگر * سرمایه اجتماعی پوتنام و بورديو
میزان مشارکت کاربران در رسانه‌های اجتماعی و فومو	خود تعیین‌گری دسی و رایان * سرمایه اجتماعی پوتنام
رضایت از زندگی	سلسله مراتب نیازهای مازلو
سن، جنس و وضعیت تأهل	تحقیقات پیشین (مطالعات مربوط به تأثیر ویژگی‌های جمعیت‌شناختی بر فومو)

تعاریف مفاهیم بنیادین پژوهش

برای تبیین دقیق پژوهش حاضر، تعاریف مفاهیم بنیادین آن به شرح زیر ارائه می‌شود:

۱. فومو^۱

ترس از جا ماندن، به عنوان یک پدیده روان‌شناختی و اجتماعی، به نگرانی و اضطراب افراد در مواجهه با احتمال از دست دادن فرصت‌های اجتماعی یا تجربیات منحصر به فرد اطلاق می‌شود. این ترس، به‌ویژه در بستر فضای دیجیتال و رسانه‌های اجتماعی تشدید می‌شود؛ جایی که افراد به‌طور مداوم در معرض مقایسه‌های اجتماعی و تصاویری از زندگی‌های ایده‌آل دیگران قرار دارند. فومو نه تنها به صورت یک تجربه فردی، بلکه به‌عنوان معیاری برای سنجش هویت اجتماعی و ارزش فردی در نظر گرفته می‌شود. فومو به صورت پیچیده‌ای با احساسات نارضایتی، مقایسه‌های اجتماعی و نیاز به تأیید اجتماعی در ارتباط است (پرزبیلسکی^۲ و همکاران، ۲۰۱۳: ۱۸۴۱). احساس انزوای اجتماعی^۳ به معنای تجربه بی‌ارتباطی و فاصله گرفتن فرد از شبکه‌های اجتماعی معنادار و روابط انسانی است. این احساس ممکن است به دلیل ناتوانی در برقراری ارتباطات عمیق و معنادار با دیگران ایجاد شود. انزوای اجتماعی نه تنها به فقدان روابط فیزیکی و اجتماعی اشاره دارد، بلکه به‌طور ویژه به ناتوانی در ایجاد روابط معنادار و تأثیرگذار در زندگی

^۱ . Fear of Missing Out - FOMO

^۲ . Przybylski

^۳ . Perceived Social Isolation

فردی و اجتماعی می‌پردازد. در دنیای دیجیتال، انزوای اجتماعی می‌تواند به دلیل عمق سطحی ارتباطات آنلاین و فقدان تعاملات واقعی تقویت شود، که به‌ویژه در معرض احساس فومو قرار می‌گیرد (شین و همکاران، ۲۰۱۵: ۲۳).

۲. احساس محرومیت نسبی^۱

محرومیت نسبی به احساسات نارضایتی و ناامیدی ناشی از مقایسه فرد با دیگران و ناتوانی در دستیابی به منابع یا فرصت‌های مشابه اشاره دارد. این پدیده به‌ویژه زمانی در بستر رسانه‌های اجتماعی شدت می‌یابد که افراد زندگی‌های ایده‌آل و موفق دیگران را مشاهده می‌کنند و خود را در موقعیت کم‌تری در مقایسه با دیگران می‌یابند. به‌طور ویژه این نوع محرومیت ناشی از اختلاف میان انتظارات فرد و واقعیت‌های موجود در زندگی اجتماعی اوست (کوهن، ۲۰۰۸: ۳۲۱). محرومیت نسبی می‌تواند به ایجاد احساس فومو و اضطراب اجتماعی منجر شود؛ به‌ویژه هنگامی که فرد احساس کند فرصت‌های اجتماعی و ارتباطات مهم را از دست داده است.

۳. میزان مشارکت کاربران در رسانه‌های اجتماعی^۲

میزان مشارکت در رسانه‌های اجتماعی به مقدار و نوع فعالیت‌های فرد در پلتفرم‌های دیجیتال اطلاق می‌شود که شامل تولید محتوا، تعامل با دیگران از طریق لایک‌ها، کامنت‌ها، و اشتراک‌گذاری هاست. میزان مشارکت می‌تواند تأثیرات روان‌شناختی متعددی از جمله تقویت هویت فردی و اجتماعی، افزایش تعاملات اجتماعی و تقویت سرمایه اجتماعی به همراه داشته باشد (پرستی و شوارد، ۲۰۱۸: ۴۵). در عین حال، این مشارکت می‌تواند به احساس فومو منجر شود؛ زیرا افراد به‌طور مداوم خود را در معرض مقایسه‌های اجتماعی و رقابت‌های دیجیتال قرار می‌دهند.

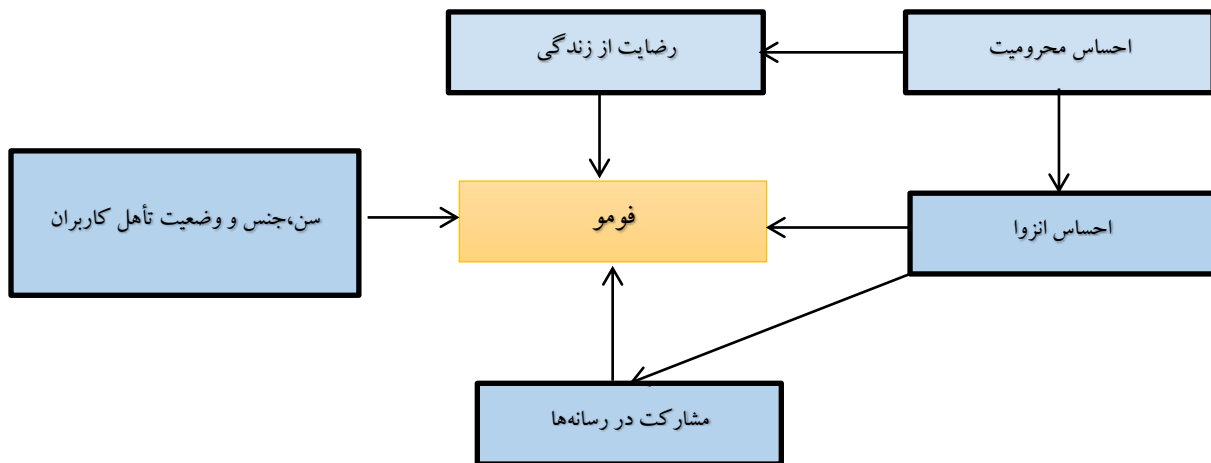
۴. رضایت از زندگی^۳

رضایت از زندگی، به‌عنوان ارزیابی کلی فرد از کیفیت زندگی خود در نظر گرفته می‌شود که از طریق مقایسه میان خواسته‌ها و دستاوردهای واقعی آن‌چه که فرد در زندگی خود تجربه می‌کند، تعریف می‌شود (هایلی و کنی، ۲۰۱۹: ۶۷). طبق این نظر، رضایت از زندگی در جهان دیجیتال به‌شدت تحت تأثیر مقایسه‌های اجتماعی قرار می‌گیرد. در این فضا، تجربه‌های دیجیتال و تصویرسازی‌های آنلاین از زندگی‌های ایده‌آل، ممکن است نارضایتی از زندگی واقعی را به‌ویژه در مقایسه با استانداردهای دیجیتال، برجسته کند. بنابراین، رضایت از زندگی در فضای دیجیتال می‌تواند به‌ویژه در مواجهه با احساس فومو، دچار تغییرات مهمی شود.

^۱ Perceived Relative Deprivation

^۲ Social Media Engagement Level

^۳ Life Satisfaction



شکل ۱- مدل مفهومی پژوهش

پیشینه تجربی پژوهش

جدول ۲. پیشینه تجربی

نویسندگان	یافته‌ها
اسدی و شریفی (۱۴۰۱)	نویسندگان در مقاله‌ای تحت عنوان تدوین و اعتبارسنجی مقیاس ترس از در حاشیه ماندن در جامعه ایرانی به بررسی ویژگی‌های روانسنجی سازگاری مقیاس ترس از در حاشیه ماندن در میان جمعیت نوجوان و جوان ایرانی ۱۶ تا ۲۴ ساله در اردبیل پرداخته‌اند. یافته‌های این پژوهش نشان داده است که پرسشنامه ترس از در حاشیه ماندن با سه خرده مقیاس فقدان، اجبار و مقایسه و ۱۸ سوال، از لحاظ روانسنجی از پایایی و برازندگی خوبی برخوردار است.
حسینی و همکاران (۱۴۰۱)	نویسندگان در مقاله‌ای تحت عنوان هیجان‌های منفی، ترس از در حاشیه ماندن و قربانی قلدری سایبری: یک مدل معادلات ساختاری برای نوجوانان به این نتایج دست یافتند که اولین فضای مجازی مورد استفاده نوجوانان مورد مطالعه اینستاگرام بوده است. یافته‌های این مطالعه بیانگر اثر مستقیم هیجان‌های منفی بر ترس از حاشیه ماندن و قربانی قلدری است و ترس از در حاشیه ماندن نیز بر قربانی قلدری سایبری اثر مستقیم دارد.
بایرامی و همکاران (۱۳۹۸)	نویسندگان در اثر پژوهشی خود تحت عنوان بررسی ارتباط ترس از در حاشیه ماندن و استفاده از شبکه‌های اجتماعی در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی ارومیه به این نتایج دست یافتند که میان زمان صرف شده در رسانه‌های اجتماعی با ترس از در حاشیه ماندن و همچنین افسردگی ارتباط معنادار وجود دارد.
جود (۲۰۱۹)	از نظر نویسندگان فومو ترس فراگیری است که زندگی فرد را در بر می‌گیرد و با استفاده از رسانه‌های اجتماعی هم‌تایان تشدید می‌شود. مطالعه‌ای که انجام شده است نشان داده است که ۶۲٪ از پاسخ‌دهندگان از اینکه چیزی ممکن است در جای دیگر اتفاق بیفتد نگرانی دارند. این مطالعه بر اهمیت مطالعه فومو به عنوان مفهومی مهم در کشور آفریقای جنوبی تأکید می‌کند. این مطالعه با هدف بررسی رابطه بین رضایت از زندگی و فومو انجام شده است، نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که رضایت از زندگی و فومو با هم ارتباط معناداری دارند.

دمپسی ^۱ و همکاران (۲۰۱۹)	در این تحقیق، محققان به بررسی تأثیر متغیرهایی از جمله اضطراب اجتماعی، میزان استفاده از فیس بوک و همچنین سن و جنس و رضایت از زندگی بر فومو پرداخته اند. نتایج مدل ساختاری در این تحقیق نشان داده است که اضطراب اجتماعی و میزان استفاده از فیسبوک و فومو با هم ارتباط معنی دار مثبتی داشته اند اما میان رضایت از زندگی و فومو ارتباط معنادار منفی وجود داشته است یعنی هر چه رضایت از زندگی افراد پایین تر باشد میزان فومو در آن ها بیشتر است و بالعکس.
کارگیل (۲۰۱۹)	نویسنده، به دنبال ایجاد مقیاسی است تا نگرانی افراد را از این که تا چه اندازه تلفن همراه خود را برای از دست ندادن ارتباط خود با دیگران ارزیابی کند. نتایج تجزیه و تحلیل نشان داده است که مقیاس ساخته شده در پنج حوزه بعد اجتماعی، ابعاد عمومی، اخبار، ابعاد کار / مدرسه و ایمنی از نظر قابلیت اطمینان آزمون از سازه ی خوبی برخوردار است. یافته های این تحقیق نشان داده است که این مقیاس با استفاده از گوشی های هوشمند و بررسی مداوم تلفن همراه ارتباط مثبت دارد.
جزئین ^۲ و همکاران (۲۰۱۷)	نتایج این پژوهش نشان داده است که زنان و مردان در سطح فومو تفاوت معناداری دارند. یافته های این پژوهش نشان می دهد که مدت زمان در دست داشتن تلفن هوشمند بر فومو اثرگذار است و بین این دو ارتباط معناداری وجود دارد و میان تعداد رسانه های اجتماعی که فرد از آن ها استفاده می کند و فومو ارتباط معناداری وجود دارد. علاوه بر این، میان مدت زمان استفاده از رسانه های اجتماعی و فومو نیز رابطه معناداری وجود دارد.
فاستر ^۳ و همکاران (۲۰۱۷)	در این پژوهش، به بررسی ارتباط میان فومو، رسانه های اجتماعی و اعتیاد به تلفن همراه با استفاده از مدل ال پی ای، پرداخته شده است. نتایج این پژوهش، نشان داد که در کاربرانی که استفاده کمی از رسانه های اجتماعی داشته اند، میزان فومو و اعتیادشان به تلفن همراه کمتر بوده است و افرادی که استفاده زیادی از رسانه های اجتماعی داشته اند و امکان آسیب پذیری آن ها از تلفن همراه و رسانه های اجتماعی به علت اختلالاتی که داشته اند بیشتر بوده است، میزان فومو و اعتیاد به تلفن همراه بیشتری داشته اند.
ابل (۲۰۱۶)	نتایج این پژوهش نشان داده است که افرادی که احساس بی ارزشی بیشتر و اضطراب و زودرنجی بالا و اعتماد به نفس پایین تری است، فومو بیشتری دارند. نویسندگان در مقیاس خود در سنجش فومو از سؤالات مربوط به ترس و نگرانی و اضطراب ناشی از بی اطلاع بودن از حوادث و تجربیاتی و گفتگوهایی که در یک گروه اجتماعی رخ می دهد استفاده کرده اند.
میچوت ^۴ و همکاران (۲۰۱۶)	این مطالعه ارتباط میان فومو و حضور در رسانه های اجتماعی را در میان مردم فرانسه بررسی می کند. نتایج این پژوهش نشان داد که ارتباط میان فومو و حضور در رسانه های اجتماعی معنادار بوده است. گروهی که وقت آزاد داشتند بیشتر از گروه کنترل از رسانه های اجتماعی استفاده کرده بودند. علاوه بر این، تفاوت معنادار اندکی میان جنس و فومو و استفاده از رسانه های اجتماعی وجود داشت. در مورد فومو، مردان فومو کمتری از زنان داشتند.
پریزیلسکی و همکاران (۲۰۱۳)	این مطالعه فومو را در رابطه با عوامل جمعیت شناختی، بهزیستی، عوامل رفتاری و انگیزشی مورد بررسی قرار داده است. نتایج آنها حاکی از آن است که جوانان سطح بالاتری از فومو دارند و علاوه کسانی که رضایت کمتری از نیازهای روانشناختی (ارتباط با دیگران، خودمختاری، شایستگی) دارند، سطح بالاتری از فومو را نشان دادند. علاوه بر این فومو با حالات عمومی و رضایت از زندگی ارتباط منفی داشته است و با حضور فرد در رسانه های اجتماعی مرتبط بوده است.

1. Dempsey

2. Gezin

3. Fuster

4. Michot

نویسندگان براساس یافته‌های تحقیق خود نتیجه می‌گیرند افرادی که فومو دارند به طور منظم تلفن همراه خود را بررسی می‌کنند و در بین گروه‌های سنی، افراد بین ۱۳ تا ۳۳ سال فومو بیشتری دارند. ۶۵٪ از پاسخ دهندگان این تحقیق اظهار داشتند که وقتی تلفن همراه خود را کنار می‌گذارند این ترس را دارند که دوستانشان در نبود آنها کاری انجام دهند.	ایتلیجنس ^۱ و همکاران (۲۰۱۱)
---	--

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش، با تأملی ژرف در پویایی‌های زیست‌جهان دیجیتال، رویکردی کاربردی و پیمایشی را در چارچوبی توصیفی-تحلیلی سامان داده تا با نگاهی روش‌مند، پیوندهای چندساحتی سازه‌های پدیده ترس از جا ماندن (FOMO) را در سپهر معاصر جامعه‌شناختی تبیین نماید. مدل‌سازی معادلات ساختاری، به‌مثابه ابزاری پیشگام، برای کاوش این روابط برگزیده شده که با بنیان نظری پژوهش، متکی بر نظریه‌های سترگ جامعه‌شناسی، هم‌سویی استواری دارد. جامعه آماری، تمامی شهروندان بالای ۱۵ سال اهواز را در بر می‌گیرد که تعداد آن‌ها مطابق آخرین سرشماری کشور در سال ۱۳۹۵ حدود ۱۲۰۰۰۰۰ نفر است. حجم نمونه، با بهره‌جویی از نرم‌افزار Sample Power (سطح معناداری ۰/۰۵، توان آماری ۰/۸۰، اندازه اثر ۰/۳۰)، ۴۵۹ نفر تعیین شد. شیوه نمونه‌گیری این تحقیق از نوع تصادفی چند مرحله‌ای بوده است و روش اجرای آن نیز به این صورت بوده است که در ابتدا از بین مناطق مختلف شهر اهواز بعضی از محله‌های شهر اهواز از جمله: کوی رمضان، کوی مهدیس، گلستان، شهرک دانشگاه، محله نادری (مرکز شهر) به صورت تصادفی برگزیده شدند و پس از آن، از هر محله، دو خیابان اصلی به صورت تصادفی انتخاب شده، با اطمینان از اینکه شهروند ساکن شهر اهواز هستند، از اولین فرد ملاقات‌شده‌ی بالای ۱۵ سال خانوار، خواسته شد تا پرسشنامه را تکمیل کند. ابزار پژوهش، پرسشنامه‌ای سنجیده است که با محوریت فرد، متغیرهای مشارکت در رسانه‌های اجتماعی، رضایت از زندگی، انزوای اجتماعی، محرومیت نسبی و ترس از جا ماندن را می‌کاود. روایی آن با قضاوت خبرگان و پایایی‌اش با ضریب آلفای کرونباخ (بالای ۰/۷) پس از آزمونی مقدماتی بر ۳۰ نفر اثبات شد. داده‌ها در سال ۱۴۰۲ به صورت غیرحضوری گرد آمدند، با التزامی استوار به موازین اخلاقی چون رضایت آگاهانه و محرمانگی. تحلیل در دو ساحت صورت گرفت: توصیفی (با SPSS نسخه ۲۶، دربرگیرنده میانگین و فراوانی‌ها) و استنباطی (با AMOS نسخه ۲۴، از رهگذر مدل‌سازی معادلات ساختاری)، که برازش آن با معیارهای متعارف سنجیده شد.

جدول ۴. تعداد نمونه در نرم افزار sample power

نام متغیر	corr	Vs	N cases	CI level	lower	upper	Tails	Alpha	Power
انزوا و فومو	۰.۷۹	۰.۰۰	۸	۰.۹۵۰	۰.۱۹	۰.۹۶	۲	۰.۵۰	۰.۸۵۷
محرومیت و فومو	۰.۵۱	۰.۰۰	۲۵	۰.۹۵۰	۰.۱۴	۰.۷۵	۲	۰.۵۰	۰.۸۱۰
مشارکت و فومو	۰.۲۵	۰.۰۰	۱۲۰	۰.۹۵۰	۰.۰۷	۰.۴۱	۲	۰.۵۰	۰.۸۰۱
رضایت از زندگی و فومو	۰.۱۳	۰.۰۰	۴۵۹	۰.۹۵۰	۰.۰۴	۰.۲۲	۲	۰.۵۰	۰.۸۰۰

¹. Intelligence

یافته‌های پژوهش الف) یافته‌های توصیفی

جدول ۵. مشخصات پاسخگویان پرسشنامه‌ها

شاخص	سنجه	فراوانی	شاخص	سنجه	فراوانی
جنس	زن	۲۱۶	وضعیت تأهل	مجرد	۲۶۱
	مرد	۲۴۳		متأهل	۱۹۸
	کل	۴۵۹		کل	۴۵۹
سن	۱۵-۲۵	۱۱۶	تحصیلات	زیر دیپلم	۳۱
	۲۶-۳۵	۱۴۱		دیپلم	۱۴۶
	۳۶-۴۵	۱۱۹		فوق دیپلم	۱۷
	۴۶-۵۵	۵۱		لیسانس	۱۳۸
	۵۶-۶۵	۳۲		فوق لیسانس و بالاتر	۱۲۵
	کل	۴۵۹		کل	۴۵۹

ب) یافته‌های استنباطی

آزمون فرضیات

فرضیه اول: نتایج تحلیل همبستگی پیرسون، نشان‌دهنده وجود رابطه‌ای معنادار ($r = 0.65$) بین احساس انزوای اجتماعی و پدیده فومو (ترس از جا ماندن) است. این یافته، حاکی از آن است که انزوای اجتماعی به‌عنوان یک متغیر مستقل، تأثیر مستقیمی بر شدت فومو دارد؛ به‌طوری‌که افزایش احساس انزوا با تشدید فومو و کاهش آن با تضعیف فومو همراه است. این رابطه می‌تواند بیانگر پویایی‌های اجتماعی-روانی در بستر تعاملات مدرن باشد.

فرضیه دوم: بر اساس نتایج آزمون پیرسون، بین احساس محرومیت و فومو، رابطه‌ای معنادار ($r = 0.52$) مشاهده می‌شود. این ارتباط دلالت بر آن دارد که ادراک محرومیت نسبی، به‌عنوان یک عامل انگیزشی، فومو را تقویت می‌کند؛ به‌گونه‌ای که با افزایش احساس محرومیت، فومو تشدید شده و با کاهش آن، این پدیده فروکش می‌کند. این یافته با نظریه‌های محرومیت نسبی در جامعه‌شناسی هم‌راستا به نظر می‌رسد.

فرضیه سوم: تحلیل همبستگی پیرسون، وجود رابطه‌ای معنادار ($r = 0.51$) بین میزان مشارکت در رسانه‌های اجتماعی و فومو را تأیید می‌کند. این نتیجه نشان می‌دهد که افزایش تعاملات در فضای مجازی به‌عنوان یک متغیر محیطی، با شدت گرفتن فومو ارتباط دارد، در حالی که کاهش این مشارکت به کاهش فومو منجر می‌شود. این یافته بر نقش واسطه‌ای رسانه‌های اجتماعی در شکل‌گیری اضطراب‌های اجتماعی تأکید دارد.

فرضیه چهارم: آزمون پیرسون، رابطه‌ای معنادار و معکوس ($r = -0.48$) بین رضایت از زندگی و فومو را آشکار می‌سازد. این همبستگی منفی، بیانگر آن است که افزایش رضایت از زندگی، به‌عنوان یک عامل محافظتی، فومو را کاهش می‌دهد؛ در حالی که کاهش این رضایت با تشدید فومو همراه است. این رابطه معکوس، پیوند میان بهزیستی ذهنی و آسیب‌پذیری در برابر فشارهای اجتماعی را برجسته می‌کند.

فرضیه پنجم:

الف) نتایج تحلیل واریانس یک‌راهه ($F = 3.358, Sig = 0.000$) نشان‌دهنده تفاوت معنادار در سطح فومو بین گروه‌های سنی مختلف است. این یافته بر تأثیر متغیرهای دموگرافیک، به‌ویژه سن، بر تجربه فومو دلالت دارد و ضرورت بررسی چرخه زندگی در مطالعات جامعه‌شناختی این پدیده را مطرح می‌کند.

ب) آزمون تی مستقل ($T = 1.611, Sig = 0.000$) تفاوت معناداری را در میزان فومو، بین زنان و مردان تأیید می‌کند. این نتیجه می‌تواند بازتاب‌دهنده تفاوت‌های جنسی در ادراک اجتماعی و مواجهه با فشارهای فرهنگی باشد که نیازمند تحلیل عمیق‌تر در چارچوب نظریه‌های جنسیتی است.

ج) تحلیل واریانس یک‌راهه ($F = 18.02, Sig = 0.000$) وجود تفاوت معنادار بین وضعیت اشتغال و فومو را نشان می‌دهد. نتایج آزمون تعقیبی شفه نیز حاکی از آن است که افراد بدون شغل در مقایسه با سایر گروه‌ها، فومو بیشتری را تجربه می‌کنند. این یافته بر پیوند میان ناامنی اقتصادی-اجتماعی و شدت فومو تأکید دارد و می‌تواند به‌عنوان شاخصی برای تحلیل نابرابری‌های ساختاری مورد توجه قرار گیرد.

الگوسازی معادلات ساختاری

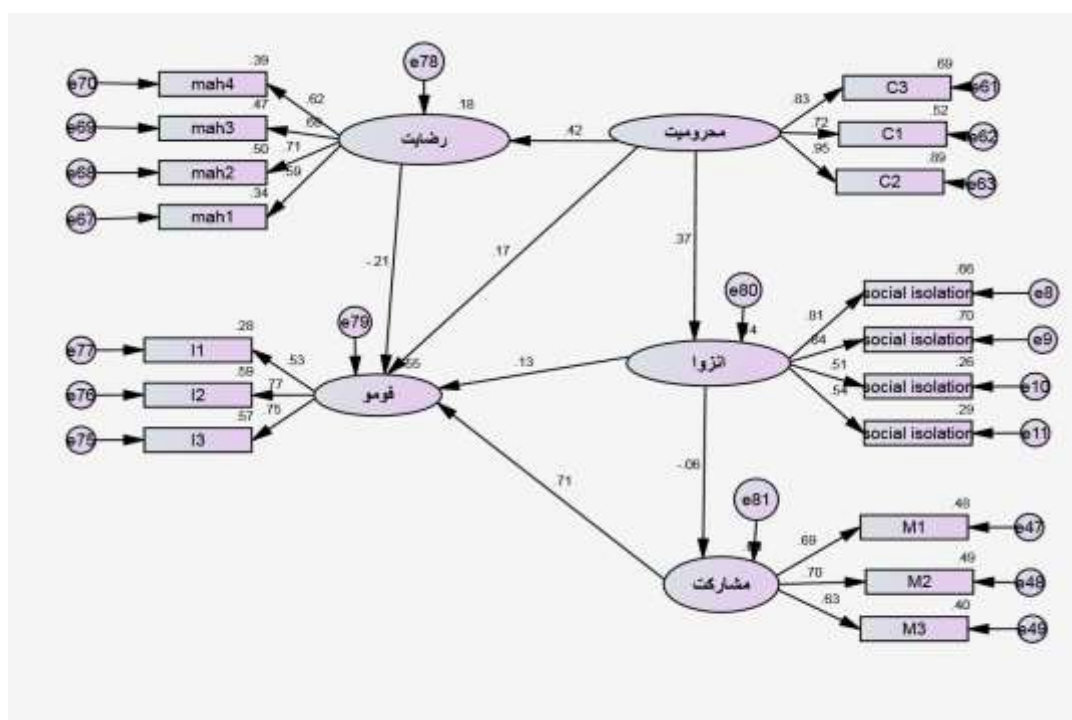
با کاربرد Amos Graphics در این بخش، به بررسی اعتبار سازه‌ای ابزار اندازه‌گیری و ارزیابی نیکویی برازش مدل پیشنهادی پرداخته شده است. این تحلیل با استفاده از نرم‌افزار Amos Graphics و بر اساس داده‌های گردآوری شده مرتبط با متغیرهای استخراج شده از فرضیه‌ها، انجام پذیرفته است. نتایج در بخش اندازه‌گیری مدل، حاکی از آن است که بیشتر معرف‌های متغیرهای مکنون^۱ به صورت نسبتاً مناسبی بر سازه‌های مربوطه بارگذاری شده‌اند که این امر نشان‌دهنده کفایت نسبی ابزار اندازه‌گیری در بازنمایی مفاهیم نظری است. یافته‌های مدل معادلات ساختاری نشان می‌دهد که شاخص‌های تطبیقی برازش (Goodness-of-Fit Indices) مقادیر بالاتر از ۰/۹۰ را به دست داده‌اند. این سطح از برازش، بیانگر آن است که مدل پیشنهادی از توان کافی برای فاصله گرفتن از یک مدل مستقل^۲ و نزدیک شدن به یک مدل اشباع شده^۳ برخوردار است که این امر بر اساس معیارهای استاندارد تعریف شده برای این شاخص‌ها تأیید می‌شود. چنین نتایجی بر قدرت تبیینی مدل و انطباق آن با داده‌های تجربی دلالت دارد. در بخش ساختاری مدل، تحلیل روابط بین متغیرها، نشان‌دهنده تفاوت در شدت تأثیر متغیرهای مستقل بر سازه فومو (ترس از جا ماندن) است. متغیر «مشارکت در رسانه‌های اجتماعی» با ضریب مسیر استاندارد شده ۰/۷۱، قوی‌ترین

^۱ . Latent Variables

^۲ . Independence Model

^۳ . Saturated Model

همبستگی مثبت را با فومو نشان می‌دهد. در مقابل، «رضایت از زندگی» با ضریب $0/21$ رابطه‌ای معکوس و معنادار را با این سازه آشکار می‌سازد. هم‌چنین «احساس محرومیت نسبی» با ضریب $0/17$ تأثیر مثبت و قابل توجهی بر فومو دارد. این سه متغیر، به دلیل وزن بالاتر در محاسبات مربوط به سازه مکنون فومو، از اهمیت بیشتری برخوردارند. در مقابل، «احساس انزوای اجتماعی» با ضریب $0/13$ کمترین همبستگی را با فومو نشان می‌دهد و در نتیجه در محاسبات وزن کمتری به آن اختصاص می‌یابد. این تفاوت در ضرایب مسیر، نشان‌دهنده سلسله مراتب تأثیرگذاری متغیرها بر پدیده فومو در چارچوب این مدل است. علاوه بر این، تحلیل روابط بین متغیرهای مستقل نیز حاکی از وجود همبستگی‌های معنادار است. «احساس محرومیت نسبی» با «رضایت از زندگی» و «انزوای اجتماعی» ارتباط دارد که می‌تواند بازتاب‌دهنده پیوندهای پیچیده، میان این سازه‌ها در بستر اجتماعی باشد. هم‌چنین، بین «مشارکت در رسانه‌های اجتماعی» و «انزوای اجتماعی» رابطه‌ای ضعیف، مشاهده می‌شود که این یافته می‌تواند به‌عنوان نقطه‌ای برای تحلیل‌های تکمیلی در زمینه تعاملات دیجیتال و انزوا مورد توجه قرار گیرد.



مدل ۲. مدل معادله ساختاری

جدول ۶. نتایج ارزیابی برازش الگوی پیشنهادی بر اساس شاخص‌های برازندگی

DF	P	Chi-square	RMSEA	GFI	IFI	DF/CMIN
۳۶۷	۰/۰۰	۱۶۴/۹۶	۰/۰۶	۰/۸۹	۰/۹۱	۳/۴۰

از آنجا که معیارهای $GFI=0/89$ ، $TLI=0/93$ و $IFI=0/91$ نزدیک به یک می‌باشند، حاکی از برازش زیاد مدل و معیار $RMSEA=0/068$ ، حاکی از عملکرد ضعیف باقیمانده‌ها در مدل است.

بحث و نتیجه گیری

هرچند پدیده فومو (ترس از جا ماندن) به خودی خود، مفهومی نو ظهور نیست، اما اهمیت و گسترش بحث پیرامون آن به طور چشمگیری با ظهور فناوری های نوین، به ویژه رسانه های اجتماعی هم زمان شده است. بررسی الگوهای استفاده از رسانه های اجتماعی در ایران، نشان دهنده ابعاد گسترده این پدیده است. داده ها در شهر اهواز (نمونه مورد مطالعه) نشان می دهد که دست کم ۷۰ درصد ساکنان این کلان شهر، از یک شبکه اجتماعی استفاده می کنند. این گسترش فزاینده استفاده از رسانه های اجتماعی در ایران می تواند پیامدهایی چون: کاهش تمایل جوانان به مشارکت های اجتماعی و فعالیت های مدنی و هم چنین تضعیف مهارت های اجتماعی آن ها را در پی داشته باشد که این امر به نوبه خود، به تشدید فومو دامن می زند. در پژوهش حاضر، پنج فرضیه مبتنی بر نظریه های دسی و رایان (نظریه خودتعیین گری)، فستینگر (نظریه مقایسه اجتماعی)، مازلو (سلسله مراتب نیازها) و مطالعات پیشین تدوین و از طریق آزمون های همبستگی مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان داد که متغیرهایی چون احساس محرومیت نسبی، انزوای اجتماعی، میزان مشارکت در رسانه های اجتماعی، رضایت از زندگی، جنس، سن و وضعیت اشتغال با فومو رابطه ای معنادار دارند. این یافته ها با نتایج پژوهش های میچوت و همکاران (۲۰۱۷) و جزئین و همکاران (۲۰۱۷) در مورد تأثیر جنس و سن بر فومو هم راستاست. همچنین، ارتباط معنادار وضعیت اشتغال با فومو با مطالعه میچوت و همکاران (۲۰۱۷)، و رابطه رضایت از زندگی با فومو با تحقیقات پرزیبلسکی (۲۰۱۳)، جود (۲۰۱۷) و دمپسی و همکاران (۲۰۱۹) هم خوانی دارد. این انطباق ها بر اعتبار نتایج این مطالعه و جایگاه آن در چارچوب ادبیات جهانی این حوزه تأکید می کند.

پیشنهادهای کاربردی

یافته های این پژوهش نشان داد که احساس انزوای اجتماعی و فقدان تعاملات انسانی، از عوامل کلیدی اثرگذار بر فومو هستند. از این رو، خانواده ها می توانند با تقویت روابط عاطفی سالم و فراهم سازی بسترهای مناسب برای گذران اوقات فراغت، مانع از جایگزینی زندگی مجازی با تعاملات واقعی شوند. این امر به ویژه برای افرادی که اوقات فراغت بیشتری دارند و در نتیجه در معرض فومو شدیدتری قرار می گیرند، اهمیت دارد. هم چنین نهادهای اجرایی و سیاست گذاران می توانند با طراحی برنامه های فرهنگی و تفریحی جذاب و ایجاد فرصت های شغلی، زمینه کاهش وابستگی به رسانه های اجتماعی و تقویت روابط واقعی را فراهم آورند که این اقدامات به نوبه خود فومو را کاهش می دهد. هم چنین این پژوهش نشان داد که احساس محرومیت نسبی و رضایت از زندگی نیز از متغیرهای کلیدی اثرگذار بر فومو هستند. رسانه های اجتماعی و جمعی با تسهیل مقایسه اجتماعی، افراد را به بررسی مداوم زندگی دیگران و تشدید فومو سوق می دهند. از این رو، پیشنهاد می شود سیاست گذاران با توزیع عادلانه منابع، کاهش نابرابری های طبقاتی و توجه به تعادل میان انتظارات ارزشی (خواسته ها) و توانایی های ارزشی (دارایی ها)، احساس محرومیت نسبی را کاهش و رضایت از زندگی را افزایش دهند. این اقدامات می تواند تمایل افراد را به کسب اطلاعات مداوم از دیگران برای مقایسه کاهش داده و فومو را تعدیل کند. □ با توجه به نقش رسانه های اجتماعی به عنوان ابزاری برای انتقال فرهنگ و جذابیت بالای آن ها برای جوانان، نهادهایی چون سازمان صدا و سیما، سازمان ملی جوانان و نهادهای فرهنگی می توانند از نتایج این پژوهش بهره گیرند. طراحی برنامه های پرمحتوا، آموزشی و

سرگرم کننده برای پر کردن اوقات فراغت جوانان، اطلاع رسانی درباره پیامدهای منفی استفاده بیش از حد از رسانه های اجتماعی و کاهش زمینه های مقایسه اجتماعی از طریق محتوای هدفمند، می تواند به کاهش فومو کمک کند.

پیشنادهای پژوهشی

- انجام تحقیقات گسترده تر برای شناسایی سایر عوامل مؤثر بر فومو با استفاده از رویکردهای ترکیبی..
- بررسی عمیق تر عوامل اجتماعی و روانشناختی مرتبط با فومو از طریق روش های کیفی، مانند مصاحبه های عمیق و تحلیل روایی، به منظور درک بهتر ابعاد زمینه ای این پدیده..
- سرمایه های فرهنگی می تواند نقش محرومیت نسبی (۱۷/۰) و وضعیت اشتغال را در شدت این پدیده تبیین کند.
- مطالعات بین رشته ای با تأکید بر روان شناسی شناختی-اجتماعی: ترکیب روش های کیفی و کمی برای بررسی مکانیزم های شناختی (مثل توجه به رسانه ها) و سازه های اجتماعی (مثل محرومیت) می تواند درک عمیق تری از فومو ارائه دهد.
- تحلیل تطبیقی فومو در جوامع در حال گذار: مقایسه ایران با جوامع مشابه (مانند ترکیه) می تواند تأثیر ساختارهای کلان (مثل دیجیتال سازی) بر فومو را روشن کرده و یافته ها را تعمیم پذیر سازد.

منابع

۱. اسدی، هانا؛ شریفی، فواد. (۱۴۰۱). تدوین و اعتبار سنجی مقیاس ترس از در حاشیه ماندن در جامعه ایرانی. فصلنامه پژوهش های کاربردی در مشاوره. ۵(۲). ۱۶۹-۱۴۷.
۲. بایرامی، رقیه؛ مقدم تبریزی، فاطمه؛ طالبی، عرفانه؛ ابراهیمی، سمیرا. (۱۳۹۸). بررسی ارتباط ترس از در حاشیه ماندن و استفاده از شبکه های اجتماعی در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی ارومیه. مجله پرستاری و مامایی، ۱۷ (۵)، ۳۵۵-۳۶۲.
۳. چلبی، مسعود؛ امیرکافی، مهدی. (۱۳۸۳). «تحلیل چند سطحی انزوای اجتماعی». مجله جامعه شناسی ایران، دوره پنجم، شماره دوم، صص ۳۱-۳. زمستان.
۴. حسینی اسفیدواجانی، مطهره السادات؛ قربان جهرمی، رضا؛ درتاج، فربرز؛ حسینی، سید بشیر. (۱۴۰۲). هیجان های منفی، ترس از در حاشیه ماندن و قربانی قلدری سایبری: یک مدل معادلات ساختاری برای نوجوانان. پژوهش های روانشناسی اجتماعی، ۱۳(۴۹)، ۱۰۱-۹۱.
۵. قاسمی، وحید؛ عدلی پور، صمد؛ برندگی، بدری. (۱۳۹۵). «تبیین رابطه استفاده از شبکه اجتماعی فیسبوک با هویت جنسی دانشجویان دانشگاه اصفهان». مجله علمی-پژوهشی رسانه و فرهنگ، سال ششم، شماره دوم، صص ۱۰۰-۷۷. پاییز و زمستان.
۶. کوهن، آلوین استنفورد. (۱۳۹۶). تئوری های انقلاب (ترجمه علیرضا طیب). تهران، نشر: قومس.
۷. مازلو، آبراهام. (۱۳۷۶). انگیزش و شخصیت (ترجمه احمد رضوانی). مشهد، آستان قدس، چاپ اول.
۸. ممتاز، فریده. (۱۳۸۵). انحرافات اجتماعی، نظریه ها و دیدگاه ها، تهران: شرکت سهامی انتشار.

۹. هزار جریبی، جعفر، صفری شالی، رضا. (۱۳۸۸). بررسی رضایت از زندگی و جایگاه احساس امنیت در آن

، پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد، فصلنامه علمی- پژوهشی انتظام اجتماعی، سال اول، شماره سوم.

10. Abel, Jessica P., Cheryl L. Buff, and Sarah A. Burr. (2016). **Social media and the fear of missing out: Scale development and assessment.** "Journal of Business & Economics Research (Online) 14.1 (2016): 33.
11. Cargill, M. (2019). **The relationship between social media addiction, anxiety, the fear of missing out, and interpersonal problems** (Doctoral dissertation, University of Akron).
12. Dempsey, A.E., O'Brien, K.D., Tiamiyu, M.F., & Elhai, J.D. (2019). **Fear of missing out (FoMO) and rumination mediate relations between social anxiety and problematic Facebook use.** Addictive Behaviors Reports, 9, 100150.
13. Fuster, H., Chamarro, A., and Oberst, U. (2017). **Fear of Missing Out, online socials networking and mobile phone addiction: A latent profile approach,** Revista de Psicologia, Ciències de l'Educació i de l'Esport: Aloma 35(1), 23-30
14. Gezgin, D.M., Hamutoglu, N.B., Gemikonakli, O., & Raman, I. (2017). **Social networks users: fear of missing out in preservice teachers.** Journal of Education and Practice, 8(17), 156-168.
15. Intelligence, J.W.T. (2011). **Fear of Missing Out.** Retrieved May 10, 2013, from http://www.jwtintelligence.com/production/FOMO_JWT_TrendReport_May2011.pdf.
16. Jood, T.E. (2017). **Missing the present for the unknown: the relationship between fear of missing out (FoMO) and life satisfaction.** University of South Africa, Master Thesis.
17. Michot, D., Blancot, C., & Munoz, B.B.B. (2016). **Relationship between fear of missing out and social media engagement in a French population sample.** - Przybylski, A.K., Murayama, K., DeHaan, C.R., & Gladwell, V. (2013). **Motivational, emotional, and behavioral correlates of fear of missing out.** Computers in Human Behavior, 29(4), 1841-1848.
18. Przybylski, A.K., Murayama, K., DeHaan, C.R., & Gladwell, V. (2013). **Fear of missing out scale.** PsycTESTS Dataset. DOI, 10.
19. Swar, B., & Hameed, T. (2017, February). **Fear of missing out, social media engagement, smartphone addiction and distraction: Moderating role of self-help mobile apps-based interventions in the youth.** In International Conference on Health Informatics (Vol. 6, pp. 139-146). scitepress.
20. Cargill, M. (2019). **The Fear of Missing Out: A Psychological Perspective.** Journal of Media Psychology, 6(1), 1-12.
21. DataReportal. (2023). **Global social media statistics 2023.** Retrieved from <https://datareportal.com>
22. Judd, S. (2017). **FOMO and the Modern Digital Landscape.** CyberPsychology Journal, 10(2), 5-15.
23. Judd, S. (2019). **Anxiety and Digital Comparison: The Social Cost of FOMO.** Journal of Digital Behavior, 30(3), 25-40.
24. Przybylski, A. K., Murayama, K., DeHaan, C. R., & Gladwell, V. (2013). **Motivational, emotional, and behavioral correlates of fear of missing out.** Computers in Human Behavior, 29(4), 1841-1848.
25. Turkle, S. (2023). **Reclaiming Conversation: The Power of Talk in a Digital Age.** Penguin Books.
26. Oxford English Dictionary. (2015). **Definition of "Fear of Missing Out (FOMO)".** Retrieved from <https://www.oed.com>
27. Shin, S. J., Lee, S. M., & Kim, J. H. (2015). **Social isolation and its effects on well-being: A psychological perspective.** Journal of Social and Personal Relationships, 32(3), 10-25.
28. Cohen, S. (2008). **Relative deprivation and its impact on mental health and behavior.** Social Science & Medicine, 67(7), 1082-1089.
29. Presti, G., & Schwab, C. (2018). **The effects of social media engagement on social identity and psychological well-being.** Journal of Digital Psychology, 22(2), 47-62.

30. -Hailey, S., & Kenny, P. (2019). **Life satisfaction in the digital age: The role of social comparison and FOMO**. *Journal of Cyberpsychology*, 30(4), 123-137.

Journal of Social Sciences, Islamic Azad University, Shushtar Branch

Scientific-Research Quarterly

Vol. 18, No. 1 (Serial No. 2), Spring 2025

Received: February 6, 2025 Accepted: July 27, 2025

pp. 24–43

Sociological Analysis of FoMO in the Digital Lifeworld: Structural Modeling of Social and Psychological Effects on Social Media Users in Ahvaz

:Authors

*Narges Dorvishi¹, Samira Heydari Asl², Nasrin Dorvishi³

1-Department of psychology, Omidiyeh Branch, Islamic Azad University, Omidiyeh, Iran

2- Ph.D. in Sociology, Dehaghan Branch, Islamic Azad University, Dehaghan, Isfahan, Iran

3. Ph.D. in Sociology, High School Teacher, Ahvaz, Iran

Abstract

This study undertakes a rigorous and systematic sociological analysis of the Fear of Missing Out (FoMO) within the digital lifeworld of social media users in Ahvaz, Iran. Grounded in robust theoretical frameworks—namely social comparison theory, hierarchy of needs, self-determination theory, and social capital—this research establishes a solid foundation for explicating this emergent phenomenon in the digital sphere, deriving precise and coherent hypotheses from these perspectives. Employing a survey-based design, data were collected using a carefully validated questionnaire with established scientific credibility. The target population encompasses all residents of Ahvaz aged 15 and above, with a sample size of 459 participants determined using the advanced Sample Power tool to facilitate Pearson correlation analysis. Data were gathered in 2023 through quota sampling, adhering steadfastly to scientific principles, and analyzed using SPSS and AMOS software. The findings reveal significant associations between FoMO and variables such as social isolation, relative deprivation, social media engagement, life satisfaction, gender, age, and employment status. Structural modeling indicates that social media engagement ($\beta = 0.71$), life satisfaction ($\beta = -0.21$), and relative deprivation ($\beta = 0.17$) exhibit stronger correlations with the FoMO construct, while social isolation ($\beta = 0.13$) demonstrates a comparatively weaker association. These results not only illuminate the hidden complexities of the digital lifeworld but also underscore the urgent need for a profound reconsideration of users' lived experiences amid the social dynamics of the digital age. Keywords: FoMO, social media, social satisfaction, social isolation, relative deprivation

Sociological Analysis of FoMO in the Digital Lifeworld: Structural Modeling of Social and Psychological Influences on Social Media Users in Ahvaz Samira Heidari, Nasrin Darvishi, Narges Darvishi Abstract This study provides a systematic sociological examination of the Fear of Missing Out (FoMO) within the digital lifeworld of social media users in Ahvaz, Iran. Anchored in established theoretical frameworks—including social comparison theory, Maslow's hierarchy of needs, self-determination theory, and social capital—this research constructs a robust basis for elucidating this emerging phenomenon in the digital realm and formulates precise hypotheses derived from these perspectives. Utilizing a survey methodology, data were collected via a rigorously validated questionnaire from a population comprising all Ahvaz residents aged 15 and older. A sample of 459 participants was determined using Sample Power software to support Pearson correlation analysis. Data, collected in 2023 through quota sampling with strict adherence to scientific standards, were analyzed using SPSS and AMOS. Findings indicate statistically significant relationships between FoMO and variables such as social isolation, relative deprivation,

* Corresponding Author drdarvishinarges@gmail.com

social media engagement, life satisfaction, gender, age, and employment status. Structural equation modeling reveals that social media engagement ($\beta = 0.71$), life satisfaction ($\beta = -0.21$), and relative deprivation ($\beta = 0.17$) exhibit the strongest correlations with FoMO, whereas social isolation ($\beta = 0.13$) demonstrates a weaker association. These findings highlight the intricate dynamics of the digital lifeworld and emphasize the critical need for deeper reflection on users' lived experiences within the evolving social landscape of the digital era.

Keywords : FoMO, social media, life satisfaction, social isolation, relative deprivation.

بررسی پیامدهای اجتماعی، اقتصادی و روانی افراد در مناطق زلزله زده (مطالعه موردی: زلزله زدگان سرپل ذهاب)

سیما پرشو^{۱*}، سیدناصر حجازی^۲، اصغر محمدی^۳

^{۱-} دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران.

^{۲-} عضو گروه علوم اجتماعی، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران.

^{۳-} عضو گروه علوم اجتماعی، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران.

چکیده

زلزله از جمله پدیده‌هایی است که به هنگام وقوع، جامعه را با مخاطرات و نابسامانی‌های متعدد مواجه می‌سازد. کشور ایران از جمله کشورهایی است که در پهنه گسترده خود با گسل‌های پر شمار و بزرگی مواجه است. این پژوهش با رویکرد جامعه‌شناختی، با هدف بررسی پیامدهای اجتماعی، اقتصادی و روانی بازماندگان زلزله غرب کرمانشاه و با روش پیمایش انجام شده است. جمعیت آماری شامل تمامی افراد ۱۸ سال به بالای شهرستان سرپل ذهاب می‌شود. برای تعیین نمونه آماری (۴۱۱ نفر) از فرمول کوکران، و برای گردآوری اطلاعات از پرسشنامه محقق ساخته استفاده گردید. تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز با بهره‌گیری از نرم آماری SPSS در دو بخش آمار توصیفی و آمار استنباطی انجام گردید. یافته‌ها نشان داد که وقوع زلزله بر تمامی متغیرهای تحقیق با $(sig=0/001)$ در سطح آلفای ۰.۰۵ بر احساس امنیت اجتماعی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی، انطباق‌پذیری شهروندان، همبستگی اجتماعی با دیگران، تقدیرگرایی، احساس امنیت اقتصادی، تغییرات شغلی، سلامت روانی، تاب‌آوری و تکلیف‌مداری برابر خدا تأثیر دارد.

کلمات کلیدی: پیامدهای زلزله، زلزله زدگان، سرپل ذهاب

۱- مقدمه

زلزله از جمله حوادث مهمی است که زندگی فردی و اجتماعی بخشی از جامعه را تحت تأثیر مستقیم می‌گذارد. این حادثه، بخشهای دیگر جامعه را نیز به طور غیر مستقیم متأثر می‌کند. از طرفی، سیستم‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، دینی و نظامی هر جامعه ای هم به اجبار ناگزیر از مداخله در پیامدهای آن هستند؛ چرا که پیامدهای این اتفاق زمین شناختی، ابعاد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و روانی دارد و زلزله زدگان، تا سالهای دور در آینده و حتی تا زندگی نسل سوم، به طور ذهنی و عینی و به اجبار، تحت تأثیر این پیامدها و عواقب هستند. وقوع زلزله که یکی از دردناک‌ترین بلایای طبیعی در دنیاست، خسارت‌های جانی و مالی بسیاری را می‌تواند به همراه داشته باشد (تکرا، ۱۳۹۶). سانحه اختلال شدید روانی و اجتماعی که تا حد زیادی فراتر از توانایی جامعه آسیب دیده برای مقابله می‌باشد (سازمان بهداشت جهانی، ۲۰۱۷: ۲۴۶). بحران‌ها از لحاظ ماهیت بزرگی و شدت تفاوت‌های اساسی دارند که می‌توانند پتانسیل‌های اجرایی سازمان‌های درگیر را دچار اختلال نمایند. مدیریت بحران زلزله یک موضوع مدیریت صرف نمی‌باشد بلکه تابع ویژگی‌های ژئوفیزیکی ساختگاه و ویژگی‌های مهندسی مستحذات است (هوشمندزاده، ۱۳۸۴: ۲۲). خسارات وارد بر ساختمان‌ها به علت تعدد آن‌ها و ساکنین، باعث تلفات جانی بسیار و خسارات مالی سنگین خواهد شد. آسیب‌های وارد بر شبکه گاز و برق منجر به آتش‌سوزی نیز خواهد شد و قطعی این شریان‌ها و ترمیم آن‌ها مدت‌ها به طول خواهد انجامید. در پژوهش ارزیابی فضایی کارایی شبکه ارتباطی دورن شهری برای امداد رسانی بعد از وقوع زلزله نیز به این نتیجه رسیده اند که باید تراکم ساختمانی و جمعیتی در معابر کم عرض کاهش یابد و از افزایش درجه محصوریت و ساختن ساختمان‌های مرتفع در مسیرهای آسیب پذیر جلوگیری به عمل آید (سالکی ملکی و همکاران، ۱۳۹۲: ۸). همچنین یکی از اولویت‌های بازسازی و بازتوانی جوامع سانحه دیده، بهبود عملکردهای اجتماعی و رفتاری آن‌ها پس از رخداد چنین وقایع و بازتوانی روانی است (بورکه^۱، ۲۰۱۴: ۲). کشور ایران از جمله کشورهایی است که در پهنه گسترده خود با گسل‌های پر شمار و بزرگی مواجه است. ایران در همین سده اخیر زلزله‌های ویرانگر و بزرگی چون لار، طبس، بوین‌زهرا، رودبار و منجیل، بم، اهر و ورزقان را از سر گذرانده است. در زلزله رودبار و منجیل در سال ۱۳۶۹، ۳۵۰،۰۰۰ نفر جان خود را از دست دادند. بیش از ۲۰۰ هزار واحد مسکونی تخریب و حدود ۵۰۰،۰۰۰ تن بی‌خانمان شدند. در دی ماه سال ۱۳۸۲ بار دیگر در بم زمین لرزید، ۵۰ هزار نفر قربانی، و ۱۰۰ هزار نفر بی‌خانمان شدند. از یک طرف پیامدهای اجتماعی و انسانی زلزله محدود به مناطق آسیب دیده نیست بلکه ممکن است برخی پیامدها و تأثیرات پایدار و واسطه‌ای آن حتی ده‌ها سال بعد نمودار شود؛ برای مثال، وجود بیش از ۲۰۰۰ کودک بی سرپرست و نگهداری آن‌ها در مراکزی همچون بهزیستی بر تعاملات اجتماعی آینده آن‌ها تأثیرات پایداری خواهد داشت. از طرف دیگر، شرایط محیطی و انسانی ای که زلزله در آن واقع و تبدیل به بحران شده، بر دامنه، عمق، و از وضعیت پایداری و جهت این پیامدها مؤثر است (زنادیا و سونگ، ۲۰۰۳: ۵۶). همچنین آثار تخریبی زلزله که جان انسان‌ها را به خطر می‌اندازد، منحصر به ریزش آوار نیست. رانش زمین، وقوع بهمن، آتش‌سوزی، روانگرایی خاک، سونامی و حتی سیل می‌تواند جان انسان‌هایی که در معرض زلزله هستند به خطر بیاندازد. از آثار و پیامدهای بعد از زلزله می‌توان به بروز بیماری‌ها و آسیب‌های روانی شدید اشاره کرد که لازم است به آن توجه ویژه ای گردد. زلزله و سایر بلایا بر افراد اثر یکسانی ندارند، بعضی‌ها نسبت به دیگران آسیب پذیری بیشتری دارند؛ کودکان، زنان، سالمندان و معلولین و کسانی که تنها زندگی می‌کنند یا از نظر مالی ضعیف هستند و افراد بی سواد دچار عوارض روانی بیشتری می‌شوند. تحلیل ادبیات موضوع نشان می‌دهد که روند رو به رشد و فزاینده شهرنشینی و جمعیت شهری به عنوان عاملی برای خسارات زیاد به

¹ - Burke

هنگام بروز بلایای طبیعی می‌باشد (عبدالهی، ۱۳۸۲: ۱۱۱). زمین‌لرزه ۱۳۹۶ کرمانشاه به بزرگی ۷/۳ ریشتر در نزدیکی ازگله در ۳۲ کیلومتری جنوب غربی شهر حلبچه عراق ایران رخ داد. این زلزله یکی از بزرگترین زلزله‌های تاریخ کشور بود که بر اثر این زلزله در حدود ۶۰۰ نفر از افراد کشته شدند و در حدود ۱۰ هزار نفر زخمی گشتند همچنین منازل بسیاری دچار خسارت‌های مالی شدند. در زلزله کرمانشاه افراد بسیاری به خاطر از دست دادن ناگهانی خانواده و اطرافیان خود دچار حالت شوک شدند، چرا که در این حالت حادثه غیر قابل پیش‌بینی او را غافلگیر می‌کند. و خسارت‌های به وجود آمده بدون شک تا سال‌ها اثرات روانی بر مردم منطقه خواهد گذاشت. بنابراین مسئله‌ی اصلی در این پژوهش بررسی پیامدهای اجتماعی، اقتصادی و روانی افراد در مناطق زلزله زده غرب کرمانشاه می‌باشد.

۲-۱- پیشینه تحقیقات انجام شده

جدول ۱. پیشینه داخلی و خارجی تحقیق

پژوهش	سال	عنوان مطالعه	نتایج
شاگردی	۱۳۸۴	بهداشت روانی آسیب‌دیدگان و امدادگران در جریان وقوع سوانح و ارائه راهکارهای مناسب جهت تامین سلامت روانی	نتایج گویای آنست که در شرایط عادی تمام افراد جامعه نیازمند برخورداری از سلامت روانی هستند که لزوم تامین این نیاز آشنایی مسئولین ذیربط با بهداشت روانی احساس می‌شود.
گودرزی	۱۳۹۰	رابطه‌ی نگرش مذهبی و علایم اختلال استرس پس از سانحه در زلزله زدگان شهرستان بم	نگرش مذهبی تنها قادر بود مولفه‌های ناتوانی در مهار عاطفی و افسردگی مقیاس اشل را به صورت معکوس پیش‌بینی کند.
عباسی بوروندی و همکاران	۱۳۹۱	اثربخشی مداخلات حمایت روانی در افزایش سلامت روان زلزله زدگان شهرستان ورزقان	نتایج تحقیق نشان می‌دهد که مداخلات حمایت روانشناختی به آسیب‌دیدگان زلزله می‌تواند تا حد زیادی علائم آسیب را بکاهد و افزایش سلامت روانی در آن‌ها را افزایش داده و از بروز و شیوع مشکلات اجتماعی و اضطراب در آن‌ها جلوگیری نماید.
دهقانی و همکاران	۱۳۹۲	بررسی آثار و پیامدهای طولانی مدت بحران زلزله بر سلامت روان کودکان (مطالعه کودکان حاضر در زلزله بم)	حوادث غیرمترقبه ای همچون زلزله می‌تواند آثار مخرب طولانی مدت بر سلامت روانی و تحول افراد بخصوص کودکان داشته باشد.
افلاطونیان و همکاران	۱۳۹۲	تلاش برای سلامت زلزله زدگان بم مبتنی به دانش و تجربیات مسئولین وقت	ثبت اطلاعات مربوط به فراوانی بیماری‌ها، برقراری نظام مراقبت، تنظیم فعالیتها، اقدامات بهداشتی و درمانی بر حسب اولویت بندی بیماریها و تنظیم جداول و نمودارها، گزارش روزانه، هفتگی، ماهانه و تجارب ارزشمندی برای کنترل بیماری‌ها می‌باشد
عسکری باقرآبادی و همکاران	۱۳۹۵	بررسی رابطه‌ی میزان افسردگی و سلامت روان در خانواده‌های آسیب دیده از زلزله بم	ین افسردگی و مولفه‌های سلامت روان (علایم جسمانی، اضطراب، اختلالات خواب و گرایش به خودکشی) رابطه‌ی معناداری وجود دارد اما بین افسردگی و اختلال در کارکردهای اجتماعی رابطه معناداری یافت نشد.
پورمحمدی و همکاران	۱۳۹۸	تبیین ابعاد اجتماعی- اقتصادی تاب آوری شهری در برابر زلزله مطالعه موردی: منطقه ۴ شهر تبریز	نتایج تحقیق بیانگر آن است که ۳۹۰۴ هکتار از محدوده مورد مطالعه از وضعیت تاب آوری نامناسبی برخوردار می‌باشد و در مقابل ۱۱۶۷ هکتار از محدوده مورد مطالعه از منظر تاب آوری، در وضعیت کاملاً مناسبی قرار دارد. تاب آوری اجتماعی- اقتصادی نسبتاً مناسب، متوسط و تاب آوری نسبتاً مناسب، به ترتیب با ۱۷۴، ۲۵۹، ۷ و ۴۳۴ هکتار از محدوده مورد مطالعه را به خود اختصاص داده اند.
خانواده و ساسانگهر ^۱	۲۰۱۸	سلامت روانی، ضربان قلب، پارادایم سلامت عمومی، سلامت رفتاری	توجه کمی به ویژگی‌های فضاهای فردی و جمعی بازماندگان مبتلا به پیامدهای سانحه شده است
گروبنر و همکاران ^۲	۲۰۱۵	فضایی الگوبرداری از آسیب پذیری روانی و عوامل تاب آوری در شهر نیویورک پس از طوفان سندی	مشکلات روانی اجتماعی پس از وقوع سانحه عمدتاً در سطح محله و واحد همسایگی بروز می‌کنند.
ماکوانا ^۳	۲۰۱۹	بررسی ارتباط بین زلزله و تأثیر آن سلامت روان	آمادگی بهتر و توانمندسازی جامعه می‌تواند وضعیت جمعیت آسیب پذیر آسیب دیده از زلزله را بهبود بخشد

¹ Khanade & Sasangohar

² Gruebner et al

³ Makwana

بررسی و مشاهده پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که در این پژوهش‌ها به مواردی مانند بررسی ابعاد تاب‌آوری در برابر زلزله، اقداماتی برای مقابله با آسیب‌های روانی زلزله، مدل‌سازی و تخمین و ارزیابی خسارات زلزله و ارزیابی آسیب‌پذیری ناشی از خطر زلزله و مدیریت بحران زلزله (مدیریت بحران زلزله صرفاً در پژوهش‌های خارجی مورد بررسی و مذاقه قرار گرفته است که با استفاده از مدل و سیستم هوش مصنوعی و نرم‌افزار جی‌آی‌اس) پرداخته‌اند. به استثنای پژوهش‌های خارجی، در داخل کشور به مدیریت جامع بحران در حوزه‌های چندگانه اجتماعی، اقتصادی و روانی که مهم‌ترین اقدام برای مقابله با بلایای طبیعی و از جمله زلزله بعنوان مخاطره‌آمیزترین بحران طبیعی می‌باشد، پرداخته نشده است.

۳-۱- مبانی و چارچوب نظری

به اعتقاد سوروکین بعد از زلزله، آسیب دیدگان مرحله‌جدیدی از زندگی خود را بر اساس اعتقادات، ارزش‌ها و عواطف سروسامان می‌دهند و روحیه تقدیرگرایی از جمله این احساسات و عواطف است. وی فاجعه را یک فشارزای روانی و اجتماعی می‌داند که پی‌آمد آن عدم تعادل بین نیازهای محیط و پاسخ‌دهی به ارگانسیم است. وی مهمترین آسیب فاجعه را فروپاشی تقسیم کار اجتماعی و یا برهم خوردن تعادل و هماهنگی اجتماع و از بین رفتن انطباق‌پذیری می‌داند که این فروپاشی و عدم تعادل به مثابه عامل تهدیدکننده اجتماع به شمار می‌رود. وی معتقد بود، فاجعه به فرآیندهای روانی و ذهنی سازمان‌های اجتماعی و فرهنگی جمعیت در معرض حادثه، اثری پایدار دارد. به عقیده وی همچنین زلزله، اتفاق غیرقابل‌کنترلی است که در زمان و مکان خاصی روی می‌دهد و خطر یا تهدید را در جامعه یا بخش‌های نسبتاً وسیعی از آن به وجود می‌آورد؛ مخاطرات شدید بر اجتماع تحمیل می‌کند و از تمام یا حداقل بخشی از کنش‌های جامعه جلوگیری و ممانعت به عمل می‌آورد (نجاریان و براتی، ۱۳۷۹: ۳۱).

لذا از نظریه سوروکین این فرضیه‌ها استخراج می‌گردد که:

- وقوع زلزله بر تقدیرگرایی زلزله‌زدگان تأثیر دارد.

- وقوع زلزله بر انطباق‌پذیری زلزله‌زدگان تأثیر دارد.

نلسون معتقد است که هنگامی که زلزله به فاجعه بینجامد، با سه پیامد اجتماعی مهم همراه می‌شود:

الف) افزایش حس تعلق به مکان؛ ب) نابودی عرصه‌خصوصی؛ ج) از هم گسیختگی اجتماعی و صدمه شدید به شبکه‌های اجتماعی (شادی طلب، ۱۳۷۴: ۱۰). نلسون معتقد است که البته پیامدهای روانی و اجتماعی ناشی از مرگ خویشان و نزدیکان، احساس ناامنی اقتصادی و اجتماعی، و از دست دادن اموال و دارایی‌ها نیز بسیار مهم به شمار می‌روند. یکی دیگر از پیامدهای زلزله فاجعه افزایش سریع جمعیت شهری است که از علل آن، نیاز شهرهای آسیب‌دیده به نیروی کار در مرحله بازسازی است. نیاز به نیروی کار در این شهرها و بالا بودن دستمزدها موجب جذب جمعیت مناطق روستایی اطراف در آن‌ها می‌شود و حتی نوعی احساس ناامنی را در سطح شهر به دنبال دارد. بنابراین از نظریه نلسون این فرضیه‌ها استخراج می‌گردد:

- وقوع زلزله بر احساس امنیت اجتماعی زلزله‌زدگان تأثیر دارد.

- وقوع زلزله بر احساس امنیت اقتصادی زلزله‌زدگان تأثیر دارد.

- وقوع زلزله بر سلامت روانی زلزله‌زدگان تأثیر دارد.

هاکاتو پیامدهای اجتماعی و انسانی زلزله را به شرح زیر می‌داند: تأمین نیازهای ثانویه به ویژه نیازهای بهداشتی و پزشکی، آموزشی، شغلی، و تفریحی به خصوص در روزهای اول بروز فاجعه دچار وقفه می‌شود؛ دسترسی به امکانات و حمایت‌های رفاهی، آسایشی، آرایشی، ارتباطی، تفریحی و سرگرمی، به علت اسکان در مکان‌های حاشیه ای. کاهش میزان اشتغال، تغییرات شغلی، آسیب‌پذیری شدید مشاغل حاشیه‌ای و اختیاری، و تحول در نقش‌های اقتصادی و تجاری و مسئولیت‌هاب اجتماعی پدیدار می‌شود. بنابراین از نظریه‌هاکاتو این فرضیه‌ها استخراج می‌گردد:

- وقوع زلزله بر تغییرات شغلی زلزله زدگان تأثیر دارد.

- وقوع زلزله بر بهره‌مندی بر حمایت‌های اجتماعی زلزله زدگان تأثیر دارد.

- وقوع زلزله بر مسئولیت‌پذیری اجتماعی زلزله زدگان تأثیر دارد.

اندرسون (۲۰۱۹) معتقد است که تحلیل آسیب‌پذیری‌ها با کاربرد ارزیابی احتمال و دامنه آسیب‌پذیری ناشی از وقوع خطرات طبیعی مانند سیل، زلزله، طوفان، در تدوین و اجرای اقدامات مناسب و متناسب و فعالیت‌های مؤثر و مرجع در مراحل پس از وقوع فاجعه نقشی اساسی دارد و دست کم در جلوگیری از بروز دو خطر اساسی در طول این فرآیندها و مراحل نجات، اسکان موقت، بازسازی، و ... مؤثر است که عبارتند از:

۱- افزایش شناخت از عوامل بروز فاجعه بر انجام تلاش‌های درست و متناسب برای بازگشت به شرایط بهنجار تأثیر بنیادین دارد؛ و افزون بر آن، هم مانع از هدررفت منابع و اقدامات می‌شود و هم با آشکار ساختن عوامل آسیب آفرین، به جلوگیری از بروز چنین فاجعه‌ای در آینده می‌انجامد؛

۲- تحلیل و شناسایی عوامل و شرایط پنهان، برنامه ریزان و مجریان در راستای کاهش و حتی پیشگیری از آسیب‌ها (از طریق اقدامات مؤثر آن‌ها در ارتباط با عوامل ناشناخته آسیب‌زا) که به به افزایش تحمل و تاب‌آوری افراد و همچنین شکل‌گیری پیوندهای اجتماعی بین آن‌ها کمک می‌کند. بنابراین از نظریه اندرسون این فرضیه‌ها استخراج می‌شود که:

- وقوع زلزله بر همبستگی اجتماعی زلزله زدگان با دیگران تأثیر دارد.

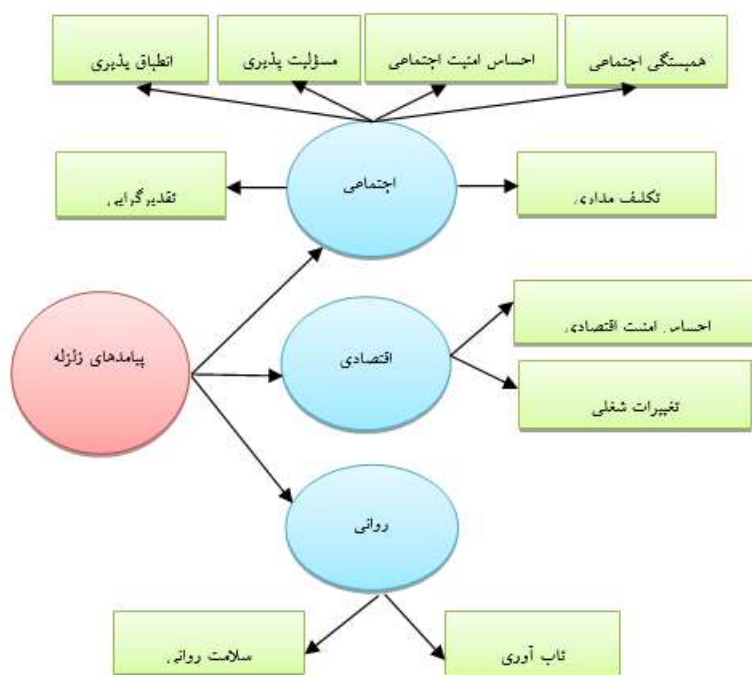
- وقوع زلزله بر تاب‌آوری زلزله زدگان تأثیر دارد.

فورد طبقه‌بندی مختلفی از دیدگاه‌های آسیب‌پذیری ارائه داده است که در مجموع سه دیدگاه متمایز از پژوهش و تبیین مفهوم آسیب‌پذیری را می‌توان به شرح زیر مشخص کرد:

۱- دیدگاه زیستی فیزیکی: آسیب‌پذیری به عنوان ریسک در معرض بودن (خطر محور و فن‌گرا)

۲- دیدگاه ساخت اجتماعی: آسیب‌پذیری به عنوان ساخته‌ای اجتماعی (اجتماعی و انسان محور)

۳- دیدگاه ترکیبی: (آسیب‌پذیری به عنوان تأثیرپذیری بالقوه و ظرفیت رسیدگی و انطباق (یکپارچگی و پایداری و سرسپردگی به خداوند) (فورد^۱، ۲۰۰۲: ۶). بنابراین از نظریه فورد این فرضیه‌ها استخراج می‌شود که: - وقوع زلزله بر تکلیف‌مداری در میان زلزله زدگان تأثیر دارد.

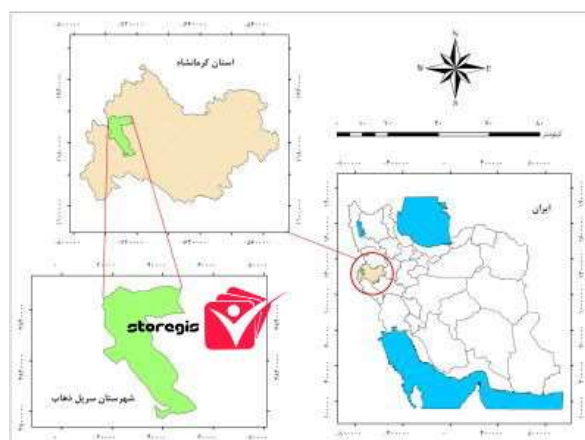


نمودار ۱. مدل مفهومی تحقیق

۲- روش تحقیق

محدوده مورد مطالعه

سرپل ذهاب یکی از شهرهای استان کرمانشاه ایران و مرکز شهرستان سرپل ذهاب است. مردم این شهر کرد هستند و به زبان کردی سخن می‌گویند. در شهرستان سرپل ذهاب پیروان شیعه، سنی و یارسان در کنار هم زندگی می‌کنند. این شهر مرزی ایران در زمان جنگ ایران و عراق به شدت آسیب دید اما بعد از جنگ بازسازی شد. این شهر در ۴۵ درجه و ۵۲ دقیقه طول شرقی و ۳۴ درجه و ۲۴ دقیقه عرض جغرافیایی و در غرب کشور و منتهی‌الیه شیب ارتفاعات زاگرس بر سر راه بین‌المللی تهران بغداد موسوم به جاده کربلا واقع گردیده‌است. سرپل ذهاب یکی از پایتخت‌های زمان مادیها بوده است.



شکل ۱. موقعیت محدوده مورد مطالعه

روش مورد استفاده در این تحقیق پیمایشی است. جامعه آماری پژوهش حاضر، تمامی افراد ۱۸ سال به بالای شهرستان سرپل ذهاب می باشد که بیشترین آسیب را از زلزله داشتند. همچنین برای برآورد حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شده و تعداد ۴۱۱ نفر به عنوان نمونه‌ی آماری انتخاب شدند. روش نمونه گیری در این پژوهش از روش نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ایی استفاده شده است. برای جمع آوری داده‌ها از پرسشنامه‌ی ۸۸ سوالی محقق ساخته استفاده گردید. این پرسشنامه شامل ابعاد: مسئولیت پذیری اجتماعی، انطباق پذیری، همبستگی اجتماعی، احساس امنیت اجتماعی، احساس امنیت اقتصادی، تقدیرگرایی، تغییرات شغلی، سلامت روانی، تاب آوری، تکلیف مداری برابر خدا می باشد.

۳- یافته‌های پژوهش

سن: بر اساس یافته‌های تحقیق بیشترین تعداد پاسخگویان را گروه سنی ۳۶-۴۵ سال با ۲۵/۸۳ درصد تشکیل می دهند و کمترین تعداد پاسخگویان را گروه سنی ۲۶-۳۵ سال با ۱۹/۳۳ درصد تشکیل می دهند.

جنسیت: نتایج تحقیق نشان داد که مردان با ۶۴/۳۳ درصد بیشترین درصد را به خود اختصاص داده و پس از آن زنان با ۳۶/۶۶ درصد در جای بعدی قرار دارند.

تحصیلات: بیشترین تعداد پاسخگویان را گروه تحصیلی لیسانس با ۲۸/۱۶ درصد تشکیل می دهند و پس از آن گروه تحصیلی زیر دیپلم با ۲۵/۶۶ درصد قرار دارد. همچنین کمترین پاسخگویان مربوط به گروه تحصیلی دکتری با ۱/۳۳ درصد قرار دارد.

وضعیت تأهل: نتایج توصیفی پژوهش نشان داد که بیشترین تعداد پاسخگویان با ۵۱/۸۳ متاهل و همچنین ۴۸/۱۶ درصد از پاسخگویان مجرد هستند.

فرضیه اول: وقوع زلزله بر احساس امنیت اجتماعی شهروندان تأثیر دارد.

جدول ۳. نتایج آزمون T- Test تأثیر وقوع زلزله بر احساس امنیت اجتماعی

متغیر	نمونه	میانگین به دست آمده	انحراف معیار	مقدار t	درجه آزادی	A	p- value
امنیت اجتماعی	۴۱۱	۵۸/۴۰۵	۱۴/۳۴۲	۲/۳۹۹	۵۹۹	۰/۰۵	۰/۰۰۱

همان طوری که یافته‌های جدول ۳ نشان می دهد سطح معنی داری به دست آمده ($\text{sig}=0/001$) از سطح آلفای ۰/۰۵ کوچک تر است لذا فرض صفر با ۹۵ درصد اطمینان رد می شود. همچنین میانگین به دست آمده برابر با ۵۸/۴۰۵ می باشد. پس با عنایت به نتایج مذکور می توان چنین نتیجه گرفت وقوع زلزله بر احساس امنیت اجتماعی شهروندان تأثیر دارد.

فرضیه دوم: وقوع زلزله بر مسئولیت پذیری اجتماعی شهروندان تأثیر دارد.

جدول ۴. نتایج آزمون T- Test تأثیر وقوع زلزله بر مسئولیت پذیری اجتماعی

متغیر	نمونه	میانگین به دست آمده	انحراف معیار	مقدار t	درجه آزادی	A	p- value
مسئولیت پذیری	۴۱۱	۳۰/۹۰۶	۷/۵۴۷	۲/۹۴۳	۵۹۹	۰/۰۵	۰/۰۰۱

همان‌طوری که یافته‌های جدول ۴ نشان می‌دهد سطح معنی‌داری به‌دست‌آمده ($\text{sig}=0/001$) از سطح آلفای $0/05$ کوچک‌تر است لذا فرض صفر با 95 درصد اطمینان رد می‌شود. همچنین میانگین به‌دست‌آمده برابر با $30/906$ می‌باشد. پس با عنایت به نتایج مذکور می‌توان چنین نتیجه گرفت وقوع زلزله بر مسئولیت‌پذیری اجتماعی شهروندان تأثیر دارد.

فرضیه سوم: وقوع زلزله بر انطباق‌پذیری شهروندان تأثیر دارد.

جدول ۵. نتایج آزمون T-Test تأثیر وقوع زلزله بر انطباق‌پذیری شهروندان

متغیر	نمونه	میانگین به‌دست‌آمده	انحراف معیار	مقدار t	درجه آزادی	A	p-value
انطباق‌پذیری	۴۱۱	۲۲/۱۱۵	۵/۳۸۹	۵/۰۶۷	۵۹۹	۰/۰۵	۰/۰۰۱

همان‌طوری که یافته‌های جدول شماره (۳-۴) نشان می‌دهد سطح معنی‌داری به‌دست‌آمده ($\text{sig}=0/001$) از سطح آلفای $0/05$ کوچک‌تر است لذا فرض صفر با 95 درصد اطمینان رد می‌شود. همچنین میانگین به‌دست‌آمده برابر با $22/115$ می‌باشد. پس با عنایت به نتایج مذکور می‌توان چنین نتیجه گرفت وقوع زلزله بر انطباق‌پذیری شهروندان تأثیر دارد.

فرضیه چهارم: وقوع زلزله بر همبستگی اجتماعی با دیگران تأثیر دارد.

جدول ۶. نتایج آزمون T-Test تأثیر وقوع زلزله بر همبستگی اجتماعی

متغیر	نمونه	میانگین به‌دست‌آمده	انحراف معیار	مقدار t	درجه آزادی	A	p-value
همبستگی اجتماعی	۴۱۱	۲۱/۶۰۵	۵/۳۹۴	۲/۷۴۷	۵۹۹	۰/۰۵	۰/۰۰۶

همان‌طوری که یافته‌های جدول ۶ نشان می‌دهد سطح معنی‌داری به‌دست‌آمده ($\text{sig}=0/006$) از سطح آلفای $0/05$ کوچک‌تر است لذا فرض صفر با 95 درصد اطمینان رد می‌شود. همچنین میانگین به‌دست‌آمده برابر با $21/605$ می‌باشد. پس با عنایت به نتایج مذکور می‌توان چنین نتیجه گرفت وقوع زلزله بر همبستگی اجتماعی با دیگران تأثیر دارد.

فرضیه پنجم: وقوع زلزله و تقدیرگرایی شهروندان تأثیر دارد.

جدول ۷. نتایج آزمون T-Test تأثیر وقوع زلزله و تقدیرگرایی شهروندان

متغیر	نمونه	میانگین به‌دست‌آمده	انحراف معیار	مقدار t	درجه آزادی	A	p-value
تقدیرگرایی	۴۱۱	۲۰/۹۶۶	۵/۵۳۴	۶/۶۸۸	۵۹۹	۰/۰۵	۰/۰۰۱

همان‌طوری که یافته‌های جدول ۷ نشان می‌دهد سطح معنی‌داری به‌دست‌آمده ($\text{sig}=0/001$) از سطح آلفای ۰/۰۵ کوچک‌تر است لذا فرض صفر با ۹۵ درصد اطمینان رد می‌شود. همچنین میانگین به‌دست‌آمده برابر با ۲۰/۹۶۶ می‌باشد. پس با عنایت به نتایج مذکور می‌توان چنین نتیجه گرفت وقوع زلزله و تقدیرگرایی شهروندان تأثیر دارد.

فرضیه ششم: وقوع زلزله و احساس امنیت اقتصادی شهروندان تأثیر دارد.

جدول ۸. نتایج آزمون T- Test تأثیر وقوع زلزله و احساس امنیت اقتصادی

متغیر	نمونه	میانگین به‌دست‌آمده	انحراف معیار	t مقدار	درجه آزادی	A	p- value
امنیت اقتصادی	۴۱۱	۳۰/۹۰۶	۷/۵۴۷	۲/۹۴۳	۵۹۹	۰/۰۵	۰/۰۰۳

همان‌طوری که یافته‌های جدول ۸ نشان می‌دهد سطح معنی‌داری به‌دست‌آمده ($\text{sig}=0/003$) از سطح آلفای ۰/۰۵ کوچک‌تر است لذا فرض صفر با ۹۵ درصد اطمینان رد می‌شود. همچنین میانگین به‌دست‌آمده برابر با ۳۰/۹۰۶ می‌باشد. پس با عنایت به نتایج مذکور می‌توان چنین نتیجه گرفت وقوع زلزله و احساس امنیت اقتصادی شهروندان تأثیر دارد.

فرضیه هفتم: وقوع زلزله بر تغییرات شغلی شهروندان تأثیر دارد.

جدول ۹. نتایج آزمون T- Test تأثیر وقوع زلزله بر تغییرات شغلی شهروندان

متغیر	نمونه	میانگین به‌دست‌آمده	انحراف معیار	t مقدار	درجه آزادی	A	p- value
تغییرات شغلی	۴۱۱	۲۲/۰۲۰	۵/۳۳۹	۴/۶۷۹	۵۹۹	۰/۰۵	۰/۰۰۱

همان‌طوری که یافته‌های جدول ۹ نشان می‌دهد سطح معنی‌داری به‌دست‌آمده ($\text{sig}=0/001$) از سطح آلفای ۰/۰۵ کوچک‌تر است لذا فرض صفر با ۹۵ درصد اطمینان رد می‌شود. همچنین میانگین به‌دست‌آمده برابر با ۲۲/۰۲۰ می‌باشد. پس با عنایت به نتایج مذکور می‌توان چنین نتیجه گرفت وقوع زلزله بر تغییرات شغلی شهروندان تأثیر دارد.

فرضیه هشتم: وقوع زلزله بر سلامت روانی شهروندان تأثیر دارد.

جدول ۱۰. نتایج آزمون T- Test تأثیر وقوع زلزله بر سلامت روانی شهروندان.

متغیر	نمونه	میانگین به‌دست‌آمده	انحراف معیار	t مقدار	درجه آزادی	A	p- value
سلامت روانی	۴۱۱	۴۶/۱۴۳	۶/۸۴۰	۴/۹۵۳	۵۹۹	۰/۰۵	۰/۰۰۱

همان‌طوری که یافته‌های جدول ۱۰ نشان می‌دهد سطح معنی‌داری به‌دست‌آمده ($\text{sig}=0/001$) از سطح آلفای ۰/۰۵ کوچک‌تر است لذا فرض صفر با ۹۵ درصد اطمینان رد می‌شود. همچنین میانگین به‌دست‌آمده برابر با ۴۶/۱۴۳ می‌باشد. پس با عنایت به نتایج مذکور می‌توان چنین نتیجه گرفت وقوع زلزله بر سلامت روانی شهروندان تأثیر دارد.

فرضیه نهم: وقوع زلزله بر تاب آوری شهروندان تأثیر دارد.

جدول ۱۱. نتایج آزمون T- Test تأثیر وقوع زلزله بر تاب آوری شهروندان

متغیر	نمونه	میانگین به دست آمده	انحراف معیار	t مقدار	درجه آزادی	A	p- value
تاب آوری	۴۱۱	۱۳/۲۳۰	۴/۵۴۲	۲/۶۰۰	۵۹۹	۰/۰۵	۰/۰۰۱

همان طوری که یافته‌های جدول ۱۱ نشان می‌دهد سطح معنی‌داری به دست آمده ($\text{sig}=0/001$) از سطح آلفای ۰/۰۵ کوچک‌تر است لذا فرض صفر با ۹۵ درصد اطمینان رد می‌شود. همچنین میانگین به دست آمده برابر با ۱۳/۲۳۰ می‌باشد. پس با عنایت به نتایج مذکور می‌توان چنین نتیجه گرفت وقوع زلزله بر تاب آوری شهروندان تأثیر دارد.

فرضیه دهم: وقوع زلزله بر تکلیف‌مداری برابر خدا شهروندان تأثیر دارد.

جدول ۱۲. نتایج آزمون T- Test تأثیر وقوع زلزله بر تکلیف‌مداری برابر خدا

متغیر	نمونه	میانگین به دست آمده	انحراف معیار	t مقدار	درجه آزادی	A	p- value
تکلیف‌مداری	۴۱۱	۱۵/۰۷۳	۴/۰۶۴	۲/۵۳۰	۵۹۹	۰/۰۵	۰/۰۰۱

همان طوری که یافته‌های جدول ۱۲ نشان می‌دهد سطح معنی‌داری به دست آمده ($\text{sig}=0/001$) از سطح آلفای ۰/۰۵ کوچک‌تر است لذا فرض صفر با ۹۵ درصد اطمینان رد می‌شود. همچنین میانگین به دست آمده برابر با ۱۵/۰۷۳ می‌باشد. پس با عنایت به نتایج مذکور می‌توان چنین نتیجه گرفت وقوع زلزله بر تکلیف‌مداری برابر خدا شهروندان تأثیر دارد.

۴- بحث و نتیجه‌گیری

پدیده‌ی زلزله و آسیب‌های ناشی از آن که در اجتماعات گوناگون بر اساس سطح توسعه و پیشرفت جامعه تغییرپذیر می‌باشد خسارات جانی و مالی زلزله این حادثه را در مقابل دیگر حوادث طبیعی به بحران تبدیل نموده است و در برنامه‌ریزی اجتماعات انسانی لزوم مدیریت ریسک جهت مواجهه با بحران زلزله را می‌طلبد. نتایج این پژوهش نشان داد که وقوع زلزله بر احساس امنیت اجتماعی شهروندان تأثیر دارد. این یافته با نتایج تحقیقات پورمحمدی و همکاران (۱۳۹۸) و افلاطونیان و همکاران (۱۳۹۲) همسو و هماهنگ است. جهت تبیین این یافته می‌توان گفت که نلسون معتقد است یکی از پیامدهای زلزله فاجعه افزایش سریع جمعیت شهری است که از علل آن، نیاز شهرهای آسیب دیده به نیروی کار در مرحله بازسازی است. نیاز به نیروی کار در این شهرها و بالا بودن دستمزدها موجب جذب جمعیت مناطق روستایی اطراف در آن‌ها می‌شود و حتی نوعی احساس ناامنی را در سطح شهر به دنبال دارد (نلسون، ۱۹۹۵: ۵۶).

همچنین نتایج دیگر نشان داد که وقوع زلزله بر مسئولیت‌پذیری اجتماعی شهروندان تأثیر دارد. این یافته با نتایج تحقیقات محمدی نیا و نظری کمال (۱۳۹۸)، عسکری باقرآبادی و همکاران (۱۳۹۵) و عباسی بوروندرق و همکاران (۱۳۹۱) هماهنگ است. جهت تبیین این یافته می‌توان گفت که تأمین نیازهای ثانویه به ویژه نیازهای بهداشتی و پزشکی، آموزشی، شغلی، و تفریحی به خصوص در روزهای اول بروز فاجعه دچار وقفه می‌شود؛ دسترسی به

امکانات و حمایت‌های رفاهی، آسایشی، آرایشی، ارتباطی، تفریحی و سرگرمی، به علت اسکان در مکان‌های حاشیه ای. کاهش میزان اشتغال، تغییرات شغلی، آسیب‌پذیری شدید مشاغل حاشیه‌ای و اختیاری، و تحول در نقش‌های اقتصادی و تجاری و مسئولیت‌هاب اجتماعی پدیدار می‌شود (هاکاتو، ۱۳۸۲: ۴۵-۴۲).

از دیگر یافته‌های تحقیق اینکه وقوع زلزله بر انطباق‌پذیری شهروندان تأثیر دارد. این یافته با نتایج تحقیق افلاطونیان و همکاران (۱۳۹۲) همسو و هماهنگ است. جهت تبیین این یافته می‌توان گفت که سوروکین معتقد است که زلزله اتفاق غیرقابل‌کنترلی است که در زمان و مکان خاصی روی می‌دهد و خطر یا تهدید را در جامعه یا بخش‌های نسبتاً وسیعی از آن به وجود می‌آورد؛ مهم‌ترین آسیب فاجعه را فروپاشی تقسیم کار اجتماعی و یا برهم خوردن تعادل و هماهنگی اجتماع و از بین رفتن انطباق‌پذیری می‌داند که این فروپاشی و عدم تعادل به مثابه عامل تهدیدکننده اجتماع به شمار می‌رود. همچنین نتایج نشان داد که وقوع زلزله بر همبستگی اجتماعی با دیگران تأثیر دارد. این یافته با نتایج تحقیقات پورمحمدی و همکاران (۱۳۹۸)، دهقانی و همکاران (۱۳۹۲)، عباسی برونردق و همکاران (۱۳۹۱) همسو و هماهنگ است. جهت تبیین این یافته می‌توان گفت که اندرسون معتقد است که تحلیل آسیب‌پذیری‌ها با کاربرد ارزیابی احتمال و دامنه آسیب‌پذیری ناشی از وقوع خطرات طبیعی مانند سیل، زلزله، طوفان، در تدوین و اجرای اقدامات و فعالیت‌های مؤثر و مرجح در مراحل پس از وقوع فاجعه نقشی اساسی دارد و دست کم در جلوگیری از بروز دو خطر اساسی در طول این فرآیندها و مراحل نجات، اسکان موقت، بازسازی مؤثر است که عبارتند از: ۱- افزایش شناخت از عوامل بروز فاجعه ۲- تحلیل و شناسایی عوامل و شرایط پنهان، برنامه ریزان و مجریان در راستای کاهش و حتی پیشگیری از آسیب‌ها (از طریق اقدامات مؤثر آن‌ها در ارتباط با عوامل ناشناخته آسیب‌زا) که به افزایش تحمل و تاب‌آوری افراد و همچنین شکل‌گیری پیوندهای اجتماعی بین آن‌ها کمک می‌کند (اندلسون، ۲۰۱۹: ۱۲).

یافته‌ای دیگر نشان داد که وقوع زلزله بر تقدیرگرایی شهروندان تأثیر دارد. این یافته با نتایج تحقیق افلاطونیان و همکاران (۱۳۹۲) همسو و هماهنگ است. جهت تبیین این یافته می‌توان گفت که به اعتقاد سوروکین بعد از زلزله، آسیب‌دیدگان مرحله جدیدی از زندگی خود را بر اساس اعتقادات، ارزش‌ها و عواطف سروسامان می‌دهند و روحیه تقدیرگرایی از جمله این احساسات و عواطف است.

همچنین نتایج تحقیق نشان داد که وقوع زلزله بر احساس امنیت اقتصادی شهروندان تأثیر دارد. این یافته با نتایج تحقیقات پورمحمدی و همکاران (۱۳۹۸) و افلاطونیان و همکاران (۱۳۹۲) هماهنگ است. جهت تبیین این یافته می‌توان گفت که نلسون معتقد است یکی دیگر از پیامدهای زلزله فاجعه افزایش سریع جمعیت شهری است که از علل آن، نیاز شهرهای آسیب‌دیده به نیروی کار در مرحله بازسازی است. نیاز به نیروی کار در این شهرها و بالا بودن دستمزدها موجب جذب جمعیت مناطق روستایی اطراف در آن‌ها می‌شود و حتی نوعی احساس ناامنی را در سطح شهر به دنبال دارد (نلسون، ۱۹۹۵: ۵۶).

از دیگر نتایج تحقیق اینکه وقوع زلزله بر تغییرات شغلی شهروندان تأثیر دارد. این یافته با نتایج تحقیقات محمدی‌نیا و نظری کمال (۱۳۹۸)، عسکری باقرآبادی و همکاران (۱۳۹۵) و عباسی برونردق و همکاران (۱۳۹۱) همسو و هماهنگ است. جهت تبیین این یافته می‌توان گفت که تأمین نیازهای ثانویه به ویژه نیازهای بهداشتی و پزشکی، آموزشی، شغلی، و تفریحی به خصوص در روزهای اول بروز فاجعه دچار وقفه می‌شود؛ دسترسی به امکانات و حمایت‌های رفاهی، آسایشی،

آرایشی، ارتباطی، تفریحی و سرگرمی، به علت اسکان در مکان‌های حاشیه ای. کاهش میزان اشتغال، تغییرات شغلی، آسیب پذیری شدید مشاغل حاشیه‌ای و اختیاری، و تحول در نقش‌های اقتصادی و تجاری و مسئولیت‌هاب اجتماعی پدیدار می‌شود (هاکاتو، ۱۳۸۲: ۴۵-۴۲).

و نیز نتایج نشان داد که وقوع زلزله بر سلامت روانی شهروندان تأثیر دارد. این یافته با نتایج تحقیقات محمدی نیا و نظری کمال (۱۳۹۸)، عسکری باقرآبادی و همکاران (۱۳۹۵)، افلاطونیان و همکاران (۱۳۹۲) و دهقانی و همکاران (۱۳۹۲) همسو و هماهنگ است. جهت تبیین این یافته می‌توان گفت که نلسون معتقد است که هنگامی که زلزله به فاجعه بینجامد، با سه پیامد اجتماعی مهم همراه می‌شود: الف) افزایش حس تعلق به مکان؛ ب) نابودی عرصه خصوصی؛ ج) از هم گسیختگی اجتماعی و صدمه شدید به شبکه‌های اجتماعی (شادی طلب، ۱۳۷۴: ۱۰). نلسون معتقد است پیامدهای روانی و اجتماعی ناشی از مرگ خویشان و نزدیکان، احساس ناامنی اقتصادی و اجتماعی، و از دست دادن اموال و دارایی‌ها نیز بسیار مهم به شمار می‌روند (نلسون، ۱۹۹۵: ۵۵).

همچنین نتایج نشان داد که وقوع زلزله بر تاب آوری شهروندان تأثیر دارد. این یافته با نتایج تحقیقات پورمحمدی و همکاران (۱۳۹۸)، دهقانی و همکاران (۱۳۹۲) و عباسی بوروندرق و همکاران (۱۳۹۱) هماهنگ است. جهت تبیین این یافته می‌توان گفت که اندرسون معتقد است که تحلیل آسیب پذیری‌ها با کاربرد ارزیابی احتمال و دامنه آسیب‌پذیری ناشی از وقوع خطرات طبیعی مانند سیل، زلزله، طوفان، در تدوین و اجرای اقدامات مناسب و متناسب و فعالیت‌های مؤثر و مرجع در مراحل پس از وقوع فاجعه نقشی اساسی دارد و دست کم در جلوگیری از بروز دو خطر اساسی در طول این فرآیندها و مراحل نجات، اسکان موقت، بازسازی، و ... مؤثر است. و در نهایت نتایج نشان داد که وقوع زلزله بر تکلیف‌مداری برابر خدا شهروندان تأثیر دارد. این یافته با نتایج تحقیق شاکر (۱۳۸۴) همسو و هماهنگ است. جهت تبیین این یافته می‌توان گفت که فورد طبقه‌بندی مختلفی از دیدگاه‌های آسیب‌پذیری ارائه داده است که در مجموع سه دیدگاه متمایز از پژوهش و تبیین مفهوم آسیب‌پذیری را می‌توان به شرح زیر مشخص کرد: ۱- دیدگاه زیستی فیزیکی؛ ۲- دیدگاه ساخت اجتماعی؛ ۳- دیدگاه ترکیبی: (آسیب‌پذیری به عنوان تأثیرپذیری بالقوه و ظرفیت رسیدگی و انطباق (یکپارچگی و پایداری و سرسپردگی به خداوند) (فورد، ۲۰۰۲: ۶).

در یک نتیجه‌گیری می‌توان بیان نمود که زلزله فاجعه ناگهانی غیرمترقبه ای است که اتفاق می‌افتد و هیچ کس نمی‌تواند ابعاد چنین حادثه‌های را به‌طور دقیق و قطعی پیشبینی نماید. بدون شک این فاجعه اثرات مخرب و تکان‌دهنده‌ای بر جای خواهد گذاشت که وحشت کامل آن برای افرادی که در محل حادثه یا اطراف آن زندگی می‌کنند کاملاً محسوس و مشهود است، بنابراین یکی از پیامدهای نامطلوب این حوادث و بلایا، شیوع نسبتاً بالای اختلالات روانی در بازماندگان است. در صد سال گذشته بیش از ۱۵۰۰ بار زلزله در ایران آمده و در بسیاری مواقع مردم را داغدار کرده است. اما تکرار این حادثه شهروندان را به نوعی سازگاری و سازش با زلزله سوق داده است. یکی از راهبردهای جمعی برای این سازگاری، «به فراموشی سپردن زلزله» است. اما به سرعت تنها چند روز بعد از هر زلزله، حتی ویرانگرترین آن‌ها از خاطر، ذهن و ضمیر مردم دور و محو می‌گردد. آسیب‌های به بار آمده در اثر وقوع حوادث و بلایایی طبیعی به خصوص زلزله می‌تواند اثرات سوء زیادی در ابعاد مختلف زندگی جوامع داشته باشد. این اثرات گاهی ممکن است طی سالیان متمادی زندگی این جوامع را دستخوش تغییرات اساسی نماید. اما از آنجایی که نوع بشر جبراً محکوم به فنا در مقابل این حوادث نیست لذا، در صورت برنامه‌ریزی‌های صحیح و انجام اقدامات بنیادین و استفاده از قدرت دانش خود می‌تواند تا حد زیادی از میزان آسیب‌ها بکاهد.

فهرست منابع

منابع فارسی

- افلاطونیان، محمدرضا، رضا عباسی، رضا، و افلاطونیان، بهناز. (۱۳۹۲). تلاش برای سلامت زلزله زدگان بم مبتنی به دانش و تجربیات مسئولین وقت. پنجمین کنفرانس بین المللی مدیریت جامع بحران‌های طبیعی، تهران، دبیرخانه دائمی کنفرانس مدیریت جامع بحران.
- پورمحمدی، محمدرضا. (۱۳۸۲). برنامه ریزی کاربری اراضی شهری. تهران: انتشارات سمت.
- پورمحمدی، محمدرضا، هادی، الهام، وهادی، الناز. (۱۳۹۸). تبیین ابعاد اجتماعی اقتصادی تاب آوری شهری در برابر زلزله مطالعه موردی: منطقه ۴ شهر تبریز. دانش پیشگیری و مدیریت بحران، ۹(۱)، ۷۸-۸۹.
- تکرا. (۱۳۹۶). بزرگترین زلزله‌های جهان و ایران؛ ۲۰ مورد از شدیدترین زمین لرزه‌های دنیا. سایت تکرا، حوادث طبیعی، ۵۳۵۹۴۸۵.
- دهقانی، معصومه، مهاجروطن؛ علی، خواهنده کارنما، اسدالله و کاظمی مهدی. (۱۳۹۲). بررسی آثار و پیامدهای طولانی مدت بحران زلزله بر سلامت روان کودکان بازمانده (مطالعه کودکان حاضر در زلزله بم ۱۳۸۲). پنجمین کنفرانس بین المللی مدیریت جامع بحران‌های طبیعی، تهران، دبیرخانه دائمی کنفرانس مدیریت جامع بحران.
- سالکی ملکی، محمدعلی، ولیبیگی، مجتبی، و قاسمی، معصومه. (۱۳۹۲). کارایی فضایی شبکه ارتباطی به منظور امداد رسانی بعد از وقوع زلزله (مطالعه موردی: شهرک باغمیشه تبریز). فصلنامه امداد و نجات، ۳، ۷۵-۸.
- شادی طلب، ژاله. (۱۳۷۴). جامعه شناسی فاجعه، تجزیه و تحلیل زلزله رودبار منجیل. نامه انجمن جامعه شناسی ایران، ۱(۳)، ۱-۱۰.
- شاکر، مهدی. (۱۳۸۴). بهداشت روانی سوانح و حوادث در حادثه دیدگان و امدادگران با تاکید بر ارائه راهکارهای علمی و عملی. دومین همایش علمی تحقیقی مدیریت امداد و نجات.
- عباسی بوروندرق، سکینه، گرامی، نسرین، و شاهرخ، حسن. (۱۳۹۱). اثربخشی مداخلات حمایت روانی در افزایش سلامت روان زلزله زدگان شهرستان ورزقان. همایش ملی آسیب شناسی و برنامه ریزی اثرات زلزله ی ۲۱ مرداد در استان آذر بایجان شرقی، هریس، دانشگاه پیام نور استان آذربایجان شرقی.
- عبداللهی، مجید. (۱۳۸۲). مدیریت بحران در نواحی شهری. تهران: انتشارات سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور.
- عسکری باقرآبادی، محبوبه، خضری مقدم، انوشیروان، دمیری، طیه و رضایی، زهرا. (۱۳۹۵). بررسی رابطه میزان افسردگی و سلامت روان در خانواده‌های آسیب دیده از زلزله بم. سومین کنگره علمی پژوهشی سراسری توسعه

و ترویج علوم تربیتی و روانشناسی، جامعه شناسی و علوم فرهنگی اجتماعی ایران، تهران، انجمن علمی توسعه و ترویج علوم و فنون بنیادین.

- گودرزی، محمدعلی. (۱۳۹۰). رابطه نگرش مذهبی و علایم اختلال استرس پس از سانحه در زلزله زدگان شهرستان بم. *اصول بهداشت روانی*، ۱۳ (۵۰)، ۹۳-۱۸۲.
- محمدی نیا، لیلا، و نظری کمال، مینا. (۱۳۹۸). مشارکت سمنها در پیشگیری از آسیب اجتماعی روانی خانواده. کودکان و نوجوانان: مطالعه موردی زلزله کرمانشاه، نهمین کنگره بین المللی سلامت در حوادث و بلایا.
- نجاریان، بهمن و براتی سده، فرید. (۱۳۷۹). *پیامدهای روان شناختی فاجعه ها*. تهران: نشر مسیر.
- هاکاتو، موتو هیکو. (۱۳۸۲). *زلزله در آلبوم تجربه*. ترجمه جمعی از مترجمان. تهران: مرکز مطالعات بحران های طبیعی در صنعت.
- هوشمندزاده، محمد. (۱۳۸۴). *برنامه ریزی برای دستیابی به نظام جامع مدیریت بحران با هدف کاهش آثار مخرب حوادث غیر مترقبه با نگرشی بر ابعاد مدیریت بحران در زلزله دی ماه ۱۳۸۲ شهرستان بم*. اولین کنفرانس بین المللی مدیریت جامع بحران در حوادث غیر مترقبه، بم.

منابع لاتین

- Andersson, T., Caker, M., Tengblad, S., & Wickelgren, M. (2019). *Building traits for organizational resilience through balancing organizational structures*. *Scandinavian Journal of Management*, 35(1), 36-45.
- Burke S. (2014). *A response by the Australian psychological society to the draft report of the productivity commission inquiry into natural disaster funding*. Australian Psychological Society.
- Ford, J. (2002). *Vulnerability: Concepts and issues, a literature review of the concept of vulnerability, its definition and application in studies dealing with human- environmental interactions*. part of PhD Scholarly Field Paper For course Geog, University of Guelph.
- Gruebner, O., Lowe, S. R., Sampson, L., & Galea, S. (2015). The geography of post-disaster mental health: spatial patterning of psychological vulnerability and resilience factors in New York City after hurricane sandy. *International Journal of Health Geographics*, 14, 1-13.
- Khanade, K., & Sasangohar, F. (2018). *Heart ratemental health, a public health paradigm, behavioral health response to disasters*. Edited By Julie Framingham, Martell L. Teasley, Tailor and Francis Group. <https://books.google>.
- Makwana, N. (2019). Disaster and its impact on mental health: A narrative review. *Journal of Family Medicine and Primary Care*, 8(10), 3090-3095.
- Nelson, J. (1995). *Post-industrial capitalism*. New Delhi: SAGE.
- WHO. (2014). *Social determinants of mental health*. [https:// www.who.int/mental health/publications/gulbenkian-paper-social-determinants-of-mental-health/en/](https://www.who.int/mental-health/publications/gulbenkian-paper-social-determinants-of-mental-health/en/)
- Zenaida, J., & Sung, D. (2003). *Participation in disaster reduction: Eastern south Asia ch. 2*. CF. Internet.

Journal of Social Sciences, Islamic Azad University, Shushtar Branch

Scientific-Research Quarterly

Vol. 18, No. 1 (Serial No. 2), Spring 2025

Received: January 30, 2025 Accepted: August 31, 2025

Pp:44–58

A Survey of social, economic and psychological consequences among earthquake victims in the Sarpol Zahab

Sima Porshoo*¹, Seyed Naser Hejazi², Asghar Mohammadi³

¹Ph.D. Candidate in Economic Sociology and Development, Dehaghan Branch, Islamic Azad University, Dehaghan, Iran.

² Member of the Department of Social Sciences, Dehaghan Branch, Islamic Azad University, Dehaghan, Iran.

³ Member of the Department of Social Sciences, Dehaghan Branch, Islamic Azad University, Dehaghan, Iran.

Abstract

This Earthquake is one of the phenomena that, when it occurs, the society faces many dangers and disturbances. Iran is one of the countries that faces numerous and large faults in its wide area. This research was carried out with a sociological approach, with the aim of investigating the social, economic and psychological consequences of the survivors of the West Kermanshah earthquake and with the survey method. The statistical population includes all people over the age of 18 in the cities of Sarpol Zahab. Cochran's formula was used to determine the statistical sample (411 people), and a researcher-made questionnaire was used to collect information. Data analysis was also done using PLS and SPSS statistical software in two parts, descriptive statistics and inferential statistics. The findings showed that the occurrence of an earthquake on all research variables with (sig=0.001) at the alpha level of 0.05 on the sense of social security, social responsibility, adaptability of citizens, social solidarity with others, determinism, sense of economic security, Job changes, mental health, resilience and duty-oriented towards God have an effect.

Keywords: Earthquake consequences, earthquake victims, sar-e pol-e zahab

*Corresponding Author Email: simaparsho6@gmail.com

بررسی جامعه شناختی ارتباط میان جریان روشنفکری غیر مذهبی و روحانیت در ایران طی دوره پهلوی دوم

عبدالله پیروزی^{۱*}

^۱ - گروه معارف اسلامی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران.

چکیده

گروه‌های روشنفکری و روحانیت همواره به عنوان دو گروه اثرگذار بر تحولات سیاسی اجتماعی ایران در دوره پهلوی دوم مطرح بودند در طی این دوران گروه‌های مختلف روشنفکری اعم از چپ‌گراها و ملی‌گراها فعالیت می‌کردند و روحانیون به عنوان پاسداران دین در ایران مواضع مختلفی در برابر این گروه‌های روشنفکری اتخاذ کردند. روحانیون در مقابل حزب توده که فعالیت‌های علنی و مخفی آن در واقع بر دو اصل مارکسیسم - لنینیسم استوار بود و ضدیت با باورهای مذهبی به عنوان یک مبنای اصلی تفکر مارکسیستی به شمار می‌آمد موضع گرفته و در جریان ملی شدن صنعت نفت علی‌رغم تفاوت در نوع نگاه روشنفکران ملی‌گرا و روحانیون به نقش دین در اجتماع روحانیون برای مبارزه با استبداد داخلی و استعمار خارجی از ملی شدن صنعت نفت و دکتر مصدق حمایت کردند، اما با نخست‌وزیری دکتر مصدق به دلیل نوع نگرش آن‌ها به سنت و مدرنیسم بین آن‌ها اختلاف ایجاد شد و منجر به کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ شد. گروه‌های مختلف روشنفکری و روحانیون بعد از کودتای ۲۸ مرداد به حاشیه رفتند. و در مدتی کم‌تر از یک دهه ابتکار عمل یا توانایی فعالیت و قدرت تأثیرگذاری در امور از آن‌ها سلب شد. به طور کلی این مقاله به دنبال پاسخ به این سوال می‌باشد که چه عواملی بر رابطه میان گروه‌های روشنفکری غیر مذهبی و روحانیت در پهلوی دوم تأثیر داشته است. و در پاسخ به این سوال باید گفت که نوع نگرش به سنت و مدرنیسم و تفاوت در ماهیت نظام سیاسی در دوره پهلوی دوم عوامل تأثیرگذار در رابطه میان روحانیت و جریان‌های روشنفکری بوده است.

کلید واژه‌ها: روشنفکر، روحانیت، روشنفکر غیر مذهبی، ایران.

مقدمه

بررسی تأثیر نیروهای اجتماعی بر روی زندگی سیاسی در درجه‌ی اول، نیازمند شناخت مبانی تکوین آن‌ها است. بدین‌سان در جامعه‌شناسی سیاسی مبدأ، بررسی جامعه و مقصد، توضیح زندگی سیاسی است. نیروها و گروه‌های اجتماعی به صورت تصادفی پیدا نمی‌شوند بلکه مبتنی بر علایق گوناگون در درون ساخت جامعه هستند چنین علایقی معمولاً در حول شکاف‌های اجتماعی شکل می‌گیرند. شکاف اجتماعی عملاً موجب تقسیم و تجزیه جمعیت و تکوین گروه‌بندی‌ها می‌گردد. نیروهای اجتماعی شامل طبقات به مفهوم دقیق آن و گروه‌ها و شئونی می‌شوند که ذاتاً طبقه به شمار نمی‌روند و لیکن ممکن است به نمایندگی از طبقات اجتماعی عمل کنند. یکی از مهم‌ترین و دشوارترین مباحث جامعه‌شناسی سیاسی کشف روابط میان طبقات (به مفهوم اقتصادی) و شئون اجتماعی است. در حالی که مارکس میان طبقه و شأن اجتماعی «اتصال نسبی» قائل بود، ماکس وبر بر «اتصال نسبی» میان آن دو تأکید می‌کرد. (بشیریه، ۱۳۸۷: ۱۳۵)

بحث از روابط گوناگون میان شئونی مانند روحانیون، روشنفکران با طبقات اجتماعی از نظر مبحث ابزارگونگی و یا استقلال نسبی دولت دارای اهمیت است. مثلاً در زمینه رابطه روشنفکران با طبقات اجتماعی کارل مانهایم جامعه‌شناس آلمانی در کتاب ایدئولوژی و یوتوپیا معتقد است از آنجایی که روشنفکران از درون پایگاه‌های اجتماعی گوناگون برمی‌خیزند از نظر اجتماعی و فکری شناور هستند. روشنفکران طبعاً خود یک طبقه نیستند بلکه «اقمار» طبقات و ایدئولوگ نیروهای مختلف اجتماعی هستند به نظر مانهایم روشنفکران مدرن به طور بالقوه توانایی فرارفتن از علایق طبقاتی خود را دارا هستند و از این رو ممکن است به طور نسبی از علایق طبقاتی مستقل شوند. در مقابل آنتونیو گرامشی استدلال می‌کرد که میان روشنفکران و طبقات اجتماعی روابط پیچیده‌ای هست. وی از دو نوع روشنفکر سخن می‌گفت یکی روشنفکران «اندام‌وار» و دیگری روشنفکران «جذب شده» او معتقد بود که هر طبقه‌ی اجتماعی به مقتضای جایگاهش در ساخت تولید اقتصادی جامعه یک یا چند گروه از روشنفکران «اندام‌وار» خویش را به وجود می‌آورد و نقش چنین گروهی ایجاد هماهنگی و آگاهی مشترک در درون آن طبقه است و سپس هر طبقه‌ی اجتماعی پس از تکوین خود مواجه با روشنفکران مستقر می‌شود که ظاهر تداوم تاریخی دارد. مثلاً روحانیون مذهبی که قرن‌ها بر علم و آموزش و اخلاق و نظام قضایی سلطه داشتند، در واقع روشنفکران اندام‌واره اشراف زمین‌دار محسوب می‌شدند. به طور کلی باید گفت از آن جا که روشنفکران در ادوار مختلف تاریخی نماینده ایدئولوژی‌ها و فلسفه‌های گوناگون هستند و از آن جا که ساخت‌های فکری، خود بازتاب منازعه‌ی اجتماعی سیاسی طبقات و گروه‌های اجتماعی است نمی‌توان مآلاً روشنفکران را فارغ از علایق اجتماعی و طبقاتی دانست و از همین رو مطالعه دقیق روابط گروه‌های روشنفکری با ساخت منافع طبقاتی جامعه ضروری است.

بیان مسأله

شناخت تحولات سیاسی اجتماعی ایران طی سال‌های ۱۳۲۰ - ۱۳۵۷ مستلزم بررسی مواضع گروه‌های روشنفکری و روحانیت به عنوان دو گروه اثرگذار بر این تحولات است. با سقوط رضاشاه در شهریور ۱۳۲۰ و به وجود آمدن فضای باز سیاسی گروه‌های مختلفی در عرصه سیاسی اجتماعی کشور ظهور یافتند. این گروه‌ها با روحانیت که از زمان صفویه

در ایران همواره حضور پررنگی در ایران داشته گاه مواضع همسو و مشترک اتخاذ می کردند و گاه دچار اختلاف و انشقاق می شدند. روحانیت در مقابل چپ گراها به دلیل گرایش آن ها به مارکسیسم موضع گرفته و با آن ها مخالفت کرده و با ملی گراها به خاطر مبارزه با استبداد داخلی و استعمار خارجی همکاری کرده و از ملی شدن صنعت نفت و دکتر مصدق حمایت کردند اما با نخست وزیری مصدق به دلیل نوع نگرش آن ها به سنت و مدرنیسم دچار اختلاف شدند. هم چنین روحانیون و روشنفکران دینی هر چند در مبارزه با رژیم شاه مواضع مشترکی داشتند اما در نوع تفسیری که از اسلام ارائه می کردند اختلاف داشتند به طور کلی روابط گروه های روشنفکری و روحانیت پس از جنگ جهانی دوم تا سال ۱۳۵۷ یک رابطه شکننده و سست بود. در این مقاله هدف شناخت عوامل تأثیرگذار بر روابط میان گروه های روشنفکری و روحانیت در ایران طی سال های ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۷ است.

چهار چوب نظری

واقع گرایانی همچون ویلفردو پاره تو، گائتانو موسکا و روبرتو میشلز در نقد دموکراسی استدلال میکردند که در جوامع سیاسی همواره یک الیت یا گروه سرآمد، حاکم است. در جامعه شناسی سیاسی نخبگان، به طور کلی رفتار سیاسی ترکیبی از رفتار عقلایی و غیرعقلایی تلقی میگردد. مبارزه الیت ها برای کسب قدرت، مبارزهای عقلانی است، در حالی که بسیج توده ها برای حمایت سیاسی از الیت ها متضمن رفتار غیرعقلانی و احساسی است. بخش عمده ای از زندگی سیاسی مبتنی بر چنین رفتارهای غیرعقلانی است. رقابت میان الیت ها بر حسب منافع و علایق ملموس صورت می گیرد؛ لیکن پیروزی هر الیت مستلزم جلب حمایت و بسیج مردم از طریق تبلیغات و تحریک افکار عمومی و توسل به شگردهای بسیج گرانه است. (بشیریه ۱۳۷۴: ۶۶-۶۵).

از دیدگاه جامعه شناسی الیتیستی، میان الیت سیاسی و ساخت اقتصادی و اجتماعی رابطه ای ضروری و علی وجود ندارد. جامعه شناسی سیاسی فقط به معنی شناخت عمل سیاسی الیت ها است؛ البته میان الیت اقتصادی و سیاسی رابطه وجود دارد. موسکا برخلاف پاره تو در مواردی تأکید میکرد که در جامعه مدرن ثروت موجب قدرت سیاسی است، حال آنکه در جامعه سنتی قدرت موجب ثروت می بود. مبارزه قدرت نخبگان با یکدیگر مستلزم بسیج منابع درونی و نیز بسیج دیگر الیتها و توده هاست

از نظر جامعه شناسی الیتیستی تضاد واقعی در جامعه سیاسی نه میان الیت و عامه بلکه میان خود الیت ها در جریان است. از این منظر وجود یک یا چند الیت به هر حال ضروری و اجتناب پذیر است. این ضرورت و اجتناب ناپذیری به دلایلی چند توجیه شده است. مثلاً برخی استدلال کرده اند که توده های مردم بر طبق تجربیات تاریخی ناتوان از حکومت بر خویشان میباشند و هر چند اغلب به صورت ناگهانی در صحنه تاریخ و سیاست ظاهر میگردند و در انتقال قدرت از گروهی به گروه دیگر موثر ظاهر میگردند، اما دیری نمی پاید که دوباره دچار عدم تشکل میشوند و انفعال در پیش میگیرند. توده های مردم ترجیح میدهند مسئولیت تصمیم گیری در مورد مسائل عمومی و حتی مسائل مربوط به خودشان را به نخبگان واگذار کنند. در مقابل نخبگان توانایی سازماندهی به خویش را دارند و همین سازماندهی یکی از ویژگی های الیت بودن است. همواره اقلیتی از مردم می توانند به خود سازمان دهند در حالی که قاعدتاً اکثریت تشکل ناپذیر است.

مفهوم نخبگان یا سرآمدان، ترجمه واژه الیت است که معمولاً به دارندگان مناصب عالی در درون نظام سیاسی اشاره میکند. به این معنی، الیت همان حکومت کنندگان هستند که به هر دلیلی تحت این عنوان مورد شناسایی قرار میگیرند؛ به طور مثال وقتی پاره تو میگوید که «هر ملتی تحت عنوان حکومت یک الیت قرار دارد» تنها به همین معنی است که هر ملتی حکومت کنندگانی دارد.

اما مفهوم نخبگان یا الیت در مواردی در معنای پیچیده تری نیز به کار رفته است. در چنین کاربردی صرف این که گروه حاکم های قدرت را در دست دارد، مالک و معیاری کافی برای الیت تلقی کردن آن نیست. در این معنا، واژه الیت در مورد گروه هایی به کار برده میشود که گمان میرود به دلایلی برتر از دیگر گروه های اجتماعی هستند، هرچند حتی حکومت را در دست نداشته باشند. مفهوم الیت در این معنا دارای نوعی بار اخلاقی و ارزشی میباشد. با این اوصاف اغلب جامعه شناسان سیاسی مانند پاره تو مفهوم الیت را به صورتی دو پهلوی به کار گرفته و دو معنای بالا را با هم به نحوی ترکیب کرده اند. در این معنای سوم گفته میشود که هر گروه حاکمه ای تا زمانی که دارای ویژگی های سرآمدی است در قدرت باقی می ماند و یا هر الیتی سرانجام به گروه حاکمه تبدیل می گردد. پیشینه مفهوم الیت به اندیشه های نیکولو ماکیاولی باز میگردد. (بشیریه، ۱۳۷۴: ۶۷)

تفاوت میان الیت و طبقه ی اجتماعی نیز مجادلاتی را برانگیخته است. برخی بر این باورند که پایگاه اجتماعی الیت معمولاً وسیعتر از پایگاه اجتماعی طبقه اجتماعی مانند اشرافیت موروثی است و در مطالعه الیت ها باید همواره به تحرک اجتماعی توجه داشت. به این معنا الیت با طبقه اجتماعی تفاوت اساسی دارد. به نظر اکثر نویسندگان معاصر، مفهوم الیت را باید صرفاً در مورد گروه حاکمه جامعه نو استفاده کرد؛ به این معنا که حکومت طبقه که مبتنی بر مالکیت وسایل تولید بوده است، جای خود را به حکومت الیتی داده است که قدرتش ناشی از توانایی ها و دستاوردهای شخصی است نه ناشی از مالکیت. بنابراین در هر جامعه ای که در آن امکان پیشرفت شخصی وجود داشته باشد دارای خصلتی الیستی نیز هست (بشیریه، ۱۳۷۴: ۶۸)

ذکر این نکته بسیار حائز اهمیت است که عامل شایستگی را در به قدرت رسیدن گروه حاکمه در جوامع سنتی را نباید نادیده گرفت. از این رو شاید نتوان مفهوم الیت را به نوع خاصی از جامعه محدود کرد. در این رابطه برخی از صاحب نظران میان سه دسته از الیت ها تمیز قائل شده اند: (۱) الیت هایی که برحسب معیارهای سنتی یا عقلانی دارای شایستگی بوده و برحسب توانایی های فردی به قدرت میرسند. (۲) الیت هایی که به منظور انجام برخی کارویژه های اجتماعی به صورت عقلانی تشکیل میشوند و (۳) الیت هایی که بر اساس دلایل احساسی یا فایده گراییانه نقش نمایندگی به آنها واگذار میشود.

در اکثر تقسیمبندی ها چهار الیت عمده تمیز داده شده اند: (۱) الیت قدرت سیاسی، (۲) الیت اقتصادی، (۳) الیت نظامی و (۴) الیت فکری.

با این حال بیشتر نظریه پردازان قدرت سیاسی را یکی از ویژگی های اساسی الیت تلقی کرده اند. به طور مثال موسکا طبقه ی حاکمه یا طبقه ی سیاسی را در همان مفهوم الیت به کار میبرد. پاره تو نیز مفهوم الیت را در مورد همه ی دسته بندی های اجتماعی به کار میبندد.

پاره تو جامعه شناسی سیاسی خود را در مجادله با مارکسیسم و پیروان دموکراسی عرضه کرد. به طور کلی، تو عقل عامل نارسایی برای فهم رفتار اجتماعی، جامعه و تاریخ است. انسان اصولاً از نظر پاره موجودی غیر عقلانی و دارای ذخایر بزرگ غریزی و احساسی است و این ویژگی در انسان پایدار است و تاریخ دگرگونی عمده ای در آن به وجود نمی آورد. پاره تو البته مدعی آن بود که باید روش های علوم دقیق را برای فهم جامعه به کار گرفت و بر تجربه و عنایت تاکید گذاشت و از این رو میتوان گفت که او نیز به اصول اثبات گرایی پایبند بوده است. از نظر وی مذهب، سوسیالیسم و دموکراسی جملگی مظهر زندگی غیر عقلانی انسان و خرافه هستند، هر چند که به اقتضای طبع انسان همواره نوعی از مذهب یا ایدئولوژی پایدار خواهد ماند؛ از طرفی آنها ممکن است منشاء فایده و در تحول جامعه موثر بیفتند. مذهب، سوسیالیسم و دموکراسی همگی از مظاهر تباه کننده ی انسانگرایی و ترحم هستند که ناشی از موقعیت گروه های ضعیف و تحت سلطه میباشد. از نظر پاره تو رفتار انسان بر دو گونه است: یکی رفتار عقلایی مبتنی بر علم و منطق و دومی رفتار غیرعقلانی مبتنی بر احساس. از این دو نوع رفتار، رفتار احساسی در تعیین رفتار اجتماعی انسان تعیین کننده تر است. بر این اساس توده های مردم بیشتر بر اساس احساسات خود عمل میکنند. در مقابل الیت ها بیشتر بر اساس حسابگری و دستیابی به منافع خود به صورتی عاقلانه می اندیشد و عمل میکند. هرگاه الیت حاکم احساس ترحم و انسان دوستی را به دل خود راه دهد دچار ضعف و فساد میشود. هر الیتی که آماده نبرد برای دفاع از موقعیت خودش نباشد، دچار زوال می شود و هیچ راهی ندارد جز آن که جای خود را به گروهی بدهد که دارای خصلت های قوی و مردانه است، بدهد.

از دیدگاه پاره تو، گروه حاکمه با ثبات گروهی است که در آن ترکیب درستی از خصلت های روبه صنعتی و شیر صنعتی در آن ظاهر گردد. اما بر طبق روند زوال و فساد جامعه سیاسی، در عمل در درون الیت حاکم شمار روبه صفتان رو به فزونی میگذازد و در مقابل شمار شیر صفتان در درون بخشی از توده ها افزایش مییابد و بدین سان حرکتی دائمی در جامعه سیاسی از پایین به بالا صورت میگیرد که پاره تو از آن به عنوان گردش نخبگان یاد میکند (بشیری، ۱۳۷۴: ۷۲).

به عقیده پاره تو اگر نخبگان حکومتی نتوانند نیروهای جدیدی از لایه های پایین و توده های مردم جذب کنند، در ساختار اجتماعی عدم تعادل پیش می آید و جامعه را دچار بحران های مختلفی مینماید (ازغندی، ۱۳۹۴: ۱۴۲) از این رو پس از کودتای نظامی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تا انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ مشاهده میگردد که ارتش و به طور کلی نظامیان اعم از ساواک، شهربانی، نیروهای پایوری و غیره در کابینه و ساختار سیاسی دوران پهلوی دوم به عنوان الیت حاکم نقش برجسته ای بر عهده داشتند و نظریه گردش نخبگان، آن چنان که پاره تو به آن باور داشت، اتفاق نیفتد و سایر الیت ها همچون روشنفکران، روحانیت، مدیران و غیره فرصت حضور در کابینه و ساختار سیاسی و جایگزینی با الیت نظامی را به دلیل سرکوب، خفقان، استبداد و وابستگی به نیروهای خارجی پیدا نمیکردند. همین امر باعث شد تا در این مقاله از نظریه نخبه گرایی برای تبیین وضعیت هر یک از گروههای سرآمد و تاثیرشان به عنوان یکی از علل سقوط محمدرضا پهلوی در سال ۱۳۵۷ استفاده نمایم.

روشنفکران و سیاست

واژه‌ی روشنفکران معمولاً برای توصیف کسانی به کار برده می‌شود که عمدتاً به کار فکری می‌پردازند. در برخی از کشورها لفظ روشنفکر معنای ضمنی خلاق بودن و نقاد بودن را نیز در بر دارد. با این حال از روشنفکران تعریف واحدی نمی‌توان عرضه کرد. (بشیریه، ۱۳۸۷: ۲۴۷) به عبارت دیگر باید گفت به دست دادن تعریفی از «روشنفکری» که بیش‌تر کسان از آن راضی باشند وظیفه بسیار دشواری است. آدمی آرزو می‌کند که امکان آن وجود داشت تا آگاهانه از چنین مشکلی بپرهیزد. دشواری هنگامی دوچندان می‌شود که پژوهش‌گر بکوشد برای این قشر نامشخص در جهان به اصطلاح در حال توسعه تعریفی کارساز به دست دهد. به پیروی از سقراط و افلاطون می‌توان روشنفکران را وجدان خردگیر هر جامعه دانست. (بروجردی، ۱۳۸۷: ۳۹) ماکس وبر روشنفکران را گروهی می‌داند که رهبری یک جامعه فرهنگی را به دست می‌آورند. (بروجردی، ۱۳۸۷: ۴۰) دکتر حسین بشیریه روشنفکران را کسانی می‌داند که از چنبر چارچوب‌های رایج در اندیشه، فرهنگ، علم و هنر بیرون می‌روند. (بشیریه، ۱۳۸۷: ۲۴۷)

نقش روشنفکران در سیاست

به طور کلی می‌توان گفت که روشنفکران سه نقش عمده در زندگی سیاسی ایفا می‌کنند. یکی انتقاد از نظام سیاسی، دوم مشارکت و دخالت در آن و سوم، انزوا و کناره‌گیری از زندگی سیاسی.

۱ - نقد نظام سیاسی

نقد نظام سیاسی ممکن است به صورت نفی کامل نظم موجود بروز کند. رهبران انقلاب فرانسه (روبسپیر، دانتون، سن ژوست) اغلب از روشنفکران بودند. نقش روشنفکران روسیه در جنبش‌های اجتماعی - سیاسی و انقلاب‌های آن کشور از قرن نوزدهم به بعد بسیار چشم‌گیر بوده است. اما روی هم رفته انتقاد روشنفکران نسبت به نظام سیاسی در همه جا فراگیر نبوده است. پیدایش دولت رفاهی در غرب موجب تعدیل گرایش‌های سیاسی روشنفکران در آن کشورها گردیده است. بدین سان سنت روشنفکری نیز با تحول در اوضاع و احوال سیاسی طبعاً متحول می‌شود. روشنفکران نقش سیاسی قابل ملاحظه‌ای در جنبش‌های اجتماعی، بسیج توده‌ای و انقلاب‌ها ایفا می‌کنند. ایدئولوژی و تبلیغات ایدئولوژیک لازم برای تدارک انقلاب اغلب کار روشنفکران است. به طور کلی در دوره‌های بحرانی و تغییر که بیش از دوره‌های ثبات و آرامش مردم با قلب خود فکر می‌کنند نقش صاحبان فکر و اندیشه هم فزونی می‌گیرد. از این رو گفته شده است که روشنفکران «خمیرمایه‌ی» انقلاب‌اند. نارضایی و فعال شدن روشنفکران از نظر سیاسی معلول عوامل گوناگونی است. مثلاً ناهماهنگی میان شأن و طبقه یا شأن قدرت و بی‌اعتنایی اصحاب قدرت به اصحاب اندیشه از جمله عوامل عمده نارضایی روشنفکران است. (بشیریه، ۱۳۸۷: ۲۵۵)

۲ - مشارکت روشنفکران در زندگی سیاسی

مشارکت روشنفکران در سیاست اشکال گوناگونی دارد از جمله بیدار کردن اعمال نفوذ بر سیاست‌های دولتی یا افکار عمومی، مشارکت در زندگی سیاسی و قبضه قدرت، مشاوره‌ی سیاسی و جز آن نام برد. اما شرکت موفقیت‌آمیز روشنفکران به مفهوم دقیق کلمه در سیاست بستگی به ضعف و قدرت دیگر گروه‌های اجتماعی داشته است. در

کشورهایی که گروه‌های جامعه سنتی مانند زمین‌داران، اشرافیت و روحانیت نقش عمده‌ای در سیاست داشته باشند، میدان فعالیت روشنفکران تنگ‌تر می‌شود. برعکس در جامعه مدرن صنعتی امکانات بیش‌تری برای فعالیت سیاسی روشنفکران فراهم است.

۳- کناره‌گیری از سیاست

عزلت‌گزینی و کناره‌جویی از زندگی سیاسی در بین همه گروه‌های اجتماعی در شرایط خاص رشد می‌کند. معمولاً در شرایط وقوع مصیبت‌های گنج‌کننده و احساس سرخوردگی و توهم‌زدایی و احساس تغییرناپذیری شرایط سیاسی گرایش به بی‌عملی و کناره‌جویی از سیاست افزایش می‌یابد. از دیدگاه روان‌شناسی اجتماعی کناره‌گیری از سیاست معمولاً همراه با پدیده‌هایی چون ترس و افسردگی و احساس حقارت و بدبینی است. به طور کلی کناره‌جویی از سیاست در نتیجه سه عامل پیدا می‌شود: یکی فقدان انگیزش برای شرکت در زندگی سیاسی (عوامل روان‌شناختی و فرهنگی) دوم فقدان امکانات لازم (مثلاً آموزشی، اطلاعات، ارتباطات، سازمان، تشکل) و سوم فقدان فرصت عمل از نظر سیاسی به علت بسته بودن ساخت قدرت. در خصوص روشنفکران، کناره‌جویی از سیاست معمولاً معلول عامل سوم است.

روشنفکری در ایران

مفهوم روشنفکری همانند بسیاری از مفاهیم سیاسی - اجتماعی دیگر از غرب وارد ادبیات سیاسی ایران شده و از نظر تاریخی و نظری به آراء و اندیشه‌های فلاسفه‌ی عصر روشن‌گری در اروپا برمی‌گردد و روشنفکری به عنوان نگاه مدرن به حوزه‌های مختلف علم از جمله سیاست، حقوق و دین مطرح می‌شود. (امیری، ۱۳۸۳: ۲۰) روشنفکری در زبان فارسی ترجمه واژه فرانسوی انتلکتوئل یا واژه انگلیسی انتلکتوئل می‌باشد. (معلم، ۱۳۶۲: ۱۰۴۲) و در ادبیات فارسی واژه روشنفکری ترکیبی وصفی مشتمل بر دو واژه روشن و فکر بوده که اولی صفت و دومی موصوف آن است به همین دلیل در لغت‌نامه دهخدا روشنفکر عبارت است از کسی که دارای اندیشه روشن باشد (دهخدا، ۱۳۴۶: ۱۷۱) آل‌احمد در کتاب در خدمت و خیانت روشنفکران، روشنفکری را یک غلط و اشتباه مشهور معرفی می‌کند که به جای انتلکتوئل به کار گرفته شده. به نظر ایشان بهتر بود در مقابل آن کلمه هوشمند یا فرزانه به کار می‌رفت. (آل‌احمد، ۱۳۵۷: ۱۸)

به هر حال در اوایل دهه‌ی ۱۳۲۰ فرهنگستان ایران واژه فارسی روشنفکری را به جای «منورالفکری» که رنگ و بوی عربی داشت پیشنهاد کرد و این اصطلاح خیلی زود در بیان سیاسی ایرانیان جای شایسته خویش را پیدا کرد. هر پژوهشی درباره‌ی روشنفکران ایران باید علاوه بر این توضیحات مفهومی چند ویژگی تاریخی و اجتماعی را به حساب آورد. مقایسه کوتاه با کشورهای دیگر آسیایی به نشان دادن این تفاوت‌ها کمک می‌کند. نخست و مهم‌تر از همه این واقعیت که کشورهای اروپایی هرگز ایران را به طور رسمی مستعمره نکردند. و این بدین معنی است که روشنفکران ایران برخلاف همتایان خود در هند، پاکستان، الجزایر، مراکش و تونس، دوزبانه و نیز به همین خاطر دو فرهنگی نشده‌اند.

دوم این که روشنفکران ایرانی در مقایسه با همتایان عثمانی خود با فلسفه‌ی غربی دیر آشنایی یافتند؛ و تنها در اواخر قرن نوزدهم بود که مراجعه به منابع اصلی اروپا را آغاز کردند. پیش از این زمان بیش‌تر آن چه درباره‌ی مکتب‌های فکری

غرب می‌دانستند از راه ترجمه‌های ترکی عثمانی و هندی به آن رسیده بودند. شگفتی ندارد که روشنفکران ایرانی قرن بیستم از نظر تعهد به سکولاریسم، نتوانستند از هم‌تایان ترک خود پیشی بجویند.

سوم این که اصلاح‌گران غیر مذهبی ایرانی نتوانستند از سرمشق روسی خود که از قرن هجدهم در اندیشه روشن‌گری مهارتی یافتند و بعدها توانستند ایدئولوژی‌های اروپایی چون مارکسیسم و آنارشیسم را به اوج‌های تازه‌ای برسانند پیروی کنند. سرانجام اینک روشنفکران ایرانی به اندازه روشنفکران ژاپنی قرن نوزدهم روشنفکران هندی قرن بیستم که هزاران کتاب از زبان‌های اروپایی ترجمه کردند و به ارزیابی انتقادی جنبه‌های گوناگون روابط جامعه‌های خویش با غرب پرداختند، از خود پشتکار نشان ندادند.

با این وجود در ایران طبعاً نقش روشنفکران مدرن به ویژه در آغاز تحول و نوسازی از حد ایفای نقش در زندگی سیاسی فراتر می‌رفت و جنبه‌ای ساختاری و بنیادی یافت به طوری که زمینه انقلاب مشروطیت ایران در نتیجه نشر عقاید روشنفکران اولیه آماده گردید.

روحانیون، مذهب، سیاست

رابطه میان روحانیون مذهبی و سیاست و حکومت در سطوح و درجات مختلف و متنوع قابل تصور است. نخست باید گفت که ممکن است سیاست و حکومت بدون دخالت روحانیون مذهبی شود. گروه‌های اجتماعی دیگری غیر از روحانیون ممکن است وقتی در مسند قدرت قرار می‌گیرند، احکام دینی را اجرا کنند. در همه‌ی نظام‌های سیاسی سنتی که عمدتاً مبتنی بر مشروعیت مذهبی بوده‌اند، سیاست به این معنی مذهبی بوده است. دوم این که، روحانیون اغلب به عنوان یک گروه ذی‌نفوذ عمده در نظام‌های سنتی عمل کرده و به این معنی جزیی از طبقه حاکمه بوده‌اند. میان حکام و روحانیون در همه نظام‌های سنتی کم و بیش توافق و سازش وجود داشته است. حکام سنتی می‌بایست به مذهب و سنن احترام بگذارند، زیرا در غیر این صورت با اعتراض پاسداران سنت و مذهب به ویژه روحانیون مواجه می‌شدند.

عوامل دخالت روحانیون در سیاست

۱ - هرچه داعیه‌های سیاسی و اجتماعی مذهب بیش‌تر باشد، احتمال دخالت روحانیون در زندگی سیاسی بیش‌تر می‌شود. بی‌تردید همه مذاهب نسبت به تنظیم امور اجتماعی و سیاسی کم و بیش ادعاهایی داشته‌اند زیرا هر مذهبی قطع نظر از وظیفه تأمین وسایل رستگاری برای مؤمنان می‌بایست به تنظیم حوزه‌ی زندگی مادی آن‌ها نیز بپردازد. با این حال برخی مذاهب بیش از مذاهب دیگر داعیه دخالت در امور دینی و سیاسی داشته‌اند.

۲ - هرچه روحانیون یک مذهب به عنوان یک نیروی سیاسی از نظر تاریخی، موقعیت ممتاز و قوت بیش‌تری داشته باشند، احتمال دخالت مستقیم و گسترده‌ی آن‌ها در سیاست افزایش می‌یابد.

۳ - هرچه امکان تعبیر و تفسیرپذیری مذهب و تطبیق آن با شرایط متحول تاریخی بیش‌تر باشد توانایی روحانیون برای مداخله مستقیم در سیاست افزایش می‌یابد.

۴ - هرچه نهادهای مذهبی سازمان یافته‌تر و منسجم‌تر باشند توانایی روحانیت برای دخالت در سیاست بیش‌تر می‌شود.

سقوط رضاشاه و فعال شدن گروه‌های سیاسی متعدد

رضاخان در دوره حکومت خود با تمرکز بیش از حد قدرت، عملاً نوعی حکومت استبدادی را بنیان نهاد که اجازه هیچ فعالیت آزاد سیاسی - اجتماعی را به گروه‌های سیاسی و مخالفان نمی‌داد. در این دوره، ناسیونالیسم و ملی‌گرایی در قالب غیر دینی که بر شکوه و عظمت شاه تمرکز داشت، بنیان‌گذاری شد و اگرچه به اسلام به صورت مستقیم چندان حمله نشد، اما عملاً دست روحانیون از نهادهای سنتی قدرت خود کوتاه شده، و به نسل جدید چنین آموزش داده شد که اسلام از سوی اعراب بی‌تمدن بر ایران تحمیل شد. (امیری، ۱۳۸۳: ۱۴۱) اما با هجوم نیروهای انگلیس و شوروی در شهریور ۱۳۲۰ و فرو ریختن پایه‌های استبداد، نارضایتی‌های سرکوب شده‌ی شانزده ساله بیرون ریخت. سیاست‌مداران کهنه‌کار که در بازنشستگی‌های اجباری زخم‌هایشان را درمان می‌کردند با شتاب به صحنه عمومی بازگشتند. رهبران مذهبی از کتابخانه‌های حوزه‌ها خارج شدند و وعظ و خطابه را از سر گرفتند. روشنفکران نیز که بیش‌ترشان جوان‌تر از آن بودند که مشکلات و گرفتاری‌های سال‌های ۱۲۸۶-۱۳۰۴ را به یاد آورند به قصد ساختن کشوری جدید و با انتشار روزنامه، جزوه و تشکیل احزاب سیاسی با شور و شوق تمام وارد صحنه سیاست شدند. بدین ترتیب، دوران سکوت جای خود را به فریاد نمایندگان پر شور، روزنامه‌نگاران سرزنده و بانشاط، رهبران صریح‌الوجه حزبی و تظاهرکنندگان ناراضی داد. (آبراهامیان، ۱۳۸۶: ۲۱۷) از جمله گروه‌هایی که بعد از شهریور ۱۳۲۰ شروع به فعالیت کردند می‌توان به حزب توده اشاره کرد که با حمایت همسایه شمالی و برخی دموکرات‌های قدیمی، با شعارهایی متنوع و جذاب به یکی از بزرگ‌ترین احزاب کشور تبدیل شد. علاوه بر چپ‌گرایی، در دوره‌ی بعد از شهریور ۱۳۲۰، گرایش ملی‌گرایی با ویژگی‌های غرب‌گرایی، دموکراسی و لیبرالیسم شکل گرفت. (امیری، ۱۳۸۳: ۱۴۴) بعد از شهریور ۱۳۲۰ لیبرالیسم که فرصت تازه‌ای برای ملحق شدن به ناسیونالیسم پیدا کرده بود با ویژگی بیگانه‌ستیزی و آزادی‌خواهی درصدد جلوگیری از رشد انحصاری قدرت سلطنت و عدم تکرار تجربه‌ی رضاخان و لغو امتیازهای بیگانگان برآمد. (داوری، ۱۳۷۱: ۶)

علاوه بر دو گرایش چپ‌گرایی و ملی‌گرایی در فاصله‌ی بین سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲، جریان اسلام‌گرایی هم، در قالب‌ها و شیوه‌های مختلف به فعالیت پرداخت.

چپ‌گرایی و حزب توده

سابقه‌ی سوسیالیسم و چپ‌گرایی در ایران به حضور کارگران و کسبه ایرانی در شهرهای مختلف قفقاز و تأثیرپذیری آن‌ها از سازمان‌های سوسیال دموکراسی روسیه برمی‌گردد. این مسئله امکان ارتباط و آشنایی را با افکار و سازمان‌های سوسیالیستی فراهم کرد. رفت و آمد ایرانیان به شهرهای قفقاز از اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم شروع شد و همه ساله افزایش یافت. به طوری که بنا به گفته کسروی در اوایل قرن بیستم تنها در محله‌ی صابون‌چی و بالاخانی باکو حدود ۱۰ هزار ایرانی کار می‌کردند. (کسروی، ۱۳۵۷: ۹۴۰) این کارگران که در شهرهای قفقاز مشغول کار بودند، همانند شهرهای خود که همواره در آن شاهد فجایع و مظالم استبدادی حاکمان بودند در شرایطی دشوار، سخت و غیر انسانی به سر می‌بردند. وقوع انقلاب ۱۹۰۵ در روسیه تزاری به همراه شعارهای عدالت‌طلبانه و ظلم‌ستیزانه سوسیالیست‌ها، کارگران را در کنار گروه‌های چپ‌گرا به مبارزات اجتماعی کشاند. اما روی آوردن آن‌ها به افکار چپ‌گرایی و

سوسیالیسم بدون شک بر اساس نظریه مارکس نبود بلکه بیش تر علیه بی عدالتی و ظلمی بود که از حاکمان محلی و دولتی می دیدند. بدین ترتیب افکار چپ گرایی در قالب گروه ها و سازمان های مختلف در ادوار تاریخ ادامه پیدا کرد.

دو هفته بعد از کناره گیری رضاخان در اواخر شهریور ۱۳۲۰ حزب توده با شرکت عده ای از روشنفکران معتقد به سوسیال - دموکراسی و افکار کمونیستی، در تهران تأسیس شد. هسته اصلی این حزب گروه پنجاه و سه نفر بودند که در دوره رضاخان به فعالیت فکری و فرهنگی چپ گرایانه پرداخته بودند. برنامه سیاسی حزب به گونه ای ترسیم شده بود که در آن ضمن وفاداری به قانون اساسی و سلطنت مشروطه، سعی شده بود که افراد روشنفکر طبقات مختلف در آن جمع شوند. در مواد مرام نامه حزب بر استقلال و تمامیت ارضی ایران، مبارزه برای دموکراسی، تأمین حقوق و آزادی های فردی و اجتماعی، مبارزه با دیکتاتوری و استبداد و سایر شعارهای اصلاح طلبانه تأکید شده بود. حزب توده علاوه بر به کار گرفتن الفاظ و عبارات علمی و ادعای در انحصار داشتن تفکر علمی برای جلب اقشار جوان و روشنفکر و تحصیل کرده برای هر گروه و صنف خاص هم برنامه تبلیغاتی و شعارهای جذاب در نظر گرفته بود. بسیاری از نویسندگان و هنرمندان کشور در فضای اجتماعی پس از شهریور ۱۳۲۰ به حزب توده پیوستند. دلیل پیوستن آن ها این بود که تکیه گاه دیگری برای رشد اجتماعی و سیاسی نمی یافتند. به ویژه آن که سیمای اصلاح طلبی حزب، آزادی خواهی و هواداری از عدالت و تحول در جامعه ای که شاهد دخالت خارجیان، نابرابری و فقر بود بسیار مقبول روشنفکران و جوانان دانشگاهی می افتاد. گذشت زمان و چند اشتباه تاکتیکی ماهیت حزب توده و شعارهای استقلال طلبانه و جذاب آن را با ابهام و تردید جدی مواجه کرد و وابستگی آن ها را به شوروی به خوبی نشان داد. از جمله ای این اشتباهات می توان به حمایت از اعطای امتیاز نفت شمال به شوروی و حمایت از فرقه دمکرات آذربایجان و ضدیت با باورهای مذهبی که به عنوان یک مبنای اصلی تفکر مارکسیستی به شمار می رفت اشاره کرد.

موضع گیری روحانیت در مقابل حزب توده

بعد از سقوط رضاخان و تبعید او به خارج در فضای جدیدی که از شهریور ۱۳۲۰ ایجاد شده بود همزمان با نیروهای ملی گرا و چپ گرا جریان روحانیت شروع به بازسازی و ترمیم خود از دو نهاد حوزه و دانشگاه کرد. حرکت دینی دهی ۲۰ که در ابتدا به صورت فرهنگی و به عنوان یک جریان فکری شکل سیاسی خاصی نداشت و از کانون ها و حوزه های مختلفی در تهران، مشهد و برخی شهرستان های دیگر شروع شده بود، توانست پایگاه های فعالی برای دفاع از دین در مقابل توده ای ها به وجود آورد. مساجد رونق گرفته و سخنرانی های دینی، موعظه و تعظیم، شعائر مذهبی دگر بار آغاز شد. (بازرگان، ۱۳۷۵: ۳۷۴) در واکنش به توده ای ها که علاوه بر تحریک احساسات مذهبی مردم اصل دین، مذهب، قرآن و پیامبر و ائمه را به زیر سؤال می بردند. (یزدی، ۱۳۶۶: ۱۳۶) و با شعارهای جذاب نسل جوان و تحصیل کرده را تقریباً تسخیر کردند روحانیون جوان و فعال در محافل هم چون انجمن ها و سازمان های مختلف به فعالیت فکری و دینی پرداختند. این واکنش در میان روحانیون تأثیرات و تحرکات بزرگی بر جای گذاشت که در نهایت باعث شد دین به عنوان یک ایدئولوژی سیاسی در جامعه مطرح شود. در تهران به همت چند نفر از متدینین فرهنگی کانون اسلام تشکیل شد. آیت الله طالقانی چهره روحانی برجسته دهی ۲۰ در جلسات کانون و انجمن اسلامی دست به ارشاد، اصلاح و مقابله با موج کمونیست می زد. کلاس های تفسیر قرآن، جلسات سخنرانی و پرسش و پاسخ او تماماً رنگ اجتماعی و

علمی داشت و در آن‌ها برداشت‌های جدید درباره‌ی اسلام و دین بر اساس قرآن بسط و انتشار می‌یافت. آیت‌الله طالقانی معتقد بودند که تبلیغ به شیوه‌های سنتی مثل مجالس روضه‌خوانی و سوگواری و موعظه برای هدایت نسل جوان و مقابله با تهاجم فکری روشنفکرانی که به دین اعتقادی نداشتند و برای زدودن آن در جامعه کار فکری فرهنگی می‌کردند دیگر کارایی ندارد و باید حقایق دینی مطابق علوم و شرایط جدید بیان شود. حجه‌الاسلام محمدتقی فلسفی نیز به شیوه‌های جدید و عقلانی و علمی به تبلیغ و دفاع از دین در مقابل توده‌ای‌ها پرداخت. نکته قابل توجه در سخنرانی‌های مرحوم فلسفی شیوه زبان و صورت خاص سخنرانی‌ها بود که متناسب با شرایط و مقتضیات روز بیان می‌شدند و برای تحت تأثیر قرار گرفتن مخاطبان از موضوعات روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، شعر، علوم تربیتی و تجربی جدید استفاده می‌شد. (فلسفی، ۱۳۷۶: ۹۹)

در مشهد نیز که زمینه تبلیغات توده‌ای در آن زیاد بود و تحت عناوین مختلف که برای ترویج حزب توده صورت می‌گرفت عده‌ی فراوانی به آن پیوسته بود تشکیل هیأت مذهبی و کانون‌های مختلف راه را برای حزب توده سد کرد. یکی از این کانون‌ها، کانون نشر حقایق اسلامی محمدتقی شریعتی بود. مبارزه شریعتی با توده‌ای‌ها یکی از اساسی‌ترین اهداف کانون بود که همه از آن یاد می‌کنند. (جعفریان، ۱۳۹۰: ۱۲۰) در واقع هدف محمدتقی شریعتی این بود تا به جوانان درس‌خوانده‌ی مشهد درباره باورهای اشتباه‌آمیز خداناباوران عقلانی (دئیست‌ها) و مزایای اسلام نسبت به مارکسیسم آموزش دهد. محمدتقی شریعتی در طول بیست سال فعالیت خود توانست شماری از روحانیون پیشرو را به کانون پیوند دهند. از جمله روحانیون که با کانون فعالیت نزدیکی داشتند سیدعلی خامنه‌ای رهبر کنونی جمهوری اسلامی ایران بود که نقش بسزایی در مقابله با تبلیغات کمونیست‌ها و مبارزت ضد دینی آن‌ها داشته است. (بروجردی، ۱۳۸۷: ۱۵۷) علاوه بر تهران و مشهد روحانیون در شهرهای دیگر نیز به موضع‌گیری در مقابل حزب توده پرداختند در شیراز آیت‌الله سیدنورالدین شیرازی حزب برادران را تأسیس کرد. این حرکت اقدامی مذهبی - سیاسی بود که هدف اساسی آن ایجاد یک خط دفاعی دینی در برابر توده‌ای‌ها بود. (جعفریان، ۱۳۹۰: ۱۳۶) علاوه بر این علما در سطح مرجعیت نیز آیت‌الله بروجردی که مرجعیت عام ایشان در حوزه علمیه‌ی قم از سال ۱۳۲۵ شروع شده بود از همان ابتدا با حزب توده و نفوذ آن در بین جوانان و قرار گرفتن آن بر دو اصل مارکسیسم - لنینیسم و ضدیت با باورهای مذهبی به عنوان یک مبنای اصلی تفکر مارکسیستی با حزب توده مخالفت کرده و نگران آن بود که مملکت به دست حزب توده بیافتد. آیت‌الله بروجردی در مخالفت با فرقه دمکرات آذربایجان که مورد حمایت حزب توده و کمونیسم بود انتخابات دوره یازدهم مجلس شورای ملی را تحریم کرد و فتوا داده است که تا زمانی که آذربایجان تحت اشغال بیگانه‌گرایان و کمونیست‌های ضد دین است انتخابات نباید برگزار شود. آیت‌الله بروجردی توده‌ای‌ها را ضد مذهب و مخل امنیت و استقلال ایران می‌دانست. بروجردی در مخالفت با حزب توده به شاه و دربار نزدیک شد چرا که شاه را سد مستحکم و مانع بزرگی در برابر نفوذ کمونیست‌ها و توده‌ای‌های ضد دین می‌دانست. به همین خاطر روی وی نظر مثبتی داشته است. (جعفریان، ۱۳۹۰: ۲۷۰) در واقع می‌توان گفت که یکی از عوامل نزدیکی روحانیون و رژیم شاه مبارزه با کمونیست‌ها و توده‌ای‌ها بوده است.

روشنفکران ملی‌گرا و تشکیل جبهه ملی

در مورد تشکیل جبهه ملی باید به دو دسته عوامل داخلی و خارجی اشاره کرد. رویدادهای سیاسی سال ۱۳۲۳ تا ۱۳۲۶ و مهم‌تر از همه گسترش جنگ سرد و در کنار آن اختلاف نظر آمریکا و انگلیس در برخی سیاست‌های منطقه‌ای باعث شد سیاست‌مداران غیر وابسته و ملی ایران از این وضعیت در جهت تحقق اهداف ملی حداکثر بهره‌برداری را به عمل آورند. سیاست حمایت و تقویت ناسیونالیسم در کشورهای هم‌جوار شوروی که مورد توجه ایالات متحده واقع شده بود، زمینه‌های پیدایش ملی‌گرایی و به تبع آن تشکیل جبهه‌ی ملی را در ایران مهیا کرد. با توجه به این شرایط و به ویژه آن که حزب توده بعد از چند سال فعالیت و دادن شعارهای جذاب نتوانسته بود در رهبری طبقات محروم جامعه موفقیت کسب کند و بعد از چند اشتباه تاکتیکی در برخورد با منافع ملی کشور موقعیت خود را از دست داده بود. این واقعیت‌ها و شرایط داخلی به همراه اعتراض‌هایی که حول محور نفت و انتقاد به لایحه‌ی الحاقی آن ایجاد شده بود باعث هم‌گرایی نخبگان گروه‌های مختلف و در نهایت تشکیل جبهه ملی شد. زمانی که جبهه ملی تشکیل شد، گروهی از نخبگان سیاسی با علایق گوناگون و با بسیج امکانات خود در احزاب و گروه‌های متفاوت به عضویت آن درآمدند و با فعالیت‌های مطبوعاتی، سیاسی و اجتماعی به تقویت آن پرداختند.

ملی شدن صنعت نفت و نزدیک شدن روحانیون و روشنفکران پس از آن که علی منصور به نخست‌وزیری منصوب شد در ۳۰ خرداد ۱۳۲۹ مجلس بنا به تقاضای منصور تصمیم گرفت کمیسیونی به نام کمیسیون مخصوص از نمایندگان مجلس برای تهیه طرحی جهت استیفای حقوق ملت ایران و مطالعه در لایحه الحاقی گس گلشائیان تشکیل دهد. همان روز ۱۸ نفر از نمایندگان به رهبری دکتر مصدق مأمور شدند قرارداد الحاقی را مورد مطالعه و بررسی قرار دهند و نظرت خود را به اطلاع مجلس برسانند. پس از استعفای علی منصور رزم‌آرا مأمور تشکیل کابینه شد. جبهه ملی نخست‌وزیری رزم‌آرا را شبه کودتا نامید و مصدق خطر استقرار دیکتاتوری نظامی را به مردم هشدار داد. کمیسیون نفت پس از رد قرارداد الحاقی گس گلشائیان در بیست و یکمین جلسه خود گزارشی تهیه و در ۱۹ آذر ۱۳۲۹ تقدیم مجلس نمود. حسین ملک‌ی معبر کمیسیون ضمن بیان علل رد قرارداد الحاقی از پیشنهاد پنج نفر از اعضای جبهه ملی عضو کمیسیون مبتنی بر ضرورت ملی کردن صنعت نفت در تمام کشور سخن راند. علاوه بر تلاش روشنفکران برای ملی کردن صنعت نفت روحانیون نیز نقش بسزایی داشتند به طوری که دو روز بعد از قرائت گزارش ملک‌ی روزنامه‌ها خبر از فتوای آیت‌الله کاشانی پیشوای بزرگ مسلمین در مورد لزوم ملی کردن صنعت نفت دادند. در این اطلاعیه کاشانی تکلیف دینی و ملی ملت مسلمان ایران را کاملاً معلوم و روشن می‌کند او می‌گوید باید همه افراد مملکت بخواهند که صنعت نفت ایران در تمام مناطق کشور بدون استثناء ملی اعلام شود. این اعلامیه حساب شده از طرف محور مصدق - کاشانی جریانی را کلید می‌زد که وظیفه آن فشار مردم از بیرون بر مجلس است که اکثریت آن الفتی با ملی شدن نفت ندارد. به دنبال این اعلامیه کاشانی روحانیون و علمای دیگر نیز از ملی شدن صنعت نفت و دکتر مصدق حمایت کردند که می‌توان به فتوای آیت‌الله خوانساری، آیت‌الله محلاتی نام برد که همکاری با کاشانی را در راه ملی کردن صنعت نفت تکلیف شرعی شمردند. به طور کلی آیت‌الله کاشانی و دیگر علما به خاطر توانایی بالایشان در بسیج سیاسی و اجتماعی و داشتن هم‌گرایی با بازار و توده‌های مذهبی، یکی از مهم‌ترین پایه‌های جامعه مدنی بودند و بدون شک موفقیت در مسئله نفت هم به خاطر آمادگی افکار عامه مردم بود که هر اقدام ضد استعماری و ضد انگلیسی به راحتی می‌توانست اعتماد عمومی

را کسب کند. (بیل، ۱۳۶۸: ۹۸) به طور کلی علی‌رغم بی‌توجهی جبهه ملی و دکتر مصدق به دین و نقش آن در تحولات سیاسی اجتماعی روحانیون به خاطر اهداف دیگری چون استقلال کشور و محدود کردن قدرت استعمار خارجی و استبداد داخلی در راستای فعالیت‌های ملی‌گراها حرکت کردند و با آن‌ها همکاری کردند.

نخست‌وزیری مصدق و آغاز اختلافات

پس از استیفای حسین علاء مجلس شورای ملی به نخست‌وزیری دکتر مصدق اظهار تمایل کرد اما مصدق پذیرش نخست‌وزیری را مشروط به تصویب لایحه ۹ ماده‌ای کمیسیون نفت کرد و متعاقب آن فرمان همایونی مبنی بر انتخاب مصدق به نخست‌وزیری در ۸ اردیبهشت ۱۳۳۰ صادر شد. (مهدوی، ۱۳۸۷: ۴۸۰) اصرار مصدق مبنی بر اجرا شدن قانون ۹ ماده‌ای باعث شد که مخالفان داخلی شروع به فشار آوردن به دولت کنند. در برابر فشارهای داخلی و خارجی روحانیت و شخص آیت‌الله کاشانی از جبهه ملی و دکتر مصدق پشتیبانی کرد و در هنگام استیفای مصدق و حوادث ۳۰ تیر ۱۳۳۱ کاشانی تهدید کرد که اگر مصدق بازنگردد دهانه انقلاب را متوجه شاه و دربار می‌کند. اما پس از حوادث ۳۰ تیر ۱۳۳۱ کاسه احترام و اعتماد میان عبا و عصا ترکی غیر قابل ترمیم برمی‌دارد و در آخرین ماه‌های تابستان دو پیشوای متحد و محترم مردم از یکدیگر جدا می‌شوند. ناراحتی و شکایت عمده مصدق از کاشانی به مداخلات او در امور جاری کشور مربوط می‌شد. عامل دخالت کاشانی در روند امور، گرچه به تعمیق و شدت اختلافات آن‌ها دامن می‌زد اما مسلماً تنها عامل رودررویی این دو نبود. مصدق در سال آخر حکومت خود حمایت علما و روحانیون و افراد مذهبی فعال را هم از دست داد. برخلاف حمایت‌های علما از مصدق در جریان ملی شدن صنعت نفت، او هیچ‌گاه نقشی به صورت جدی برای فعالیت آن‌ها قائل نبود و از نظر ایدئولوژیکی هم هیچ اعتقادی به دخالت روحانیون در امور دینی نداشت. روشنفکران ملی‌گرا با توجه به شناختی که از اسلام‌گراها و افرادی مثل آیت‌الله کاشانی و نواب صفوی داشتند، می‌دانستند که در صورت قدرتمندی روزافزون، آن‌ها درصدد اجرای احکام اسلامی به هر میزان ممکن برمی‌آیند و این موضوع با اهداف روشنفکران ملی‌گرا که قائل به دخالت نکردن دین و علما در امور سیاسی اجتماعی بودند، در تضاد بود. بدین ترتیب اختلافات متدولوزی و ایدئولوژیکی باعث جدایی رهبران نهضت شد و این اختلافات بر حمایت افراد مذهبی و سایر علما از دولت مصدق تأثیر منفی فراوان گذاشت. کودتایان هم از این اختلاف‌ها و شکاف‌های ترمیم نشده بسیار خوش‌وقت بودند، زیرا می‌دانستند هر میزان نیروهای فعال مذهبی از مصدق فاصله بگیرند به ناچار شاه را بر حزب توده ترجیح می‌دهند و در نتیجه به سوی او گرایش پیدا می‌کنند. به طور کلی کنار کشیدن علما و رودررویی برخی از آن‌ها با جبهه ملی، بازار و بخشی از هواداران جبهه ملی را که از طبقات پایین اجتماع بودند منفعل ساخت. این اختلافات داخلی زمینه را برای کودتایان در ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ مهیا کرد.

افول فعالیت‌های سیاسی اجتماعی بعد از کودتای ۲۸ مرداد

پس از آن که نفاق و چنددستگی که بیانگر حاکم بودن فرهنگ ناسالم سیاسی در جامعه بود و خلیقات فرصت‌طلبانه ما ایرانیان زمینه سیاسی و اجتماعی سقوط مصدق را فراهم کرد. محمدرضا شاه به ایران آمد و به تثبیت قدرت خود پرداخت. شاه از حکومت نظامی، دادگاه‌های نظامی و قانون اساسی ۱۳۱۰ بر ضد «مرام اشتراکی» سود جست تا نه تنها حزب توده بلکه جبهه ملی و دیگر احزاب و گروه‌های مخالف را تارومار کند. در واقع رژیم پهلوی بعد از کودتای ۲۸

مرداد با حمایت همه جانبه آمریکا توانست با بازداشت، اعدام و تبعید افراد فعال از گروه‌های مختلف ملی‌گرا، چپ‌گرا و دینی فعالیت سیاسی را وادار به عقب‌نشینی کند. حزب توده به دنبال ضربت سهمگینی که در سال ۱۳۳۴ با لو رفتن سازمان نظامی‌اش متحمل گردید دیگر نتوانست به دوران اقتدار گذشته‌اش بازگردد. از سوی دیگر مجموعه عملکرد حزب در دوره‌ی اقتدارش از یک سو و ضعف، بی‌تحریکی و سیاست تسلیم‌طلبانه رهبری حزب در مواجهه با کودتا سبب گردید تا حزب مقدار زیادی از محبوبیت خود را در میان روشنفکران و جریانات رادیکال مخالف رژیم از دست بدهد. گروه‌های دیگر نیز در شرایط چندان بهتری از حزب توده قرار نداشتند. «جبهه ملی» اگرچه بعد از کودتای ۲۸ مرداد هم چون حزب توده قلع و قمع نشد، اما تحرک چندان نیز نتوانست در مخالفت با رژیم از خود نشان دهد. دکتر مصدق در دادگاه نظامی به اتهام خیانت به کشور به سه سال زندان محکوم شد. دکتر حسین فاطمی وزیر خارجه و دست راست مصدق دستگیر و در دادگاه نظامی به مرگ محکوم شد. هرچند بازماندگان جبهه ملی دوران مصدق مجدداً به جنب و جوش افتادند و با تشکیل جبهه‌ی ملی دوم سعی در تجدید حیات جبهه ملی داشتند اما به دلیل فقدان استراتژی منسجم از یک سو و اختلافات داخلی از سوی دیگر نتوانستند گام مؤثری در تجدید حیات سیاسی خود بردارند. (زیباکلام، ۱۳۸۷: ۲۴۵)

گروه‌های مذهبی نیز همانند دو گروه چپ‌گرا و ملی‌گرا مجبور به عقب‌نشینی شده با اعدام نواب صفوی و خلیل طهماسبی و چند تن دیگر از همکارانشان سازمان فدائیان از هم پاشید. آیت‌الله کاشانی به اتهام همکاری با فدائیان اسلام دستگیر شد و به صورت کلی روحانیون فعال در امور سیاسی به صورت موقت از صحنه‌ی مسائل اجتماعی و سیاسی کنار گذاشته شدند.

نتیجه‌گیری

به طور کلی روحانیت و گروه‌های روشنفکری در ایران نقش اساسی را در تحولات سیاسی اجتماعی ایفا کردند و همواره پیش‌قراولان تحولات در ایران بودند. این دو گروه گاه مواضع مشترک و همسو اتخاذ می‌کردند و گاه دچار انشقاق و اختلاف می‌شدند و همان‌گونه که جلال آل‌احمد می‌گوید تاریخ صد ساله ایران نشان داده است که هر جا روحانیت و روشنفکران زمان با هم و دوش به دوش هم یا در پی هم می‌روند در مبارزه اجتماعی بردی هست و پیشرفتی و قدمی به سوی تکامل و تحول. و هر کجا که این دو از در معارضة با هم درآمدند و پشت به هم کردند یا به تنهایی در مبارزه شرکت کردند از نظر اجتماعی باخت هست و پسرفت و قدمی به سوی قهقرا. همکاری روحانیون و روشنفکران برای ملی شدن صنعت نفت و یا مخالف روحانیون و روشنفکران دینی با انقلاب سفید شاه نشان‌دهنده همکاری این دو گروه برای مبارزه با ماهیت نظام سیاسی مستبد و وابسته است. و اختلاف بین آن‌ها ناشی از نوع نگرش آن‌ها به سنت و مدرنیسم است. نوع نگرشی که باعث ایجاد اختلاف در بین روشنفکران و روحانیت در زمان نخست‌وزیری مصدق شد. مثلاً زمانی دکتر مصدق از آزادی و حق رأی برای زنان سخن می‌گوید روحانیون در برابر این قضیه به عنوان پاسداران سنت واکنش نشان می‌دهند بنابراین می‌توان گفت که اگر ماهیت نظام سیاسی در طی سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۷ یکی از عوامل هم‌گرایی گروه‌های روشنفکری و روحانیت بوده نوع نگاه آن‌ها به سنت و مدرنیسم عامل واگرایی بین این دو گروه بوده است.

منابع

- ۱- آل‌احمد، جلال (۱۳۵۷) در خدمت و خیانت روشنفکران، تهران: انتشارات خوارزمی.
- ۲- آبراهامیان، یرواند (۱۳۸۶) ایران بین دو انقلاب، ترجمه: احمد گل‌محمدی، تهران: انتشارات نی، چاپ پنجم.
- ۳- امیری، جهاندار (۱۳۸۳) روشنفکران و سیاست، تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- ۴- بشیریه، حسین (۱۳۸۷) جامعه‌شناسی سیاسی، تهران: انتشارات نی، چاپ پانزدهم.
- ۵- بروجردی، مهرزاد (۱۳۸۷) روشنفکران ایرانی و غرب، ترجمه جمشید شیرازی، تهران: انتشارات فرزانه روز، چاپ پنجم.
- ۶- بازرگان، مهدی (۱۳۷۵) خاطرت بازرگان (شصت سال خدمت و مقاوم)، تهران: انتشارات رسا.
- ۷- بیل، جیمز (۱۳۶۸) مصدق نفت، ناسیونالیسم ایرانی، ترجمه: هوشنگ مهدوی، تهران: نشر نو، چاپ دوم.
- ۸- جعفریان، رسول (۱۳۹۰) جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی سیاسی ایران، تهران: انتشارات علم، چاپ سیزدهم.
- ۹- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۵۰) لغت‌نامه دهخدا، تهران: انتشارات شرکت چاپ دوم.
- ۱۰- داوری، رضا (۱۳۷۱) منورالفکری و روشن‌فکری، گفت و شنود، تهران: انتشارات همشهری.
- ۱۱- معلم، مرتضی (۱۳۶۲) فرهنگ کامل جدید فارسی - فرانسه، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- ۱۲- زیباکلام، صادق (۱۳۸۷) مقدمه‌ای بر انقلاب اسلامی، تهران: انتشارات روزنه، چاپ هفتم.
- ۱۳- مهدوی، هوشنگ (۱۳۷۲) سیاست خارجی ایران در دوره پهلوی، تهران: نشر البرز.
- ۱۴- فلسفی، محمدتقی (۱۳۷۷) خاطرات و مبارزات، تهران: انتشارات روزنامه اطلاعات.

Journal of Social Sciences, Islamic Azad University, Shushtar Branch

Vol. 18, No. 1 (Serial No. 2), Spring 2025

Received: July 30, 2024 Accepted: August 26, 2025

Pp:59-74

A Comprehensive Cognitive Review of the Relationship between Non-Religious Intellectual Flow and Spirituality in Iran during the Second Pahlavi Period

Abdollah Pirouzi*¹

¹⁻ Department of Islamic Studies, Ahvaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran.

Abstract

Intellectual and clerical groups were always prominent as two influential groups on social political developments in Iran during the second Pahlavi period. During this period, various intellectual groups, including leftists and nationalists, were active, and clerics, as guardians of religion in Iran, took different positions against these intellectual groups. The clerics took a stand against the Communist party whose public and secret activities were actually based on the two principles of Marxism-Leninism, and the opposition to religious beliefs was considered as a main basis of Marxist thinking, and in the ongoing nationalization of the oil industry, despite the difference in the views of the intellectuals. The nationalists and clerics supported the nationalization of the oil industry and Dr. Mossadeq due to the role of religion in the community of clerics to fight internal tyranny and foreign colonialism, but with Dr. Mossadeq as the prime minister, a difference arose between them due to their attitude toward tradition and modernism and led to the coup d'état that took place on August 19, 1953. Various groups of intellectuals and clerics went to the margins of society after the coup d'état on August 28. And in a period of less than a decade, they were deprived of the initiative to act or the ability to act and the power to influence affairs. In general, this article seeks to answer the question of what factors affect the relationship between non-religious intellectual groups and the clergy in Pahlavi, and to answer this question, it should be said that the type of attitude toward tradition and modernism and the difference in the nature of the political system in the second Pahlavi period were influential factors in the relationship between the cleric and intellectual trends.

Keywords: Intellectual, Spirituality, Non-Religious Intellectual, Iran.

* Corresponding Author :Email piroziabdola@yahoo.com

ارزیابی مسئولیت پذیری اجتماعی مبتنی بر بعد زیست محیطی و ارتباط آن با پایداری شرکت‌ها

محمد حسن رجائی^۱، حمید رستمی جاز^{۲*}، داوود خدادادی^۳، علی امیری^۴

^۱- دانشجوی دکتری حسابداری، واحد بندر عباس، دانشگاه آزاد اسلامی، بندرعباس، ایران.

^۲- گروه حسابداری، واحد بندر عباس، دانشگاه آزاد اسلامی، بندرعباس، ایران.

^۳- گروه حسابداری، واحد بندر عباس، دانشگاه آزاد اسلامی، بندرعباس، ایران.

^۴- گروه حسابداری، واحد بندر عباس، دانشگاه آزاد اسلامی، بندرعباس، ایران.

چکیده:

امروزه نقش واحدهای تجاری در اجتماع، دستخوش تغییرات بسیار زیادی شده است. به گونه‌ای که انتظار می‌رود واحدهای تجاری نه تنها به فکر افزایش سود خود بوده بلکه نسبت به اجتماع نیز پاسخگو و برای جامعه‌ای که در تعامل با آن هستند مفید باشند.

امروزه مسئولیت پذیری اجتماعی شرکت با اضافه شدن مباحثی چون محیط زیست و مباحث حقوق بشر دامنه وسیع تری نسبت به گذشته پیدا کرده است. یکی از مهم ترین موضوعات در مدیریت، مسئولیت پذیری اجتماعی بنگاه‌ها و شرکت‌ها است. مسئولیت پذیری اجتماعی بنگاه به معنای الزام به پاسخگویی است .

هدف این تحقیق ارزیابی مسئولیت‌پذیری اجتماعی مبتنی بر بعد زیست محیطی شرکت‌ها و تحلیل وضعیت موجود این شاخص‌ها در گزارش‌های شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران برای شناسایی وضعیت موجود است. در این تحقیق، بعد زیست محیطی افشاء مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها را با مطالعه استانداردها و رهنمودهای شناخته شده بین‌المللی و از طریق پرسشنامه، تحلیل عاملی و سایر روش‌های آماری در یک قالب جامع ارائه داده است . همچنین، سطح افشاء مسئولیت‌پذیری اجتماعی و وضعیت حال حاضر آن، از طریق تحلیل محتوا گزارشات هیئت مدیره شرکت‌های ایرانی مورد ارزیابی و تحلیل قرار گرفته است . ضمناً بررسی ارتباط بین سطح افشاء مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها مبتنی بر بعد زیست محیطی و پایداری شرکت‌ها بر اساس معیارهای مبتنی بر داده‌های حسابداری

وداده‌های بازار با در نظر گرفتن برخی از ویژگی‌های شرکت‌ها صورت گرفته است و با استفاده از نرم‌افزار SPSS و داده‌های نرم‌افزار ره‌آورد نوین در بین سال‌های ۱۳۹۸ الی ۱۴۰۲ مورد تحلیل قرار گرفت.

نتایج نشان‌دهنده میزان کم افشاء بعد زیست‌محیطی مسئولیت‌پذیری اجتماعی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. به همین دلیل، تدوین استانداردهای مناسب برای گزارشگری و افشاء این شاخص‌ها در گزارشات سالانه شرکت‌ها برای پاسخگویی به انتظارات در بازار سرمایه ایران ضروری می‌باشد.

در نهایت فرضیه اصلی تحقیق مورد تایید قرار گرفت که نشان داد میزان افشاء بعد زیست‌محیطی مسئولیت‌پذیری اجتماعی دارای تاثیر معنی‌دار بر پایداری شرکت‌ها می‌باشد.

واژگان کلیدی: مسئولیت‌پذیری اجتماعی، بعد زیست‌محیطی، پایداری شرکت‌ها

۱- مقدمه

موافقان توجه به مسئولیت اجتماعی سازمانی معتقدند که کسب و کارها باید در مسئولیت اجتماعی سازمانی درگیر شوند، به این دلیل که مردم مصرانه از آن حمایت می‌کنند. به عبارتی امروزه همگان معتقدند که کسب و کارها، علاوه بر دنبال کردن سود، باید در قبال کارکنانشان، جامعه و سایر سهام‌داران پاسخگو باشند، حتی اگر لازم باشد برای بهتر بودن، شرکت‌ها بخشی از سود خود را قربانی کنند (شابانا^۱، ۲۰۱۰).

مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکتی و افشاگرهای مرتبط با آن عامل ضروریست که به تداوم شرکت‌ها منجر می‌شود. زیرا همه شرکت‌ها ارتباط‌هایی با جامعه دارند. لذا جامعه امکان بقای شرکت‌ها را در درازمدت فراهم می‌آورد. جامعه از فعالیت‌ها و رفتار شرکت‌ها بهره می‌گیرد. گسترش مسئولیت‌پذیری شرکت‌ها بر این موضوع دلالت دارد که مسئولیت‌های شرکت‌ها از آنچه در گذشته بوده، یعنی "فراهم کردن پول برای سهامداران" فراتر رفته است. شرکت‌ها بایستی در برابر ذینفعان (سهامداران، مشتریان، کارکنان، عرضه‌کنندگان کالا، بانک‌ها، قانون‌گذاران، محیط و جامعه) پاسخگو باشند. به این ترتیب شرکت‌ها علاوه بر مسئولیت اقتصادی، باید در برابر مسائل اجتماعی احساس مسئولیت کنند. بنابراین با توجه به اهمیت مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها و افشاگرهای مرتبط با آن، در گزارشات مالی بایستی مراقبت‌های کافی به عمل آید (بهار مقدم و همکاران، ۱۳۹۲).

مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها^۲، موضوع حساسیت برانگیز و رو به توجه در سال‌های اخیر بوده است، تا آنجا که سازمان‌های بین‌المللی مانند سازمان ملل و اتحادیه اروپا، استانداردهایی را در این زمینه ارائه کرده‌اند. همچنین به خوبی آشکار شده که شرکت‌ها و صنایع به طور قابل توجهی رشد کرده‌اند و بر رفاه اجتماعی تأثیر می‌گذارند (استیوان^۳، ۲۰۱۱).

رسوایی‌های مالی شرکت‌ها در اوایل هزاره جدید، منجر به عدم اعتماد سرمایه‌گذاران شده است و به عنوان یک پیامد، سرمایه‌گذاران نه تنها به ابعاد مالی بلکه هم چنین، بیش از پیش به تعهدات شرکت‌ها با توجه به مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها در بازار سرمایه توجه دارند. جوامع اجتماعی در تلاش برای تاثیرگذاری و نفوذ در عملیات شرکت‌ها از طرق مختلف از جمله مقررات رفتاری و شفافیت هستند و شرکت‌ها به این مقررات و فشار گروه‌ها، از طریق ارتقاء مکانیزم-هایشان واکنش و عکس‌العمل نشان داده و بطور داوطلبانه مقررات رفتاری خاصی را برای محدود کردن جنبه‌های خاص عملیاتشان رعایت می‌کنند. دو مکانیزم مورد استفاده شرکت‌ها برای این هدف، حاکمیت شرکتی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌هاست (برزگر و غفاری، ۱۳۸۷). هیل^۴ (۲۰۰۵)، اشاره دارد که منافع مرتبط با برنامه‌های مسئولیت-پذیری اجتماعی شرکت‌ها برای شرکت‌ها، شامل کاهش ریسک، کاهش اتلاف منابع، بهبود روابط با مقررات‌گذاران، ایجاد کیفیت برتر، بهبود روابط انسانی، بهره‌وری کارکنان، کاهش هزینه سرمایه و بهبود عملکرد می‌باشد.

رقابت در بازار محصول، از یک سو شرکت‌های موجود در صنایع مشابه را مجبور می‌کند به دنبال اطلاعات رقبا باشند و از سویی دیگر اطلاعات خودشان را برای داشتن مزیت رقابتی پنهان کنند. رقابت در بازار منجر به بهبود کیفیت افشای

1 - Shabana

2- Corporate Social Responsibility

3- Setiawan

4- Heal

اطلاعات توسط شرکت‌ها خواهد شد که نه تنها شرکت‌ها را وابسته به مزیت رقابتی برون سازمانی می‌کند، بلکه مالکان را نیز تشویق به تقویت سازوکارهای حاکمیت شرکتی درون سازمانی می‌کند و رفتارهای فرصت‌طلبانه‌ی مدیران را کاهش می‌دهد (احمدپور و فرمانبردار، ۱۳۹۴).

امروزه نقش واحدهای تجاری در اجتماع، دستخوش تغییرات بسیار زیادی شده است. به گونه‌ای که انتظار می‌رود واحدهای تجاری نه تنها به فکر افزایش سود خود بوده بلکه نسبت به اجتماع نیز پاسخگو و برای جامعه‌ای که در تعامل با آن هستند مفید باشند. در سال‌های اخیر نظریه‌ای بیان شده مبنی بر اینکه واحدهای تجاری می‌توانند بازار را تأمین کنند در صورتی که برای حفظ اجتماع همکاری کنند و در مقابل، جامعه نیز با فراهم آوردن شرایط لازم در جهت نبود فعالیت‌های غیرعادلانه، بسترهای مناسب جهت توسعه و پیشرفت واحدهای تجاری را فراهم کند (ساندهو و کاپور^۱، ۲۰۱۰).

مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها به دو مقوله اشاره دارد:

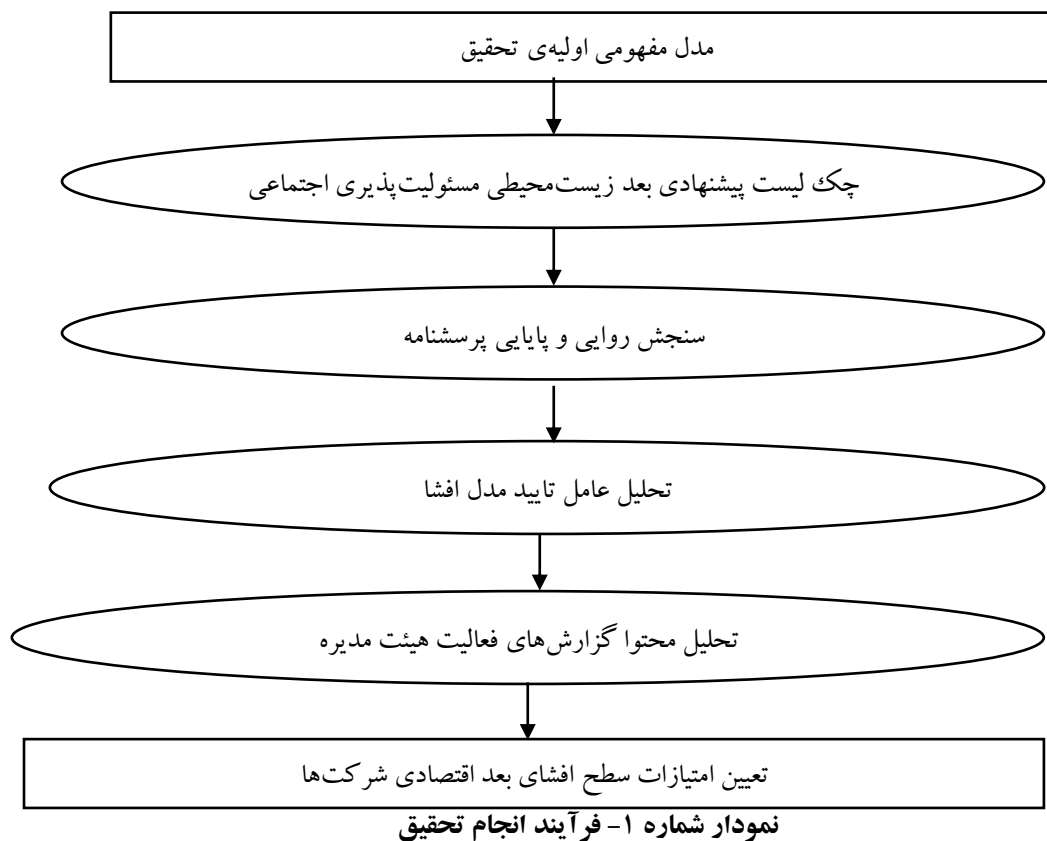
۱) مسئولیت برای ایجاد ارزش در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی

۲) پاسخگویی شفاف به تقاضاهای ذی‌نفعان

از سویی پایداری یک شرکت به توانایی آن در پایش محیط خارجی برای فرصت‌ها، تغییرات، روندها و ریسک‌ها مرتبط است. همچنین پایداری یک شرکت به ایجاد توازن بین منافع مالی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی بستگی داشته و آن را به ذینفعان مستقیم یا غیرمستقیم سازمان مرتبط می‌کند. بنابراین پایداری که یک جنبه بسیار مهم آن نفوذ اجتماعی است، در چارچوب حاکمیت شرکتی سالم و دوشادوش رویکرد مسئولیت‌پذیری اجتماعی پرورش می‌یابد (گلی و همکاران، ۱۳۹۴). چراکه مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها، مفهومی است که به شدت با ارزش‌های زیربنایی سازمان‌ها در ارتباط است و نقش و رابطه دوسویه آن با فرهنگ سازمانی و بینش مدیران ارشد و رهبران سازمانی تعریف شده است. رهبران و مدیران ارشد سازمانی باید نخست، دانش و فراتر از آن بینش خود را پیرامون جایگاه، نقش، شیوه‌ها و آثار و دست‌آوردهای مسئولیت‌پذیری اجتماعی توسعه بدهند و دوم، این بینش متعالی را با سیاست‌گذاری و عمل صحیح خود در سازمان نهادینه کنند و آن را به یک فرهنگ قوی در تمام حوزه‌های منابع انسانی و تعامل با ذینفعان در بیاورند (مطهری نژاد، ۱۳۸۷).

در این تحقیق تلاش خواهد شد تا با بررسی مدل‌ها، نهادها، ابزارها، رهنمودها و استانداردهای مختلف بین‌المللی، منطقه‌ای و ملی برخی کشورها در تحقیقات و مطالعات مختلف و ادبیات نظری مربوط به آن و در نظر گرفتن محیط شرکتی در ایران، به ارزیابی مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها از بعد اقتصادی و ارتباط آن با پایداری شرکت‌ها ارائه گردد. همچنین، در این فصل کلیات تحقیق شامل بیان مسئله و اهمیت و ضرورت تحقیق در ایران مطرح و اهداف و فرضیات آن همراه با روش تحقیق مورد نظر برای آزمون فرضیات و ساختار کلی تحقیق بیان می‌گردد. مراحل انجام تحقیق و روش تحلیل آن در نمودار زیر نشان داده شده است که به وضوح بیان‌کننده‌ی فرآیند انجام تحقیق و مراحل طی شده برای پاسخ به سؤالات مطرح شده در آن است.

¹ - Sandhu, & Kapoor



۲- بیان مسئله

اقدامات مسئولیت اجتماعی می‌توانند مزایای زیادی برای شرکت‌ها داشته باشند و فقط برای افزایش وفاداری مشتری نیست. اقدامات ابتکاری مسئولیت اجتماعی سازمانی می‌تواند تأثیر مثبتی بر نگرش‌های مشتریان از شرکت و خدمات آنها داشته باشد که این امر نشان‌دهنده توانایی اصلی شرکت است (بهاتاچاریا و سن^۱، ۲۰۰۳).

ضرورت توجه به مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها در شرایط امروز جهان و فضاهای جدید کسب و کار ایجاب می‌کند تا رهبران و مدیران سازمان‌ها و شرکت‌های بزرگ که در بازارهای جهانی هستند، نوعی تعادل میان بخش‌های اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی کسب و کار خود ایجاد کنند. از این رو، انتظار می‌رود واحدهای تجاری ضمن توجه به شاخص‌هایی نظیر بازدهی، سود و ریسک، نسبت به اجتماع نیز پاسخ‌گو و برای جامعه‌ای که در تعامل با آن هستند مفید باشند (ساندهو و کاپور، ۲۰۱۰).

مسئولیت اجتماعی سازمان‌ها در سال‌های اخیر یکی از موضوعات قابل توجه در سطح جهان بوده است که انجمن‌ها، نهادها و سازمان‌های جهانی، جامعه اروپایی و به ویژه سازمان ملل در این زمینه فعالیت‌های بسیاری داشته‌اند. مسئولیت اجتماعی سازمان‌ها، فلسفه نوینی نیست. بسیاری از صاحبان سرمایه و سازمان‌های اقتصادی از دوران گذشته در مسئولیت‌های اجتماعی پیشگام بوده‌اند. مدیران امروز باید علاوه بر مهارت‌های فنی، اداری و انسانی به مهارت اداره

مسائل اجتماعی و پاسخگویی به نیازهای اجتماعی و محیطی نیز مجهز بوده و مسائل جامعه را جزء اهداف سازمانی خود در نظر بگیرند. ایجاد باور و اعتقاد به مسئولیت اجتماعی، سنگ بنای مدیریت مسائل عمومی است. یکی از مشکلات عمده، عدم توجه به محیط رقابتی در جهان امروز است. اگر سازمان‌ها منابع خود را صرف تحقق اهداف مسئولیت‌های اجتماعی و انسانی کنند، به طور حتم در صحنه رقابت، آسیب‌های شدیدی خواهند خورد و ممکن است این امر به حذف آنها منجر شود.

از دیگر سو، پایداری، بر اساس نخستین و شناخته‌شده‌ترین تعریفی که از آن شده عبارت است از رفع نیازهای حال حاضر بدون به خطر انداختن توانایی نسل‌های آینده برای رفع نیازهای خود (اسنیرسون^۱، ۲۰۰۸). توجه به آینده در کانون رابطه قراردادی بین شرکت و ذینفعان قرار می‌گیرد. آینده نیز از طریق پایداری مشهود می‌شود. پایداری، هم در مباحث جهانی‌سازی و هم در مباحث عملکرد شرکت، مطرح است. پایداری موضوع بحث برانگیزی است که تعاریف متفاوتی برای آن بیان شده است. در کلی‌ترین تعاریف درباره پایداری، به اثر یک اقدام فعلی بر گزینه‌های موجود در آینده اشاره می‌شود. اگر منابع در زمان فعلی استفاده شود و این منابع برای استفاده در آینده بیش از این در دسترس نباشد، این نگرانی وجود دارد که آیا مقدار این منابع محدود هستند یا خیر (حساس یگانه و همکاران، ۱۳۸۹). با توجه به تغییرات محیط تجاری و سازمان‌ها در سده جاری، عمده توجه به مزیت‌های رقابتی شرکت‌ها تمرکز یافته است و کمتر به نگرش توسعه پایدار پرداخته می‌شود. معیارهای توسعه پایدار در اقتصاد جدید، بسیار متفاوت از معیارهای مالی متداول با تأکید بر سهامداران و یا ذینفعان است و علاوه بر توجه به ارتباط بین شرکت‌ها و سهامداران، به ابعاد اجتماعی و محیطی فعالیت شرکت و آثار آن در آینده نیز تأکید دارد. به‌طور کلی، در نگرش توسعه پایدار، توجه همزمان به سه بعد عملکرد اقتصادی، اجتماعی و محیطی مورد نظر است (برزگر و غفاری، ۱۳۸۷).

شرکت‌ها به مثابه‌ی شهروندان اجتماع بهترین نوع نگرش به پدیده مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌هاست. اما این که تا چه حد پدیده مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها به وسیله‌ی سایر بازیگران جامعه چون دولت، نهادهای مدنی و جز اینها پذیرفته می‌شود و اشاعه می‌یابد رابطه و وابستگی مستقیم با سطح توسعه‌ی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشورها دارد (امیدوار، ۱۳۸۷).

از آنجایی که، مفهوم پایداری^۲ به چالشی برای نگرش کلاسیک ارزش سهامداران در واحدهای تجاری و نقش آنها در جامعه تبدیل شده است؛ اکنون شرکت‌ها برای اثرات اعمال و فعالیت‌های‌شان بر محیط و جامعه متعهد و مسئول هستند، به گونه‌ای که پایداری به عنوان یک بخش ذاتی در ادبیات تجاری تلقی می‌شود و روش‌های متفاوتی برای در نظر گرفتن و توجه به ابعاد پایداری در واحدهای تجاری وجود دارد. یکی از مفاهیم اصلی که به توصیف پایداری اشاره دارد، مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها است که این مفهوم با نگرش‌های متفاوت روی پایداری شرکت‌ها تأکید دارد.

نکته‌ی مهم آن است که شاخص‌ها و معیارها برای ارزیابی افشای بعد اقتصادی مسئولیت‌پذیری شرکت‌ها که به مهمترین آنها در بخش بعد اشاره می‌شود، برخی رهنمودهای کلی است و عمدتاً یک یا چند مؤلفه را سنجیده‌اند و نه همه‌ی آن را. نویسندگان مقاله درصدد ارائه‌ی ارزیابی بعد زیست محیطی مسئولیت‌پذیری شرکت‌ها به صورت جامع و

در یک رویکرد ترکیبی از رهنمودها و استانداردهای مختلف بین‌المللی و منطقه‌ای با تأکید بر محیط شرکتی ایران و با در نظر گرفتن قابلیت سنجش و افشای آنها هستند. استانداردهای گزارشگری جهانی^۱ هر یک به تنهایی کافی نیست و به همین دلیل محققین در صدد تلفیق و ترکیب آنها و استفاده از برخی رهنمودهای مسئولیت‌پذیری اجتماعی و پایداری کشورهای منطقه و ارائه‌ی ارزیابی بعد اقتصادی مسئولیت‌پذیری شرکت‌ها به صورت جامع است.

در حال حاضر در ایران مقررات و استانداردهای مشخصی برای افشای مسئولیت‌پذیری اجتماعی در گزارشهای سالانه در سطح شرکت‌ها به‌طور جداگانه یا یکپارچه وجود ندارد. لذا، این تحقیق به دنبال این است که با مطالعه و ارزیابی مدل‌ها و استانداردهای موجود مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها در تحقیقات مختلف و پژوهش‌های نظری موضوع و در نظر گرفتن شرایط محیطی شرکت‌های ایران و نظرات خبرگان، مؤلفه‌ها و شاخص‌های افشای بعد زیست‌محیطی مسئولیت‌پذیری شرکت‌ها در گزارش‌های سالانه را ارائه و وضعیت موجود آن را مورد بررسی قرار دهد. این تحقیق و نتایج حاصل از آن میتواند گام مؤثری برای ایجاد شناخت، درک و انگیزه‌ی لازم برای این امر و توجه دادن به مدیران و تدوین کنندگان مقررات برای لحاظ کردن این مقوله در اهداف گزارشگری و افشای داوطلبانه یا الزامی شرکت‌ها به ذی‌نفعان با نگرش توسعه‌ی پایدار در جامعه باشد. از اینرو در این تحقیق به دنبال پاسخ علمی به سؤالات زیر هستیم:

- بعد زیست‌محیطی مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها در ایران چیست؟
- وضعیت افشا مسئولیت‌پذیری اجتماعی از بعد زیست‌محیطی در ایران چگونه است؟
- آیا سطح افشاء بعد زیست‌محیطی مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها می‌تواند موجب پایداری شرکت‌ها گردد؟

بر اساس سؤالات فوق، برای شناسایی مسئولیت‌پذیری اجتماعی و بعد زیست‌محیطی مسئولیت‌پذیری اجتماعی، سعی در طراحی یک مدل بر اساس شرایط شرکت‌ها در ایران، وضعیت شرکت‌ها و پایداری آنها در محیط کسب و کار داریم و علاوه بر آن، برای آزمون مدل فرضیه زیر را مطرح می‌کنیم:

فرضیه: سطح افشا بعد زیست‌محیطی مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها تاثیر معنی‌داری روی پایداری شرکت‌ها دارد.

۳- مبانی نظری و پیشینه تحقیق

به طور کلی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها با روابط بین شرکت‌ها و جامعه سروکار دارد و به طور مشخص این مفهوم به بررسی تأثیرات فعالیت شرکت‌ها روی افراد و جامعه می‌پردازد. مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها همچنین رفتار مسئولانه در گزارشگری مالی، نشان می‌دهد که تعهد به استانداردهای اخلاقی بالا تأثیری مثبت در کیفیت اطلاعات حسابداری دارد (بردلی^۲، ۲۰۰۹).

^۱ - Global reporting initiative
^۲ - Bradley

در دو دهه اخیر، توجه به اثرات شرکت‌ها در جامعه، به ظهور مفهوم نوظهور و مهم در پژوهش‌های کسب و کار به نام مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها انجامیده است (نصر^۱، ۲۰۱۰). مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها در دهه‌های پنجاه و شصت میلادی مورد توجه بیشتری واقع گردید هنگامی که شرکت‌ها با سؤالاتی در زمینه نقش خود در جامعه مواجه شدند و چندین تئوری در این زمینه در این دهه ارائه گردید (کلارک، ۲۰۰۰).

واژه مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها به ظهور یک جنبش اشاره دارد که به دنبال وارد کردن فاکتورهای محیطی و اجتماعی در تصمیمات تجاری شرکت‌ها، استراتژی تجاری و حسابداری با هدف افزایش عملکرد اجتماعی و محیطی در کنار ابعاد اقتصادی است به گونه‌ای که برای واحد تجاری، جامعه و محیط مفید و سودمند باشد (مک کینلی^۲، ۲۰۰۸).

تعاریف اولیه‌ی مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها به دهه پنجاه میلادی برمی‌گردد (کارول^۳، ۱۹۹۹). پروفیسور کارول زمینه‌های مختلفی را به منظور ارائه یک مدل با هم ترکیب کرد. کارول مسئولیت‌پذیری اجتماعی هر شرکت را در چهار بعد مسئولیت اقتصادی^۴، مسئولیت قانونی^۵، مسئولیت اخلاقی^۶ و مسئولیت داوطلبانه^۷ مطرح کرد. برای درک محتوای استانداردهای گزارشگری و افشای مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها و تفاوت‌ها و مقایسه‌ی این استانداردها داسلورد^۸ (۲۰۰۸)، برای تحلیل تعاریف مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها جدول تحلیلی از ابعاد مختلف مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها ارائه داد:

جدول شماره ۱: ابعاد و تعریف ابعاد حوزه‌های مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها از دیدگاه داسلورد

ابعاد	تعریف ابعاد
بعد اجتماعی	انعکاس مسئولیت‌پذیری اجتماعی در مأموریت و چشم انداز، خط مشی‌ها و رویه‌ها، تدوین اصول کاری و کدهای اخلاقی، تطبیق مقررات و آیین‌نامه‌ها با اصول مسئولیت‌پذیری اجتماعی، رعایت حقوق سهامداران، دستورالعمل‌های مبارزه با رشوه و فساد، تصویب برنامه مسئولیت‌پذیری اجتماعی توسط هیئت مدیره و...
بعد اقتصادی	توانمندسازی تامین‌کنندگان و پیمانکاران، توجه به مسئولیت‌پذیری اجتماعی در زنجیره تامین، حقوق مشتریان و مصرف‌کنندگان، سرمایه‌گذاری اجتماعی مسئولانه، مسئولیت در قبال محصول، مدیریت خرید مسئولانه، لابی‌کردن مسئولیت‌پذیر، شناسایی فرصت‌های مشارکت با تامین‌کنندگان، افزایش آگاهی مشتریان، تبلیغات مسئولانه، همکاری با شرکای زنجیره تامین برای توسعه فناوری‌های مساعد اجتماعی و زیست‌محیطی
بعد محیطی (محیط زیست)	توسعه پایدار، کاهش آلودگی، مدیریت ضایعات، صرفه‌جویی در انرژی، مدیریت خرید سبز، استفاده از فناوری‌های نو، استفاده مسئولانه از منابع، تنوع زیست‌محیطی، ارزشیابی عملکرد زیست‌محیطی
بعد ذینفعان و کارکنان	ایمنی و سلامتی فیزیکی و روانی کارکنان، آموزش و توانمندسازی کارکنان در حوزه‌های اجتماعی و زیست‌محیطی، حقوق بشر و شهروندی، کار شایسته، سیاست عدم تبعیض جنسی قومیتی نژادی مذهبی و...، تعادل میان کار و زندگی، ترغیب و حمایت و تشویق کارکنان، تنوع فرهنگی
بعد داوطلبانه	جامعه محلی، جامعه دانشگاهی، مشارکت با نهادهای اجتماعی، مشارکت با سازمان‌های غیردولتی و سازمان‌های عمومی، داوطلبی، حمایت از فعالیت‌های داوطلبی کارکنان، کمک‌های خیریه و اسپانسرینگ، برنامه‌های بازاریابی خیرخواهانه، استفاده از بستر اجتماعی، فرهنگی و ورزشی برای توسعه بازار

1- Nasr

2- McKinley

3- Carroll

4- Economic Responsibility

5- Legal Responsibility

6- Ethical Responsibility

7- Altruistic Responsibility

8- Doslord

اگرچه مفهوم مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها به‌طور وسیعی در تئوری و عمل بحث شده است، هنوز یک تعریف مفهومی پذیرفته‌شده‌ی عام برای آن ارائه نشده است (ترکر^۱، ۲۰۰۹). علیرغم، پژوهش‌های نسبتاً قوی از مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها، مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها یک مفهوم وسیع و پیچیده‌ی در حال تکامل مستمر است که نگرش‌ها و ایده‌های متنوعی را در بر می‌گیرد و دامنه و مرزهای مفهومی آن در عمل به‌دلیل فقدان تعریف قوی و جامع عملیاتی بسیار مورد بحث و مناقشه است و تاکنون، هیچ تعریف پذیرفته‌شده‌ی عمومی واحد از مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها وجود ندارد یا ارائه نشده است (گادفری و هاچ^۲، ۲۰۰۷).

سعید تیمورلویی و همکاران (۱۳۹۰)، در تحقیقی که از نوع همبستگی است، تأثیر مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها را بر عملکرد آنها بررسی نمودند. در ارزیابی عملکرد شرکت‌ها از روش کارت ارزیابی متوازن استفاده شد و طبق نظر کاپلان و نورتون از چهار منظر مشتری، فرایندهای داخلی، رشد و یادگیری و منظر مالی مورد بررسی قرار گرفت. مسئولیت‌پذیری اجتماعی نیز از ۵ جنبه مختلف، انسانی، محیط زیست، مشتریان و تامین‌کنندگان، جامعه محلی و راهبری شرکت بررسی گردید. نتایج بدست آمده نشان داد که مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌های مورد بررسی در هر چهار منظر ارزیابی متوازن عملکرد تأثیر مثبت دارند ولی تعدادی از جنبه‌های مسئولیت‌پذیری اجتماعی بر منظرهای ارزیابی عملکرد تأثیر مستقیم ندارند.

کیم، لی و پارک^۳ (۲۰۱۳)، این مقاله چگونگی تأثیر هزینه‌های محیطی را بر عملکرد مالی شرکت‌های تولیدی در ۳۰ کشور مورد بررسی قرار داد و به‌طور خاص تفاوت منطقه‌ای کشورهای و صنعت در عملکرد مالی (حسابداری) و عملکرد هزینه‌های اجتماعی مورد آزمون قرار گرفت. یافته‌ها نشان داد که در حوزه آسیا - اقیانوسیه بیشترین معیار مورد استفاده ROA بازده داری‌ها بوده و همچنین، در صنایع متداول از جمله صنایع غذایی و آشامیدنی سطح هزینه‌های محیطی بالا و در مقابل در صنایع تکنولوژی و ارتباطات سطح هزینه‌های محیطی پایین است. ضمناً، تحلیل رگرسیونی نشان داد که پایین بودن هزینه‌های محیطی نقش با اهمیت و معنی‌داری در ارتقاء عملکرد شرکت دارد. از این رو، پایین آوردن هزینه‌های محیطی دارای اثرات بلندمدت در بهبود عملکرد شرکت‌ها دارد. البته این تأثیرات هزینه‌های محیطی در مناطق و صنایع مختلف، متفاوت است.

کیرستن^۴ و همکاران (۲۰۱۶)، به بررسی تأثیر مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها بر کارایی سرمایه‌گذاری و نوآوری پرداختند. نتایج آنان نشان می‌دهد که شرکت‌ها با مسئولیت اجتماعی بالا، سرمایه‌گذاری کارآمدتری دارند زیرا شرکت‌ها کمتر در معرض سرمایه‌گذاری در پروژه‌هایی با ارزش فعلی خالص منفی و کمتر مستعد چشم‌پوشی از پروژه‌های ارزش فعلی خالص مثبت می‌باشند، همچنین شرکت‌ها با عملکرد مسئولیت اجتماعی بالاتر، از ثبت اختراع بیشتری بهره‌مند هستند.

^۱ - Turker

^۲ - Godfrey and Hatch

^۳ - Kim, Lee & Park

^۴ - Kirsten

بنلملیه و بیتا^۱ (۲۰۱۵)، تحقیقی تحت عنوان اثر مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها بر کارایی سرمایه‌گذاری را با استفاده از تعدادی شرکت‌های آمریکایی در طول دوره ۱۹۹۸-۲۰۱۲ مورد بررسی قرار دادند، نتیجه نشان داد که دخالت مسئولیت اجتماعی بالا، ناکارآمدی سرمایه‌گذاری را کاهش و در نتیجه کارایی سرمایه‌گذاری را افزایش می‌دهد.

برزگر (۱۳۹۲) مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها را از طریق روش‌های پرسشنامه و تحلیل مسیر در یک چارچوب جامع ارائه داده است. ضمناً بررسی ارتباط بین رتبه حاکمیت شرکتی، سطح افشاء مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و عملکرد مالی شرکت‌ها براساس معیارهای مبتنی بر داده‌های حسابداری و داده‌های بازار با در نظر گرفتن برخی از ویژگی‌های شرکت‌ها صورت گرفته است که نشان‌دهنده سطح پایین افشاء ابعاد مسئولیت اجتماعی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است.

پورعلی و حجامی (۱۳۹۳). رابطه بین افشای مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و ابعاد آن یعنی میزان افشای اطلاعات مربوط به روابط کارکنان، مشارکت اجتماعی، تولید و محیط زیست با مالکیت نهادی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را بررسی کردند. یافته‌های پژوهش حاکی از رابطه‌ی معنادار منفی بین افشای مسئولیت اجتماعی، میزان افشای اطلاعات مربوط به روابط کارکنان، تولید و محیط زیست با مالکیت نهادی می‌باشد. این در حالی است که بین میزان افشای اطلاعات مربوط به مشارکت اجتماعی با مالکیت نهادی رابطه‌ی معناداری وجود ندارد.

نتایج تحقیق بهار مقدم و همکاران (۱۳۹۳) نشان می‌دهد که به جز دوگانگی نقش مدیرعامل، سایر مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی رابطه مثبت معناداری با افشای مسئولیت اجتماعی دارند. کامیابی و همکاران (۱۳۹۵) نیز نشان دادند که بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی و عدم تقارن اطلاعاتی رابطه معناداری وجود ندارد.

صالحی (۲۰۰۹)، شکاف انتظارات میان سطح واقعی و سطح مورد انتظار مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها از دیدگاه گروه‌های مختلف ذی‌نفعان را مورد مطالعه قرار داد. روش جمع‌آوری اطلاعات با استفاده از پرسشنامه طیف لیکرت انجام گردید. یافته‌ها نشان داد که حوزه‌های اصلی مورد بررسی مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها مشتریان، کارکنان، تأمین کنندگان، جامعه و محیط بوده و نتایج تحقیق بیان‌کننده‌ی شکاف انتظارات میان مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها واقعی و مورد انتظار ذی‌نفعان است.

لیز و همکاران^۲ (۲۰۱۵)، دریافتند که رابطه مثبتی بین هزینه‌های جاری مسئولیت اجتماعی و عملکرد مالی آینده شرکت وجود دارد و عوامل مختلفی مؤثر بر عملکرد مالی آینده شرکت وجود دارند که با هزینه‌های جاری مسئولیت اجتماعی شرکت در ارتباط هستند.

گلی (۲۰۱۴)، در پژوهشی با عنوان «حاکمیت شرکتی بستر ساز پایداری شرکتی»، به تشریح مبانی و ارتباط بین ساختار حاکمیت شرکتی و پایداری آن می‌پردازد. وی بیان می‌کند پایداری یک سازمان به توانایی آن در پایش محیط خارجی برای فرصت‌ها، تغییرات، روندها و ریسک‌ها مرتبط است. همچنین پایداری یک سازمان به ایجاد توازن بین منافع مالی، اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی بستگی داشته و آن را به ذینفعان مستقیم یا غیرمستقیم سازمان مرتبط می‌کند. بنابراین پایداری که یک جنبه بسیار مهم آن نفوذ اجتماعی است، در چارچوب حاکمیت شرکتی سالم پرورش می‌یابد.

^۱ - Benlemlih & Bit

^۲ - Lys et al

صالح^۱ و دیگران (۲۰۱۳)، روند افشاء مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها توسط شرکت‌های بورس مالزی را در ۳۰۰ شرکت براساس گزارشات سالانه طی دو دوره (۲۰۰۶-۲۰۰۵ اختیاری) و (۲۰۰۹-۲۰۰۷ اجباری)، براساس تحلیل محتوا مورد بررسی کمی و کیفی از نظر سطح گزارشگری مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها قرار دادند. نتایج بیانگر تغییرات قابل ملاحظه‌ای در سال اول بعد از الزامات اجباری بوده است. تحلیل محتوا براساس چک لیستی شامل ۴۰ قلم افشاء مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها صورت گرفت. به‌طور کلی، یافته‌ها نشان داد که کمیت و کیفیت افشاء این اقلام در طول دوره ۵ ساله بهبود یافته است که بیانگر نقش الزامات اجباری در توسعه گزارشگری مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها به ویژه در یک بازار نو ظهور مثل مالزی می‌باشد.

ناصر^۲ و همکاران (۲۰۱۳)، هدف این تحقیق سنجش دامنه افشاء مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و تعیین کننده‌های آن در شرکت‌های غیرمالی بورس دبی بود. روش تحلیل محتوا گزارشات سالانه شرکت‌ها برای سنجش مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها انجام گردید و تحلیل رگرسیون چند متغیره برای شناسایی عوامل مؤثر بر دامنه افشاء مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها استفاده شد. یافته‌ها نشان داد که سطح افشاء مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها در شرکت‌های بورسی پایین و حدود ۳۴٪ شاخص‌های افشاء ۷۵ قلم است و همچنین، دامنه افشاء تحت تأثیر اندازه شرکت، صنعت و سودآوری است.

پارادینی^۳ (۲۰۱۳)، این مطالعه به دنبال شواهد تجربی از تأثیر ISO 14001 در سیستم عملکرد محیطی و گزارش اطلاعات آن براساس GRI در شرکت‌های بورس اندونزی است. اندازه شرکت، اهرم مالی، سودآوری و نوع صنعت نیز به عنوان عوامل تعیین کننده در این زمینه مورد بررسی قرار گرفت. داده‌های موردنظر از شرکت‌های بخش کشاورزی، معدن و تولیدی شامل ۳۰ نمونه در سال‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۱ جمع‌آوری گردید. تحلیل داده‌ها به روش رگرسیون انجام گردید. نتایج این تحقیق بیان داشت که گزارش شاخص‌های محیطی براساس GRI در این شرکت‌ها مناسب بود و اندازه شرکت تأثیر قابل ملاحظه‌ای در دامنه افشاء محیطی شرکت‌ها دارد. همچنین، اهرم مالی، سودآوری و نوع صنعت دارای تأثیر منفی در این راستا نبوده‌اند.

سرواس و تامایو^۴ (۲۰۱۳) نشان دادند که مسئولیت‌پذیری اجتماعی با ارزش شرکت، در شرکت‌هایی که میزان آگاهی مشتریان و یا آگاهی عموم مردم از طریق تبلیغاتی که شرکت انجام می‌دهد بیشتر باشد، رابطه مثبت وجود دارد و برای شرکت‌هایی که آگاهی مشتریان و یا عموم مردم پایین است این رابطه ضعیف و یا منفی می‌باشد.

فرنز و پراکاش^۵ (۲۰۱۲)، نشان داد که گزارش‌های اجتماعی منتشر شده شرکت‌های اروپایی، سطح پاسخگویی اجتماعی بالاتری نسبت به شرکت‌های آمریکای شمالی دارند. در اروپای شرقی کیفیت گزارش‌های اجتماعی از کشوری به کشور دیگر متفاوت است، اما آنها در مقایسه با شرکت‌های مشابه در آمریکای شمالی، دارای موضوعات تفصیلی گزارشگری اجتماعی می‌باشند.

¹- Saleh et al

²- Naser & Hassan

³- Pardini

⁴- Servaes & Tamayo

⁵- Ferns & Prakash

کوهن^۱ و همکاران (۲۰۱۳)، این تحقیق افشاهای غیرمالی حاکمیت شرکتی و مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها را در قالب ارقام افشاء اختیاری در مجموعه‌ای از شاخص‌های عملکرد اقتصادی و پایداری سود در سال ۲۰۰۴ برای ۵۰ شرکت بورس در ۵ صنعت مورد بررسی قرار داد. نتایج نشان داد که افشاء موجود نیز با توجه به اندازه شرکت‌ها و نوع صنعت بطور قابل ملاحظه‌ای متفاوت و متنوع است و رایج‌ترین اطلاعات افشاء شده شامل سهم بازار و نوآوری در شاخص‌های عملکرد اقتصادی است که برای سرمایه‌گذاران در وب سایت‌های شرکت‌های بورس منتشر می‌گردد.

نجاتی و دیگران (۲۰۱۲) در مقاله‌ای به بررسی رویه‌های مسئولیت اجتماعی شرکت در ایران از دیدگاه کارکنان بوده است و به منظور پالایش ارقام، تحلیل عاملی اکتشافی و برای تأیید ساختار از روش تأییدی استفاده شد. اطلاعات حاصل از دیدگاه کارکنان درباره‌ی وضعیت مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها در ایران نشان داد که بیشتر کارکنان تعهد سازمان شان به مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها را درک می‌کنند ولی میانگین پایین درک کارکنان در میان سازمان‌های ایرانی نشان می‌دهد که سطح آن در میان سازمان‌های ایرانی در گام‌های اولیه است.

مولیادی^۲ (۲۰۱۲)، در تحقیقی ارتباط بین حاکمیت شرکت و افشاء مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و سودآوری را در اندونزی مورد مطالعه قرار دادند. استقلال هیئت مدیره و مالکیت نهادی و همچنین بازده حقوق صاحبان در آن به عنوان متغیرهای مستقل و شاخص افشاء مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شده و برای تعیین شاخص افشاء مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها از شاخص‌های رهنمود GRI استفاده شده است. نتایج نشان داد که متغیرهای حاکمیت شرکتی مورد استفاده در این مطالعه روی افشاء مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها تأثیر نداشته، در حالی که سودآوری (بازده حقوق صاحبان سهام) دارای تأثیر با اهمیت و معنی‌دار روی مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها بوده است.

گیلبرگ و همکاران^۳ (۲۰۱۱) در تحقیق خود بیان می‌دارند که الگوهای بین‌المللی در طول پنج سال اخیر بدون تغییر باقی مانده است و آنچه که به عنوان عوامل تعیین کننده در تغییرات اساسی رتبه‌های کشورهای بر اساس شاخص‌های عملکرد مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها بوده است، نهادهای اقتصاد سیاسی مهم‌تر از سایر عوامل از جمله ویژگی‌های شرکت یا صنعت بوده است.

۳-۱- بعد زیست‌محیطی مسئولیت‌پذیری اجتماعی و ارتباط آن با پایداری شرکت‌ها

فرآیند ارزیابی اثرات زیست‌محیطی از جایگاه مناسبی بر خوردار بوده و سابقه‌ای بیش از دو دهه دارد، اما در مرحله اجرا و به خصوص نظارت و پایش طرح‌ها و پروژه‌های کلان توسعه‌ای و تحقق نتایج ارزیابی، نیازمند یک شبکه پایش مستمر و نظارتی دقیق و عملیاتی است. لذا، در زمینه قوانین و مقررات مربوط به محیط زیست، با توجه به تحولات و رشد صنایع و دگرگونی و بروز انواع آلودگی‌ها، ضروری است قوانین و مقررات زیست‌محیطی مختلفی در زمینه‌های گوناگون، بویژه در زمینه‌هایی که خلاء بیشتری وجود دارد با ضمانت اجرایی قوی و قابلیت پایش مناسب بر اساس

^۱ - Kohen

^۲ - Muladi

^۳ - Gilbert et al

شاخص‌های معین تدوین و تصویب گردد. وضع و اصلاح قوانین، با رویکرد پایداری محیط زیست و نگرش مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها نسبت به جامعه و مردم منجر به پیگیری و توجه هر چه بیشتر واحدهای تولیدی به جلوگیری از ایجاد آلاینده‌ها یا کاهش آنها و ارائه گزارش درباره وضعیت عملکردشان درمورد نحوه برخورد با آلاینده‌ها و روش‌های به-کار گرفته شده برای جلوگیری یا کاهش آلودگی و ایجاد یک جامعه و محیط پایدار خواهد شد.

از طرف دیگر، اهمیت و ضرورت توجه به مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها در شرایط امروز جهان و فضاهای جدید کسب و کار ایجاب می‌کند تا رهبران و مدیران سازمان‌ها و شرکت‌های بزرگ که در بازارهای جهانی یا بازارهای درحال جهانی شدن فعال و مؤثر هستند، نوعی تعادل میان بخش‌های اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی کسب و کار خود ایجاد کنند. مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها، فراتر رفتن از چارچوب حداقل الزامات قانونی است که در آن قرار دارد (لیویی^۱، ۲۰۱۲).

توسعه ساختارهای اجتماعی و اقتصادی برای کشورهای کمتر توسعه یافته و اقتصادهای در حال گذار به اقتصاد بازار، چالش‌های بسیاری را در سطح مناطق جهان ایجاد کرده است و سبب گردیده است که توجه به مسئولیت‌های اجتماعی و محیطی در سطح سازمان‌ها و شرکت‌ها با فرصت‌ها و ریسک‌های اساسی مواجه گردد و رشد انتظارات ذی‌نفعان برای پاسخگویی شرکت‌ها، موجب گردید رویه‌های کسب و کار مسئولانه و توجه به استراتژی مسئولیت اجتماعی در سازمان‌ها بسیار ضروری و حیاتی تلقی گردد. از این رو، به عنوان پیامد بحران مالی و اقتصادی، سطح اعتماد عمومی به واحدهای کسب و کار در بسیاری از کشورها اخیراً کاهش یافته است و شکل‌گیری بحران اعتباری در سطح جهانی، مستلزم این است که شرکت‌ها برای در ایجاد مجدد اعتماد و اطمینان در حوزه‌های کسب و کار بطور مسئولانه‌تر برای ایجاد اقتصاد پاینده جهانی مشارکت داشته باشند. امروزه همراه با رشد و توسعه صنایع و واحدهای تجاری مختلف، مسائل و مشکلات جدیدی به وجود آمده است که ناشی از عواقب و تأثیرات فعالیت‌های واحدهای تجاری بر روی محیط زیست و اجتماع است (ویوو^۲، ۲۰۱۲).

پایداری در سطح شرکت‌های بین‌المللی و بزرگ در بازارهای مالی جهانی، تدوین و اجرای شاخص‌های پایداری در سطح ملی و بین‌المللی را می‌طلبد تا ذی‌نفعان و به طور خاص سرمایه‌گذاران با رویکرد توسعه یافته در شرکت‌های مسئولانه از بعد اجتماعی و محیطی سرمایه‌گذاری نموده و نقش این گونه شرکت‌ها در توسعه پایدار اقتصاد جهانی پررنگ‌تر دارند و از منافع حاصل از این رویکرد به رشد اقتصاد جهانی کمک نمایند. معیارهای توسعه‌ی پاینده در اقتصاد جدید، بسیار متفاوت از معیارهای مالی متداول با تأکید بر سهامداران و یا ذی‌نفعان است و علاوه بر توجه به ارتباط بین شرکت‌ها و سهامداران، به ابعاد اجتماعی و محیطی فعالیت شرکت و آثار آن در آینده نیز تأکید دارد. بطور کلی، در نگرش توسعه پاینده، توجه همزمان به سه بعد عملکرد اقتصادی، اجتماعی و محیطی مورد نظر است (برزگر و غفاری، ۱۳۸۷).

از رویکرد نظریه مسئولیت اجتماعی اعطای امتیاز به شرکت‌ها تنها زمانی توجیه‌پذیر است که در افزایش رفاه اجتماعی مشارکت کنند. به دلیل پیوستگی اقدامات شرکت‌ها با سلسله‌ای از ذی‌نفعان اجتماعی، تعهداتی در خصوص افشای اطلاعات، تعهدات مالی و ضرورت تصویب تصمیمات شرکت‌ها محقق می‌شود. درخصوص دیگر گروه‌های اجتماعی

^۱ - Lioui

^۲ - Wibowo

نیز که در زنجیره‌ی ذی‌نفعان شرکت‌ها قرار نمی‌گیرند، تعهدات، ماهیت فعال دارند. از جمله‌ی این تعهدات فعال می‌توان به مسئولیت در قبال بهبود وضع زندگی مردمان ساکن در محل فعالیت شرکت، بهبود وضع گروه‌های محروم اجتماعی یا اعمال فشار بر دیگر سازمان‌ها (از جمله بانک‌ها و دولت) برای تغییر مقررات و رویه‌های اجتماعی اشاره داشت. بعد اقتصادی در مقوله‌ی پایداری مربوط می‌شود به تأثیراتی که سازمان بر سیستم‌های اقتصادی دارد که آنها در آن فعالیت میکنند (مرتضوی و همکاران، ۱۳۸۹).

بررسی‌ها نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاران بطور فزاینده‌ای در حال متقاعد شدن هستند که یکپارچه کردن اطلاعات در فرآیند سرمایه‌گذاری شان برای حداکثر کردن منابع بلند مدت مفید بوده و پایداری به ایجاد ارزش‌های بلندمدت برای سهامداران منجر خواهد شد. سرمایه‌گذاران به دنبال کسب بازده مالی برتر براساس ریسک از پیش تعیین شده هستند. یکپارچه کردن شاخص‌های اقتصادی در استراتژی سرمایه‌گذاری باید روی پیامدهای اقتصادی ریسک و فرصت‌های بلند مدت تمرکز داشته باشد و در ارتباط با استراتژی‌هایی باشد که شرکت در سرمایه‌گذاری اتخاذ کرده است (زینال^۱، ۲۰۱۳).

سازمان‌های توسعه‌ی استانداردهای مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها نقش قابل ملاحظه‌ای در توسعه‌ی این مفهوم از طریق ایجاد چارچوب‌ها، تعیین دامنه و حوزه و مرزبندی آنها و ترویج اجرا مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها را ایفا می‌کنند. شاخص‌های بعد زیست‌محیطی مسئولیت‌پذیری اجتماعی با توجه به رهنمود GRI به‌عنوان رهنمودهای بین‌المللی غالب در این خصوص به عملکرد حول محورهای عملکرد اقتصادی، حضور در بازار، سرمایه‌گذاری‌ها و مالیات می‌پردازد.

سازمان گزارشگری جهانی GRI برای توسعه‌ی رهنمودهایی برای گزارشگری سه بعدی اقتصادی، اجتماعی و محیطی در سال ۱۹۹۷ پایه‌گذاری شد. هدف آن ارتقای سطح افشای پایداری بر اساس ۷۹ شاخص است که توانایی سازمان را برای برآورده ساختن انتظارات عمومی، اخلاقی، قانونی و عموم جامعه از طریق عملیات سازمانی و شرکت‌ها می‌سنجد. در حال حاضر بیش از ۴۰۰۰ سازمان/شرکت در بیش از ۶۰ کشور جهان با استفاده از این رهنمود به ارائه‌ی گزارش‌های پایداری اقدام می‌کنند و به‌طور بسیار گسترده به‌عنوان یکی از رایج‌ترین استانداردهای جهانی برای گزارشگری پاینده مورد استفاده است.

شاخص‌های عملکرد بعد زیست محیطی مسئولیت‌پذیری اجتماعی بر اساس گزارش GRI شامل موارد زیر است:

- ابعاد بلندمدت پایداری محیط زیست
- رعایت قوانین و مقررات زیست محیطی
- محصولات و خدمات و اثرات زیست محیطی آن

سازمان بین‌المللی استاندارد ISO به‌عنوان یک سازمان غیر دولتی در سال ۲۰۱۰ استاندارد مسئولیت‌پذیری اجتماعی خود را تحت عنوان ISO 26000 با مشارکت بیش از ۴۰۰ نفر از سراسر دنیا پایه‌گذاری کرد و این گروه‌ها شامل: فعالان صنعت، سازمان‌های کار، مصرف‌کنندگان، دولت‌ها، نهادهای مردم نهاد و پژوهشگران بوده است و به‌عنوان یکی از رهنمودهای شناخته شده در این زمینه است (برزگر، ۱۳۹۲).

¹ - Zainal

به‌طور کلی بخش‌های اساسی در بعد زیست‌محیطی برای افشای مسئولیت‌پذیری شرکت‌ها در یک رویکرد مقایسه‌ای میان سازمان‌ها و نهادهای فعال در این حوزه شامل ابعاد بلندمدت پایداری محیط زیست، رعایت قوانین و مقررات زیست محیطی، محصولات و خدمات و اثرات زیست‌محیطی آن می‌باشد. در این تحقیق با توجه به مؤلفه‌های اصلی مطرح شده در رهنمودها و استانداردهای نهادهای سازمان‌های تدوین مقررات و استانداردهای بین‌المللی و برخی نهادهای منطقه‌ای، مدل افشا مسئولیت‌پذیری اجتماعی برای شرکت‌های ایرانی پیشنهاد شد. براساس پژوهش‌های انجام شده مبتنی بر نقاط مشترک و ترکیب استانداردها و رهنمودهای موجود و شناخته شده بین‌المللی و منطقه‌ای به ویژه رهنمود GRI و استاندارد ISO 26000، ۵ مؤلفه مورد بررسی قرار گرفت که در جدول زیر مؤلفه‌های مورد بررسی و کدگذاری آنها نشان داده شده است.

اصرار و تمایل واحدهای تجاری به تعهد نسبت به مسئولیت‌پذیری اجتماعی در همه‌ی ابعاد، اثر قابل ملاحظه‌ای را روی پایداری شرکت‌ها دارد، در واقع گرایش به مسئولیت اجتماعی، واحدهای تجاری را ترغیب میکند تا برای بهبود محیط زیست، مدیریت ضایعات و استفاده بهینه از انرژی و مواد و غیره تلاش کنند. همچنین یک واحد تجاری می‌تواند از طریق کاهش اثرات منفی خود بر اجتماع، به صورت اختیاری، بازده‌های بلندمدت خود را افزایش دهد. به طوری که این تفکر در میان شرکت‌ها وجود دارد که آنها می‌توانند از طریق مدیریت کردن عملیات شرکت، همزمان با ایجاد اطمینان از حمایت محیطی و پیشرفت مسئولیت اجتماعی شرکت، در بلندمدت به موفقیت دست یابند (ساندهو و کاپور، ۲۰۱۰).

در میدان تجاری امروز با رشد فزاینده شرکت‌های بین‌المللی همراه با چندصد هزار شرکت فرعی و زنجیره تا بین آنان که شبکه بسیار گسترده‌ای از ارتباطات و اثرگذاری را در سطح منطق‌های و بین‌المللی شکل داده‌اند، دغدغه‌های بسیاری در خصوص پایداری اقتصادی جهانی و توانایی‌شان برای پرداختن به این چالش‌ها از جمله تغییرات آب و هوا، آلودگی، فقر، بیماری و نابرابری اقتصادی و اجتماعی به همراه دارد. در حالی که در گذشته مردم اغلب به دولت‌ها برای حمایت جامعه از چنین تهدیدهایی نگاه می‌کردند. امروزه واضح است که دولت‌ها از عهده چنین وظیفه و مسئولیتی بر نمی‌آیند. از این رو، مهار کردن و کنترل قدرت واحدهای اقتصادی برای بهبود شرایط اجتماعی و محیطی در میان یکی از اولویت‌های اصلی سیاست‌گذاران و سایر ذینفعان به‌شمار می‌رود. بحران مالی و اقتصادی جهانی توجه به تجدیدنظر در مقررات شامل حاکمیت شرکتی و الزامات افشاء را ایجاد کرده است و در چند سال اخیر سبب تغییرات قابل ملاحظه در رهنمودهای گزارشگری در بسیاری از کشورها شده است. و تمرکز و توجه روزافزون به یکپارچگی در گزارشگری و حرفه‌ای کردن گزارشگری پاینده موجب گردیده است این توسعه‌های اخیر، علامت ضرورت انجام اصلاحات و تجدیدنظر در این راستا است. گزارشگری پاینده، کلیه سازمان‌ها، شرکت‌ها و نهادهای عمومی در هر شکل و اندازه را قادر می‌سازد بر سنجش، هدایت و افشاء عمومی، عملکرد اقتصادی، محیطی و اجتماعی خود اقدام کنند. امروزه جهان با تغییرات سریع در شرایط و وضعیت اقتصادی، محیطی و اجتماعی مواجه است و این منجر به بحران مضاعف خواهد گردید. در حال حاضر، جهان با بحران رشد پاینده مواجه است و این شبکه پیچیده، توسعه‌های اقتصادی، اجتماعی و محیطی در بلند مدت یک تهدید برای ثبات و شکوفایی جهانی به‌شمار می‌رود. و آنچه که به درستی مشهود است، این است که پایداری و شفافیت تنها راه‌حل‌های ممکن برای هر دو بحران باشد. و در واقع گزارشگری پاینده، هدف اصلی

موج و جنبش مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها در سطح بین‌المللی است و فشار برای مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها از جانب گروه‌های مختلف تأثیرپذیر از بنگاه‌های تجاری از جمله مالکان، کارکنان، مدیران، سرمایه‌گذاران، مشتریان، شرکت‌های تجاری، جامعه و دولت‌هاست و اغلب به عنوان "شهروندی شرکت"، "پایندگی" و غیره به آن اشاره می‌شود و بدون شک به عنوان یک پدیده نوین در عرضه ادبیات کسب و کار تجاری امروز به شمار می‌رود و به دنبال پاسخ‌گویی شرکت، شفافیت و انعکاس عملکرد ابعاد اجتماعی و محیطی است (مک‌گوئر^۱، ۲۰۱۲).

اخیراً، کنسول گزارشگری یکپارچه بین‌المللی (IIRC) و سازمان گزارشگری جهانی در حال فعالیت و همکاری مشترک روی یک چارچوب جدید برای گزارشگری یکپارچه هستند و آنها در تلاش برای ترکیب تقاضاهای جاری برای تغییرات در گزارشگری مالی و گزارشگری پاینده هستند (GRI) رهنمود جدید خود را قالب نسل چهارم تحت عنوان G4 منتشر کرده است. همچنین در کنفرانس جهانی پایندگی و شفافیت آمستردام در سال ۲۰۱۰ مدیر اجرایی GRI به عنوان نهاد پیشرو در این مقوله اهداف زیر را اعلام کرد:

2015: کلیه شرکت‌های بزرگ و متوسط باید از سال 2015 گزارشات عملکرد موارد با اهمیت ابعاد محیطی، اجتماعی و حاکمیتی خود را بر عموم ارائه دهند.

2020: باید استاندارد پدیدار شده عام برای گزارشگری یکپارچه ESG و گزارشگری مالی داشته باشیم و ضمناً G4 رهنمود مقدماتی برای ظهور تجربه یکپارچه گزارشگری و گزارشگری مالی است (کراپ^۲، ۲۰۱۰).

بنابراین اجرای مسئولیت اجتماعی شرکت منجر به بهبود موفقیت شرکت‌ها در بلندمدت می‌گردد و در نهایت منجر به رشد اقتصادی و افزایش توان رقابتی شرکت و بهبود عملکرد مالی آن می‌شود (ساندهو و کاپور، ۲۰۱۰).

۴- روش‌شناسی تحقیق

تحقیق حاضر بر اساس رویکرد فلسفی و علمی و بر پایه روش شناخت تاریخی به موضوع مسئولیت‌پذیری اجتماعی از بعد زیست‌محیطی برای اولین بار در ایران می‌پردازد. در حقیقت بر اساس این رویکرد محقق قصد دارد به ارزیابی مسئولیت‌پذیری اجتماعی از بعد زیست‌محیطی بپردازد و به سوال اصلی تحقیق یعنی اینکه آیا سطح افشاء بعد زیست-محیطی مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها میتواند موجب پایداری شرکت‌ها گردد؟ پاسخ دهد. برای جمع‌آوری منابع مورد نیاز، اسناد و مدارک آرشیوی که نتیجه تحقیقات تجربی است، بررسی گردید و مبانی نظری و پیشینه تحقیق به روش کتابخانه‌ای شناسایی و مورد استفاده قرار گرفت. در این تحقیق، جامعه‌ی آماری برای بخش پرسشنامه‌ی تحقیق عبارت است از کلیه‌ی افراد حرفه‌ای و آکادمیک و مدیران و کارشناسان با تجربه در حوزه‌ی افشاء و گزارشگری شرکت‌ها و جهت بخش تحلیل محتوا جهت تعیین سطح و وضعیت شرکت‌های ایرانی، بورس اوراق بهادار تهران شامل شرکت‌های فعال و بزرگ در صنایع مختلف است. مهمترین دلایل انتخاب شرکت‌های بورسی عبارتند از: قابلیت تعمیم نتایج تحقیق به سایر شرکت‌های مشابه، سهولت اخذ اطلاعات، قابلیت اطمینان اطلاعات، قابلیت دسترسی داده‌ها و مهم-

¹- McGuire

²- Kropp

تر از همه این که این شرکت‌ها در سطح کشور از بزرگترین شرکت‌ها از لحاظ درآمدزایی و اندازه در سطح ملی محسوب می‌شود.

با توجه به شرایط پیش آمده در دنیا و شیوع ویروس Covid 19، ارائه و جمع‌آوری پرسشنامه‌ها به صورت حضوری امکان‌پذیر نبوده و سعی شد از پرسشنامه تحت وب و همچنین ارسال ایمیل و پیامک ارسال شده به جامعه هدف، برای تحلیل استفاده شود. از حدود ۴۰۰ پرسشنامه توزیع شده به روش‌های ذکر شده، جمعا ۱۸۷ پرسشنامه تکمیل و مورد تحلیل قرار گرفت. ما قبل از انجام هرگونه آزمونه‌های آماری، به توصیف داده‌ها به شرح ذیل خواهیم پرداخت. در تحقیق حاضر داده‌های جمع‌آوری شده از پرسشنامه‌های تحقیق، توسط نرم‌افزار لیزرل مورد تحلیل عاملی قرار گرفت و مدل افشاء پیشنهادی مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها شامل مولفه‌ها و شاخص‌های آن تعیین گردید.

سپس تحلیل محتوا گزارشات هیئت مدیره شرکت‌ها برای تعیین امتیاز و سطح افشاء مسئولیت اجتماعی ۱۱۳ شرکت بورسی براساس اطلاعات سال ۱۳۹۸ موجود در سایت کدال بورس اوراق بهادار انجام گردید.

۴-۱ ویژگی‌های پاسخ‌دهندگان

در این تحقیق جمع‌آوری پرسشنامه هم به صورت اطلاع رسانی از طریق تلفن، ایمیل و پیامک و هم به صورت توزیع حضوری بوده است که ویژگی‌های پاسخ‌دهندگان براساس سولات پرسشنامه در ادامه تشریح می‌گردد.

۴-۱-۱ مدرک تحصیلی پاسخ‌دهندگان

از تعداد کل پاسخ‌دهندگان، ۳۵ نفر از پاسخ‌دهندگان دارای مدرک لیسانس، ۱۲۸ نفر از پاسخ‌دهندگان دارای مدرک فوق لیسانس و ۲۴ نفر نیز دارای مدرک دکترا می‌باشند. و از لحاظ درصد نیز، ۱۹ درصد از پاسخ‌دهندگان دارای مدرک لیسانس، ۶۸ درصد دارای مدرک فوق لیسانس و ۱۳ درصد نیز دارای مدرک دکترا می‌باشند.

۴-۱-۲ رشته تحصیلی پاسخ‌دهندگان

از تعداد کل پاسخ‌دهندگان، ۱۰۳ نفر از پاسخ‌دهندگان در رشته حسابداری، ۲۱ نفر در رشته اقتصاد، ۲۸ نفر در رشته مدیریت مالی، ۴ نفر در رشته حسابداری و ۳۱ نفر در سایر رشته‌ها تحصیل نمودند. و از لحاظ درصد نیز، ۵۵ درصد از پاسخ‌گویان در رشته حسابداری، ۱۱ درصد در رشته اقتصاد، ۱۵ درصد در رشته مدیریت مالی، ۲ درصد در رشته حسابداری و ۱۷ درصد در سایر رشته‌ها تحصیل نمودند.

۴-۱-۳ سن پاسخ‌دهندگان

از تعداد کل پاسخ‌دهندگان، تعداد ۳۳ نفر از پاسخ‌دهندگان از سن بین ۲۰ تا ۳۰، ۹۷ نفر از سن ۳۰ تا ۴۰ سال، ۳۸ نفر از سن بین ۴۰ تا ۵۰ سال و ۱۹ نفر از سن ۵۰ سال به بالا برخوردار هستند. و از لحاظ درصد، ۱۸ درصد از افراد پاسخ‌دهنده از سن بین ۲۰ تا ۳۰ سال، ۵۲ درصد از سن بین ۳۰ تا ۴۰ سال، ۲۰ درصد از سن بین ۴۰ تا ۵۰ سال و ۱۰ درصد از سن ۵۰ سال به بالا برخوردار هستند.

۴-۱-۴ شغل یا سمت پاسخ‌دهندگان

از تعداد کل پاسخ‌دهندگان، تعداد ۱۲ نفر از پاسخ‌گویان دارای شغل عضو هیئت علمی، ۱۵ نفر دارای شغل مدیر عامل یا عضو هیئت مدیره، ۶۸ نفر دارای شغل مدیر اجرایی، ۴۹ نفر دارای شغل کارشناس و ۴۳ نفر از پاسخ‌گویان دارای مشاغل دیگر می‌باشند. و از لحاظ درصد، ۶ درصد از پاسخ‌گویان، عضو هیئت علمی دانشگاه و ۱۵ درصد مدیرعامل یا عضو هیات مدیره و ۳۶ درصد مدیراجرایی و ۲۶ درصد کارشناس و در آخر ۲۳ درصد از افراد پاسخ‌دهنده دارای مشاغل دیگر می‌باشند.

۴-۱-۵ حوزه‌های تجربه کاری پاسخ‌دهندگان

از تعداد کل پاسخ‌دهندگان، ۴۹ نفر از پاسخ‌گویان در حوزه حسابداری، ۸۴ نفر در حوزه حسابرسی، ۱۴ نفر در حوزه بورس، ۱۱ نفر در حوزه بانکداری، ۲۹ نفر در حوزه‌های دیگر دارای تجربه کاری می‌کنند. و از لحاظ درصد، ۲۶ درصد از پاسخ‌دهندگان در حوزه حسابداری، ۴۵ درصد در حوزه حسابرسی، ۷ درصد در حوزه بورس، ۶ درصد در حوزه بانکداری و در آخر ۱۶ درصد در سایر حوزه‌ها دارای تجربه کاری هستند.

۴-۲ روش نمونه‌گیری

نمونه عبارت است از تعداد محدودی از اعضای جامعه‌ی آماری که بیانگر ویژگی‌های اصلی جامعه باشد. مزیت انتخاب نمونه از یک جامعه، جلوگیری از اتلاف وقت یک محقق و صرفه‌جویی در منابع مالی است؛ زیرا از طریق مطالعه‌ی یک نمونه‌ی به نسبت کوچک و با اجرای نمونه‌گیری صحیح و پذیرش مقدار ناچیزی خطا، پژوهشگر به نتایج تقریباً درستی خواهد رسید. نمونه‌گیری غیر احتمالی تکنیکی است که در آن محقق بر اساس معیارهای خاصی نمونه‌هایی را برای مطالعه خود انتخاب می‌کند. به جای انتخاب تصادفی، محققان بخش خاصی از جمعیت را بر اساس عواملی مانند موقعیت مکانی یا سن افراد انتخاب می‌کنند. محققان زمانی از این روش استفاده می‌کنند که زمان یا هزینه‌ی عاملی در مطالعه باشد یا زمانی که به دنبال شرکت کنندگانی با ویژگی‌های مشابه هستند. در پژوهش حاضر نیز اقدام به نمونه‌گیری خواهد شد و برای تحقیق جهت تکمیل پرسشنامه و نظر سنجی چک لیست افشاء مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها از خبرگان و صاحب‌نظران آکادمیک و حرفه‌ای استفاده خواهد شد. همچنین برای روایی ابزار تحقیق از روایی محتوا استفاده شده است. بدین منظور ابتدا با دقت در سایر تحقیقات انجام گرفته در حوزه مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها و استفاده از استانداردها و رهنمودهای شناخته‌شده‌ی بین‌المللی سعی شد از شاخص‌های مورد قبول و مناسب استفاده شود. در ادامه با بهره‌گیری از صاحب‌نظران این رشته، شاخص‌ها مورد بررسی قرار گرفته است و شاخص‌های دیگری نیز بنا به شرایط کشور و محیط شرکتی ایران طراحی و پرسشنامه تحقیق تهیه شد. صاحب‌نظران این رشته شامل افرادی می‌شدند که تجربه حداقل ۸ ساله در این رشته به صورت حرفه‌ای و یا آکادمیک با مدرک تحصیلی حداقل کارشناسی ارشد را داشته باشند. ضریب آلفای کرونباخ که از شاخص‌های معتبر سنجش پایایی ابزار تحقیق است، برای بخش‌های مختلف پرسشنامه‌های مورد استفاده بیش از ۰/۸۶ به دست آمد که نشان از پایایی قابل قبول هستند. بنا به دلیل بالا بودن آلفای کل نیازی به حذف هیچ متغیری در تحقیق نبوده است و همچنین از مقدار آلفای بدست آمده می‌توان نتیجه گرفت که ابزار اندازه‌گیری همپوشانی و همسوئی داشته و از ثبات بالایی برخوردار است. همچنین، در جامعه‌ی آماری

شرکت‌های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران نمونه‌ای شامل ۱۱۳ شرکت بورسی بر اساس روش نمونه‌گیری غیر احتمالی طبق معیارهای زیر انتخاب شد :

- شرکت قبل از سال ۱۳۹۸ در بورس پذیرفته شده باشد و تا پایان سال ۱۴۰۲، نام آن از فهرست مذکور حذف نشده باشد.
- به‌منظور تشابه ماهیت فعالیت، نوع اقلام و طبقه‌بندی آنها و همگن بودن اقلام افشا شده در بعد اقتصادی و از آنجایی‌که شرکت‌های تولیدی به فعالیت‌های اجتماعی و اخلاقی اهمیت بالاتری نسبت به شرکت‌های خدماتی قایل هستند (شربت اوغلی و همکاران، ۱۳۸۹)، شرکت‌های انتخاب شده تولیدی باشد.
- پایان سال مالی شرکت‌ها ۲۹ اسفند ماه هر سال باشد.
- روند فعالیت شرکت‌های منتخب توقف نداشته و دوره مالی آنها طی سالهای ۱۳۹۸ الی ۱۴۰۲ تغییر نکرده باشد .
- سهام شرکت بیش از ۶ ماه متوقف نشده باشد .
- ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام منفی نباشد .

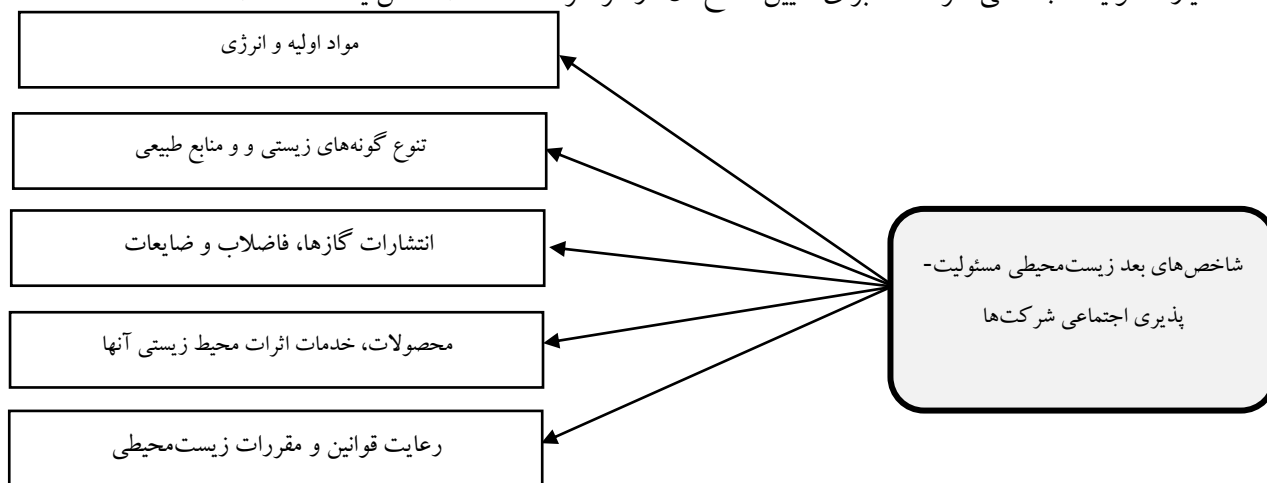
در این تحقیق با استفاده از تحلیل داده‌ها و با استفاده از مدل مسیر به‌وجود معناداری و میزان اثرات بعد زیست‌محیطی مسئولیت‌پذیری اجتماعی بر اساس ساختار پیشنهادی پرداخته شده است. نهایتاً امتیاز مسئولیت‌پذیری اجتماعی هر شرکت با توجه به چک لیست نهایی تدوین شده و اقلام افشای مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها در مدل تحقیق با استفاده از تحلیل محتوا گزارش‌های هیأت مدیره شرکت‌های بورسی به‌دست آمده است. در بخش آزمون مدل، بر اساس آمار توصیفی به آزمون متغیرهای تحقیق پرداختیم و آنها را مورد آزمون قرار دادیم.

ضمناً در این تحقیق رویه‌ی امتیازدهی برای سنجش مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها بر اساس روش ارنست و ارنست^۱ (۱۹۸۷) و ابوت و مانسن^۲ (۱۹۷۹) است که اگر یک قلم از افشای اقلام مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها انجام شده باشد، امتیاز ۱ و اگر افشا نشده باشد، امتیاز ۰ داده می‌شود. ابوت و مانسن (۱۹۹۷) اشاره داشتند واضح است که روش تحقیقی که به‌طور رایج برای ارزیابی افشاهای اجتماعی و محیطی سازمان‌ها هنوز استفاده می‌شود، تحلیل محتوا است و تحلیل محتوا در مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها اکثراً به‌عنوان یک تکنیک برای جمع‌آوری داده‌ها شامل اطلاعات کیفی کدگذاری شده در طبقات مختلف برای استخراج مقیاس کمی از سطح مختلف پیچیدگی در مفاهیم است. مطالعات مبتنی بر نگرش شاخص رایج‌ترین روش در تحلیل محتوا برای تحقیقات مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها است که بیشتر برای سنجش افشاهای کیفی خاص و ارزیابی آنها استفاده می‌شود. معیارهای مبتنی بر شاخص در تحلیل محتوا دارای برخی مزیت‌های متمایز در مقایسه با سایر معیارها هستند و یکی از آنها تعیین وجود یا عدم وجود اطلاعات خاص و این که چه چیزی افشا می‌شود و چه چیزی افشا نمی‌شود را مشخص می‌کند (آدامز، ۱۹۹۸). از اینرو به‌نظر می‌رسد آن قابل توجیه باشد که در مطالعات از گزارش‌های سالانه یا گزارش‌های جداگانه به‌عنوان واحد نمونه برای تحلیل محتوا برای ارزیابی و سنجش اطلاعات مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها افشا شده استفاده کرد. از اینرو، تعداد اقلام افشا شده به کل اقلام قابل افشا در گزارشگری مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها بر اساس

^۱- Ernst and Ernst

^۲- Abbott and monsen

داده‌های مندرج در گزارش‌های سالانه شرکت‌ها، بیان‌کننده‌ی درصد افشای مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها یا امتیاز مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها برای تعیین سطح آن در هر شرکت است (حساس یگانه، ۱۳۹۲).



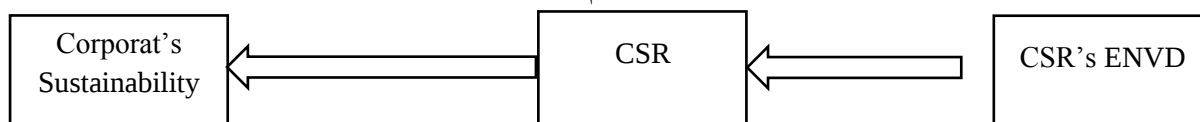
نمودار شماره ۲- شاخص‌های زیست محیطی بعد اقتصادی مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها

جدول کدگذاری شاخص‌های بعد زیست محیطی مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها برای تحلیل محتوا در جدول ذیل ارائه شده است.

ENVD 1	مواد اولیه و انرژی	شاخص‌های بعد زیست محیطی مسئولیت-پذیری اجتماعی شرکت‌ها
ENVD 2	تنوع گونه‌های زیستی و منابع طبیعی	
ENVD 3	انتشارات گازها، فاضلاب و ضایعات	
ENVD 4	محصولات، خدمات و اثرات محیط زیستی آنها	
ENVD 5	رعایت قوانین و مقررات زیست محیطی	

جدول شماره ۲: کدگذاری شاخص‌ها برای تحلیل

پس از اینکه مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها از بعد زیست محیطی ارزیابی شد، با توجه به سوالات تحقیق الگوی کلی مسیر و مدل مفهومی تحقیق را به شکل زیر ارائه می‌نمایم.



نمودار شماره ۳- الگوی کلی مسیر و مدل مفهومی تحقیق

هم چنین برای این تحقیق با توجه به سوالات مطرح شده، هدف تحقیق و مدل مفهومی در نظر گرفته شده، برای آزمون فرضیه از مدل ذیل استفاده می‌کنیم :

¹ - Environment Dimension

فرضیه: سطح افشا بعد زیست‌محیطی مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها تاثیر معنی‌داری روی پایداری شرکت‌ها دارد.

$$CS = \alpha_0 + \alpha_1 CSR_{it} + \alpha_2 ROE_{it} + \alpha_3 LEV_{it} + \alpha_4 AGE_{it} + \alpha_5 SIZE_{it} + \varepsilon_{it}$$

مدل فوق بر اساس مبانی نظری و سایر پژوهش‌های صورت گرفته در این زمینه ارائه شده است. البته با توجه به خصوصیات شرکت‌ها در ایران و غیر قابل اندازه‌گیری بودن برخی از متغیرها، این متغیرها با توجه به خصوصیات صنعت و شرکت‌های ایران کمی تغییر یافت.

متغیرهای تحقیق در دو مدل بالا شامل متغیر وابسته پایداری شرکت (CS^1)، متغیر مستقل بعد زیست‌محیطی مسئولیت‌پذیری اجتماعی ($CSR\ ENVD^2$)، و متغیرهای کنترلی بازده دارایی‌ها (ROE)، اهرم مالی (LEV)، عمر شرکت (AGE) و اندازه شرکت ($SIZE$) می‌باشد.

۴-۳- متغیرهای تحقیق

بعد زیست‌محیطی مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها: مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها شامل ابعاد روابط کارکنان ($EMPD$)، مشارکت اجتماعی ($COMD$)، اقتصادی ($ECDI$)، تولید ($PROD$) و محیط زیست ($ENVD$) می‌باشد. در این تحقیق بعد زیست‌محیطی مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها برای ما مهم است. برای نشان دادن بعد زیست‌محیطی، ۵ معیار مواد اولیه و انرژی، تنوع گونه‌های زیستی و منابع طبیعی، انتشارات گازها، فاضلاب و ضایعات، محصولات، خدمات و اثرات محیط زیستی آنها و رعایت قوانین و مقررات زیست‌محیطی در نظر گرفته شده است.

$$ECDI = \frac{\sum_t^i ENVD}{5}$$

بازده دارایی‌ها: برابر است با ارزش دفتری سهام تقسیم بر سود خالص.

اهرم مالی: برابر است با بدهی بلندمدت به دارایی کل.

عمر شرکت: برابر است با لگاریتم تعداد سال‌های حضور شرکت در بورس.

اندازه شرکت: برابر است با لگاریتم جمع کل دارایی‌های شرکت.

۵- یافته‌های تحقیق

۵-۱- پایایی پرسشنامه

برای این منظور از آلفای کرونباخ استفاده گردیده است. در این روش با استفاده از نرم افزار SPSS میزان آلفای کرونباخ برای هر یک از ابعاد و مولفه‌های پرسشنامه محاسبه گردیده است. ضریب کل آلفای کرونباخ در این ۸۶٫۸ درصد می‌باشد که به ما نشان می‌دهد که این تحقیق از قابلیت اعتماد بالایی برخوردار است. بنا به دلیل بالا بودن آلفای کل نیازی به حذف هیچ متغیری در تحقیق نبوده است. و همچنین از مقدار آلفای بدست آمده می‌توان نتیجه گرفت که ابزار اندازه‌گیری همپوشانی و همسوئی داشته و از ثبات بالایی برخوردار است.

¹- Corporate Sustainability

²- Corporate Social Responsibility ENVIRONMENT Dimension

824/0	مواد اولیه و انرژی	آلفای کرونیخ شاخص‌های بعد زیست-محیطی مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها
856/0	تنوع گونه‌های زیستی و منابع طبیعی	
858/0	انتشارات گازها، فاضلاب و ضایعات	
834/0	محصولات، خدمات و اثرات محیط زیستی آنها	
899/0	رعایت قوانین و مقررات زیست محیطی	

جدول شماره ۳: آلفای کرونیخ شاخص‌های بعد زیست محیطی مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها

۵-۲ آزمون مفروضات تحلیل عاملی تاییدی

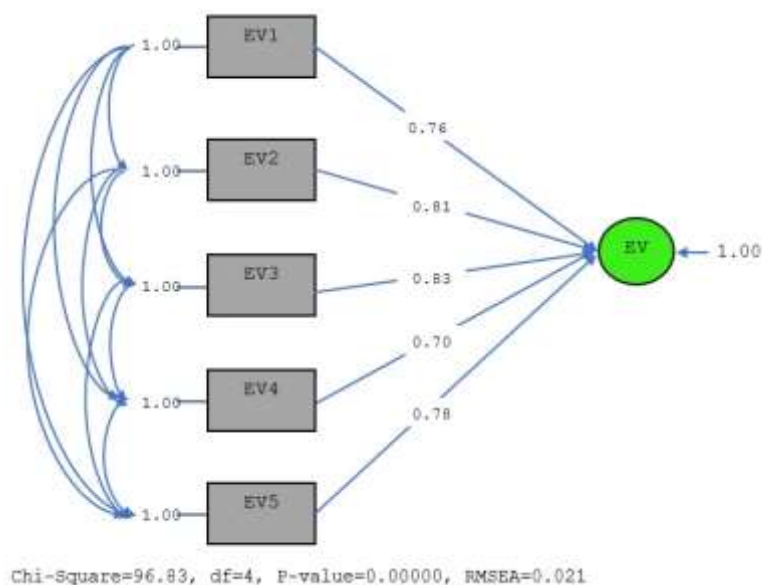
معمولاً در تحقیقات به دلایل مختلف با حجم زیادی متغیرها روبرو هستیم. برای تحلیل دقیق‌تر داده‌ها و رسیدن به نتایج علمی‌تر و در عین حال عملیاتی‌تر، پژوهشگران به دنبال کاهش حجم متغیرها و تشکیل ساختار جدیدی برای آنها می‌باشند و بدین منظور از روش تحلیل عاملی استفاده می‌کنند. تحلیل عاملی از جمله روش‌های چند متغیره است که در آن، متغیرهای مستقل و وابسته مطرح نیست. زیرا، این روش جزء تکنیک‌های هم وابسته محسوب می‌گردد و کلیه متغیرها نسبت به هم وابسته‌اند. مساله اساسی تعیین این موضوع است که آیا تعداد زیادی متغیر اصلی را می‌توان به مجموعه کوچکتري از متغیرها، با کمترین میزان ریزش اطلاعات تبدیل کرد؟ بنابر آنچه گفته شد، تحلیل عاملی تکنیکی است که کاهش تعداد زیادی از متغیرهای وابسته به هم را به صورت تعداد کوچکتري از ابعاد پنهان یا مکنون (عامل‌ها) امکان‌پذیر می‌سازد، بطوریکه در آن کمترین میزان گم شدن اطلاعات وجود داشته باشد. هدف اصلی آن، خلاصه کردن داده‌هاست. این روش به بررسی همبستگی درونی تعداد زیادی از متغیرها می‌پردازد و در نهایت آنها را در قالب عامل‌های عمومی محدودی دسته‌بندی و تبیین می‌کند. بنابراین، ارزش تحلیل عاملی این است که طرح سازمانی مفیدی به دست می‌دهد که می‌توان آن را برای تفسیر انبوهی از رفتار با بیشترین صرفه‌جویی در سازه‌های تبیین کننده، به کار برد. تحلیل عاملی، برخلاف رگرسیون چندگانه، تحلیل تشخیصی یا همبستگی کانونی) که در آنها تعداد زیادی متغیر مستقل و یک یا چند متغیر وابسته وجود دارد) روشی هم وابسته است که در آن کلیه متغیرها به صورت همزمان مد نظر قرار می‌گیرند (حبیبی، ۱۳۹۱).

در این تحقیق برای تحلیل داده‌ها، ابتدا تحلیل توصیفی پاسخ‌دهندگان پرسشنامه انجام و پس از بررسی شاخص‌های کیسر-میر-اولکین (KMO)، آزمون بارتلت و آزمون نرمالیتی و با استفاده از مدل مسیر به وجود معنا داری و میزان اثرات بعد اقتصادی مسئولیت‌پذیری اجتماعی بر اساس ساختار پیشنهادی پرداخته شده است. با استفاده از دو شاخص کیسر-میر-اولکین (KMO) و آزمون بارتلت به بررسی کفایت نمونه‌ها و مناسب بودن استفاده از تحلیل عاملی برای مدل پرداخته شده است. آزمون KMO اولین هدف تحلیل عاملی را برآورده می‌کند. این آزمون مشخص می‌کند که آیا واریانس متغیرهای تحقیق تحت تأثیر واریانس مشترک برخی عامل‌های پنهانی و اساسی هست یا خیر؟ در آزمون بارتلت فرض صفر بیان میکند ماتریس همبستگی، یک ماتریس واحد و همانی است که اگر باشد برای شناسایی ساختار (مدل عاملی) نامناسب است. در جدول زیر به تفکیک یافته‌های ناشی از تجزیه و تحلیل مدل مفهومی و تحلیل محتوای شاخص‌های افشا موجود در میان شرکت‌ها بیان شده است.

الگو	سطح شاخص	الگو	سطح شاخص	درجه آزادی	سطح معنی داری
KMO	845/0	بارتلت	240/838	104	000/0

جدول شماره ۴: شاخص KMO و بارتلت برای کفایت نمونه

با توجه به جدول بالا، به دلیل بالا بودن سطح شاخص KMO از ۰/۶، نتایج تحلیل عاملی برای داده‌های مورد نظر معتبر است. با توجه به سطح معنی‌داری آزمون بارتلت، تحلیل عاملی برای شناسایی مدل عاملی مناسب است.



نمودار شماره ۴: الگوی تحلیل مسیر شاخص‌های بعد زیست‌محیطی

در جدول ذیل می‌توانید نتایج تحلیل عاملی بعد زیست‌محیطی مسئولیت‌پذیری اجتماعی را مشاهده کنید.

نوع شاخص	مقدار	معیار	تفسیر
GFI	0.94	بین 0.9 تا 1.00	مدل از برازش خوبی برخوردار است.
AGFI	0.90	بین 0.9 تا 1.00	مدل از برازش خوبی برخوردار است.
RSMEA	0.032	بین 0.00 تا 0.10	چون به صفر نزدیک است، مدل از برازش خوبی برخوردار است.
X^2	36.25	$P < 0.05$	معنی‌دار است ($P = 0.000$).
NFI	0.91	بالاتر از 0.90	مدل از برازش خوبی برخوردار است.
RFI	0.87	بین صفر تا یک	مدل از برازش خوبی برخوردار است.
PCFI	0.69	حداقل 0.60	مدل از برازش خوبی برخوردار است.
NNFI	0.94	بالاتر از 0.90	مدل از برازش خوبی برخوردار است.

جدول شماره ۵: نتایج تحلیل عاملی بعد زیست‌محیطی مسئولیت‌پذیری اجتماعی

پس از انجام آزمون، مشاهده می‌گردد که مقدار شاخص (GFI شاخص نیکویی برازش) نزدیک به یک بوده که نشان‌دهنده برازش خوب مدل بوده و بیانگر این است که داده‌ها به نحو بهتری الگوی روابط را تایید می‌کنند. شاخص (AGFI شاخص نیکویی برازش تعدیل شده (نیز نزدیک به یک بوده که مانند شاخص GFI بیانگر برازش مدل با داده‌ها است. شاخص) RSMEA ریشه‌ی خطای میانگین مجذورات تقریب (با توجه به نزدیک بودن به صفر، برازش مدل را خوب بیان کرده است. شاخص NFI شاخص برازش هنجار شده) نیز مدل را با برازش خوب تعیین کرد.

شاخص RFI شاخص برازش نسبی (نیز بیانگر برازش مدل است. شاخص PCFI شاخص برازش تطبیقی مقتصد) برازش مدل را خوب می‌داند. شاخص NNFI شاخص برازش هنجار نشده) نیز حکایت از برازش مدل دارد.

الگو	متغیر مشاهده شده	ضرایب لامبدا	S.E.	t.value	r ²	Sig.
ENV1D	مواد اولیه و انرژی	0.76	0.30	14.90	0.62	0.000
ENV2D	تنوع گونه‌های زیستی و منابع طبیعی	0.81	0.17	19.05	0.80	0.000
ENV3D	انتشارات گازها، فاضلاب و ضایعات	0.83	0.16	19.26	0.81	0.000
ENV4D	محصولات، خدمات و اثرات محیط زیستی آنها	0.70	0.48	13.71	0.52	0.000
ENV5D	رعایت قوانین و مقررات زیست محیطی	0.78	0.34	16.49	0.66	0.000

جدول شماره ۶: نتایج تحلیل عاملی بعد زیست محیطی مسئولیت پذیری اجتماعی و معناداری آنها

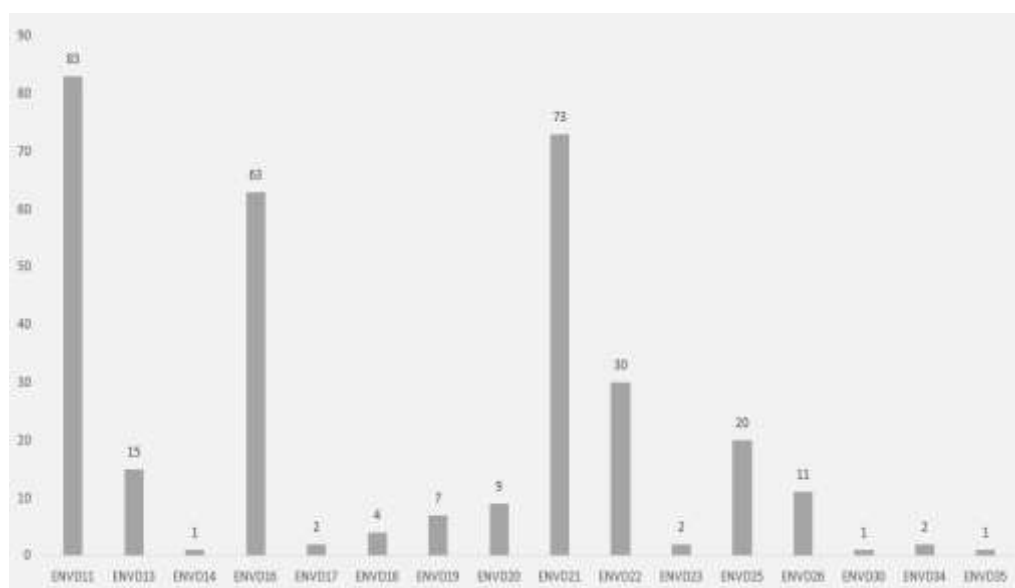
با توجه به جدول بالا، مولفه انتشارات گازها، فاضلاب و ضایعات بیشترین میزان واریانس بعد زیست محیطی را با ضریب مسیر 83/0 (y) تبیین می‌کند و در مقابل مولفه محصولات، خدمات و اثرات محیط زیستی آنها کمترین میزان واریانس بعد زیست محیطی را با ضریب مسیر 70/0 (y) تبیین می‌کند و سایر مقادیر واریانس بعد زیست محیطی توسط سایر مولفه‌هایی که در تحقیق (مبانی نظری) تبیین خواهد شد. همچنین بر اساس نتایج ضریب R^2 ، انتشارات گازها، فاضلاب و ضایعات بیشترین قابلیت تبیین بعد اقتصادی را با ضریب 81/0 و مواد اولیه و انرژی، کمترین قابلیت تبیین بعد اقتصادی را با ضریب ۰/۶۲ دارد. بر اساس نتایج آماره t هر یک از شاخص‌ها، نتیجه می‌گیریم که تمامی شاخص‌های پیشنهادی بعد زیست محیطی مسئولیت‌پذیری اجتماعی دارای تاثیر معناداری بر پایداری شرکت‌ها از لحاظ آماری هستند.

ما در این تحقیق به ارزیابی مسئولیت‌پذیری اجتماعی پرداخته‌ایم و برای این منظور، شاخص‌های بعد زیست محیطی مسئولیت‌پذیری اجتماعی را (۲۴ شاخص)، مورد بررسی قرار داده‌ایم. با توجه به اینکه برخی از این شاخص‌ها با توجه به شرایط موجود در ایران و گزارش‌های سالانه شرکت‌های بورسی و بر اساس نمونه فعالیت و گزارش‌های هیئت مدیره وجود نداشت، این شاخص‌ها تعدیل و یا حذف شد و نهایتاً با ۱۴ شاخص تعدیل شده، ۱۱۳ شرکت بورسی مورد تحلیل قرار گرفت و امتیازات شرکت‌ها بر اساس شاخص‌های بعد زیست محیطی مسئولیت‌پذیری اجتماعی بر اساس جدول زیر استخراج شد.

ردیف	شاخص	کد شاخص	تعداد شرکت‌هایی که افشا کرده‌اند	درصد شرکت‌هایی که افشا کرده‌اند
1	مواد اولیه و انرژی	ENVD11	83	73 %
2		ENVD13	15	14 %
3		ENVD14	1	1 %
4		ENVD16	63	55 %
5		ENVD17	2	2 %
6	تنوع گونه‌های زیستی و منابع طبیعی	ENVD18	4	3 %
7		ENVD19	7	6 %
8		ENVD20	9	8 %
9	انتشارات گازها، فاضلاب و ضایعات	ENVD21	73	65 %
10		ENVD22	30	26 %
11	محصولات، خدمات و اثرات محیط زیستی آنها	ENVD23	2	2 %
12		ENVD25	20	17 %
13		ENVD26	11	10 %
14		ENVD30	1	1 %
15	رعایت قوانین و مقررات زیست‌محیطی	ENVD34	2	2 %
16		ENVD35	1	1 %

جدول شماره ۷: وضعیت شرکت‌ها از نظر افشا ابعاد زیست‌محیطی مسئولیت‌پذیری اجتماعی

با توجه به جدول فوق، مشاهده می‌شود که در مواد اولیه و انرژی، شاخص ENVD11 بیشترین افشا و شاخص ENVD14 کمترین میزان افشا را توسط شرکت‌ها داشته‌اند. همچنین در تنوع گونه‌های زیستی، شاخص ENVD20 بیشترین افشا و شاخص ENVD18 کمترین میزان افشا را توسط شرکت‌ها داشته‌اند. همچنین در محصولات و خدمات، شاخص ENVD25 بیشترین افشا و شاخص ENVD30 کمترین میزان افشا را توسط شرکت‌ها داشته‌اند. میزان افشای شاخص‌های زیست‌محیطی مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها، بر اساس نمودار میله‌ای در نمودار زیر نمایش داده شده است. بر اساس نمودار زیر، مشخص می‌شود که شاخص‌های مواد اولیه، انرژی و انتشارات گازها، فاضلاب و ضایعات، بیشترین میزان افشا را در بین شرکت‌ها داشته است.



نمودار شماره ۵: نمودار افشای شاخص‌های مسئولیت‌پذیری اجتماعی مبتنی بر بعد زیست‌محیطی

۵-۳-آمار توصیفی

در بخش آمار توصیفی، تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از شاخص‌های مرکزی همچون میانگین و میانه، شاخص‌های پراکندگی انحراف معیار، ضریب چولگی و ضریب کشیدگی انجام می‌پذیرد. با توجه به مدل تحلیلی فرضیات تحقیق، ابتدا با استفاده از آزمون ضریب همبستگی پیرسن به بررسی وجود رابطه و جهت رابطه بین هر یک از متغیرهای تحقیق پرداخته و سپس، به منظور امکان یا عدم امکان استفاده از روش رگرسیون خطی چندگانه از آزمون دورین - واتسون و آزمون هم خطی استفاده خواهیم کرد. در نهایت، با استفاده از رگرسیون خطی چندگانه به بررسی میزان تأثیر هر یک از متغیرهای مستقل بر متغیرهای وابسته تحقیق براساس مدل رگرسیون هر یک از فرضیات تحقیق خواهیم پرداخت. خلاصه وضعیت آمار توصیفی در جدول شماره ۸ نشان داده شده است.

متغیر	نماد	تعداد مشاهدات	میانگین	میانه	پیشینه	کمینه	انحراف معیار
بعد زیست‌محیطی مسئولیت‌پذیری اجتماعی	CSRENVD	452	060/2	007/2	967/5	051/0	176/1
اهرم مالی	LEV	452	711/0	564/0	093/7	203/0	903/0
سن	AGE	452	70/0	658/0	000/1	167/0	181/0
اندازه شرکت	SIZE	452	483/0	397/0	000/1	000/0	248/0

جدول شماره ۸: آمار توصیفی متغیرهای تحقیق

همان‌طور که در جدول شماره ۵ (۸) مشاهده می‌شود، کمیت‌های توصیفی متغیرهای تحقیق، از انواع نسبت و لگاریتم هستند که توانسته است همگنی خوبی را بین داده‌ها ایجاد کند. شرکت‌های مورد مطالعه، ۱۱۳ شرکت بوده است که بر اساس شرکت - سال (۹۸-۹۴) برابر ۴۵۲ مشاهده است.

۵-۳-۱-آزمون فرضیه تحقیق

برای آزمون فرضیه تحقیق از مدل تحقیق استفاده می‌شود. برای آزمون فرضیه‌های تحقیق از آمار توصیفی، رگرسیون چند متغیره و آزمون‌های مربوط استفاده خواهد شد و با توجه به پیچیدگی و دشواری کار با معادلات رگرسیون در قالب چنین داده‌هایی آزمون‌های آماری و تجزیه و تحلیل‌های مرتبط به کمک نرم‌افزار Lisrel و Spss خواهد پذیرفت. قبل از برآورد مدل، به انتخاب الگوی مناسب جهت برازش مدل پرداخته می‌شود. ابتدا با استفاده از اف‌لیمر^۱ به انتخاب مدل داده‌های تلفیقی در برابر مدل داده‌های تابلویی پرداخته می‌شود. سپس در صورت انتخاب مدل داده‌های تابلویی، برای تصمیم‌گیری بین استفاده از اثرات ثابت یا استفاده از اثرات تصادفی، از آزمون هاسمن استفاده می‌شود. نتایج آزمون اف‌لیمر و هاسمن در جدول شماره ۹ نشان داده شده است.

¹ - F-Limer Test

مدل	نام آزمون	آماره	درجه آزادی	احتمال آماره	نتیجه
مدل اصلی	اف لیمر	512/2	356,89	000/0	داده های تابلویی
	هاسمن	464/27	5	000/0	استفاده از اثرات ثابت

جدول شماره ۹: نتایج آزمون اف لیمر و هاسمن

پس از انتخاب الگوی مناسب برای برازش مدل، جهت اطمینان از وجود عدم هم خطی چندگانه در مدل، از عامل تورم واریانس (VIF) استفاده می شود. اگر این مقدار اختلاف چشم گیری با یک نداشته باشد (معمولا بیشتر از ۱۰ نباشد)، مشکل هم خطی چندگانه بین متغیرهای مستقل وجود ندارد. مقدار عامل تورم واریانس برای متغیرهای مستقل رگرسیونی در جدول شماره ۱۰ آورده شده است.

جدول شماره ۱۰: نتایج آزمون فرضیه اصلی تحقیق

Model: $CS = \alpha_0 + \alpha_1 CSR_{it} + \alpha_2 ROE_{it} + \alpha_3 LEV_{it} + \alpha_4 AGE_{it} + \alpha_5 SIZE_{it} + \varepsilon_{it}$					
متغیر	نماد متغیر	ضریب	آماره t	سطح معنی داری	VIF
عرض از مبدا	α	032/5	652/3	000/0	-
بعد زیست محیطی مسئولیت پذیری اجتماعی	CSRED	119/0	041/1	000/0	082/1
اهرم مالی	LEV	601/0-	321/4-	000/0	271/1
سن	AGE	321/0	205/3	000/0	594/1
اندازه شرکت	SIZE	221/0	123/4	000/0	163/1
ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	احتمال آماره F	دوربین - واتسون		
746/0	675/0	000/0	211/2		

همانطور که در جدول شماره ۱۰ (۱۰) مشاهده می شود، برای بررسی درستی مدل، از معیارهای ضریب تعیین (R2)، ضریب تعیین تعدیل شده (Adj. R2) و دوربین - واتسون (D-W) و برای بررسی معنی داری مدل نیز از آماره F استفاده می شود. همان طور که در جدول شماره (۹) مشاهده می شود، مقدار ضریب تعیین برابر 746/0 می باشد و بدین معنی است که قدرت توضیح دهنده گی و برازش مدل در سطح خوبی قرار دارد. آماره دوربین - واتسون برابر با 211/2 می باشد و از آنجایی که بازه ۱/۵ تا ۲/۵ نشان دهنده عدم وجود خود همبستگی از مرتبه اول می باشد، در نتیجه خود همبستگی از مرتبه اول در جزء خطای مدل وجود ندارد. آماره عامل تورم واریانس (VIF) میزان هم خطی بین متغیرهای مستقل تحقیق را نشان می دهد و مقدار مجاز VIF کمتر از ۱۰ می باشد و از آنجایی که مقادیر جدول شماره (۱۰)، کمتر از ۱۰ می باشد، در نتیجه بین متغیرهای مستقل تحقیق، هم خطی وجود ندارد. در نهایت مقدار احتمال آماره F نیز کمتر از ۰/۰۰۰ است، لذا معنی داری مدل تایید می شود. اما با توجه به سطح معناداری آزمون تی استودنت برای تعیین معناداری اثر متغیر مسئولیت پذیری اجتماعی شرکت ها از بعد اقتصادی که کوچک تر از خطای نوع اول ۰/۰۵ برآورد شده (۰/۰۰۰)، می توان پذیرفت که این متغیر دارای رابطه معناداری با پایداری در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می باشد. بنابراین فرضیه تحقیق تایید شده است. هم چنین با توجه به ضریب رگرسیونی مدل (۰/۱۱۹) اثر گذاری این متغیر بر روی متغیر وابسته در جهت مثبت می باشد. بنابراین، می توان گفت، بین مسئولیت پذیری اجتماعی مبتنی بر بعد زیست محیطی شرکت ها و پایداری شرکت ها رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

۶- نتیجه‌گیری و بحث

در این تحقیق داده‌های جمع‌آوری شده با تعداد ۱۸۷ پرسشنامه تحقیق، توسط نرم‌افزار لیزرل مورد تحلیل عاملی تاییدی و تحلیل مسیر قرار گرفت. بطور خلاصه، شاخص‌های کفایت نمونه‌گیری یعنی شاخص‌های کیسر-میر-اولکین و آزمون بارتلت با استفاده از تحلیل عاملی تاییدی و استفاده از روش مدل‌یابی معادلات ساختاری به بررسی کفایت نمونه‌ها و مناسب بودن استفاده از تحلیل عاملی برای مدل پرداخته و همچنین، آزمون نرمال بودن داده‌ها نیز برای آن انجام شده است.

با توجه به بالا بودن سطح شاخص KMO، نتایج تحلیل عاملی برای داده‌های مورد نظر معتبر است و با توجه به سطح معنی‌داری آزمون بارتلت، تحلیل عاملی برای شناسایی ساختار مناسب است. همچنین، ضرایب رگرسیون مدل مسیر حاکی از آن است که بعد اقتصادی، بعد اجتماعی و بعد محیطی، درصد بالایی از تغییرات متغیر وابسته‌ی مسئولیت-پذیری اجتماعی شرکت‌ها را تبیین می‌کنند و بیانگر این است که بعد زیست محیطی دارای بیشترین توجه بر مسئولیت-پذیری اجتماعی شرکت‌ها است و در کل این بعد برای مدل کلی مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها از لحاظ آماری معنی‌دار می‌باشد. در مدل ساختاری نهائی مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها نیز، با توجه به اینکه شاخص‌های برازش عمدتاً نزدیک به یک می‌باشد، نشان می‌دهد مدل از برازش خوبی برخوردار است و داده‌ها به نحو بهتری الگوی روابط مذکور را تایید می‌کنند و برازش مناسب کل مدل را نشان می‌دهد. در بعد زیست محیطی، مولفه‌های محصولات، خدمات، اثرات زیست محیطی محصولات و مواد اولیه و انرژی و به ترتیب از کمترین و بیشترین ضریب تعیین برخوردار هستند. در مجموع، کلیه شاخص‌ها و ضرایب نشان دهنده برازش مناسب مدل ارائه شده تحقیق جهت تبیین ارتباط و تأثیرگذاری شاخص‌ها، مولفه‌ها و ابعاد برای سنجش مفهوم مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها در ایران است.

اکثر مطالعات در حوزه مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها، ماهیتاً توصیفی هستند و از روش تحلیل محتوا برای سنجش دامنه و محدوده افشاء در گزارشات سالانه استفاده می‌شود. توسعه درک مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها در اقتصادهای نوظهور، عمدتاً محدود به درک مدیران از مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها از طریق روش‌های کیفی بوده و تعیین سطح افشاء مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها بسیار حائز اهمیت است. با توجه به مدل افشاء پیشنهادی تحقیق برای سنجش سطح افشاء مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها به روش صفر و یک گزارشات هیئت مدیره سال ۱۳۹۸، ۱۱۳ شرکت مورد تحلیل قرار گرفته و امتیازات شرکت‌ها در ابعاد، مولفه‌ها و کل شاخص‌های مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها استخراج گردید.

بیشترین سطح افشاء در بعد زیست محیطی مربوط به مواد اولیه و انرژی می‌باشد.

مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها، یک مفهوم در حال تکامل است که به عنوان روشی است که شرکت‌ها دغدغه‌های اجتماعی، محیطی و اقتصادی‌شان را در ارزش‌ها، فرهنگ‌ها، تصمیمات، استراتژی و عملیات به گونه‌ای شفاف برای پاسخگوئی، یکپارچه نموده و در نتیجه رویه‌های بهتری برای شرکت، ایجاد رفاه و بهبود جامعه تدوین می‌نمایند. در صورتی که شرکت‌ها تعهد بالایی نسبت به استانداردهای شفافیت گزارشگری مالی داشته باشند، انتظار می‌رود که پایداری بیشتری داشته باشند. نتایج به دست آمده برای فرضیه اصلی نشان می‌دهد

بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی مبتنی بر بعد زیست‌محیطی شرکت با پایداری شرکت ارتباط معناداری وجود دارد. علاوه بر این، مقدار علامت ضریب به دست آمده مثبت می‌باشد که نشان می‌دهد با افزایش مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت، پایداری شرکت افزایش می‌یابد. این موضوع نشان دهنده این امر می‌باشد که با افزایش فعالیت‌های مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت، فرآیند گزارشگری مالی را شاهد می‌باشیم که به این ترتیب، افزایش کیفیت و اتکاء به گزارشگری مالی را موجب می‌شود که این به نوبه خود، کاهش اخبار بد را به همراه دارد.

با توجه به نتایج آزمون فرضیه، می‌توان به این نتیجه رسید که شرکت‌های با مسئولیت‌پذیری اجتماعی بالا، به دلیل اینکه ارتباط بهتر با ذینفعان گرایش دارند، سرمایه اجتماعی بالاتر دارند و از این طریق آسیب‌پذیری از رویدادها منفی را کاهش می‌دهد و به عبارت دیگر، پایداری بیشتری را خواهند داشت.

صنعتی شدن در سراسر جهان سبب ایجاد مسئولیت‌های اجتماعی مهمی شده است که اثرهای مالی و غیرمالی خاص خود را برجای می‌گذارد. در اثر جهانی شدن، شرکت‌های واقع در کشورهای در حال توسعه، مایل به حرکت به سوی بازارهای جهانی هستند، از این رو به منظور مقبولیت در بازارهای جهانی، باید مسئولیت‌های اجتماعی انجام گرفته خود را به نمایش بگذارند. هم‌چنین شرکت‌ها باید بدانند که گروه‌های مختلف جامعه، متقاضی اطلاعات پاسخ‌گویی اجتماعی هستند، زیرا این اطلاعات در تصمیم‌گیری‌های آنها نقش مهمی دارند (چو^۱، ۲۰۱۶).

۶-۱- محدودیت‌های پژوهش

- با توجه به قدمت نه چندان زیاد دو مقوله مسئولیت‌پذیری اجتماعی و حاکمیت شرکتی و از طرفی عدم پابندی کامل بسیاری از شرکت‌ها به این دو موضوع و اجزای آن، نتایج مطالعات احتمالاً از این موضوع متأثر شده است و این می‌تواند از جمله محدودیت‌های پژوهش باشد.
- فقدان سازو کار دقیقی برای محاسبه پایداری شرکتی در منابع موجود نیز از دیگر محدودیت‌های این تحقیق به شمار می‌آید.
- عدم وجود منابع اطلاعاتی و پایگاه داده‌های رسمی و مورد تأیید نهادهای ذیربط برای تعیین سطح شرکت‌های ایرانی از نظر فعالیت‌های مسئولیت اجتماعی شرکتها و افشاء اطلاعات پایداری.
- در فرایند پژوهش علمی به ویژه در علوم انسانی مانند حسابداری، مواردی وجود دارد که خارج از کنترل پژوهش‌گر است و به طور بالقوه می‌تواند نتایج پژوهش را تحت تأثیر قرار دهد. لذا در صورت اعمال سایر متغیرهای احتمالی تأثیرگذار بر روی متغیرها، احتمالاً نتایج پژوهش تغییر می‌کند.

۲-۶ پیشنهادهای پژوهش

۱-۲-۶ پیشنهادهای مبتنی بر پژوهش

- با توجه به تاثیر مثبت حاکمیت شرکتی بر پایداری شرکتی، به متولیان امر و مسئولین بورس اوراق بهادار پیشنهاد می‌شود تا به جهت حمایت از سرمایه گذاران، نسبت به اجرای هرچه بهتر اصول و مفاد حاکمیت شرکتی و همچنین الزام در شرکتهای فعال در بورس اوراق بهادار تهران، نظارت بیشتری به خرج دهند.
- به سرمایه گذاران و سایر ذینفعان پیشنهاد می‌گردد که در اخذ تصمیمات اقتصادی به چگونگی و نوع ایفای مسئولیت‌های اجتماعی شرکت‌ها توجه کنند.
- به سرمایه گذاران و کلیه ذینفعان پیشنهاد می‌شود تا در بررسی‌های خود به جهت سرمایه گذاری در شرکت‌های فعال در بازار سرمایه، به منظور اطمینان بیشتر در خصوص روند پایداری شرکت، مقوله حاکمیت شرکتی را مد نظر قرار داده و در صورت وجود سازوکار مناسب و ساختار مطلوب حاکمیت شرکتی نسبت به سرمایه گذاری در آن شرکت اقدام نمایند.
- به مدیران شرکت‌ها نیز پیشنهاد می‌شود تا با به دلیل اثر مثبت حاکمیت شرکتی بر پایداری شرکت، نسبت به پیاده سازی هرچه بهتر سازوکارهای مناسب و عملیاتی در حوزه حاکمیت شرکتی اقدام نمایند تا جذابیت بیشتری برای سرمایه گذاران و اعتبار دهندگان برای سرمایه گذاری در شرکت ایجاد نمایند.
- موسسات رتبه بندی و نهادهای نظارتی در سطح ملی می‌توانند مدل افشاء ارائه شده تحقیق را برای رتبه بندی شرکت‌های ایرانی از بعد شاخص‌های پایداری مورد استفاده قرار دهند.
- اصلاح چارچوب و محتوای گزارشات فعالیت هیئت مدیره و گزارشات سالانه شرکت‌ها با رویکرد پایداری و توجه بیشتر به افشاء شاخص‌های ابعاد اجتماعی و زیست محیطی.
- پیشنهاد می‌شود که برای ایجاد انگیزه و مشوق‌ها لازم در شرکت‌ها، سازمان بورس اوراق بهادار تهران با همکاری نهادهای فعال در حوزه اجتماعی و فرهنگی کشور، با تدوین الزامات و مقررات مناسب، زمینه را برای پاسخ گویی بهتر شرکت‌ها به انتظارات جامعه فراهم کنند.
- تدوین الزامات و مقررات مناسب توسط نهادهای مرتبط در حوزه گزارشگری شرکت‌ها از جمله سازمان بورس اوراق بهادار با همکاری نهادهای فعال در حوزه اجتماعی و زیست محیطی کشور برای پاسخگویی به انتظارات ذینفعان و همچنین اعمال فشار و نفوذ دولت برای الزام و تعهد شرکت‌ها برای افشاء اطلاعات مسئولیت اجتماعی در گزارشات سالانه کلیه شرکت‌های فعال در صنعت به ویژه شرکت‌های دولتی و بزرگ.
- الزام شرکت‌ها به تشکیل واحد یا کمیته مستقل مسئولیت اجتماعی در ساختار سازمانی برای تدوین استراتژی-ها، اهداف و برنامه‌های مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و چگونگی پایش و افشاء آن در ابعاد مختلف با رویکرد توسعه پایدار.

۲-۲-۶ پیشنهادهای برای پژوهش آتی

- اگرچه که در پژوهش حاضر، تاثیر صنایع حساس و غیرحساس لحاظ گردیده است، اما از آنجایی که در ایران پژوهش نمونه‌های آماری به تفکیک نوع صنعت مورد بررسی قرار نگرفته است، پیشنهاد می‌شود در پژوهش-

- های آتی رابطه بین حاکمیت شرکتی و پایداری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران به تفکیک نوع صنعت نیز انجام گیرد.
- بررسی تحلیلی کمی و کیفی عملکرد اجتماعی شرکت‌ها در صنایع مختلف فعال در عرصه‌های اقتصادی و صنعتی کشور و مقایسه وضعیت و روند آن در ایران با سایر کشورهای مشابه از نظر ساختارهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به ویژه کشورهای اسلامی و در حال توسعه.
- تفکیک حاکمیت شرکتی به اجزاء آن و بررسی جداگانه تأثیر هر یک از شاخص‌های حاکمیت شرکتی، ممکن است منجر به نتایج جدیدی شود.
- مطالعه و تدوین مدل مناسب رتبه‌بندی مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و تدوین و راه‌اندازی شاخص پایداری در شرکت‌های بزرگ و بررسی براساس مطالعه تطبیقی رهنمودهای سازمان‌های فعال در این زمینه در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی با در نظر گرفتن شرایط محیطی ایران.

منابع و مأخذ:

۱. احمدپور، احمد، & فرمانبردار، مریم. (۱۳۹۴). بررسی ارتباط بین افشای اطلاعات مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و رقابت بازار محصول. فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مالی، ۷(۲۶)، ۱۰۳-۱۲۴.
۲. امیدوار، علیرضا. (۱۳۸۷). کارگاه آموزشی ترویجی ارتقاء مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها: پیشنهاد اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴. مرکز ترویج مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها.
۳. بزرگر، قدرت الله، & غفاری، وحید. (۱۳۸۷). حسابداری و گزارشگری پایداری شرکت‌ها در هزاره سوم. ماهنامه حسابداری، ۴۹(۴۹).
۴. بهارمقدم، مهدی، صادقی، زین العابدین، & صفرزاده، ساره. (۱۳۹۲). بررسی رابطه مکانیسم‌های حاکمیت شرکتی بر افشا مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها. فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مالی، ۵(۲۰)، ۹۰-۱۰۷.
۵. پور احتشام، محمد. (۱۴۰۳). مسئولیت‌پذیری اجتماعی، عملکرد مالی و پایداری مالی. مجله بازاریابی خدمات عمومی، ۵، بهار ۱۴۰۳.
۶. پورعلی، محمدرضا، & حجامی، محدثه. (۱۳۹۳). بررسی رابطه بین افشای مسئولیت اجتماعی و مالکیت نهادی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه علمی پژوهشی دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، ۳(۱۰)، ۱۴۲-۱۵۷.
۷. (نویسنده نامشخص). (۱۴۰۲). تأثیر مسئولیت‌پذیری اجتماعی بر ارزش شرکت. مجله حسابداری و بودجه ریزی بخش عمومی، ۱۳، پاییز ۱۴۰۲.
۸. تقی پور، فرزین. (۱۴۰۳). بررسی اثرات مسئولیت‌پذیری اجتماعی بر عملکرد مالی با تأکید بر نقش قابلیت نوآوری در فضای سبز. مجله مطالعات جغرافیا، عمران و مدیریت شهری، ۱۰(۳)، پاییز ۱۴۰۳.
۹. تیمورلویی، سعید، باروج، فرزانه، & کاووسی، اسماعیل. (۱۳۹۰). طراحی راهبردهای پایدار در راستای ایجاد مسئولیت اجتماعی. پژوهشنامه مسئولیت اجتماعی سازمان‌ها، ۶۰، ۹-۳۴.

۱۰. فاییزی، بهاره. (۱۴۰۳). بررسی اثر مسئولیت‌پذیری اجتماعی و شفافیت اطلاعات بر بهبود عملکرد مالی. مجله مطالعات راهبردی مالی و بانکی، ۲(۳)، پاییز ۱۴۰۳.
۱۱. حبیبی، آرش. (۱۳۹۱). آموزش کاربردی نرم‌افزار لیزرل، مدل‌یابی معادلات ساختاری و تحلیل عامل؛ ویرایش جدید.
۱۲. حساس یگانه، یحیی، & مداحی، آزاده. (۱۳۸۷). چالش‌های استقرار نظام حاکمیت شرکتی در بازار سرمایه ایران. روزنامه دنیای اقتصاد، ۱۷۳۸.
۱۳. حساس یگانه، یحیی، & برزگر، قدرت‌الله. (۱۳۹۲). ارائه مؤلفه‌ها و شاخص‌های بعد اجتماعی مسئولیت شرکت‌ها و وضعیت موجود آن در ایران. فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی-فرهنگی، ۲(۱)، ۲۰۹-۲۳۴.
۱۴. کامیابی، یحیی، شهنواری، معصومه، & سلمانی، رسول. (۱۳۹۵). بررسی تأثیر مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها بر عدم تقارن اطلاعاتی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه تحقیقات حسابداری و حسابرسی، ۳۰، ۱۲۶-۱۴۵.
۱۵. طالبیان درزی، مریم. (۱۴۰۳). ارزیابی میزان مسئولیت‌پذیری اجتماعی. مجله مهارت‌آموزی، ۴۷، بهار ۱۴۰۳.
۱۶. شکری، قاسم، رحمانی، نیما، & دودانگه، سارا. (۱۴۰۳). شناسایی و رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها با استفاده از فرآیند تحلیل سلسله مراتبی. مجله مطالعات و حسابداری، ۱۰(۴)، زمستان ۱۴۰۳.
۱۷. شربت اوغلی، احمد، و همکاران. (۱۳۸۹). مسئولیت اجتماعی نزد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه علوم مدیریت ایران، ۵(۱۹)، پاییز ۱۳۸۹.
۱۸. گلی، عباس، موحدی، ساعده، & خلیلی، فاطمه. (۱۳۹۴). حاکمیت شرکتی بستر ساز پایداری. نخستین کنفرانس منطقه‌ای کاربرد حسابداری و مدیریت مالی در مسائل اقتصادی و اجتماعی، تهران.
۱۹. مرتضوی، و همکاران. (۱۳۸۹). بررسی نقش تعدیل‌گری متغیر اهمیت مسئولیت اجتماعی بر رابطه بین مسئولیت اجتماعی و تعهد سازمانی: نمونه مورد مطالعه شرکت‌های صنایع غذایی شهر مشهد. مجله علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد، پاییز و زمستان ۱۳۸۹.
۲۰. موسوی، شبنم، & نامور، یوسف. (۱۴۰۳). بررسی مسئولیت‌پذیری اجتماعی کارکنان بر پاسخگویی سازمانی. مجله مطالعات روانشناسی و علوم تربیتی، ۸۵، زمستان.

21. Bhattacharya, W., Sen, G. (2013), Corporate Social Responsibility and Economic Behavior. Economic Research Quarterly, Vol. 11 (3) 103-114
1. Benlemlih, M., Bitam, M., (2015). Corporate Social Responsibility and Investment Efficiency, http://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=2566891.
2. Bradley, R.L. Jr., (2009), "Corporate social responsibility and energy". In: Horowitz, I. L. (Ed.), Culture and Civilization, 181-197, Transaction Publishers, New Jersey.
3. Carroll, A. B., (2009), "Corporate social responsibility: Evolution of a definitional construct. Business & Society, 38, 268-295.
5. Cho, A. (2016). Corporate Social Responsibility and Corporate Cash Holdings. Journal of Corporate Finance, DOI: 10.1016/j.jcorpfin.2016.01.008.
7. Deegan, C., and Unerman, J. (2006). Financial Accounting Theory, Maidenhead

8. Clark, C. E. (2018), "Differences between public relations and corporate social responsibility: An analysis", *Public Relations Review*, 26(13), 363-381.
9. Doslord, L & Wallace, J. (2008). "The Corporate Social Responsibility (CSR) Trend", *Journal of Applied Corporate Finance*, 45, 96- 108.
10. Ferns, B, Prakash S, S, (2012), Emerging trends in corporate social responsibility (CSR) reporting by large corporations: a comparative analysis of corporate CSR reports by Western European and North American corporations, *The Fifth ISBEE World Congress*. 11(2), 116-129.
11. Gilbert, D. U, Rasche, A, Waddock, S, (2011), Accountability in a global economy: The emergence of international accountability standards. *Business Ethics Quarterly*, 21(1), 23-44.
12. Godfrey, P. C. & Hatch, N. W. (2007) «Researching Corporate Social Responsibility: An Agenda for the 21st Century», *Journal of Business Ethics*, 70, 87-98.
13. GRI. (2012). "Using the Global Reporting Initiative (GRI) Sustainability Reporting Guidelines with the ISO 26000 'Guidance on Social Responsibility' Standard", ISO 26000 Committee Draft (CD), Communication on social responsibility, Box 14.
14. GRI. (2010a). GRI Portal - GRI Reports List. Retrieved January 20, 2010, from <http://www.globalreporting.org/GRIReports/GRIReportsList>.
15. GRI. (2010). Website of global reporting initiative. <http://www.globalreporting.org>. Accessed Dec 2009.
16. Hill, R.C., Griffiths, W.E & Lim, G.C. (2008). *Principles of Econometrics*, 3rd edition, Hoboken: John Wiley & Sons.
17. Kapoor, Sh., Sandhu, H.S. (2010). Does it Pay to be Socially Responsible? An Empirical Examination of Impact of Corporate Social Responsibility on Financial Performance *Global Business Review* <http://gbr.sagepub.com/content/11/2/185>.
18. Kirsten A. Cook , Andrea M. Romi, Daniela Sanchez, Juan Manuel Sanchez.(2016).The Influence of Corporate Social Responsibility on Investment Efficiency and Innovation.
19. Kim, Lee and Park (2013). 'A Review of the Theories of Corporate Social Responsibility: Its Evolutionary Path and the Road Ahead', *International Journal of Management Reviews* 10(1), 53-73.
20. Kohen, M. G. (2012). Succession of states in the field of international responsibility: the case for codification. In *Perspectives of International Law in the 21st century/Perspectives du droit international au 21e siècle* (pp. 161-174). Brill Nijhoff.
21. Kropp, Cordula. (2005). "Agrarwende": Über den institutionellen Umgang mit den Folgeproblemen der Folgenreflexion im Agrarbereich ["Turnaround in Agriculture": About institutional modes of dealing with side-effects of risk discourses in the agricultural field]. *Social World*, 56 (2): 159-182.
22. Lioui, A., Sharma, Zenu. (2012). "Environmental corporate social responsibility and financial performance: Disentangling direct and indirect effects", *Ecological Economics* Volume 78, June 2012, Pages 100-111.
23. Lys, Th, James, Naughton, Clare, Wang, (2015), Signaling through corporate accountability reporting. *Journal of Accounting and Economics*, 60, 56-72.
24. McKinley, A (2008) the drivers and performance of corporate environmental and social responsibility in the Canadian mining industry, master thesis Geography Department and Center for Environment University of Toronto.
25. McGuire, A. Responsibility: The New Business Imperative. *The Academy Of Management Executive*, 16(2), P. 132-147
26. Mulyadi, M. S., & Anwar, Y. (2012). Influence of corporate governance and profitability to corporate CSR disclosure. *International Journal of Arts and Commerce*, 1(7), 29-35.
27. Naser, K., & Hassan, Y. (2013). Determinants of corporate social responsibility reporting: evidence from an emerging economy.
28. Nasr, H (2020), "corporate social responsibility disclosure: an examination of framework of determinants and consequences", Doctoral thesis, Durham University, Avai at Durhame Theses Online: <http://ethese.dur.ac.uk/480>.
29. Mehran Nejati, Sasan Ghasemi, (2018) «Corporate social responsibility in Iran from the perspective of employees», **Social Responsibility Journal**, Vol. 8 Iss: 4, pp.578 – 588.

31. Naser, H (2010), "corporate social responsibility disclosure: an examination of framework of determinants and consequences", Doctoral thesis, Durham University, Avai at Durhame Theses Online: <http://ethese.dur.ac.uk/480>.
32. Nirwanto, Mirza.Zulaikha. Rahardja, H.(2011), "Corporate social responsibility disclosure and its relation on institutional ownership: Evidence from public listed companies in Malaysia 2008-2010" , Managerial Auditing Journal.
33. Pardini, N. (2013). Carbon Emission Disclosure in the Proper Rating Company's Annual Financial Statements in Indonesia Stock Exchange. Carbon, 10(12).
34. Salehi, M(2009) «Stakeholders' Perceptions of Corporate Social Responsibility: Empirical Evidences from Iran *International Business», Research* Vol. 2, No. 1januarywww.ccsenet.org/journal.html.
35. Servaes, Henri, Tamayo, Ane, (2013), The Impact of Corporate Social Responsibility on Firm Value: The Role of Customer Awareness. Management Science, 59(5), 1045- 1061.
36. Setiawan, Evelyn and Gupita Janet Tjiang. (2012). Corporate Social Responsibility, Financial Performance, and Market Performance: Evidence from Indonesian Consumer Goods Industry, 6th Asian Business Research Conference. World Business Institute Australia. Read more: <http://www.ukessays.com/essays/finance/business-scandals-involving-high-profile-organisations-finance-essay.php#ixzz2pakr0uTM>.
37. Shabana A. (2019). The relationship between knowledge management & Organization Culture, Applied information management program. Avaialbe at.
38. Turker D. (2019), «Measuring Corporate Social Responsibility: A Scale Development Study», *Journal of Business Ethics*, 85 (4), 411-27.
39. Zainal, D., Zulkifli, N & Saleh, Z.)2013). "a longitudinal analysis of corporate social responsibility reporting (csrr) in malaysia public listed firms: pre- and post- mandatory csrr requirement "International Journal of Advanced Research in Management and Social Sciences, Vol. 2 | No. 1 | January 2013.

Journal of Social Sciences, Islamic Azad University, Shushtar Branch

Scientific-Research Quarterly

Received: April 11, 2025 Accepted: August 27, 2025

Pp:75-110

Evaluation of Social Responsibility Based on the Environmental Dimension and Its Relationship with Corporate Sustainability

Mohammad Hassan Rajaei¹, Hamid Rostamijaz^{*2}, Davood Khodadadi³, Ali Amiri⁴

¹- PhD Student of Accounting, Bandar Abbas Branch, Islamic Azad University, Bandar Abbas, Iran.

²- Department of Accounting, Bandar Abbas Branch, Islamic Azad University, Bandar Abbas, Iran.

³- Department of Accounting, Bandar Abbas Branch, Islamic Azad University, Bandar Abbas, Iran.

⁴- Department of Accounting, Bandar Abbas Branch, Islamic Azad University, Bandar Abbas, Iran.

Abstract:

Today, the role of businesses in society has undergone many changes. Businesses are expected to not only focus on increasing their profits, but also be accountable to society and be useful to the society they interact with.

Today, corporate social responsibility has become more widespread than ever before with the addition of issues such as the environment and human rights issues. One of the most important issues in management is the social responsibility of firms and companies. Corporate social responsibility means the obligation to be accountable.

The purpose of this study is to evaluate the social responsibility based on the environmental dimension of companies and analyze the current situation of these indicators in the reports of companies listed on the Tehran Stock Exchange to identify the current situation. In this study, the environmental dimension of corporate social responsibility disclosure is presented in a comprehensive format by studying internationally recognized standards and guidelines and through questionnaires, factor analysis and other statistical methods. Also, the level of disclosure of social responsibility and its current status has been evaluated and analyzed through content analysis of the reports of the board of directors of Iranian companies. In addition, examining the relationship between the level of disclosure of corporate social responsibility based on the environmental dimension and sustainability of companies based on criteria based on accounting data and market data, taking into account some characteristics of companies. And was analyzed using SPSS software and data of New Rahavard software between 2019 and 2023.

The results show the low level of disclosure of the environmental dimension of social responsibility in companies listed on the Tehran Stock Exchange. For this reason, it is

* Corresponding Author Email: hamid.rostami1358@gmail.com

necessary to develop appropriate standards for reporting and disclosing these indicators in the annual reports of companies to meet expectations in the Iranian capital market.

Finally, the main hypothesis of the research was confirmed, which showed that the degree of disclosure of the environmental dimension of social responsibility has a significant effect on the sustainability of companies.

Keywords: social responsibility, environmental dimension, corporate sustainability.

تدوین سیاست‌های نظم بخشی در تعاملات اجتماعی

اکرم اکبری نژاد^۱، محمد درخشانی^۲، محمد وفائی مهر^{۳*}

^۱- دانشجوی کارشناسی ارشد رشته علوم تربیتی گرایش تحقیقات آموزشی، واحد خوی، دانشگاه آزاد اسلامی، خوی، ایران.

^۲- گروه علوم تربیتی، واحد خوی، دانشگاه آزاد اسلامی، خوی، ایران.

^۳- گروه علوم تربیتی، واحد خوی، دانشگاه آزاد اسلامی، خوی، ایران.

چکیده:

پژوهش حاضر با هدف شناسایی و اولویت‌بندی سیاست‌های نظم‌بخشی به تعاملات اجتماعی از منظر مدیران آموزشی تدوین گردید. ضرورت این تحقیق در آن است که تعاملات اجتماعی، بنیان شکل‌گیری فرهنگ سازمانی مدارس را رقم می‌زند و سیاست‌های مؤثر بر آن می‌تواند بستر تحقق نظم پایدار را فراهم سازد. مطالعه حاضر از نظر هدف، کاربردی و از لحاظ روش گردآوری داده‌ها، آمیخته (کیفی - کمی) بود که بر اساس روش‌شناسی کیو (Q) اجرا شد. جامعه آماری شامل مدیران و معاونان مدارس ابتدایی شهرستان پلدشت در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۲ بود. از میان آن‌ها بیست نفر به روش هدفمند و با معیار اشباع نظری انتخاب شدند. برای شکل‌گیری فضای گفت‌وگو، از ترکیب سه شیوه استفاده گردید: مطالعه نظام‌مند منابع کتابخانه‌ای، مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با خبرگان آموزشی و تحلیل محتوای داده‌ها. بر اساس این داده‌ها، مجموعه‌ای از گزاره‌ها استخراج شد که پس از کدگذاری و حذف موارد تکراری، به سی‌وشش گزاره نهایی تقلیل یافت. این گزاره‌ها به عنوان نمونه Q در اختیار مشارکت‌کنندگان قرار گرفت و آنان با مرتب‌سازی اجباری گزاره‌ها در طیفی از «موافقت کامل» تا «مخالفت کامل» ذهنیت خود را آشکار ساختند. داده‌های گردآوری‌شده با بهره‌گیری از تحلیل عاملی اکتشافی و نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۷ تحلیل شدند.

یافته‌ها نشان دادند پنج الگوی ذهنی متمایز در میان مدیران وجود دارد که در مجموع هفتاد و یک درصد از واریانس کل را تبیین می‌کنند. این الگوها به ترتیب شامل: باورهای دینی و مذهبی (با سهم چهل و یک درصدی از واریانس)، قانون‌مداری مدیران (نه درصد)، آموزش‌های نظری و عملی نظم (هشت درصد)، سیاست‌های تشویقی (هفت درصد) و روش‌های تنبیه و مجازات (شش درصد) بودند. تحلیل نتایج آشکار ساخت که مؤثرترین سیاست در استقرار نظم اجتماعی، تأکید بر مبانی درونی و اخلاقی به‌ویژه باورهای دینی است؛ در حالی که سیاست‌های مبتنی بر اجبار، تنبیه

و اعمال قدرت در رتبه آخر قرار دارند.

در پرتو این یافته‌ها، پژوهش حاضر توصیه می‌کند سیاست‌گذاران و مدیران آموزشی با تمرکز بر آموزش‌های نظری - عملی، تقویت باورهای دینی و مذهبی، و الگوسازی رفتاری مدیران، شرایط تحقق نظم اجتماعی پایدار در مدارس را مهیا سازند. توجه به چنین رویکردی می‌تواند از یک‌سو کیفیت تعاملات اجتماعی میان دانش‌آموزان و کادر آموزشی را ارتقا بخشد و از سوی دیگر، کارآمدی نظام آموزشی را در تربیت نسلی مسئولیت‌پذیر و قانون‌مدار تضمین نماید.

کلمات کلیدی: سیاست‌های نظم‌بخشی، تعاملات اجتماعی، روش ترکیبی کیو، باورهای دینی و مذهبی، قانون‌مداری

مقدمه

رشد فزاینده ابعاد شهرنشینی و شکل‌گیری مقیاس‌های جدیدی از رشد شهری در دنیای مدرن امروزی طی چند دهه اخیر، موجب آن شده اجتماعات بشری در جهت دستیابی به وضع مطلوب و تلاش در جهت تحقق آن، نیازمند تدوین برنامه علمی و عملی برای حفظ و ارتقای خود باشند. یکی از ضروریات و لوازم این برنامه‌ریزی، توجه به تعاملات اجتماعی اثربخش و همه‌جانبه افراد جامعه در تمامی ابعاد مختلف توسعه است.

به تبع عملیاتی شدن این نیازها، انسان برای دستیابی به اهداف و ارضای نیازهای خویش به گروه‌ها ملحق می‌شود. این نیازها می‌تواند «میان فردی، اطلاعاتی یا مادی» باشد. گاهی نیز ماهیت نیازها صرفاً در بافت‌های اجتماعی (تعیین میزان قدرت علمی دانشجو، تحصیلات آکادمیک، بازی فوتبال) برآورده می‌شود. (هارجی^۱ و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۳۲۵) معذالک، برای شناخت دنیای اجتماع پیرامون، نیاز حتمی برای معاشرت و پیوستن به گروه‌ها یک ضرورت انکارناپذیر است. البته، این نیازها از جهات شمولی (تمایل تعلق به یک واحد اجتماعی با شکل‌گیری حس تعلق به بخشی از آن) و کنترلی (تسلط داشتن یا کنترل شدن) و نهایتاً از لحاظ عاطفه (عشق یا تنفر) با هم تفاوت‌هایی دارند. (هارجی و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۳۲۵)

عضویت در گروه‌ها نیز بر حسب نوع نیازهای افراد مشخص می‌شود. گروه‌هایی که نیازهای اعضای آنها مکمل یکدیگر باشد، مطالعات نشان داده از عمر و دوام بیش‌تری برخوردار هستند. گروه‌هایی نیز وجود دارند که به دلیل مطامع مادی شکل یافته‌اند. اتحادیه‌ها، بنگاه‌ها و تعاونی‌های تجاری مصداق‌هایی از این نوع گروه‌ها هستند. (آرگابل^۲، ۱۹۸۳، ص ۱۰۰) برای افزایش طول عمر گروه‌ها و ارتقاء میزان بهره‌وری آنها، ایجاد نظم در امور، یک نیاز همیشگی است. از سویی چون این گروه‌ها شاکله اجتماعی دارند، بنابراین نیاز به تحقق نظم اجتماعی در آنان بیش‌تر مشهود می‌شود.

نظم اجتماعی یک مفهوم اساسی در علم جامعه‌شناسی بوده و به شیوه‌ای اشاره دارد که با اتکا بدان اجزای مختلف جامعه یعنی، ساختارها و نهادهای اجتماعی، روابط اجتماعی، تعامل اجتماعی و رفتار و جنبه‌های فرهنگی مانند هنجارها، ارزش‌ها و باورها برای حفظ و ارتقاء وضعیت موجود، با هم همکاری دارند. این گونه نظم، در اجتماع یا زندگی

1.Harji

2.Argabel

اجتماعی، زمانی رخ می‌دهد که افراد با دیگران یک قرارداد اجتماعی مشترکی را ایجاد کنند، قراردادی که قوانین و مقررات خاصی داشته و بر پایه استانداردها، ارزش‌ها و هنجارهای خاصی بنا شده باشد. چنین نظم می‌تواند در جوامع ملی، مناطق جغرافیایی، نهادها و سازمان‌ها، جوامع، گروه‌های رسمی و غیررسمی و حتی در مقیاس جامعه جهانی نیز دیده شود. در همه این‌ها، نظم اجتماعی اغلب سلسله مراتبی در طبیعت است، بعضی از آن‌ها قدرت بیش‌تری نسبت به دیگران دارند تا قوانین، قواعد و هنجارهای مورد نیاز را اجرا کنند، برخی‌ها نیز تابع قدرت نظم دیگرانند.

تبیین مسئله

مسئله محوری این پژوهش، عبور از «معمای کنش جمع»^۱ در عرصه تعاملات اجتماعی نهاد آموزش است. اگرچه بر سر هدف نهایی استقرار نظم اجتماعی پایدار به مثابه بستر ضروری تحقق اهداف پرورشی و آموزشی اجماع نظری وجود دارد، اما در خصوص «ترجیحات راهبردی»^۲ برای نیل به این هدف یعنی، اولویت‌بندی سازوکارهای درونی - اخلاقی در مقابل سازوکارهای بیرونی - اجباری، شکاف معرفتی جدی وجود دارد. این شکاف، ریشه در یک «تقابل پارادایمی»^۳ دارد؛ از یک سو، پارادایم جامعه‌پذیری (برساخته‌ای از نظریه کنش ارتباطی و کارکردگرایی ساختاری) بر درونی‌سازی هنجارها از طریق اشاعه «عقلانیت ارزشی»^۴ و وجدان جمعی تأکید می‌ورزد. از سوی دیگر، پارادایم نظارت و کنترلی (برآمده از عقلانیت ابزاری و بری و نظریه‌های نهادی) بر کارآمدی قواعد رسمی، اعتبار بخشی به «عقلانیت هدفمند»^۵ و مکانیسم‌های انگیزشی بیرونی (پاداش و کیفر) تکیه دارد.

مسئله جامعه‌شناختی حاضر، نه وجود این تقابل، بلکه کشف «ژئومتری ذهنیت» یا آرایش و نظم درونی «ترجیحات ذهنی»^۶ مدیران آموزشی به عنوان کارگزاران اصلی میدان مدرسه در قبال این تقابل است. پرسش این است که ذهنیت این کنشگران، چگونه این دوگانگی نظری را حل و فصل کرده و کدامیک از این رهیافت‌ها را به عنوان راهبرد مسلط برای «حکمرانی نظم»^۷ برمی‌گزیند؟ آیا راهبرد مسلط، مبتنی بر ایجاد میدان نمادین مشترک از طریق نفوذ در «ساحت»^۸ دانش‌آموزان است یا مبتنی بر اعمال نظارت شبکه‌ای و انضباط تکنیکی؟ کشف این الگوهای ذهنی، تنها یک تمرین آکادمیک یا دانشگاهی نیست. این الگوها، «پیش‌فهم»^۹ عمل مدیریتی هستند که مستقیماً بر کیفیت کنش‌های نظم‌بخشی، ماهیت روابط قدرت و در نهایت، نوع سوژه‌های اجتماعی‌ای که نظام آموزشی تولید می‌کند، تأثیر می‌گذارند. بنابراین، این پژوهش با به کارگیری روش‌شناسی کیو به مثابه روشی ریشه‌دار در اپیستمولوژی (شناخت‌شناسی) کشف ذهنیت، در پی صورت‌بندی این الگوهای گفتمانی و ارائه‌ی یک «تایپولوژی»^{۱۰} (طبقه‌بندی بر اساس نوع یا الگو) از ترجیحات

1. Collective Action Problem

2. Strategic Preferences

3. Paradigmatic Tension

4. Value Rationality

5. Instrumental Rationality

6. Mental Geometry

7. Order Governance

8. Habitus

9. Pre-understanding

10. Typology

راهبردی مدیران است. دستاوردهای این تحلیل، می‌تواند افق‌های جدیدی برای تدوین نظریه‌های بومی نظم آموزشی گشوده و راهنمای عملی برای طراحی سیاست‌های عملیاتی متناسب با بافت فرهنگی مدارس ایران را فراهم آورد.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

این پژوهش برای تبیین مسئله نظم اجتماعی در مدارس، از یک چارچوب نظری ترکیبی بهره می‌گیرد که سه سطح تحلیل «خرد (فردی)، میانی (نهادی) و کلان (فرهنگی - اجتماعی)» را در هم می‌آمیزد. این رویکرد ترکیبی^۱ است، زیرا نظم مدرسه صرفاً برآیند قواعد رسمی نیست، بلکه پیامد پیچیده‌ای از فرآیندهای درونی‌شده فردی، کنش‌های نهادی و گفت‌وگوهای فرهنگی غالب است.

۱- سطح خرد (بنیان‌های روان‌شناختی و اخلاقی نظم): پیش از هر چیز، یک پدیده ذهنی و درونی است. همان‌گونه که از تعریف «تبار شناختی»^۲ آن برمی‌آید، نظم در معنای تألیف کردن، مرتب کردن و آماده کردن (ابوبکر محمدبن‌الحسن، ۱۴۲۸، ص ۴۴۵) و در اصطلاح عبارت از قراردادن هر چیز در جای مخصوص آن به طوری که متناسب با آن حال و موقعیت باشد، هست. (تهانوی، ۱۹۹۶، ص ۱۷۱۰) در زبان عربی نیز، نظم عبارت از آفرینش کلمات و جملاتی که معنای آن مرتب و دلالت آن متناسب با عقل باشد. (دهخدا، ۱۳۴۶، ج ۴۸، ص ۶۱۲) این «مرتب‌سازی» در وهله نخست در ساحت ذهن و افکار فرد رخ می‌دهد و سپس در رفتار او متجلی می‌شود. (جاویدی و همکاران، ۱۳۹۴، صص ۷۶-۹۶) بنابراین، نظم فردی که ریشه در خانواده دارد، سنگ بنای نظم اجتماعی گسترده‌تر است. خانواده با تعاملات مثبت و مبتنی بر صمیمیت، احترام و قواعد ساختاریافته (حبیبی و همکاران، ۱۳۹۳، صص ۳۱۳-۳۲۹؛ چوپانی و کرمی، ۱۳۹۷، ص ۹۷) بستری را برای درونی‌سازی نظم به مثابه یک «عادت‌واره»^۳ در فرد فراهم می‌آورد. فردی که این فرآیند جامعه‌پذیری اولیه را با موفقیت طی کند، به جای اتکا به کنترل بیرونی، از یک «خودکنترلی»^۴ برخوردار می‌شود که اساس نظم درون‌زا را تشکیل می‌دهد.

۲- سطح میانی (مدرسه به مثابه میدان اجرای نظم): مدرسه، میدانی است که در آن نظم فردی در تعامل با نظم نهادی قرار می‌گیرد. این پژوهش برای تحلیل این سطح، بر نظریه کنترل اجتماعی «هیرشی»^۵ تکیه می‌کند. این نظریه چهار عامل «تعلق»، «تعهد»، «درگیری» و «اعتقاد» را عناصر اصلی پیوند فرد با جامعه دانسته و آن‌ها را عامل بازدارنده در برابر کج‌رفتاری معرفی می‌کند. (صادقی و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۲۹۰) مدیران آموزشی، به عنوان کارگزاران نهاد مدرسه، با استفاده از سیاست‌های مختلف (تشویقی، تنبیهی و آموزشی) سعی در تقویت این پیوندها دارند. پرسش محوری این است که کدام دسته از سیاست‌ها می‌توانند به‌طور مؤثرتری این چهار عامل را در دانش‌آموزان تقویت کنند و احساس تعلق و اعتقاد به قواعد مدرسه را در آنان ایجاد نمایند.

1. Necessary

2. Etymological

3. Habitus

4. Self-Control

5. Hirschi, 1969

۳- سطح کلان (منابع فرهنگی مشروعیت بخش نظم): سیاست‌های نظم بخشی در یک حلاء اجرا نمی‌شوند، بلکه از منابع فرهنگی جامعه کلان مشروعیت می‌گیرند. اینجاست که نظریات کلاسیک دورکیم و وبر به عنوان دو تکیه گاه نظری اصلی وارد می‌شوند. از منظر دورکیمی، نظم اجتماعی پایدار بر پایه «وجدان جمعی» و «همبستگی اجتماعی» ناشی از ارزش‌ها و باورهای مشترک استوار است. (سراج زاده و پویافر، ۱۳۸۷، ص ۷۴) دین در این دیدگاه، نماد عالی این ارزش‌های مشترک است که به نظم، مشروعیتی فراتر از قواعد زمینی می‌بخشد. تأکید دورکیم بر جامعه پذیری و درونی سازی ارزش‌ها (ریتز، ۱۳۷۷، ص ۲۷) توضیح می‌دهد که چرا سیاست‌های مبتنی بر اجبار محض، نمی‌توانند نظامی پایدار ایجاد کنند.

وبر، اما بر عقلانی شدن و مشروعیت نهادی تمرکز دارد. او سه نوع مشروعیت (سنتی، فرهنگدانه و عقلانی - قانونی) را شناسایی می‌کند. (واسعی، ۱۳۸۸، ص ۴۱) در دنیای مدرن، نظم مدرسه عمدتاً بر مشروعیت «عقلانی - قانونی» (قوانین و مقررات مکتوب) استوار است. با این حال، همان‌طور که وبر اشاره می‌کند، نفوذ «فرهنگدانه» رهبران اخلاقی و دینی (مانند الگوهای رفتاری) و هم چنین «سنتی» مانند احترام به سنت‌های دیرینه، می‌تواند در کنار مشروعیت قانونی عمل کنند. دیدگاه دیویس نیز در همین راستا بر نقش دین به عنوان منبع «جبرگرایی اخلاقی» که افراد را به پیروی از ارزش‌های اجتماعی وادار می‌کند، تأکید می‌ورزد.

چارچوب نظری این پژوهش، با تلفیق این سطوح، مدلی تحلیلی ارائه می‌دهد که در آن نظم پایدار در مدرسه، حاصل تعاملی پویا بین خودکنترلی فردی (سطح خرد)، تقویت پیوندهای اجتماعی (سطح میانی، هیرشی) و مشروعیت بخشی فرهنگی (سطح کلان، دورکیم و وبر) است. از این رو، سیاست‌های نظم بخشی را می‌توان بر اساس منبع مشروعیت شان بدین شکل دسته بندی کرد:

الف) مشروعیت اخلاقی - دینی: مبتنی بر درونی سازی ارزش‌ها و وجدان جمعی (دورکیم)

ب) مشروعیت عقلانی - قانونی: مبتنی بر قوانین رسمی، مقررات و سلسله مراتب (وبر)

ج) مشروعیت ابزاری: مبتنی بر پاداش و تنبیه (کنترل بیرونی)

فرضیه اصلی این چارچوب آن است که سیاست‌های دارای مشروعیت اخلاقی - دینی (که هم زمان بر خودکنترلی و تقویت تعلق و اعتقاد کار می‌کنند) در ایجاد نظم پایدار بر سیاست‌های صرفاً عقلانی - قانونی یا ابزاری اولویت دارند. این چارچوب، لنز تحلیلی لازم برای تفسیر یافته‌های پژوهش حاضر که اولویت مدیران را به سیاست‌های مبتنی بر باورهای دینی نشان می‌دهد، فراهم می‌سازد و به آن عمق نظری می‌بخشد.

روش شناسی پژوهش

روش پژوهش بر حسب ماهیت موضوع، آمیخته - اکتشافی و شیوه اجرای آن از نوع ترکیبی بود. در مراحل گردآوری نظرها از روش کیفی و در مرحله کشف ذهنیت‌ها از رویکرد کمی (تحلیل عاملی اکتشافی) بهره می‌برد. برای شناسایی ذهنیت، داده‌ها به صورت میدانی از مشارکت کنندگان گردآوری شد. زمانی که مطالعه ذهنیات، دیدگاه‌ها، اعتقادات، احساسات، عقاید فردی و مواردی از این قبیل از اهداف پژوهشگر باشد، انجام مطالعه‌ای نظام مند با روش ترکیبی هم

چون روش کیو، پاسخ‌گوی اهداف مطالعه خواهد بود. (تایلن^۱ و همکاران، ۲۰۰۸) روش کیو به خصوص مطالعه پیچیدگی و طبقه‌بندی مجزا و مناسب از درک مشترک مشارکت کنندگان در جامعه مورد تحقیق با جوامع متخصص تعریف شده است. این روش‌شناسی از نقطه نظرات ذهنی، برای درک آسان ارزش‌ها، سلیقه‌ها و دیدگاه‌های فردی است. (استیلن و مگیور^۲، ۲۰۰۷) معمولاً روش کیو را پیوند بین روش‌های کیفی و کمی می‌دانند، زیرا از یک سو انتخاب مشارکت کنندگان از طریق روش‌های نمونه‌گیری احتمالی صورت نمی‌گیرد و از سوی دیگر یافته‌ها از طریق تحلیل عاملی و به صورت کاملاً کمی به دست می‌آیند. هم‌چنین، به دلیل شیوه گردآوری داده‌های عمیق‌تر، می‌توان از ذهنیت مشارکت کنندگان آگاه شد. (براون^۳، ۱۹۹۶)

تفاوت اصلی روش کیو با سایر روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی در این است که در روش‌شناسی کیو به جای متغیرها افراد تحلیل می‌شوند. (میکوت و مورهوس^۴، ۱۹۹۴) فرآیند مطالعه کیو شامل گام‌های مختلفی است که در برگیرنده کلیه مراحل روش مانند انتخاب جامعه، نمونه، روش جمع‌آوری اطلاعات و روش تجزیه و تحلیل می‌باشد. مراحل اجرایی پژوهش عبارتند از:

الف) مراجعه به ادبیات موضوع جستجو و انتخاب مقالات مناسب

ب) جمع‌آوری فضای گفتمان و استخراج عوامل اصلی و آسیب‌ها

ج) مصاحبه و نظرسنجی از خبرگان

د) ارزیابی و جمع‌بندی فضای گفتمان

ه) انتخاب عبارت‌های نهایی

و) ایجاد دسته کیو

ز) انتخاب مشارکت کنندگان

ح) مرتب‌سازی نمونه‌های کیو در نمودار کیو

ط) تحلیل عاملی کیو و تفسیر عامل‌ها (لاجوردی و همکاران، ۱۳۹۵)

در گام اول فضای گفتمان پژوهش جمع‌آوری می‌شود. یعنی، مجموعه‌ای از مطالب متنوع و گوناگون مرتبط با موضوع پژوهش که در میان اهالی گفتمان مطرح است و از ترکیب منابع شامل مصاحبه‌های ساختار یافته، مناظره‌ها، مقاله‌های علمی، پژوهشی، فصل‌هایی از کتاب‌ها، نظرهای سازنده و پایدار و متنوع، یادداشت‌ها و نظایر آن به دست می‌آید. هدف

^۱. Thielen

^۲. Steelman & Magurie

^۳. Brown

^۴. Maykut & Morehouse

اصلی در این مرحله، تأمین کفایت محتوای تشکیل دهنده فضای گفتمان یا تئوری تجميع به منظور اخذ حداکثر افکار، احساسات، عقاید و نگرش‌های مشارکت کنندگان است که لزوماً شامل حقایق نیست بلکه عقاید شخصی و برداشت‌های افراد از رفتارها، آثار هنری و غیره را نیز در بر می‌گیرد. از این رو، عبارات یا گویه‌های جمع آوری شده اصطلاحاً تصورات و قضاوت‌های خود مرجع افراد و بیان گرایش‌ها و تجربیات درباره موضوع ذهنی بوده و بررسی نحوه تبادل افکار گفتگوها و میزان خلاقیت نیز مورد توجه خواهد بود. (نظیفی و همکاران، ۱۳۹۸) در این روش جامعه، نمونه، «گزینه‌های کیوها» هستند که به مجموع آن‌ها «مجموعه کیو» گفته می‌شود. گزینه کیوها به صورت گزاره‌ها یا عباراتی درباره جنبه‌های مختلف موضوع مورد پژوهش می‌باشد که ابعاد مختلف، گستردگی و تنوع فضای گفتمان را در خود منعکس می‌کند. (دانایی فرد و همکاران، ۱۳۹۲) در این گام از بین مجموعه بزرگی از گزینه‌های بالقوه، تعداد مناسب عباراتی از کل دیدگاه‌ها نسبت به عوامل اثرگذار در نظم بخشی تعاملات اجتماعی انتخاب و با ارزیابی، ویرایش و حذف عبارات مشابه و تکراری، کاهش ابهام معانی و حذف تداخل مفهومی و هم پوشانی احتمالی جمله‌بندی‌ها اصلاح شدند. پس از ارزیابی و نظرسنجی از ۱۰ نفر از مدیران و معاونان خبره جمع‌بندی از فضای گفتمان انجام گرفت که از میان ۷۵ عبارت در نهایت تعداد ۳۶ نمونه عبارت کیو انتخاب شدند. در ادامه برای تشکیل دسته کیو هر عبارت کیو بر روی یک کارت نوشته شد و به این ترتیب ۳۶ کارت طراحی گردید.

در گام دوم شناسایی و انتخاب مشارکت کنندگان ارزش‌گذاری کیو صورت می‌گیرد. گروه مشارکت کنندگان کسانی هستند که نمونه کیو را در جدول رتبه‌بندی می‌کنند. لازم به ذکر است، در مطالعات کمی، جامعه‌ای وجود دارد که نتایج مطالعه در آن سطح به کار رفته و دارای نمونه‌ای از آن جامعه است که با روش تصادفی انتخاب شده و عموماً نمونه شکلی انتخاب می‌گردد که کاملاً معرف آن جامعه باشد، روش کیو فاقد چنین جامعه و نمونه‌ای است و معمولاً پژوهشگر نمونه افراد را از میان کسانی انتخاب می‌کند که یا ارتباط خاصی با موضوع تحقیق دارند یا عقاید ویژه‌ای دارند. در واقع مفهوم تعمیم‌پذیری در مطالعه کیو کاملاً متفاوت با مطالعه کمی است. مطالعه کیو چگونگی توزیع افراد را در الگوی ذهنی مختلف نشان نمی‌دهد تا برای اثبات ادعای خود به نمونه معرفی از جامعه آماری نیاز باشد، بلکه درصدد اثبات وجود الگوی ذهنی است و برای کشف یک الگو، وجود تنها یک نفر با آن الگوی خاص کافی است. (خوشگویان فرد، ۱۳۸۶)

بنابراین، در پژوهش حاضر تعداد ۲۰ نفر از مدیران و معاونان خبره و با سابقه مدارس ابتدایی در شهرستان پلدشت به عنوان نمونه به صورت غیر احتمالی و هدفمند انتخاب شدند. در گام سوم مشارکت کنندگان به مرتب‌سازی نمونه‌های کیو در نمودار کیو پرداختند. در این مرحله کارت‌های کیو در اختیار مشارکت کنندگان قرار گرفت و از آن‌ها خواسته شد بر اساس توزیع شبه نرمال کارت‌های کیو را به ترتیب اهمیت یا میزان موافقت یا مخالفت بر روی نمودار مرتب کنند. جمع‌آوری اطلاعات حاصل از مرتب‌سازی نمونه‌های کیو در گام آخر به تحلیل داده‌ها با روش تحلیل عاملی با استفاده از نرم‌افزار SPSS²⁷ و تفسیر عامل‌های استخراج شده قرار گرفت.

یافته‌های پژوهش

بر اساس اطلاعات حاصله از آمار توصیفی، کلیه مشارکت کنندگان تحقیق حاضر تحصیلات دانشگاهی داشتند که ۲ نفر (۱۰ درصد) دارای مدرک دکتری، ۱۳ نفر معادل ۶۵ درصد نمونه دارای مدرک کارشناسی ارشد و ۵ نفر معادل ۲۵ درصد کارشناسی بودند. محدوده سنی مشارکت کنندگان ۵۲-۳۶ بوده و سابقه شغلی مابین ۳۱-۱۵ سال با میانگین ۲۳ سال بود.

در مرحله بعدی، نخست با مشارکت کنندگان مصاحبه و در نهایت ۳۶ گزاره به عنوان نمونه کیو انتخاب شد. در جدول زیر نمونه عبارات کیو در این پژوهش نشان داده می‌شود:

جدول گزاره‌های تحقیق

ردیف	گزاره‌ها
۱	تماشای فیلم‌های آموزشی در خصوص جایگاه نظم در امورات زندگی
۲	عدم مطالعات متعدد در مورد جایگاه نظم در بهینه بخشی وظایف و مسئولیت‌ها
۳	عدم توجیه و اطلاع‌دهی اشخاص از اهمیت وقت‌شناسی در ورود و خروج از محل کار
۴	برگزاری دوره‌های ضمن خدمت در مورد مقررات انضباطی
۵	حضور نیافتن در سمینارها و همایش‌های علمی در خصوص عدم مراعات نظم و مقررات در مسئولیت‌ها و وظایف محوله
۶	تخصیص امتیازات ویژه به تهیه و تدوین مقالات علمی در مورد آثار و نتایج عدم مراعات بی‌نظمی بین کارمندان
۷	کنترل منظم ورود و خروج کارمندان به محیط اداری
۸	عدم کنترل فیزیکی مسئول و یا رئیس (مدیر) در محیط کاری
۹	حضور مسئولان و مدیران قبل از ورود کارمندان به محیط کاری
۱۰	به کارگیری کارمندان منضبط در مسئولیت‌های مهم سازمانی
۱۱	عدم مسئولیت‌پذیری و احساس ناتوانی برخی مسئولان و یا مدیران در مواجهه با مسائل انضباطی کارمندان خاطی
۱۲	عدم به کارگیری قوانین و سیاست‌های مصوب انضباطی توسط مسئولان و رؤسا با کارکنان بی‌نظم و خاطی
۱۳	عدم اعمال تنبیه و مجازات کارمندان محل کاهش نظم
۱۴	کاربرد روش‌های مجازاتی متفاوت با نوع مفسده نظم
۱۵	تساهل و تسامح با کارمندان خاطی و اخلاک‌گر نظم
۱۶	کاربرد تنبیه و مجازات موجب نارضایتی و کاهش انگیزه
۱۷	اعمال صریح و شفاف با کارکنان مخرب نظم
۱۸	عدم برخورد با خاطی نظم در حضور دیگر کارمندان
۱۹	تفویض اختیار به کارکنان منظم با توجه به رعایت کیفیت نظم در وظایف محوله
۲۰	رتبه‌بندی کارکنان براساس کیفیت نظم‌دهی در انجام فعالیت‌های کاری
۲۱	برگزاری و برپایی مراسمات تقدیر از کارکنان منظم
۲۲	معرفی و اشتهار بخشی کارمند منظم
۲۳	عدم الگودهی نظم کاری به کارمندان
۲۴	بی‌اعتنایی مسئولان به کارآیی مثبت کارکنان در شرایط دشوار کاری و عدم تقدیر از آنان
۲۵	رعایت شرط عدالت کاری در اجرای قوانین و دستورالعمل‌های کاری
۲۶	تبیین مدیران ارشد از قوانین و دستورالعمل‌های ابلاغی
۲۷	کنترل و بازبینی رفتار مسئولان مدیران ارشد در قبال کارکنان منظم

۲۸	رعایت نظم در مفاد قوانین و دستورالعمل‌های ستادی توسط مدیران ارشد
۲۹	عدم اعمال رفتارهای تبعیض آمیز با کارکنان
۳۰	درک صحیح از باورهای دینی و مذهبی کارکنان
۳۱	مقید بودن مدیران و رؤسای ستادی
۳۲	به کارگماری کارکنان معتقد دینی در مسئولیت‌های مافوق ستادی
۳۳	اعتقاد و باور مذهبی نسبت به رعایت حق الناس کارکنان
۳۴	عدم تشویق کارکنان معتقد مذهبی
۳۵	عدم اتخاذ مصوبات تشویق مالی به کارکنان منظم
۳۶	تأکید بر به کارگیری کارکنان سست باور دینی

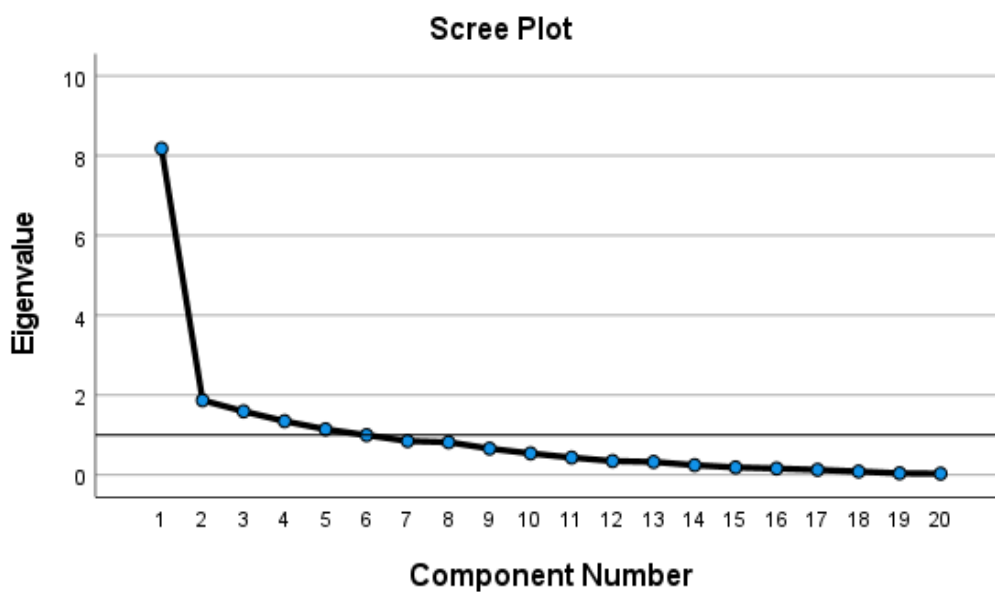
سپس، برای تشکیل دسته کیو، هر عبارت کیو بر روی یک کارت نوشته و به این ترتیب ۳۶ کارت یا به عبارت دیگر ۳۶ دسته کیوی نهایی طراحی گردید. در مرحله بعد، مرتب‌سازی و رتبه‌بندی دسته‌های کیو انجام شد. در این مرحله ۳۶ کارت کیو در اختیار مشارکت کنندگان قرار گرفت و از آن‌ها خواسته شد تا بر اساس توزیع شبه نرمال کارت‌های کیو را به ترتیب اهمیت یا میزان موافقت یا مخالفت بر روی نمودار مرتب کنند. پس از مرتب‌سازی و تکمیل نمودارهای کیو، داده‌ها وارد نرم افزار SPSS²⁷ شده و مورد تحلیل عاملی اکتشافی از نوع کیو قرار گرفتند. جدول زیر مقدار ویژه هر عامل، درصدی از واریانس که توسط هر عامل تبیین می‌شود و جمع تراکمی آن‌ها را نشان می‌دهد.

جدول واریانس کل تبیین شده

عوامل	عوامل مجذور دوران یافته		
	مجموع	درصد واریانس تبیین یافته	درصد واریانس تبیین یافته تجمعی
۱	۸/۱۷۹	۴۰/۸۹۶	۴۰/۸۹۶
۲	۱/۸۷۱	۹/۳۵۴	۵۰/۲۵
۳	۱/۵۹۴	۷/۹۷	۵۸/۲۱۹
۴	۱/۳۴۷	۶/۷۳۷	۶۴/۹۵۶
۵	۱/۱۴۴	۵/۷۲	۷۰/۶۷۶

بر اساس جدول فوق، با توجه به دیدگاه‌های مشارکت کنندگان، پنج الگوی ذهنی (عواملی که دارای مقادیر ویژه بیش‌تر از ۱ هستند) شناسایی شدند که این سه عامل مجموعاً حدود ۷۱ درصد واریانس کل را پوشش می‌دادند. عامل یا الگویی ذهنی اول معمولاً بیش‌ترین مقدار واریانس تبیین شده را دارد و حدود ۴۱ درصد واریانس کل را تبیین می‌کند. الگوی ذهنی یا عامل دوم حدود ۹ درصد، عامل سوم نیز ۸ درصد، عامل چهارم حدود ۷ درصد و عامل پنجم حدود ۶ درصد از واریانس کل را تبیین می‌کنند.

در شکل زیر نمودار سنگریزه نشان داده شده است. در این نمودار، عامل‌های با مقادیر ویژه بالای یک یا همان عوامل اصلی مشخص هستند.



ماتریس چرخش یافته عامل‌هایی را نشان می‌دهد که در آن تعداد مشارکت کننده در هر عامل یا الگوی ذهنی و سهم بار عاملی آنان آورده شده است.

جدول ماتریس چرخش یافته عامل‌ها

مؤلفه‌ها					نام خانوادگی	شرکت کننده‌ها
۵	۴	۳	۲	۱		
				۰/۸۲۹	شجاعی	۱
				۰/۷۷۱	محمدنژاد	۲
				۰/۶۵۵	باقری	۳
			۰/۴۴۱	۰/۶۳۴	جعفری نژاد	۴
		۰/۴۳۴		۰/۶۰۳	محمدزاده	۵
			۰/۷۴۵		حیدری	۶
		۰/۴۴۸	۰/۷۰۶		عبداللهی	۷
			۰/۶۷۲		تقی زاده	۸
			۰/۶۲۴	۰/۵۲۱	حاتمی	۹
			۰/۵۳۹	۰/۵۱۱	علی نژاد	۱۰
		۰/۹۰۸			اسکندری	۱۱

۱۲	عبادی			۰/۶۶۸	
۱۳	قربانی			۰/۶۴۱	
۱۴	یادگاری		۰/۴۳	۰/۵۸۳	
۱۵	انوری	۰/۴۸۸			۰/۶۷۱
۱۶	علی پور				۰/۶۳۲
۱۷	محمدپور				۰/۶۰۶
۱۸	قربانزاده		۰/۵۱۴		۰/۵۶۴
۱۹	افشاری				۰/۸۷۳
۲۰	سلیمانی	۰/۴۳۱			۰/۵۳۶

پس از پایان تحلیل عاملی یعنی، استخراج و چرخش عامل‌ها و به دست آمدن بارهای عاملی معنی‌دار و عامل‌های مهم، نوبت به تفسیر دقیق عامل‌ها یعنی، تعیین معنی و تعریف آن‌هاست. این مرحله که به خلاقیت پژوهش‌گر بستگی داشته و خود او باید با توجه به گزاره‌هایی که افراد در یک گروه با آن‌ها بیش‌ترین موافقت و بیش‌ترین مخالفت را دارند، گروه‌ها را عنوان‌بندی کند. (خوشگویان‌فرد، ۱۳۸۶، ص ۱۲)

بعد از تشکیل ماتریس چرخش یافته عوامل، برای آزمون معناداری هر یک از الگوها (نگرش‌ها) می‌بایست از قدر مطلق $(\frac{2.58}{\sqrt{n}})$ استفاده کرد. بدین صورت که اگر قدر مطلق بار عاملی از $(\frac{2.58}{\sqrt{n}})$ بزرگ‌تر باشد، آن‌گاه آن بار عاملی در سطح خطای ۱ درصد $(0.43 = \frac{2.58}{\sqrt{36}})$ معنادار است. از این رو، با توجه به جدول فوق و با عنایت به این نکته که تمامی بارهای عاملی مشخص شده دارای مقادیری بیش از ۰/۴۳ هستند، می‌توان اذعان داشت که همه مقادیر، معنادار هستند.

نتایج بارهای عاملی بر مبنای ذهنیت‌ها عبارتند از: عامل اول: شرکت‌کننده اول تا پنجم، عامل دوم: شرکت‌کننده ششم تا دهم، عامل سوم: شرکت‌کننده یازده تا چهاردهم، عامل چهارم: شرکت‌کننده پانزده تا هجدهم و عامل پنجم: شرکت‌کننده نوزده تا بیستم.

پس از تحلیل عاملی اکتشافی، از طریق محاسبه آرایه‌های امتیازی و با مرتب سازی آرایه‌های عاملی در هر عامل (گروه ذهنی)، عامل‌هایی که در هر گروه ذهنی مورد موافقت یا مخالفت بیش‌تری قرار گرفته‌اند، مشخص شد. برای این کار از روش رگرسیونی استفاده و سپس مقادیر به دست آمده برای هر الگوی ذهنی از یک (بیش‌ترین) تا ۳۶ (کم‌ترین) رتبه‌بندی شدند. جدول زیر امتیازهای عاملی به دست آمده برای الگوهای پنج گانه ذهنی را نشان می‌دهد.

جدول امتیازهای عاملی برای الگوهای ذهنی

ردیف	گذارده‌ها	عامل‌ها (الگوهای ذهنی)				
		اول	دوم	سوم	چهارم	پنجم
۱	تماشای فیلم‌های آموزشی در خصوص جایگاه نظم در امورات زندگی	۱۱	۲۵	۳	۲۲	۲۵
۲	عدم مطالعات متعدد در مورد جایگاه نظم در بهینه بخشی وظایف و مسئولیت‌ها	۲۲	۲۱	۵	۲۳	۳۵
۳	عدم توجه و اطلاع‌دهی اشخاص از اهمیت وقت‌شناسی در ورود و خروج از محل کار	۵	۲۴	۴	۳۶	۲۲
۴	برگزاری دوره‌های ضمن خدمت در مورد مقررات انضباطی	۷	۲۰	۱	۱۱	۲۶
۵	حضور نیافتن در سمینارها و همایش‌های علمی در خصوص عدم مراعات نظم و مقررات در مسئولیت‌ها و وظایف محوله	۱۳	۲۳	۱۸	۳۳	۲۸
۶	تخصیص امتیازات ویژه به تهیه و تدوین مقالات علمی در مورد آثار و نتایج عدم مراعات بی‌نظمی بین کارمندان	۸	۱۷	۲۱	۲۰	۱۰
۷	کنترل منظم ورود و خروج کارمندان به محیط اداری	۳۲	۳۰	۲۹	۱۸	۲۱
۸	عدم کنترل فیزیکی مسئول و یا رئیس (مدیر) در محیط کاری	۲۹	۲۷	۱۶	۲۴	۳۳
۹	حضور مسئولان و مدیران قبل از ورود کارمندان به محیط کاری	۱	۱	۳۴	۲۱	۳۱
۱۰	به کارگیری کارمندان منضبط در مسئولیت‌های مهم سازمانی	۲۰	۳	۱۰	۱۴	۲۰
۱۱	عدم مسئولیت‌پذیری و احساس ناتوانی برخی مسئولان و یا مدیران در مواجهه با مسائل انضباطی کارمندان خاطی	۹	۱۶	۱۳	۱۶	۵
۱۲	عدم به کارگیری قوانین و سیاست‌های مصوب انضباطی توسط مسئولان و رؤسا با کارکنان بی‌نظم و خاطی	۱۰	۱۴	۲۶	۲۸	۷
۱۳	عدم اعمال تنبیه و مجازات کارمندان محل نظم کاهش	۳۴	۲۸	۲۲	۱۲	۱۵
۱۴	کاربرد روش‌های مجازاتی متفاوت با نوع مفسده نظم	۲۵	۴	۳۶	۱۰	۲
۱۵	تساهل و تسامح با کارمندان خاطی و اخلاط‌گر نظم	۱۷	۲۶	۱۹	۵	۱۸
۱۶	کاربرد تنبیه و مجازات موجب نارضایتی و کاهش انگیزه	۲۳	۲۹	۲۸	۳۴	۱۱
۱۷	اعمال صریح و شفاف با کارکنان مخرب نظم	۲۶	۲	۱۲	۲۷	۸
۱۸	عدم برخورد با خاطی نظم در حضور دیگر کارمندان	۱۵	۲۲	۲۷	۲۹	۱۲
۱۹	تفویض اختیار به کارکنان منظم با توجه به رعایت کیفیت نظم در وظایف محوله	۴	۳۲	۹	۹	۴
۲۰	رتبه‌بندی کارکنان براساس کیفیت نظم‌دهی در انجام فعالیت‌های کاری	۱۴	۷	۸	۷	۹
۲۱	برگزاری و برپایی مراسمات تقدیر از کارکنان منظم	۶	۳۵	۷	۶	۱۷
۲۲	معرفی و اشتها بخش کارمند منظم	۱۸	۸	۱۵	۳	۲۷
۲۳	عدم الگودهی نظم کاری به کارمندان	۳۱	۹	۲۰	۲۵	۲۹
۲۴	بی‌اعتنایی مسئولان به کارآیی مثبت کارکنان در شرایط دشوار کاری و عدم تقدیر از آنان	۱۹	۳۳	۱۱	۲۶	۱
۲۵	رعایت شرط عدالت کاری در اجرای قوانین و دستورالعمل‌های کاری	۱۲	۱۳	۱۴	۲	۲۴
۲۶	تبعیت مدیران ارشد از قوانین و دستورالعمل‌های ابلاغی	۳۶	۶	۲	۸	۱۴
۲۷	کنترل و بازبینی رفتار مسئولان مدیران ارشد در قبال کارکنان منظم	۲۴	۳۱	۲۴	۳۲	۲۳
۲۸	رعایت نظم در مفاد قوانین و دستورالعمل‌های ستادی توسط مدیران ارشد	۳۰	۵	۶	۱۷	۱۶
۲۹	عدم اعمال رفتارهای تبعیض‌آمیز با کارکنان	۳۵	۱۱	۳۳	۱۵	۳۰
۳۰	درک صحیح از باورهای دینی و مذهبی کارکنان	۲	۱۹	۲۳	۳۰	۳۶
۳۱	مقید بودن مدیران و رؤسای ستادی	۲۸	۱۸	۲۵	۱۳	۳۴
۳۲	به کارگماری کارکنان معتقد دینی در مسئولیت‌های مافوق ستادی	۳۳	۱۲	۱۷	۳۵	۱۹

۳۳	اعتقاد و باور مذهبی نسبت به رعایت حق الناس کارکنان	۳	۱۰	۳۱	۴	۳
۳۴	عدم تشویق کارکنان معتقد مذهبی	۲۷	۱۵	۳۲	۳۱	۶
۳۵	عدم اتخاذ مصوبات تشویق مالی به کارکنان منظم	۲۱	۳۴	۳۵	۱	۳۲
۳۶	تأکید بر به کارگیری کارکنان سست باور دینی	۱۶	۳۶	۳۰	۱۹	۱۳

بر اساس بارهای عاملی و امتیازهای کسب شده در جدول فوق، تفسیر نهایی صورت گرفت و دیدگاه‌ها در قالب الگوهای ذهنی دسته بندی شده، به شرح زیر مشخص شدند:

عامل اول: باورهای دینی و مذهبی

باورهای دینی و مذهبی به طور کلی به معنویات و اعتقاد نسبت به رعایت حق الناس اشاره دارند.

عامل دوم: قانون‌مداری مدیران

قانون‌مداری مدیران به حضور مسئولان و مدیران قبل از ورود کارمندان به محیط کاری، تبعیت مدیران ارشد از قوانین و دستورالعمل‌های ابلاغی و به کارگیری کارمندان منضبط در مسئولیت‌های مهم سازمانی ارتباط دارد.

عامل سوم: آموزش‌های نظری و عملی نظم

عامل آموزش شامل برگزاری دوره‌های ضمن خدمت، شرکت در سمینارها و تماشای فیلم‌های آموزشی است.

عامل چهارم: سیاست‌های تشویقی

این عامل شامل عدم اتخاذ مصوبات تشویق مالی به کارکنان منظم، معرفی و اشتها بخشی کارمند منظم، برگزاری و برپایی مراسمات تقدیر از کارکنان منظم و رتبه‌بندی کارکنان براساس کیفیت نظم‌دهی در انجام فعالیت‌های کاری است.

عامل پنجم: روش‌های تنبیه و مجازات

این عامل به کاربرد روش‌های مجازاتی متفاوت با نوع مفسده نظم، اعمال صریح و شفاف با کارکنان مخرب نظم مربوط می‌شود.

نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش نشان داد که نظم بخشی به تعاملات اجتماعی در محیط‌های آموزشی صرفاً محصول کنترل بیرونی و سیاست‌های انضباطی نیست، بلکه بیش از هر چیز به بنیان‌های درونی و اعتقادی مدیران وابسته است. بر این اساس، «باورهای دینی و مذهبی» به عنوان برجسته‌ترین عامل شناسایی شد که بیش از دو پنجم واریانس را تبیین می‌کرد. این نتیجه با نظریه کنترل اجتماعی هیرشی که پیوند افراد با ارزش‌های اخلاقی و اعتقادی را زمینه‌ساز مهار کج‌روی‌ها

می‌داند، هم‌راستا است. بنابراین، هرچه مدیران و کارکنان آموزشی از نظام معنایی درونی‌شده‌تری برخوردار باشند، احتمال تحقق نظم پایدار بیشتر خواهد بود.

در کنار این عامل، «قانون‌مداری»، «آموزش‌های نظری و عملی» و «سیاست‌های تشویقی» نیز نقش‌های معناداری در شکل‌گیری الگوهای ذهنی مدیران ایفا کردند. این نتایج بیانگر آن است که راهبردهای مبتنی بر آگاهی‌بخشی، الگوسازی و تقویت رفتارهای مطلوب از طریق پاداش و تشویق، می‌توانند مکملی مؤثر برای بنیان‌های اخلاقی باشند. در مقابل، «روش‌های تنبیهی و مجازات» در اولویت نازل‌تری قرار گرفتند که با یافته‌های بسیاری از پژوهش‌های تربیتی و روان‌شناسی اجتماعی سازگار است؛ چرا که کنترل مبتنی بر اجبار و تنبیه غالباً آثار کوتاه‌مدت داشته و به شکل‌گیری نگرش‌های پایدار منجر نمی‌شود.

از منظر سیاست‌گذاری آموزشی، نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری بر برنامه‌های تربیتی با محوریت ارزش‌های دینی - اخلاقی و نیز ارتقای مهارت‌های عملی مدیران در زمینه مدیریت نظم، می‌تواند کارآمدترین مسیر برای استقرار نظم اجتماعی در مدارس باشد. همچنین، گنجاندن شیوه‌های تشویقی و تقویت نظام الگوسازی در کنار آموزش‌های رسمی، می‌تواند اثربخشی سیاست‌های نظم‌بخشی را افزایش دهد.

با وجود نتایج ارزشمند، این پژوهش محدود به مدیران و معاونان مدارس ابتدایی شهرستان پلدشت بود؛ از این رو تعمیم یافته‌ها به سایر مقاطع تحصیلی یا مناطق جغرافیایی باید با احتیاط صورت گیرد. پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آتی با جامعه‌های آماری گسترده‌تر و مقایسه‌ای در سطوح مختلف آموزشی انجام گیرند. همچنین، بررسی دیدگاه دانش‌آموزان و والدین می‌تواند درک جامع‌تری از سازوکارهای نظم‌بخشی در محیط‌های آموزشی فراهم آورد.

در جمع‌بندی می‌توان بیان داشت که مؤثرترین راهکار برای تحقق نظم اجتماعی در مدارس، تمرکز بر ترکیب «باورهای درونی، قانون‌مداری، آموزش‌های عملی و سیاست‌های تشویقی» است، در حالی که اتکا بر روش‌های تنبیهی باید به حداقل برسد. چنین رویکردی می‌تواند زمینه شکل‌گیری نظم پایدار، درونی‌شده و خودخواسته را در محیط‌های آموزشی فراهم سازد.

منابع

۱. ابن درید، ابوبکر محمد بن الحسن (۱۴۲۸ ه.ق.)؛ جمهره اللغة، مشهد، بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی
۲. چلبی، مسعود (۱۳۷۵)؛ جامعه‌شناسی نظم، تهران، نشر نی
۳. چوپانی، موسی و کرمی، مرتضی (۱۳۹۵)؛ تدوین الگوی شایستگی مشاوران فعال در مراکز مشاوره شمیم تهران، طرح پژوهشی دانشگاه جامع امام حسین (ع) تهران
۴. خوشگویان فرد، علیرضا. (۱۳۸۶). روش شناسی کیو. تهران، انتشارات مرکز تحقیقات سازمان صداوسیما
۵. دهخدا، علی اکبر (۱۳۴۶)؛ لغت نامه دهخدا، ج ۴۸، تهران، انتشارات دانشگاه تهران
۷. سراج زاده، سید حسن و پویافر، محمدرضا (۱۳۸۷)؛ دین و نظم اجتماعی (مسائل اجتماعی ایران)، ش ۱۶
۸. سراج زاده، سید حسین و پویافر، محمدرضا (۱۳۸۷)؛ بررسی رابطه دینداری با احساس آنومی و کجروی در میان نمونه‌ای از دانشجویان، شماره ۱۶
۹. قرآن کریم (۱۳۷۳)؛ ترجمه ناصر مکارم شیرازی، قم، انتشارات دارالقرآن الکریم
۱۰. گیدنز، آنتونی (۱۳۸۳)؛ جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، انتشارات نی
۱۱. وطن دوست، غلامرضا و همکاران (۱۳۸۷)؛ فرهنگ روابط اجتماعی در آموزه‌های اسلامی، دانشگاه علوم اسلامی رضوی
۱۲. یوسف زاده، حسن (۱۳۸۵)؛ نظم اجتماعی در اسلام، نشریه معرفت، ش ۱۳
13. alborzi, a., neyaz azari, k., & taghvaei yazdi, m.. (2017). the impact of organizational justice, organizational culture, organizational citizenship behavior. journal of new approach in educational administration, 8(3 (31)), 55-78.
14. Albrow, M. (1996) the Global Age. Cambridge: Polity Press.
15. Anderson, B. (1989) Imagined Communities. London: Verso.
16. Bazer, A. T. & Steinhardt, M (1997). The conceptualization and measurement of perceived wellmess. I netegrating balance across and within dimensions. American. G ournal of Health promotion 23. 208-218
17. Bourdieu, Pierre. (1984). Distinction: A social critique of the Judgment of Taste (Cambridge, M a: Harvard
18. Bourdieu, Pierre. (1997). and loci Wacquant, E. Ds. An Invitation to Reflexive sociology (Chicago: university
19. Castells, M. (1994) European Cities, the Informational Society, and the lobal Economy, New Left Review, 204

Journal of Social Sciences, Islamic Azad University, Shushtar Branch

Vol. 18, No. 1 (Serial No. 2), Spring 2025

Received: August 26, 2025 Accepted: August 31, 2025

Pp:111-127

Formulating Policies for Order in Social Interactions

Akram Akbarinejad¹, Mohammad Derakhshani², Mohammad Vafae-Mehr*

¹- M.A. Student in Educational Sciences, Educational Research, Khoy Branch, Islamic Azad University, Khoy, Iran.

² -Department of Educational Sciences, Khoy Branch, Islamic Azad University, Khoy, Iran.

³ -Department of Educational Sciences, Khoy Branch, Islamic Azad University, Khoy, Iran.

Abstract:

This study was conducted to identify and prioritize policies for regulating social interactions from the perspective of educational administrators. The significance of this research lies in the fact that social interactions form the foundation of organizational culture in schools, and effective policies in this regard can foster an environment conducive to sustainable order. The present study is applied in purpose and employs a mixed-methods (qualitative-quantitative) approach to data collection, implemented through Q methodology.

The statistical population consisted of principals and assistant principals of elementary schools in Poldasht County during the 2022–2023 academic year. Twenty participants were selected through purposive sampling based on theoretical saturation. To form the initial discourse framework, three techniques were combined: a systematic review of library resources, semi-structured interviews with educational experts, and content analysis of the collected data. Based on this process, a set of statements was extracted, which, after coding and removing duplicates, were reduced to thirty-six final statements. These statements served as the Q sample and were presented to the participants, who used forced sorting to rank them on a spectrum from "strongly agree" to "strongly disagree," thereby revealing their subjective perspectives.

The collected data were analyzed using exploratory factor analysis and SPSS software (version 27). Findings revealed five distinct mental patterns among administrators, which together accounted for 71% of the total variance. These patterns, in order of explanatory power, include: religious and spiritual beliefs (accounting for 41% of the variance), administrators' adherence to the rule of law (9%), theoretical and practical training on order (8%), incentive policies (7%), and punitive and disciplinary methods (6%).

Analysis of the results demonstrated that the most effective policy for establishing social order is emphasizing internal and ethical foundations, particularly religious beliefs, while policies based on coercion, punishment, and the exercise of power ranked last.

In light of these findings, the present study recommends that policymakers and educational administrators focus on theoretical-practical training, strengthening religious and spiritual beliefs, and behavioral modeling by school leaders to create conditions for sustainable social order in schools.

* Corresponding Author :Email: m_vafaiemehr@yahoo.com

Adopting such an approach can enhance the quality of social interactions among students and educational staff while ensuring the efficiency of the educational system in raising a responsible and law-abiding generation.

Keywords: Social order, social interactions, Q methodology, educational administrators, religious beliefs, rule of law, incentive policies

Journal of Social Sciences



Year 19, No. 18, No. 1 (Serial No. 2), Spring 2025

ISSN: 1735-7039

- **Exploring the Formation of Social and Cultural Trauma of Fear of Marriage among Girls through the Grounded Theory Method: A Case Study of Shahreza County** 1-23
Authors: Samaneh Shadmand, Seyed Ali Hashemianfar, Saeed Aghasi
- **A Sociological Analysis of the Fear of Marginalization in the Digital Lifeworld: Structural Modeling of the Social and Psychological Impacts of Social Media on Users in Ahvaz** 24-43
Authors: Narges Dorveshi, Samira Heydari Asl, Nasrin Dorveshi
- **A Survey of social, economic and psychological consequences among earthquake victims in the Sarpol Zahab** 44-58
Sima Porshoo, Seyed Naser Hejazi, Asghar Mohammadi
- **A Comprehensive Cognitive Review of the Relationship between Non-Religious Intellectual Flow and Spirituality in Iran during the Second Pahlavi Period** 59-74
Abdollah Pirouzi
- **Evaluation of Social Responsibility Based on the Environmental Dimension and Its Relationship with Corporate Sustainability** 75-110
Mohammad Hassan Rajaei, Hamid Rostamijaz, Davood Khodadadi, Ali Amiri
- **Formulating Policies for Order in Social Interactions** 111-127
Akram Akbarinejad, Mohammad Derakhshani, Mohammad Vafae-Mehr